نمونه‌ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی

در غناء و موسیقی

تألیف

محمّدتقی دانش‌پژوه

از انتشارات ادارهٔ کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر



مداومت در اصول موسیقی ایران

نمونه ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی

در غناء و موسیقی

تألیف

محمّدتقی دانش پژوه

از انتشارات ادارهٔ کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر
بمناسبت جشن فرهنگ و هنر
آبانماه ۲۵۳۵


IRAN HOUSE LIBRARY
NEW DELHI



«روش کار»

در تدوین این فهرست کوچك نگارنده برای نسخه‌های عربی نخست به رائدالموسیقی العربیه از عبدالحمید العلوچی نگریستم وآنچه می‌بایست از آن یادداشت کرده‌ام سپس همهٔ آنها را با آنچه که فارمر Farrmer در The Sources of Arabian music چاپ ۱۹۶۵ لندن آورده است سنجیده‌ام، آنگاه آنها را با آنچه که او در A history of Arabian music چاپ ۱۹۲۹ لندن نوشته است و با ترجمهٔ آن از دکترحسین نصار زیرنظر دکتر عبدالعزیز الاهوانی بنام تاریخ الموسیقی العربیـه چاپ ۱۳۷۵ (۱۹۵۶) سنجیده‌ام به‌رساله فارمر بنام Oriental studies mainly musicial چاپ ۱۹۵۳ لندن وگفتارهای او بنام :

1 - The Jewish debt to Arabic writers on music.
2 - Greek Theorists of music in Arabic translation.

وترجمه عربی مقالهٔ او دربارهٔ نسخه‌های خطی موسیقی بادلیان در مجله مقتطف و ترجمهٔ فارسی آن در گفتار آقای حسین‌علی ملاح در مجلهٔ

موسیقی همچنین گفتارفارمر در دایرةالمعارف اسلامی و در The New Oxford History of Music I Ancient and oriental چاپ ۱۹۶۰ لندن فصل ۱۱ ص ۴۲۱ - ۴۷۶ بنام The music of Islam هم نگریستم.

تا توانستم منابع سرگذشت مغنیان و موسیقی‌دانها آنچه در دسترس داشته‌ام و دیباچه‌های چاپهای متون کندی وفارابی و ابن‌المنجم و ابن‌سینا و ابن‌زیله و طوسی و مراغی و دیگران را خواندم فهرست بروکلمن‌راهم پیش‌چشم داشتم. درنسخه‌های‌فارسی ونامه‌ها ومجموعه‌ها منابعی دیگر در دست داشتم که در جای خود ازآنها یاد کرده‌ام و در هردوبخش عربی و فارسی بسیاری از متون را خواندم. افسوس که فرصت سه ماهه‌ای که داشتم کافی نبود و به‌کارهای علمی دیگری هم ناگزیر بودم بپردازم و نتوانستم به همهٔ فهرستهای نسخه‌های عربی و فارسی وترکی بنگرم والاغانی اصفهانی ومانند آنرا به‌دقت بخوانم.

با نگریستن به فهرست‌ها در چند جا که در فهرست فارمر برایم روشن نبود توانستم به‌گمان خود بآنچه درست است برسم (مانند رساله موسیقی شیروانی).

با خواندن متنهای کندی و ابن‌سینا و ابن‌زیله و مراغی به نکته‌هایی برخوردم‌که پاره‌ای ازآنها را دراینجا آوردم اگرهمه فهرستها را میخواندم وهمه نسخه‌ها را میدیدم‌گویا نکته‌ای برایم تاریك‌نمی‌ماند.

در پایان بیشتر سرگذشتها نشانه‌هایی گذاردم بدینگونه :

ف = فارمر (فهرست منابع موسیقی عربی).

ع = علوچی (رائد الموسیقی العربیة).

مل = حسین‌علی ملاح (ترجمهٔ گفتار فارمر).

همایی = تاریخ ادبیات فارسی آقای همایی.

ش = الشعر والغناء فی‌المدینة ومکة لعصر بنی‌امیه از دکتر شوقی ضیف، چاپ ۱۹۶۷ لبنان.

تاریخ = تاریخ موسیقی عربی فارمر.
ترجمه = ترجمهٔ همین کتاب از نصار.

درپایان این نکته را بگویم که این کتاب پیش ازسفرم به شوروی و اروپا و پیش از دوسفرم به آمریکا تدوین شده است. پس از این مقاله‌ای از نگارنده به عنوان موسیقی نامه‌ها در چهار زبان نشر شده ومیشود که بسیاری ازمطالب درآن روشن‌تر آمده ونسخه‌ها وکتابهای دیگری درآن شناخته میشود وباید این مطالب تازه را براین کتاب افزود.

محمدتقی دانش‌پژوه
اردیبهشت‌ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

فهرست

*

در این کتاب رویهم‌رفته از ۱۳٤ خنیاگر یادگشته و ۳۳۱ کتاب عربی و ۱٤۸ کتاب فارسی و۱۵ مجموعه شناسانده شده است.

مقدمه

برای رواج موسیقی در ایران پس‌از اسلام و سرزمینهای شرقی وغربی اسلامی‌میتوان چندین انگیزه برشمرد :

۱ ـ مراسم عبادت دوران جاهلیت به ویژه در حج اعراب جاهلی که خواهیم ازآن یادکرد همچنین رسم وآیین زندگی جاهلی عربی درسوگ وسور وجنگ وآشتی .

۲ ـ آیین یهود ومراسم کنشت پیروان موسی ورسوم زندگی عادی‌آنان .

۳ ـ مراسم خواندن انجیل وکتابهای مقدس دیگر درکلیساها و دیرها وناقوس مسیحیان .

٤ ـ مراسم مذهبی‌هندوها وبودایی‌ها درنوبهارها وبتکده‌ها وآداب‌قرائت کتابهای هندی همچنین‌آوردن‌گوسانها وکولی‌ها وجوکی‌ها که در زمان بهرام‌گور ویزدگرد شهریار، نشان وسراغ آنها را داریم وداستان آنها را درسنی ملوك‌الارض والانبیاء حمزهٔ اصفهانی (ص ٤٩ و ٥٥) و طبقات ناصری قاضی منهاج سراج (۱ : ۱٦۲) میخوانیم (هنرومردم ۹٤ : ۲٤) .

٥ ـ مراسم اوستاخوانی‌آتشکده‌های زردشتی‌که خود قواعدی از رهگذر تجوید وغناء داشته است .

٦ ـ تجوید قرائت قرآن کریم که ناگزیر با آوازی خوش دلنشین‌تر میشده و به‌مسلمانی رونق بیشتری میداده‌است. همچنین اذان‌نماز یاگلبانگ محمدی که در مئذنه ومناره یا گلدسته و جایگاه بلند میخوانده‌اند و در فقه اسلامی هم گفته‌اند که مؤذن خوب است که خوش‌آواز (صَیّت) باشد . صلاح‌الدین منجد

کتابی‌دارد بنام «اذان الصلاة تاریخه وتطوراته وموسیقاه» که در۱۹۳۵ درقاهره چاپ شده‌است .

در رسالهٔ آداب آوازها وذکرها (نسخهٔ ۲/۲۸۳۰ ملك) آداب ذکرهای گلدسته را میخوانیم .

۷ــ مراسم تعزیت و سوگواری مذهبی که به ویژه از زمان صفویان به‌شکل روضه‌خوانی وشبیه‌خوانی بروزکرده است . همچنین شیوهٔ فضایل‌خوانان سنی و مناقب‌خوانان شیعی و قصه‌پردازان قهوه‌خانه‌ها وشمایل‌گردانان و درویشان مدیحه‌خوان بیابان‌گرد که در روزگار صفوی از آنها برای ترویج مذهب بهره میبردند وکارآنان با نوعی موسیقی وغناء همراه بوده است . همچنین نقاره‌زنی که در برخی از آستانه‌ها (راهنمای طوس۳۱۱) به‌پیروی از دربارهای پادشاهان اجراء میشده است خود نوعی از موسیقی است .

۸ــ سماع صوفیان‌که درزاویه‌ها وتکیه‌ها وخانقاه‌ها توأم بارقص وچرخ انجام میشده‌است وعارفان بزرگ از فوائد سماع درکتابهای خود یادکرده‌اند .

۹ــ میل فطری تودهٔ مردم در سورها وسوگها به‌شنیدن آهنگها وآوازها وتصنیفها وترانه‌های توأم با رقصها .

۱۰ــ توجه دربارهای خلفاء وپادشاهان وامیران وگرانمایگان به‌موسیقی و حمایت و رعایت و برکشیدن مغنیان و خنیاگران ورقاصان که داستان آنها را در دوران خلافت دراغانی اصفهانی ومانندآن می‌خوانیم .

۱۱ــ گذشته از این امور که موجب توجه مردم دیار اسلامی به غناء و موسیقی است انگیزهٔ تحری وجستجوی علمی محض هم‌که درگروه دانشمندان است آنان را مانند ثامسطیوس وبطلمیوس وا می‌داشت که دربارهٔ این هنر اگرچه درعمل هم با آن سروکاری نداشته باشند بیندیشند و به رموزآن از همه جهات پی ببرند . شیخ بهائی میگوید «لامانع شرعاً من تعلم هذا العلم وکثیر من‌الفقهاء کان مبرزافیه . نعم‌الشریعة المطهرة . . . منعت من‌عمله . والکتب المصنفة فیه انما تفید امورا علمیة فقط» (الکشکول ص۲٦٦) .

موسیقی در دیار اسلامی دارای دوجنبه است :

یکی علمی‌که بگواهی رساله‌ها وکتابهائی‌که از یونانی به عربی ترجمه شده است وخواهیم دید از فرهنگ یونانی‌گرفته شده‌است .

دوم جنبهٔ علمی‌آن که ازموسیقی ایرانی‌است، بگواهی‌نفوذ موسیقی‌ساسانی در زمان جاهلیت درمیانهٔ اعراب بطور مستقیم یا از راه حیره‌که نامهای فارسی افزار موسیقی آن‌زمان نشانهٔ آنست . این‌امر پس‌از اسلام روشن است چه نام بسیاری از مقامها و آهنگها و افزارها درکتابهای عربی تا امروزهم فارسی‌است . ازاین

گذشته بیشتر مغنیان وموسیقی‌شناسان از هنرمندان ودانشمندان ایرانند.
پس در موسیقی اسلامی دوعنصر یونانی وایرانی سخت مؤثر بوده‌است.
عنصر عربی وموسیقی ابتدایی قبایل عرب دریمن وحجاز را هم نباید فراموش‌کرد وآن در پیدایش و رواج این هنر وتدوین این علم خواه وناخواه مؤثر بوده است به‌ویژه آنکه زبان ادب وعلم زبان عربی بوده وناگزیر ساختمان این زبان وسبك و وزن شعر عربی درموسیقی اسلام اثر داشته است.
عنصردیگر درموسیقی اسلامی موسیقی هندی‌است‌که اززمان ساسانی مردم بآن آشنا شده‌بودند وچنانکه خواهیم دیدکتابهایی درموسیقی‌هندی به‌فارسی‌داریم.
عنصرهای دیگر موسیقی ترکی ومغولی وچینی است‌که درآثار عبدالقادر مراغی نشان آنها را می‌یابیم.
چنانکه درقرآن‌کریم اشارت شده‌است[1] نماز تازیان جاهلی درخانهٔ خدای صفیر و دست‌زدن (تصفیق) بوده است وتلبیه وتهلیل حج آنان‌هم نوعی از غناء بشمار میآمده است. حداء (سرود خواندن برای شتران) و سرودها و اغنیه‌های جنگی و شعرهای حماسی و پهلوانی و رجز یا سرود هنگام نبرد هم داشته‌اند (شوقی٥٥) نیز چندگونه چکامه که «نصب، سِناد، هزج» می‌نامیدند (ش٧٠) و شهرهای مدینه وطائف وخیبر و وادی‌القری ودومة‌الجندل و یمامه معدن وکان غناء بوده‌است (ش٥٦ و٥٧).
پس آیین بت‌پرستی بومی عربی‌که برخی از مظاهرآن در روزگار امویان دوباره زنده شده بود از یك سوی وتأثیر فرهنگ سوریا ودمشق که با یونان و رم پیوند داشته است از سوی دیگر ونفوذ فرهنگ ایرانی در زمان جاهلیت وبه‌ویژه پس‌از اسلام از دگر سوی وآیین یهود وسرود وموسیقی آنان‌که در مدینه از دیر زمانی میزیسته‌اند وآیین ترسایان انجیل‌خوان انگیزه‌هایی بودکه عربهای مسلمان‌را دوستار موسیقی وغناء کرده است به‌ویژه آنکه سوریایی‌ها و ابرانیها و یونانیها و افریقائیهای آزاد و برده به‌شهر مدینه و مکه ریخته بودند و از میان فارسیان و یونانیان سوریایی که دراین شهرها بیگانه بشمار میآمدند خنیاگران و مغنیان و موسیقی‌دانانی پیدا شدند که گویا به‌یونانی یا فارسی هم آوازه‌خوانی میکردند و جوقات و دسته‌هایی هم داشته‌اند. روایی بازار آنان بیشتر در روزگار امویان بوده است چه یزید (٦١ ـ ٦٤ هـ/٦٨٠ ـ ٦٨٣م) شاعری بود طرب‌دوست و او نخستین‌بار به ملاهی و سرخوشی‌ها پرداخت وخنیاگران را پناه داد. پس‌از او خلفای دیگراموی‌هم بدین‌کارها می‌پرداخته‌اند تا درروزگارعباسیان غناء وموسیقی گذشته از جنبهٔ عملی‌که داشته بود راه علم را نیز پیش‌گرفت ونحله‌ها و روش‌های

---

[1] ـ وما کان صلاتهم عندالبیت الا مکاء وتصدیة (سورهٔ ٨ آیهٔ ٣٥).

ابن‌جامع و اسحاق و زریاب پیدا شده‌بود .

از میان خنیاگرانی که خواهیم شناخت چهارتن را به‌اختلاف روایات از پیشروان موسیقی اسلامی (اصول الغناء) برشمردند :

بگفتهٔ یونس کاتب آنها ابن‌سریج ترك و ابن‌محرز ایرانی وغریض بربری ومعبد زنگی‌اند وبگفتهٔ عبیدبن‌حنین‌الحیری ابن‌سریج وغریض ومعبد وحنینا‌الحیری وبگفتهٔ اسحاق موصلی ابن‌سریج وابن‌محرز ومعبد ومالك عربی هستند[2] .

یکی از اینها از حیره است و میدانیم که فرهنگ حیره در شاعران عرب مانند نابغه وطرفه و عمربن‌کلثوم و عدی‌بن‌زید که دربار حیره آنها را گرامی داشته است خواه ناخواه می‌بایستی تأثیر کرده باشد و تازیان از راه حیره وعراق با ایرانیان پیوستگی داشته‌اند . این بودکه اعشی نجرانی که به مداین رفته بود درشعرهای‌خود واژه‌های فارسی موسیقی بکاربرده وخود چنگ میزد وصناجة‌العرب خوانده میشده است (همایی ۱۷۷ ، ترجمه ۹ و ۲۹) .

میگویند که یمنی‌ها دوگونه ایقاع داشته‌اند : یکی حمیری که باید از قبیله و خاندان آنها باشد . دومی حنفی که شاید از دین حنیف باشد . حجازیان هماره خنیاگران یمنی را از بهترین موسیقی‌دانها میدانستند (تاریخ۳ ، ترجمه۹) .

در فهرست ابن‌الندیم والاغانی ابوالفرج اصفهانی وکتابهای ادب وتاریخ بنام بسیاری از موسیقی‌دانان ومغنیان ونوازندگان برمیخوریم ومیتوانیم از روی آنها سرگذشت آنان را تدوین کنیم . دشواری کار در تدوین تاریخ موسیقی سدهٔ هشتم به‌بعد است که مدرك کافی در دست نیست جز اینکه مطالب پراکنده‌ای که درلابلای کتابها هست گرد بیاوریم وچنین تاریخی را بنویسیم، به مثل دراینجا من از چند مدرك نام می‌برم :

در روضة‌الصفا و حبیب‌السیر بنام چند موسیقی‌دان وخنیاگر برمیخوریم .

درتحفهٔ سامی از اینان یاد میشود :

۱ ــ بنائی هروی خوشنویس خوشخوان .

۲ ــ حافظ باباجان تربتی خوشنویس نقار استاد و زرافشانندهٔ دراستخوان وسازندهٔ عود وشترغو .

۳ ــ حافظ مجلسی تبریزی خوشنویس نقار نوازندهٔ قانون وشترغو .

٤ ــ استاد دوست‌محمد عودی سازندهٔ هروی .

٥ ــ عاشقی ارنه‌ای سیستانی شاعر نقاش ادوار بند .

٦ ــ عشرتی قلندر صحاف آگاه به علم ادوار .

---

۲ – شوقی ٥٥ تا ٥۷ ، تاریخ ٤٤ و ٦٠ و ۸٠ و ۹۷ ، ترجمه ۱۲ و ٥۷ و ۷٥ و ۸٠ و ۹۲ و ۹۷ .

۷ ــ ملك قزوینی یا تبریزی خوشنویس شاعر موسیقی‌دان .
۸ ــ میرشریف هروی خوش‌آواز موسیقی‌دان .
۹ ــ حافظ خوگرهٔ فراقی تبریزی نقاش خوانندهٔ شاعر.
۱۰ــ محب‌علی نایی‌هروی خوشنویس .

همچنین از چندین قصه‌خوان درآن یاد میشود (فهرست نامها) که از موسیقی نمی‌بایستی بیگانه باشند .

در عالم‌آرای عباسی یاد میشود از :

۱ ــ استاد حسین شوشتری بلیانی سرنایی .
۲ ــ استاد اسد سرنایی نقاره‌خانهٔ همایون .
۳ ــ حافظ احمد قزوینی .
٤ ــ حافظ جلاجل .
۵ ــ حافظ مظفر قمی عراقی خوانندهٔ بروش خراسانی .
٦ ــ حافظ هاشم خواننده .
۷ ــ میرزا کمانچه‌ای سازندهٔ عودنواز .
۸ ــ محمد مؤمن عودنواز سازنده .
۹ ــ شاه‌سوار طنبوری چهارتارنواز .
۱۰ ــ شمس شترغوهی مصنف .
۱۱ ــ استاد معصوم کمانچه‌ای سازندهٔ ورامین .
۱۲ ــ استاد سلطان‌محمود طنبوره‌ای مشهدی .
۱۳ ــ میرزا طنبوره‌ای نوازندهٔ طنبور درعراق .
١٤ ــ استاد سلطان محمد چنگی .
۱۵ ــ حیدر قصه‌خوان .
١٦ ــ محمد خورشید اصفهانی قصه‌خوان .
۱۷ ــ فتحی شاهنامه‌خوان وخواننده برادرش .

درجامع مفیدی (۳ : ٤٤۰) یاد میشود از :

امیرسید علی میرصوتی .

در بهجة‌الروح از چند موسیقی‌دان یاد میشود (فهرست نامها) مانند سعدالدین محیی‌آبادی ، شمس‌الدین ، کمال‌الدین کازرونی ، میرفخرالدین، سید حسین اخلاطی ، شیخ نجم‌الدین مؤلف فصوص روحانی .

در رستم‌التواریخ (ص۳٤۰ و ٤۰۹ و ٤۱۰ و ٤۱۱) از هنرمندانی یاد شده که ازمیان آنها میتوان نام چند خواننده وخنیاگر را یافت .

در طرایق‌الحقایق (۳ : ۱۹۳) آمده است که میرزا محمد مشتاق علی‌شاه

تربتی خراسانی دکنی پسر میرزا مهدی ظهورعلی‌شاه اصفهانی و کشتهٔ در ۲۱رمضان ۱۲۰۶ ورزش‌کار و موسیقی‌دان بوده و تار وحدت داشته است .

در فهرست نامهای مجلد نهم ذریعه (ص٦ ــ ١٤٤٥) هفتادوهشت شاعر موسیقار (موسیقی‌دان) برشمرده شده که سرگذشت آنان دراین مجلد در جاهای خود آمده است .

آقای محمد محیط طباطبائی از جنگی یاد میکند که درآن سه رساله بوده وبرداشته‌اند (مجلهٔ موسیقی س ۳ ش۱۰ و ۱۱ص ۲۲ ــ ۲٤) .

۱ ــ رسالة‌فی‌الموسیقی لامیرصدرالدین‌القزوینی (که پس‌ازاین خواهیم آنرا شناخت) .

۲ ــ رسالة اخری للحسین‌بن محمد المنشی الجنابدی (گویا پسر مؤلف تذکرةالنغم که پس‌از این خواهیم دید) .

۳ ــ حل مشکلات دیوان انوری از میرزا الغ‌بیگ .

دراین‌مجموعه نامهٔ کوتاهی‌است ازسلطان‌علی مشهدی به‌سلطان حسین‌میرزا که اورا به باغ نورا خوانده بوده‌است .

دراین نامه ازاین موسیقی‌دانها وهنرمندان یاد میشود که درآن‌باغ بوده‌اند: سید نجم‌الدین عودی ، شاه‌درویش نایی ، شهاب دمکش ، حافظ صابرقاق ، صاحب مصنف ، خواجه شادی‌شاه ، مولانا یقینی ، مولانا غیاث‌الـدین مذهب ، خواجه عبدالله قاطع ، ماه پارهٔ مجلد ، سید بابای افشانگر ، شکری چارتاری ، ایثار بیگ‌ینی از مقبولات ، خواجه ایغور وزیر، قاسم بیگ‌برلاس ، امیرزاده ، طوفان‌بیگ بهادرخان، سلطان‌خان جلایر، حورنژاد شاه‌خانم مهرطلعت ازمحبوبان، شاه‌ناز خاتون نغمه‌سرای ، حوامارِی صاحب صوت ، امیرشیخم سهیلی ، امیرملك جوینی ، خورشیدخانم بزم‌آرای .

در فهرست کتابخانه دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران (۱ : ٤۲٥) ازعزیز نقاش موسیقی‌دان نام برده شده‌است .

درپایان اقبال‌نامهٔ جهانگیری شریف‌خان شمارهٔ ٥٧٤٨ دانشگاه تهران از گویندگان زمان حضرت مانند حافظ نادعلی واستاد محمد نایی یاد شده‌است.

در المآثر والاثار از ریاست ارباب طرب : چالاپ چی‌خان ، آقا علی‌اکبر، آقامطلب ، آقامحمد صادق‌خان مشارالدوله ونیز از«موسیقی‌اروپی» یاد شده‌است. (ص ۲٥ و۱۱۰) .

دربارهٔ کتابهای موسیقی، نگارنده درفهرست دانشگاه (۳ : ۱۰۳) اندکی بررسی کرده‌ام .

در مجلهٔ موسیقی (۱۱۰ : ۱٥) مقاله‌ایست از آقای حسین‌علی مـلاح

دربارهٔ نسخه‌های خطی رسالات عربی موسیقی‌کتابخانهٔ بادلیان‌که از فهرست فارمر بهره برده است . ایشان درهمین مجله (۱۱۶ : ۸ و ۱۱۷ : ۲٤) باز مقاله‌ای دارند دربارهٔ صاحبان رساله‌های موسیقی از روی سخنان فارمر و افزوده‌هایی از خود ایشان و در آن از گروهی موسیقی‌دانهای اسلامی که به عربی رساله نوشته‌اند یاد شده است .

آقای منوچهری باستانی درهمین مجله (٥ : ١٠٤ و ٢٩ : ٣٦) مقاله‌ای دارد و درآن از نسخه‌های شماره‌های ١٤٢ و ٥٦٥ و ٢٩١١ و ٢٩١٣ و ٢٩٣١ و ٧٤٢١ مدرسهٔ سپهسالار و شماره‌های ٦٠٠ و ٦٢٦ و ٢٢٠٧ و ٢٢١١ و ٢٢١٣ کتابخانهٔ مجلس بررسی نموده‌است .

در یادداشتهای قزوینـی (۷ : ١٦٢ و ٢٢٩) نکاتی دربارهٔ موسیقی آمده است .

آقای جلال‌الدین همایی درتاریخ ادبیات ایران و آقای مهدی برکشلی درموسیقی‌دورهٔ ساسانی وآقای محمدعلی‌امام‌شوشتری درهنرموسیقی روزگاراسلامی از خنیاگران وموسیقی‌دانان اسلامی بحثی کرده‌اند .

اینك از چند مغنی وموسیقی‌دان آغاز اسلام که آثار عملی داشته‌اند ودر کتابهای اغانی وتواریخ نمونه‌هایی ازآنها آمده‌است یاد میگردد .

۱

خنیاگران حجاز وشام وبغداد وایرانشهر

مردان خنیاگر

۱ ــ **الابجر ابوطالب عبیدالله** یا محمد پسر قاسم مولی کنانه که مکی بوده وبه‌مدینه‌هم رفته وشاگرد غریض بوده‌است وتا زمان‌ولید زندگی میکرده‌است.

۲ ــ **ابراهیم‌بن ماهان** (میمون) ایرانی موصلی (کوفه ۱۲۵ ــ ۱۸۹) از خاندانی بزرگ وگرانمایه وپروردهٔ تمیمیان. به موصل و ری رفته و موسیقی فراگرفته وسپس دربغداد از سیّاط‌آموخته‌است. لحنها وآهنگهایی‌ساخت وایقاع ماخوری از اوست. هم مغنی وخواننده بود وهم عارف ونوازنده. پسرش اسحاق و زلزل ومخارق وعلویه و ابوصافه و سلیم‌بن سلام و محمدبن حارث ومحمد رف شاگردش بوده‌اند.

دسته و پیروان او در برابر گروه پیروابن‌جامع مانند مخارق و عقید بوده‌اند.

۳ ــ **امیر ابواسحاق ابراهیم‌بن المهدی** (۱۶۲ ــ ۲۲۵) برادرکوچک هارون که شاعر و دانشمند وفقیه وجدلی ومحدث وموسیقی‌دان ومغنی ونوازنده وآشنای به‌افزارهای موسیقی وسرآمد درموسیقی‌بوده‌است. مادر او ومادرخواهرش علیهٔ موسیقی‌دان هردو دیلمی بوده‌اند.

او رهبرجنبش ابداعی رومانتیکی فارسی‌است دربرابر نحلهٔ تقلیدی عربی کهن اسحاق موصلی.

---

۱ – شوقی ۸۰ ، تاریخ ۸۹ ، ترجمه ۱۰۷ .

۲ – تاریخ ۱۱۶ ، ترجمه ۱۳۸ .

۳ – تاریخ ۱۱۹ ، ترجمه ۱۴۱ .

٤ ــ ابن‌جامع ابوالقاسم اسماعیل سهمی قرشی عربی مکی ، فقیه وحافظ قرآن یکی از سه خنیاگر ومغنی برجسته وبرگزیدهٔ روزگار هارون که با ابراهیم موصلی وفلیح آهنگها وسرودهای صدگانه (الاصوات المائة) را گرد آورده است. مادرش زن سَیّاط شده بود و او شاگرد وی ویحیی برمکی بوده‌است .

٥ ــ ابن سریج ابویحیی عبیدالله‌بن سریج ترك مکی (١٣ ــ ١٠٨) مولی بنی نوفل‌بن عبد مناف یا بنی‌الحارث بن عبدالمطلب یا بنی‌لیث یا بنی‌مخزوم که گندم‌گون و سرخ‌فام بوده و درخلافت عمر متولد شده و درخلافت هشام درگذشت. گویندکه پس‌ازکشته شدن ولید پسر یزید بمرد. شاگرد ابن‌مسجح بوده وبه مدینه رفته و ازطویس ونشیط فارسی آموخته‌است. او نخست مرثیه میخوانده ونوحه‌گری میکرده تا زمان پیداشدن غریض‌که در نوحه برتر از وی شده‌بود و او ناگزیر به‌غنا پرداخته است . او در مکه بلکه در سراسر حجاز سرآمد شده بود . او نخست نی میزد سپس عود و بربط مینواخت بروش فارسیان ، از بنایان ایرانی کعبه . ونخستین کسی است‌که درمکه در غناء عربی عود فارسی نواخته است . او به‌وزن هزج و رمل میخوانده است . به‌شام رفت والحان رومی بربطی واسطوخوسی فراگرفت . سپس به فارس رفت و غناء بسیاری آموخت و آنهـا را با غناء عربی سازگار ساخت . و نخستین‌بار به‌چنین‌کاری بپرداخت وپس‌از او شاگردش ودیگران هم ازاو پیروی کرده‌اند . گویند که سرچشمهٔ غناء از دومکی (ابن‌سریج و ابن‌محرز) و دومدنی (معبد ومالك) است . شصت‌ودونوا (صوت) ازاو مانده که ابراهیم موصلی وپسرش آنها را فراگرفته بودند .

٦ ــ ابن‌عایشه ابوجعفر محمد مدنی مغنی عودنواز مادرش مولاة‌کثیربن الصلت‌الکندی یا آل‌المطلب‌بن ابی‌وداعة سهمی، آرایشگر وماشطه بوده وخود غلام وبردهٔ مطلب‌بن ابی وداعة سهمی بوده وشاگرد معبد ومالك وجمیله وآواز وقرآن وشعر میخوانده است . درخلافت ولید پسر یزید گویا اورا کشته‌اند .

٧ ــ ابن‌القصار ابوالفضل سلیمان‌بن علی که طنبوری خوبی بوده ومعتز عباسی اورا بسیار دوست میداشته است .

٨ ــ ابن‌محرز ، ابوالخطاب مسلم یا سلم یا عبدالله مکی درگذشتهٔ نزدیك ٩٧ مولی بنی عبدالدار یا بنی مخزوم که پدرش نژاد از ایران داشته و از سدنه

---

٤ – تاریخ ١١٥ ، ترجمه ١٣٦ ، شوقی ٢٨٥ .
٥ – شوقی ٢٧٣ ، تاریخ ٧٩ ، ترجمه ٩٦ ، همایی ٣٣٤ .
٦ – شوقی ٨١ ، همایی ٣٣٦ ، تاریخ ٨٢ ، ترجمه ١٠٠ .
٧ – تاریخ ١٦٠ ، ترجمه ١٨٨ .
٨ – تاریخ ٧٨ ، ترجمه ٩٥ ، شوقی ٢٧٢ ، همایی ٣٤٠ .

ونگاهبانان کعبه بوده است . او شاگرد مسجح و عَزّةالمیلاء درمدینه بوده وبه‌شام وفارس رفته لحنها وآهنگهای روم وفرس یادگرفته وروش آنها را درغناء وسرود عربی بکار برده است . او سه ماه در مکه و سه ماه درمدینه وشش‌ماه دیگر دردیگر جاها میگذرانده است ، رمل و دوبیتی میخوانده و یکی از پنج قهرمان (فحل) حجاز در موسیقی بشمار میآمده و آهنگها را مانا به‌دلخواه هرکسی میخوانده است. او را صناج‌العرب یا چنگی تازیان می‌نامیده‌اند .

۹ ــ ابن‌مسجح ابوعثمان سعید سیاه مکی درگذشتهٔ نزدیك ۹۷ مولی بنی جمح یا بنی‌نوفل وآزاد شده وشاگرد ایرانیانی‌که به بنائی خانهٔ کعبه می‌پرداخته‌اند. به سوریا وفارس رفته وغناء آموخته وبه لحن وآهنگ فارسی میخوانده است . استاد ابن‌محرز وابن‌سریج ومعبد از مغنیان مکه بوده است . نخستین مغنی عربی زمان معاویه است وتا زمان عبدالملك و ولید زنده بوده‌است .

۱۰ ــ ابوجعفر احمدبن یحیی مکی درگذشتهٔ ۲۵۰ از راویان اغانی و اورا «ظنیناالمکی» میخوانده‌اند . متوکل را دیده‌است . کتاب مجرد فی‌الاغانی پدر را برای محمدبن عبدالله‌بن‌طاهر پوشنگی گرد آورده است .

۱۱ ــ ابوحشیشة یا ابوجعفر محمدبن علی‌بن امیه طنبوری سرآمد و موسیقی‌دان وکاتب زمان مأمون تا معتمد .

۱۲ ــ ابوصدقة مسکین‌بن صدقة موسیقی‌دان مدنی که در دربار هارون داستان‌سرا و قصاص بوده است . پسرش صدقة ونوه‌اش احمد هم موسیقار بوده‌اند .

۱۳ ــ ابوعثمان مرزوق مکی : مولی بنی‌امیه استاد ابن‌جامع وابراهیم موصلی وفلیح‌بن ابی‌العوراء ومؤلف **کتاب فی‌الاغانی** رئیس موسیقاران حجاز که در روزگار مهدی وامین ومأمون میزیسته است .

۱٤ ــ ابوکامل الغُزَیْل دمشقی که در دربار ولید دوم (۱۲۶ ــ ۱۲۷) بوده است .

۱۵ ــ احمدبن اسامة همدانی نصیبی نژاد از عرب داشته و از خویشان اعشیی همدان درگذشتهٔ ۸۳ بوده و رفیق ویار او. مغنی طنبور زنی بوده و از زمان

---

۹ - تاریخ ۱۷۷ ، ترجمه ۹٤ ، شوقی ۲۷۰ ، همایی ۳۳۲ .
۱۰- تاریخ ۱۱٤ ، ترجمه ۱۳۶ .
۱۱- تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۶ .
۱۲- تاریخ ۱۲۲ ، ترجمه ۱٤٤ .
۱۳- تاریخ ۱۱۳ ، ترجمه ۱۳۵ .
۱٤- تاریخ ۸۹ ، ترجمه ۱۰۷ .
۱۵- تاریخ ٦۵ ، ترجمه ۷۲ .

راشدین تا زمان عبیدالله‌بن زیاد والی کوفه میزیسته است.

۱۶ ــ **احمدبن صدقة‌بن ابی‌صدقة طنبوری** خوانندهٔ رمل وهزج وآهنگ ماخوری که از زمان مأمون تا متوکل میزیسته است.

۱۷ ــ **اسماعیل‌بن هربذ** مولی بنی‌الزبیربن‌العوام یا بنی‌کنانه که خنیاگر دربار ولید دوم (۱۲۶ ــ ۱۲۷) بوده وتا زمان هارون میزیسته است.

۱۸ ــ **اشعب طماع ابوالعلاء شعیب‌بن جبیر** از مادری حمیده ام‌خلندج یا ام‌جمیل‌نام کنیز اسماء ذات‌النطاقین دختر ابوبکر وپدرش با مختارخروج کرده بود، خود او گویا از موالی عثمان یا عبدالله‌بن زبیر بوده وگویا تا ۱۵٤ زندگی میکرده است مطرب ومغنی وبذله‌گو ومسخره و رقاص وطماع بوده است.

۱۹ ــ **بدیح‌الملیح** آزاد شده عبدالله‌بن جعفر درگذشتهٔ ۸۰، با نافع‌الخیر ونئوم‌الضحی همراه جمیله درحج بوده‌است. داستان این‌حج درتاریخ موسیقی فارمر (ص۷۵، ترجمه ۹۵) هست.

۲۰ ــ **برصومای** نوازندهٔ مزمار شاگرد ابراهیم موصلی بوده و زمان هارون میزیسته است.

۲۱ ــ **بنان‌بن عمروالحارث** موسیقی‌دان سرآمد دربار متوکل و منتصر و معشوق فضل که زنی شاعر بوده است. منتصر او را دوست میداشته و برتر از دیگرانش میدانسته است.

۲۲ ــ **جحظة برمکی ابوالحسن احمدبن جعفربن موسی‌بن خالدبن برمك** (۲۲۵ ــ ۳۲۷) دانشمند شاعر ادیب طنبوری مغنی سرامد وبرتر از دیگران.

۲۳ ــ **جراب‌الدولة ابوالعباس احمدبن محمدبن علویه سجزی** طنبوری چیره‌دست ومؤلف **ترویج الارواح ومفتاح السرور والافراح**.

۲٤ ــ **حارث‌بن کلدة ثقفی** که به‌ایران‌آمده ودرجندی شاپور پزشکی فرا گرفته وبربط نوازی آموخته وآنرا درمدینه رواج داده بود.

---

۱٦ ــ تاریخ ۱۵۸، ترجمه ۱۸٦.
۱۷ ــ تاریخ ۱۳۱، ترجمه ۱۵٤.
۱۸ ــ تاریخ ۸۸، ترجمه ۱۰٦، همایی ۲۳۹.
۱۹ ــ تاریخ ۵۸، ترجمه ۷۳.
۲۰ ــ تاریخ ۱۳۱، ترجمه ۱۵۵.
۲۱ ــ تاریخ ۱۵۸، ترجمه ۱۸۷.
۲۲ ــ تاریخ ۱٦۱، ترجمه ۱۸۹.
۲۳ ــ تاریخ ۱۵۹، ترجمه ۱۸۸.
۲٤ ــ همایی ۳۲۷.

۲۵ ــ ابوعلی حسن‌المسدود پسر بزکشی دربغداد ، خواننده وطنبورنواز بوده ونخستین طنبوری زمان خود و با احمدبن یحیی مکی (ظنینا) ودبیس درخانهٔ ابوعیسی ابن‌المتوکل آواز میخواندند . در زمان واثق تا منتصر میزیسته است .

۲۶ ــ حکم الوادی ابویحیی حکیم‌بن میمون الوادی که پدرش ازمردم فارس و ایرانی وسلمانی وخود او مولی ولید (۸۶ ــ ۹۷) بوده و روغن زیت می‌فروخته است . در وادی‌القری متولد شده و در روزگار هارون در ۸۱سالگی درگذشته است . شاگرد عمرالوادی بوده وهزج میخوانده است .

۲۷ ــ حنین حیری ابوکعب‌بن بلوغ نصرانی درگذشتهٔ نزدیك ۱۰۰ گل‌فروش و عودنواز ومغنی وسنادخوان وگویا عربی‌بود مسیحی از بنی‌حارث‌بن‌کعب. در زمان عثمان میزیسته است . شعری در وصف حیره دارد و در آن از نجف نام برده است .

۲۸ ــ دحمان اشقر عبدالرحمن‌بن عمرو خنیاگـــر نامور مدنی رقیب حکم‌الوادی که تا زمان فضل‌بن یحیی برمکی (سدهٔ ۲) زنده بوده‌است .

۲۹ ــ ابو یزید دلال نافذ مدنی آزادکردهٔ بنی‌فهم و شاگرد طویس که مانند او خود را به‌ساخت زنان درمیاورده است . ابراهیم موصلی صد سالی پس‌از او نواها و اصوات اورا میخوانده است .

۳۰ ــ زبیربن دحمان مکی مولی بنی‌لیث‌بن‌بکر که پدرش خنیاگراموبان بوده وخود او بازرگانی میکرده و به موسیقی هم پرداخته است . در دربار هارون بوده و با برادرش عبدالله از خنیاگران درباری بشمار می‌آمدند و هردو از امیر ابراهیم‌بن المهدی پیروی میکردنـــد . قلم‌الصالحیة از زنان خنیاگر شاگردش بوده است .

۳۱ ــ ابومنصور زلزل درگذشتهٔ ۱۷۵ که به ضرب آشنا بوده و عود می‌نواخته یار وداماد ابراهیم موصلی‌بوده ومخترع وتروزه سوم وعود شبوط بجای عود فارسی .

۳۲ ــ زنام مزمارنواز نامور که نای زنامی یا نای زلامی را نخستین‌بار

---

۲۵ - تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۷ .
۲۶ - تاریخ ۱۱۲ ، ترجمه ۱۳۳ .
۲۷ - تاریخ ۵۵ ، ترجمه ۷۱ ، همایی ۳۳۵ .
۲۸ - تاریخ ۸۸ ، ترجمه ۱۰۷ ، شوقی ۶۸ .
۲۹ - تاریخ ۵۷ ، ترجمه ۷۳ ، شوقی ۶۸ .
۳۰ - تاریخ ۱۲۳ ، ترجمه ۱۴۶ .
۳۱ - تاریخ ۱۱۸ ، ترجمه ۱۴۰ .
۳۲ - تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۵ .

ساخته است . در دربار هارون ومعتصم وواثق بوده‌است .

۳۳ ــ سائب خاثر ابوجعفربن یسار ایرانی مدنی‌لیثی از موالی عبدالله‌بن جعفربن ابی‌طالب ودر۵۳ اوراکشته‌اند. اورا «فیءکسری» نوشته‌اند وعبدالملك‌بن جعفر اورا خریده وآزادکرده است . الحان وآهنگهای نشیط را به‌عربی درآورده وغنای عربی بدو آموخته بود . هزج و رمل میخوانده ونخستین‌بار درمدینه عود ساخته و نواخته است . نخستین عود زن مدینه‌اش دانسته‌اند . استاد معبد و جمیله و عزةالمیلاء بوده وپیشهٔ بازرگانی داشته است.

۳٤ ــ سلمك : در زمان هارون وزن رمل را نخستین‌بار درمیان ایرانیان روایی داده است .

در شفاء وادوار از نغمهٔ سلمکی وآواز سلمکی یاد شده است.

۳۵ ــ ابوعبدالله سلیم‌بن سلام‌کوفی دوست ابومسلم و ابراهیم موصلی وخوش‌آواز بوده است .

۳٦ ــ سیاط ابووهب عبدالله‌بن‌وهب مکی مولی بنی‌خزاعه (۱۲۲ــ۱٦۲) شاگرد یونس کاتب وبردان شاگرد عَزّة المیلاء و شاگرد ابن‌محرز و ابن‌سریج وجمیله ومعبد واستاد ابراهیم موصلی وابن‌جامع ، مغنی بود عودنواز وآوازخوان و ملِحّن .

۳۷ ــ طویس ابوعبدالمنعم عیسی‌بن عبدالله الذائب مدنی از موالی بنی مخزوم که رفتار زنانه داشته و دف میزده و هزج و رمل میخوانده و نخستین‌بار درمدینه در غنا ایقاع واردکرده ونخستین موسیقی‌دان دیار اسلامی است . شاگرد بردگان ایرانی که درمدینه کار میکرده‌اند وپیرو روش آنها و استاد دلال نافذ و نئوم الضحی وقند درمدینه و ابن‌سریج درمکه ، میگویند که اصل وپایهٔ غناء مدینه از این گروه زن نمایان است که او یکی ازآنها بوده است . او در روزگار عبدالملك درگذشته است .

۳۸ ــ عبدالله‌بن ابی‌العلاء موسیقی‌دان سامرا ، شاگرد اسحاق موصلی‌بوده و پسرش احمد نیز موسیقی‌دانی چیره‌دست واز درباریان معتضد وشاگرد مخارق و علویه .

۳۳ـ تاریخ ۵۳ ، ترجمه ٦۸ ، شوقی ۷۸ ، همایی ۳٤۲ .
۳٤ـ تاریخ ۱۰٦ و ۲۰۳ و ۲۰٤ ، ترجمه ۱۲٦ و ۱٤۱ و ۲٤۰ ، همایی ۳٤۱ .
۳۵ـ تاریخ ۱۳۱ ، ترجمه ۱۵٤ .
۳٦ـ تاریخ ۱۱۳ ، ترجمه ۱۳٤ .
۳۷ـ تاریخ ۵۲ ، ترجمه ۵۸ ، شوقی ۷۷ .
۳۸ـ تاریخ ۱۵۹ ، ترجمه ۱۸۸ .

۳۹ ـ عبدالله‌بن العباس‌بن الفضل‌بن الربیعی مغنی و شاعر و خوانندهٔ دربارها از هارون تا منتصر ومتوکل شیفتهٔ او بوده و او روش اسحاق موصلی را بسیار می‌پسندید . دولحن وآهنگ او شهرت پیداکرده بود .

۴۰ ـ عطرد ابوهارون مدنی مولی انصار ، زیباروی وخوش‌آواز وقاری قرآن وخنیاگر ومغنی، شاگرد معبد بوده وازسرامد بودنش درعلمهای شرعی وغناء مردم مدینه درشگفت بوده‌اند ، گویا تا زمان هارون زنده بوده ونزدیك به ۱۷۰ درگذشته است .

۴۱ ـ عَلَّویَه یا عَلَّوَیه ابوالحسن علی‌بن عبدالله‌بن سیف مدنی مولی بنی‌امیه ونوهٔ‌سیف موسیقی‌دان‌که شاگردابراهیم‌موصلی‌بوده وپیروابراهیم‌بن‌المهدی در نحلهٔ ابداعی و رمانتیکی او و مخالف نحلهٔ تقلیدی اسحاق موصلی . او نغمه‌ها وآهنگهایی فارسی در موسیقی عربی آورده وهمین سبب شدکه پرده‌هایی ازموسیقی عربی ازمیان برود . از زمان هارون تا مأمون ومتوکل زنده بوده‌است .

۴۲ ـ عمروبن بانه (عمروبن محمدبن سلیمان‌بن‌راشد) درگذشتهٔ درسامرا در ۲۷۸ ، مولی یوسف عمرثقفی ، پدرش کاتب برجستهٔ دیوان خلافت ، مادرش «بانه» دختر روح کاتب ونویسندهٔ سلمةالوصیف. شاگرد اسحاق موصلی واميرابراهیم ابن‌المهدی بوده از درباریان مأمون ومعتصم ومتوکل وپیرو نحلهٔ امیر ابراهیم ، ازاو است **کتاب مجرد الاغانی** .

۴۳ ـ عمروبن عثمان‌بن ابی‌الکنات همزمان ابن‌عایشه‌که آوازی غیرعادی داشت و در دسته وموکبی از حجاج آواز افسونگرانه‌اش مردم را بیهوش‌کرده بود.

۴۴ ـ عمروالمیدانی بغدادی خنیاگر طنبوری نامور وبرتر از ابوحشیشة ومسدود که در زمان خود درزدن طنبور از دیگران برتری داشته‌اند .

۴۵ ـ عمرالوادی پسر داور پسر زادان ایرانی مولی عمروبن عثمان‌بن عفان مهندس وموسیقی‌دان ونخستین مغنی وخنیاگر وادی‌القری و اورا «جامع‌اللذات» خوانده‌اند .

۴۶ ـ الغریض ابویزید یا ابومروان عبدالملك بربری مکی مولی ثریا

---

۳۹ ـ تاریخ ۱۶۰ ، ترجمه ۱۸۸ .
۴۰ ـ تاریخ ۸۵ ، ترجمه ۱۰۲ ، شوقی ۸۵ .
۴۱ ـ تاریخ ۱۲۳ ، ترجمه ۱۴۵ و ۱۷۵ .
۴۲ ـ تاریخ ۱۵۷ ، ترجمه ۱۸۶ .
۴۳ ـ تاریخ ۸۷ ، ترجمه ۱۰۵ .
۴۴ ـ تاریخ ۱۵۹ ، ترجمه ۱۸۸ .
۴۵ ـ تاریخ ۸۸ ، ترجمه ۱۰۶ ، همایی ۳۳۶ .
۴۶ ـ تاریخ ۸۰ ، ترجمه ۹۸ ، شوقی ۲۷۷ ، همایی ۳۳۴

صاحبة عمربن‌ابی‌ربیعة یاخواهران معروف به«عبلات» درمکه، شاگرد ودست‌پروردهٔ ابن‌سریج ونشیط فارسی . زنان مکه ومدینه دوستار او بودند و به‌خانهٔ جمیله درمدینه میرفته است . در روزگار سلیمان‌بن عبدالملك درگذشته است .

۴۷ ــ **فلیح‌بن ابی‌العوراء مکی** مولی بنی مخزوم شاگرد یحیی‌ابن‌الملکی و از خنیاگران ومغنیان دربار مهدی عباسی که با ابن‌جامع وابراهیم موصلی اغانی و سرودهایی برای هارون گرد آوردند . او استاد بذل ودنانیر بوده است .

۴۸ ــ **قریص‌الجراحی المغنی** درگذشتهٔ ۳۲۵ ، از موسیقی‌دانهای سرامد ودانشمند زمان خودکه به‌ترتیب الفبائی «**کتاب صناعة‌الغناء واخبارالمغنین**» نزدیك به‌هزار برگ نگاشته است .

۴۹ ــ **قند** ، مدنی که در انجمن کاخ عبدالله‌بن جعفر باطویس و سائب خاثر ونشیط فارسی ونافع‌الخیر وبدیح‌الملیح و عَزّة المیلاء می‌بوده است . آزاد کردهٔ سعدبن ابی‌وقاص درگذشتهٔ ۵۰ ودوست عایشة ام‌المؤمنین بوده وتا زمان ولایت و فرمانروایی سعیدبن العاص درمدینه (۵۲ ــ ۵۹) میزیسته است .

۵۰ ــ **مالك طائی ابوالولید ابن ابی‌السمح مخزومی مدنی** خنیاگر عرب نژاد پسرخواندهٔ عبدالله‌بن جعفر درمدینه شاگرد جمیله ومعبد بوده و در زمان منصورعباسی درگذشته است . یکی از خنیاگران چهارگانهٔ سرامد عربی که از پیش‌گامان بشمارند می‌باشد ونزدیك ۱۳۷ درگذشته است .

۵۱ ــ **محمدبن احمدبن یحیی مکی** مغنی نامور دربار معتمد که شاگردانش اورا مشهور کرده‌اند .

۵۲ ــ **ابوجعفر محمدبن‌الحارث‌بن بُسْخُنَّر** یا بُسْخُنَّر رازی، درمیان تازیان‌بیگانه، که پدرش‌قاضی دوستارموسیقی ودارای کنیزان خوش‌آواز (قیان) که در آن شهرت داشته است . او شاگرد ابراهیم موصلی وابراهیم‌بن مهدی شده بود . تا زمان واثق (۲۲۸ ــ ۲۳۳) میزیسته است .

۵۳ ــ **ابوجعفر محمدبن حمزة** مولی‌منصورعباسی شاگرد ابراهیم موصلی بوده و سرامد درموسیقی وآشنای به‌ضرب و راوی اغانی که در دربار هارون بسر می‌برده است .

---

۴۷ – تاریخ ۱۱۹ ، ترجمه ۱۴۱ ، شوقی ۲۷۵ .
۴۸ – تاریخ ۱۶۰ ، ترجمه ۱۸۹ .
۴۹ – تاریخ ۴۸ و ۵۷ ، ترجمه ۶۲ و ۷۲ .
۵۰ – تاریخ ۸۴ ، ترجمه ۱۰۱ ، شوقی ۸۴ ، همایی ۳۳۶ .
۵۱ – تاریخ ۱۶۰ ، ترجمه ۱۸۹ .
۵۲ – تاریخ ۲۱ ، ترجمه ۱۴۴ .
۵۳ – تاریخ ۱۳۱ ، ترجمه ۱۵۴ .

۵۴ ــ محمدبن عباد کاتب مولی بنی مخزوم از خنیاگران خوب حجاز که استاد یونس کاتب بوده و با مالك‌بن انس درگذشتهٔ ۱۷۹ گفتگویی داشته ودر زمان مهدی عباسی (۱۵۹ ــ ۱۶۹) میزیسته است .

۵۵ ــ محمدبن عمرالرف یا الزق کوفی و مولی بنی تمیم ، عودنواز چیره‌دست و پیرو ابراهیم موصلی دربرابر دسته وگروه پیرو ابن‌جامع .

۵۶ ــ ابوالمهنا مخارق‌بن یحیی ، درگذشتهٔ نزدیك ۲۳۱ که عاتکه بنت شذای مغنی استادش بوده است . فضل برمکی اورا خریده و به هارون فروخته بود و او شاگرد ابراهیم‌بن‌المهدی شده وهارون اورا آزادکرده است .

۵۷ ــ معبدبن وهب حبشی زنگی مدنی ، درگذشتهٔ ۱۲۶ ، مولی‌ابن‌قطن وآزادکردهٔ او . کار صیرفی وصرافی و بازرگانی وگوسفندچرانی داشته وشاگرد نشیط وسائب خاثر شده بود واستاد حکم‌الوادی و ابن‌عایشه و مالك‌بن ابی‌السمح طائی و یونس‌کاتب و دحمان وحبابه وسلامة‌القس . در زمان ولیدبن یزید دردمشق میزیسته است . پیشوای مغنیان مدینه بوده وسرودها از او به‌یادگار مانده است . هفت سرود او «حصون معبد» یا «مدن معبد» نامیده میشده و پنج سرود او نام «معبدات» گرفته بود . او سه‌بیتی میخوانده است . در پایان زندگی از موسیقی دست‌کشیده ومحتسب شد .

۵۸ ــ نافع‌الخیر ابن‌طنبورهٔ یمنی موسیقی‌دان هزج‌خوان زمان راشدین که در انجمن موسیقی‌کاخ عبدالله‌بن جعفر درپناه او بوده وعبدالله از او ودیگر خنیاگران نگاهداری میکرده است . او از خنیاگران دربار معاویهٔ اول ویزید اول است .

۵۹ ــ نشیط فارسی مدنی ایرانی ، زرخریده وآزادکردهٔ عبدالله‌بن‌جعفر که درمدینه غناء فارسی میخوانده وآنرا به سائب خاثر آموخته وخود از او غناء عربی فراگرفته وهردو دراین‌شهر سرود فارسی میخواندند . اورا مردم می‌پسندیدند چه نغمه وآهنگ فارسی را دوست میداشتند . او استاد ابن سریج و معبد وجمیله و عزة‌المیلاء بوده و درانجمن موسیقی کاخ عبدالله‌بن جعفر از او و همکارانش نگاهداری میشده است . او در هفتاد سالگی بسال ۸۰ درگذشته است .

---

۵۴ – تاریخ ۸۷ ، ترجمه ۱۰۵ .

۵۵ – تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۵ .

۵۶ – تاریخ ۱۲۱ ، ترجمه ۱۴۳ .

۵۷ – تاریخ ۸۱ ، ترجمه ۹۸ ، شوقی ۷۹ ، همایی ۳۳۶ .

۵۸ – شوقی ۹۰ ، تاریخ ۷۵ و ۸۵ ، ترجمه ۶۲ و ۱۰۵ .

۵۹ – تاریخ ۴۸ و ۵۵ ، ترجمه ۶۳ و ۷۰ ، شوقی ۷۱ ، همایی ۳۳۷ .

۶۰ ــ نصیب‌بن ریاح نوبی مولی عبدالعزیزبن مروان شاعر غزل‌سرای که درحج جمیله همراه وی بوده است .

۶۱ ــ نضربن الحارث‌بن کلدة عبدی ، عود و بربط به‌آهنگ فارسی می‌نواخته وآنرا به مکیان آموخته بود .

۶۲ ــ الهذلی ابوعبدالرحمان سعیدبن مسعود مکی سنگ‌تراش بوده وبر سنگهای کوه ابوقبیس کنده‌کاری ونقش میکرده است . درمنا میزیسته و درآنجا و جمرةالعقبه وبطحاء برای جوانها میخوانده است وآنها در برابر بدو «وظیفه» میدادند ازخوردنی ونوشیدنی و درهم وسنگها را ازکوه برای‌او پایین میآوردند. آنان در پای‌کوه با وی می‌نشستند و می‌گساری میکردند و او تا شام برای آنان میخوانده است . او داماد ابن‌سریج شده ودخترش را بزنی گرفته و سرودهای پدرش را از وی آموخته بود . پسر او هم مغنی شده بود . اورا به دربار ولید دوم هم برده بودند. در بازگشت جمیله از حج به مدینه او دراین شهر بوده و در روز نخستین از سه روز که جمیله انجمن سرود وموسیقی داشته بود او هم از خوانندگان بوده است .

۶۳ ــ ابوخالد یزید حوراء مدنی‌بغدادی مولی‌لیث‌بن‌بکرشاگرد ابراهیم موصلی که در روزگار مهدی وهارون میزیسته است .

۶۴ ــ یونس کاتب ابوسلیمان فرزند سلیمان پسر کرد پسر شهریار از فرزندان هرمز ، مدنی ومولی عمروبن زبیر بود وپدرش فقیه وخود دیوانی وکاتب ونویسنده وبازرگان واستاد ابن‌جامع وابراهیم‌موصلی وشاگردابن‌سریج وابن‌محرز وغریض ومعبد ومحمدبن عباد کاتب بوده است . نزدیك ۱۴۸ درگذشته است .

زنان خنیاگر

زنان خنیاگر (قینات و مغنیات) عصر طلائی اسلام از خوانندگان زن روزگار امویان بگواهی هزارویك شب (الف لیلة ولیلة) نامورتر بودند اگرچه در اغانی نهایه‌الارب ومانند اینها نامی ازآنها نیست (تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۵). نام برخی از زنان خنیاگر چنین است : ظبی‌که در دربار سلیمان و ام‌عوف که در دربار یزید دوم بوده‌اند و شذای خنیاگر ولید اول و دخترش عاتکه که درعصر

---

۶۰ ــ همایی ۳۳۸ ، تاریخ ۷۴ ، ترجمه ۹۱ .
۶۱ ــ همایی ۳۲۷ .
۶۲ ــ شوقی ۲۸۱ ، تاریخ ۶۴ و ۷۵ و ۸۸ ، ترجمه ۸۰ و ۹۱ و ۱۰۷ .
۶۳ ــ تاریخ ۱۱۸ ، ترجمه ۱۳۹ .
۶۴ ــ تاریخ ۸۳ ، ترجمه ۱۰۰ ، شوقی ۸۳ ، همایی ۳۴۱ .



عباسی نامور شده بود وخلیدة وبلیله ولذةالعیش و فرهه که در انجمنهای جمیله شرکت داشته‌اند و زریاب واثقیة وصلفة خنیاگران عبدالله‌بن المعتز وناجی که نزد عبیدالله‌بن عبدالله‌بن‌طاهر بوده‌است وحسنه وریق ودمّن و وهَبه و دفان و سمحه و قُمریه که در بغداد بوده‌اند (تاریخ ۸۹ و ۱۳۶ ، ۱۴۸ و ۱۶۳ ، ترجمه ۱۰۷ و ۱۱۲ و ۱۶۰ و ۱۷۵) .

میگویند که عبدالله‌بن عمر والی عثمان در بصره چندین‌کنیز چنگ زن خریده و آنها را با خود به شهر مدینه آورده و آنها با او بوده و هرروز آدینه به‌نواختن وغناء می‌پرداختند ومردم می‌شنیدند وازآنها دیگران آموختند . درخانهٔ گرانمایگان دیگر مدینه هم‌چنین زنان خواننده ونوازنده از زمان عثمان بوده‌اند (شوقی۲) . اینك نام چند زن خنیاگر دیگر :

۱ ــ **بذل مدنی** زن خنیاگرکه در دربارهای امین تا معتصم میزیسته‌است. جعفربن هادی سپس امین خلیفه مالك او شدند . هنرمندی سرامد بوده و فلیج‌ابن ابی‌العوراء یکی‌از استادانش، سی‌هزار سرود بیاد میداشت ودر زمان مأمون **کتاب الاغانی** برای علی‌بن هشام ساخته ودرآن دوازده هزار بند سرود گذارده است .

۲ ــ **بصبص‌کنیز** دو رگهٔ خنیاگر یحیی‌بن نفیس و از مدینه‌که درآن‌جا انجمنها ومجالس وحفلات داشته‌است . مهدی عباسی اورا از یحیی درزمان امارتش هفده‌هزار دینار خریده‌بود . قریشیان اورا می‌پرستیدند وشاعران به‌زیبایی وجمالش تغزل میکردند .

۳ ــ **دنانیر برمکی** کنیز یکی از مدنیها که اورا به یحیی‌بن خالد برمکی فروخته‌است. باادب وفرهنگ وشاعر وشاگرد ابراهیم موصلی واسحاق موصلی وابن جامع و فلیح و بذل بوده و نزد هارون سرود خوانـده است . از اوست **کتاب مجرد الاغانی** .

٤ ــ **جملیهٔ مدنی** درگذشتهٔ ۱۰۲ مولی‌بنی‌بهزاز بنی‌سلیم وشوهرش مولی بنی‌الحارث‌ابن‌الخزرج شاگرد خاثر واستاد معبد وابن‌عایشه وحبابه وسلامه وعقیله و خلیده و ربیحه و ابن محرز و ابن‌سریج و غریض و ابن عایشه و مالك که به مجالس وانجمنهای او میرفته‌اند و خانهٔ بزرگی داشت برای سرود وغناء و با موکبی باشکوه وگروهی بسیار از شاعران وموسیقادان زن ومرد و دوستاران آنها

---

۱ - تاریخ ۱۳٤ ، ترجمه ۱۵۸ .
۲ - تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵٦ .
۳ - تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۸ .
٤ - تاریخ ۷۵ و ۸۵ ، ترجمه ۹۱ و ۱۰۳ ، شوقی ۷٤ و ۸۹ ، همایی ۳۳۷ .

به‌حج رفته بود و در بازگشت هم در مدینه سه روز انجمن کردند و به موسیقی پرداختند . معبد اورا ریشه وپایهٔ غنای خویش میداند .

جوقه و دسته‌ای داشت ۵۰نفری با عودها و وترها (زه‌ها) وخودکلاهی بزرگ بر سر وبردی یمانی بردوش میگذاشت و با هم می‌رقصیدند . بردگان نزد وی غناء می‌آموختند . تا زمان عبدالملک زنده بوده است .

۵ ـ **حبابهٔ عالیه** زر خریدهٔ یزیدبن عبدالملک که اورا «حبابه» نامیده است . خنیاگری بود سازنده ونوازنده . محبوبهٔ یزید بود و او ویرا به‌چهارهزار درهم از ابن‌رمانه یا ابن‌مینا خریده بوده‌است. شاگرد عزةالمیلاء وجمیله وابن‌محرز و ابن‌سریج ومعبد ومالک بوده‌است .

۶ ـ **ذات‌الخال** که هارون او را به هفتادهزار درهم خریده و به بندهٔ محبوب خود حمویه بزنی‌داد . پس‌ازمرگ شوهر باز درپناه هارون‌آمد واو باسحر وضیاء از محبوبه‌های سه‌گانهٔ هارونندکه شاعران دربارهٔ آنها تغنی کرده‌اند.

۷ ـ **سلامة الزرقاء مدنی** زنی زیبا بود و شاگرد جمیله ، اورا ابن رامین (گویا ایرانی) بازرگان‌کنیزان (تاجرالقیان) درکوفه خریده بود و او ربیعه و سعده را نیز ازمدینه خریده بوده‌است . سپس جعفربن سلیمان فرمان‌روای مدینه اورا به‌هشتادهزار درهم خریده است.

او در روزگار یزید اول تا یزید دوم میزیسته است .

۸ ـ **سلامةالقس مدنی** زنی بود خنیاگر وقینه وکنیز سهیل قرشی از خاندان بنی‌زهره . شاگرد جمیله ومعبد و ابن‌عایشه و مالک بوده است . یزیدبن عبدالملک اورا به بیست‌هزار دینار خریده واز مدینه به شام برده است . تا پس‌از ولید زنده بوده‌است .

۹ ـ **شاریهٔ بصری** پدرش از بنی‌سامةبن لؤی ومادرش از بنی‌زهره واورا به ابراهیم‌بن المهدی فروخت و او ویرا بدست بهترین کنیزان خوانندهٔ خود که «ریق» نامور از آنها است بپرورد و بیاموخت و سپس ویرا به‌دختر خود میمونه بخشید و پس ازاین ویرا آزاد نمود و زن خویش‌کرد . پس‌از ابراهیم او به‌نزد معتصم رفته ودر دربار چند خلیفه زیسته است . یکی‌از شاگردانش فریده است .

---

۵ – تاریخ ۸۶ ترجمه ۱۰٤ ، همایی ۳۳۸ .
۶ – تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۹ .
۷ – تاریخ ۸۷ ، ترجمه ۱۰۵ ، شوقی ۹۲ .
۸ – تاریخ ۸۶ ، ترجمه ۱۰٤ ، شوقی ۹۰ ، همایی ۳۳۸ .
۹ – تاریخ ۱۳٤ ، ترجمه ۱۵۷ .

۱۰ ــ عاتکه بنت‌شذا زن خنیاگر نامور که مانند مادرش در غناء سرامد بوده و در دربار هارون او را بسیار خواهان بوده‌اند . اسحاق موصلی و مخارق شاگردش بوده‌اند . مادرش در دربار ولید دوم غناء میکرده است .

۱۱ ــ عبیده طنبوری که زنی پیش‌رفته در ادب وهنر بوده‌است . نخست از زبیدی طنبوری که درخانهٔ پدرش میزیسته است آموخته است . پس‌از پدر برای مردم آواز میخواند. دوشوهرکرد وخواننده ونوازندهٔ خوبی بود.

۱۲ ــ عریب درگذشتهٔ ۲۲۷ زیباروی شاعرکاتب و موسیقی‌دان برجسته در آشنایی به‌نغمه و وترها که پس‌ازکنیزان خوانندهٔ پیشین‌حجاز مانندش دیده‌نشده است، همانند عزة‌المیلاء وجمیله بوده‌است ، بیست‌ویك‌هزار آهنگ مینواخته است. سید نخستین او عبدالله‌بن اسماعیل فرماندهٔ دریایی هارون بوده ولی با دوست خود به‌بغداد گریخته و در باغهای عمومی آواز میخواند ، یافتندش و او را به‌سیدش برگرداندند . امین عباسی او را بدست آورد و پس از مرگش باز نزد آن سید برگشت و باز با دوست خود که او زنش شده‌بود گریخت . آنگاه مأمون او را مالك شد ونزدش پایگاهی پیداکرد تا روزگار معتصم ماند . او دلها وخردهای مردم را با زیبایی وهنرهایش می‌ربود

۱۳ ــ عزة‌المیلاء مدنی دو رگه و از پدر و مادری از دونژاد . نخست شاگرد رایقه پیرزن خنیاگر سپس نشیط فارسی وسائب خاثر درلحن وآهنگ‌فارسی، نیز شاگرد شیرین و زرنب وخولة ورباب وسلمی از زنان خنیاگر پیشین . درشهر مدینه خانه‌ای داشته و به‌افزارهای نو وکهن از مزهر ومعزف آشنا بوده وآنها را میزده است . ابن‌سریج و ابن‌محرز در مکه وبردان درمدینه شاگرد او بوده‌اند . تا روزگار جمیله میزیسته ونزدیك ۸۷ درگذشته است .

اورا سیدة‌المغنیات یا سرور زنان خنیاگر میدانستند.

۱٤ ــ عنان زن خنیاگری‌که هارون را ربوده بود . او نخست نزد ناطفی میزیسته وخلیفه شعری از او شنود که یکی از خوانندگان درباری میخوانده است و به خداوندش سوگند دادکه اورا بدو بفروشد . بهایش سی‌هزار درهم بوده‌است.

۱۵ ــ فریده نخست کنیز خوانندهٔ عمروبن بانه بوده سپس به‌دربار واثق

---

۱۰ – تاریخ ۸۹ و ۱۳۵ ، ترجمه ۱۰۷ و ۱۵۹ .

۱۱ – تاریخ ۱۳۳ ، ترجمه ۱۵۷ .

۱۲ – تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵٦ .

۱۳ – تاریخ ٥٤ ، ترجمه ٦۹ ، شوقی ۸۸ .

۱٤ – تاریخ ۱۳٦ ، ترجمه ۱٦۰ .

۱۵ – تاریخ ۱٦۲ ، ترجمه ۱۹۱ .

و متوکل راه یافت و او را بسیار می‌پسندیدند . او شاگرد شاریه و دوستدار روش اسحاق موصلی بوده‌است .

۱٦ – قلم صالحیه کنیز خوانندهٔ صالح‌بن عبدالوهاب که هم خوب میخواند و هم خوب میزد . واثق او را ازآن مرد به ده‌هزار دینار خریده بود .

۱۷ – متیم هاشمیة مولاة بصری که در سراسر زندگانی خود در بصره بوده‌است . از ابراهیم موصلی واسحاق موصلی وبذل‌آموخته ومغنی وشاعری نامور شده‌است . علی‌بن هشام او را در ملك خود گرفته و او مادر فرزندانش شده بود . مأمون و معتصم غناء اورا شنیده‌اند .

۱۸ – محبوبه مولده (دورگه) که در بصره متولد شده و درخانهٔ مردی از طائف پرورده شده به‌ادب وفرهنگ خوب آشنا گشته و عودنواز خوبی ببار آمده وشاعری خوب هم شده بود . عبدالله‌بن طاهر اورا خریده و به متوکل بخشید واوهم شیفتهٔ وی گشت و پس‌از او به وصیف ترکی رسید ولی او بازهم نسبت به متوکل وفادار ماند .

۱۹ – مؤنسه کنیز خوانندهٔ مأمون ، سپس محمدبن طاهر بوده وداستانی از او درمروج‌الذهب مسعودی هست .

---

۱٦ – تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۹ .
۱۷ – تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۹ .
۱۸ – تاریخ ۱٦۲ ، ترجمه ۱۹۱ .
۱۹ – تاریخ ۱٦۳ ، ترجمه ۱۹۲ .

۲

خنیاگران اندلس

۱ ـ **انس‌القلوب** از نامورترین خوانندگان کاخ «الزاهرة» عبدالرحمان سوم.

۲ ـ **بزیعة** خنیاگر عثمان‌بن محمد (۲۳۸ ـ ۲۷۳).

۳ ـ **زرقون** و**علون** از مغنیان نخستین که از مشرق به‌اندلس رفته بودند در روزگار حکم‌بن هشام (۱۸۰ ـ ۲۰۶) ولی دربرابر غناء زریاب مغلوب گشتند.

۴ ـ **زریاب ابوالحسن علی‌بن نافع** نامورترین موسیقی‌دان اندلس که نخست در بغداد مولی مهدی عباسی بوده و شاگرد اسحاق موصلی و نخستین‌بار در دربار هارون آشکار گشته و سرانجام بسال ۲۰۶ به اندلس رفته، مغنی دربار حکم اول وعبدالرحمان دوم شده‌است. او به‌نجوم وجغرافیاهم آشنا بوده و گفتاری نیکو داشته و درعود پنجمین زه را افزوده است. گویا پس‌از محمد خلیفهٔ اندلس (۲۳۸ ـ ۲۷۳) درگذشته است.

او را دو دختر بود، یکی حمدونه که همسر هشام‌بن عبدالعزیز وزیر شده بود و در غناء برتر ازخواهرش عُلَیّة بوده است. پسرانش شش‌تن بودند.

---

۱ - تاریخ ۱۶۳، ترجمه ۱۹۳.

۲ - تاریخ ۱۶۳، ترجمه ۱۹۳.

۳ - تاریخ ۹۸ و ۱۳۱، ترجمه ۱۱۷ و ۱۵۴.

۴ - تاریخ ۱۲۸ و ۱۳۰ و ۱۶۰، ترجمه ۱۵۱ و ۱۵۴ و ۱۸۹.

عبدالرحمان که پیرو پدر بوده است و دارای هنر او ، عبدالله که از همه برتری داشته است ، یحیی ، جعفر ، محمد ، قاسم که در غناء از آنان بهتر و خوب هم بود در آن .

۵ ــ **طرب خوش‌آواز** که بازرگانی اورا به منذر فرزند عبدالرحمان دوم بخشیده است .

۶ ــ **عباس‌بن‌النسائی** خنیاگر ومغنی نخستین دربار حکم یکم .

۷ ــ **عَجفاء** یا َعفْزة ، بانوی عودنواز خنیاگر که عبدالرحمان اول (۱۳۹ ــ ۱۷۲) شیفتهٔ او بوده است . اورا ازمشرق به‌اندلس آورده بودند و اورا خوش‌آوازترین کس میدانستند .

۸ ــ **علون** که در سرگذشت زرقون ازاو یادکرده‌ایم .

۹ ــ **فضل** که ازآن یکی از دختران هارون بوده ، سپس به مدینه رفته و ازآنجا با یارخویش علم به‌اندلس رفت و در دربار عبدالرحمان دوم نامورگشت وگویندکه درغناء سرامد بوده است .

۱۰ ــ **قلم خنیاگر** که نزد عبدالرحمان دوم میزیسته و ازکنیزانی بودکه در یغما وچپاول بشکنس بدست‌آورده بودند ، شاگرد زریاب وادیب وکاتب و راوی اشعار بوده حکایات واخبار بیاد داشت وشیفتهٔ سماع بوده است .

۱۱ ــ **قمرخنیاگر** هنرمند دربار ابراهیم‌بن‌الحجاج‌درگذشتهٔ۲۸۸ (۹۰۰م) امیر اشبیلیه و قرمونه که به بهایی گران او را از ابومحمد عذری نحوی خریده بوده است .

۱۲ ــ **متعه** از شاگردان زریاب که چون بزرگ شده‌بود عبدالرحمن‌دوم را شیفتهٔ خود کرده است .

۱۳ ــ **مصابیح** کنیز خوانندهٔ ابوحفص عمربن قلهیل اندلسی درموسیقی سرامد بوده وآوازی خوش‌هم داشته است .

۱۴ ــ **منصور یهودی** که خنیاگری ارجمند در دربار حکم بوده و اورا به‌بغداد فرستاده بودند تا زریاب را به‌قرطبه بخواند.

---

۵ و ۶ و ۷ - تاریخ ۶۸ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۶ و ۱۶۳ ، ترجمه ۱۱۷ و ۱۵۴ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۹۲ .

۸ تا ۱۳ - تاریخ ۱۳۶ و ۱۴۵ و ۱۶۳ ، ترجمه ۱۰۷ و ۱۶۰ و ۱۶۱ .

۱۴ - تاریخ ۹۸ و ۱۲۹ و ۱۳۱ ، ترجمه ۱۱۷ و ۱۵۲ و ۱۵۴ .

۳

دیگر خنیاگرانی که در دربار خلفاء رفت‌وآمد داشته‌اند

۱ ــ ابراهیم‌بن حسن‌بن سهل .
۲ ــ ابن‌فیلاء طنبوری.
۳ ــ ابن‌مصعب طائفی که درحجاز میزیسته است.
۴ ــ ابورقعه شاعر موسیقار.
۵ ــ ابوزکار موسیقار برمکیان.
۶ و ۷ ــ ابوعیسی مفضل‌بن هارون‌الموهوب که خلیفه ازاوغناء می‌شنیده است و احمد برادرش.
۸ ــ ابویزید مولی قائد که تا زمان عباسیان بوده است.
۹ ــ بردالفواد .
۱۰ ــ بردان آوازه‌خوان موسیقی‌دان مدنی‌شاگرد جمیله و عَزّة‌المیلاء .
۱۱ ــ بیذق انصاری مغنی روزگار یزید دوم.
۱۲ ــ جعفر طبال موسیقار برمکیان .
۱۳ ــ حسین‌بن محرز که به‌دربار هارون میرفته است.
۱۴ ــ رحمة‌الله که در حج جمیله بوده است.
۱۵ ــ زرزور کبیر.
۱۶ ــ زیدبن‌الطلیس.
۱۷ ــ زیدبن لیث .
۱۸ ــ سعیدبن هارون .

۱۹ ــ سعیدبن سویددارمی شاعرظریف مکه در روزگار عمر عبدالعزیز .
۲۰ ــ عبادل‌بن عصبة مولی قریش شاعر مغنی .
۲۱ ــ عبثر .
۲۲ ــ عبدالرحیم‌بن فضل دف‌زن در دربار هارون .
۲۳ ــ عبدالله‌بن مسلم‌بن جندب .
۲٤ و ۲۵ ــ عقیقة و عقیلة دو شاگرد جمیلة .
۲۶ ــ عمرالغزال دربار هارون .
۲۷ ــ عمیرة مرة .
۲۸ ــ مالك‌بن حمامة .
۲۹ ــ محمدبن اشعث شاعر کاتب ظریف ادیب کوفی .
۳۰ ــ محمدبن داودبن اسماعیل .
۳۱ ــ محمدبن عمرالرومی .
۳۲ ــ معبد یقطینی موسیقار برمکیان .
۳۳ ــ نافع‌الخیر از دربار معاویة ۱ و یزید ۱ .
۳٤ ــ نئوم‌الضحی یا نومة‌الضحی شاگرد طویس .
۳۵ ــ هبة‌الله که در حج جمیلة بوده است .
۳۶ ــ یحیی قیل‌مولی خاندان عبلات‌المشهورات‌که ولید۲ ازاو موسیقی می‌آموخته تا در راه حج هم .
۳۷ ــ یزید حوراء که تا زمان مهدی عباسی زنده بوده است.[۱]

---

۱ ــ شوقی ۸۶ و ۸۷ ، همایی ۳۳۵ و ۳۳۷ تا ۳۳۹ ، تاریخ ۸۸ و ۸۹ و ۱۳۲ و ۱۶۱ ، ترجمه ۶۲ و ۶۸ و ۷۳ و ۹۱ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۱۲ و ۱۱٤ و ۱۱۶ و ۱۳۶ و ۱۵۵ و ۱۹۰ تا ۱۹۲ .

٤

فهرست کتابهایی که از یونانی و هندی به‌زبان عربی درآمده و دانشمندان موسیقی‌شناس اسلامی از آنها بهره برده‌اند

۱ ــ بنام **هرمس** پروردگار و رب‌النوع دانش وهنر که اورا با اخنوخ و ادریس یکی می‌پنداشتند **کتاب هرمس فی‌الموسیقی** یادکرده‌اند که‌گویا ترجمهٔ سدهٔ سوم است . و شاید یکی از رسائل نحلهٔ هرمسی است .

در بهجةالروح (نسخهٔ بادلیان ــ ص ۱۷ چاپی) ازآن یاد شده است .

۲ ــ فیثاغورس که بگفتهٔ اریستکسنوس موسیقی را با ریاضی پیوسته است و بگفتهٔ اخوان‌الصفاء و امام فخررازی و چلبی بنیادگذار وپدر هنرموسیقی است، به او «**تألیف‌الموسیقی**» یا «**رسالةالموسیقی**» نسبت داده‌اند و چنین کتابی دریونانی ازاو دردست نیست و عنوان آنرا هم نمیدانیم دریونانی وعربی چه بوده است، آنرا بهترین کتاب در موسیقی بشمارآورده‌اند . ترجمهٔ عربی گویا از سدهٔ سوم باشد . آرایی ازاو درموسیقی درآثار اسلامی دیده میشود . فارابی درموسیقی کبیر ازپیروان فیثاغورس یاد کرده است .

(قفطی ۲۵۹ــ خزرجی ۱ : ۳۷ــ طبقات ۲۲ــ گفتارفارمردرایسیس) .

۳ ــ افلاطون که بنوشتهٔ قفطی در جوانی کتابی درموسیقی نوشته است

---

۲ – ف ۸۵ ، مل ۲ ، تاریخ ۱۵۲ ، ترجمه ۱۸۰ .

۳ – ف ۸٦ ، مل ۱ .

که اکنون دردست نیست، او در **تیمائوس** ازموسیقی بحثی کرده است (۳۵ و ۳٦ و ٤٧ و ٦٧) این رساله را یوحنابن بطریق درگذشتهٔ نزدیك ۲۰۰ و حنین‌بن اسحاق درگذشتهٔ ۲٦۰ ترجمه کرده‌اند. گزیده‌ای که جالینوس از اوکرده است در لندن بسال ۱۹٦۰ چاپ شده است (فهرست ۲٤٦ ـ قفطی ۱۸ ـ خزرجی ۱ : ۵۳ ، گفتار فارمردرایسیس).

کندی در رسالة فی‌اللحون والنغم (ص ۱۹) مینویسد : قال افلاطون : «النفس تنکفی مع‌الموسیقی‌ای تألیف الالحان».

٤ ـ **ارسطاطالیس** در **کتاب‌النفس** (۲ : ۱٤۹ پ ٤۲۱ر) از آواز از رهگذر طبیعی و وظایف‌الاعضاء بحث کرده است.

دردفتر ۱۹ «**کتاب‌المسائل**» (پربلماتا) ی او ازموسیقی بحث شده است. آنرا گویا حنین‌بن اسحاق ترجمه کرده است (قفطی ٤۱ و ٤٤ و ٤٦).

کتاب **قول‌الحکماء فی‌الموسیقی** هموکه گویا مأخذ آداب‌الفلاسفه حنین باشد بخشی ازآنرا موسی‌بن طبون نزدیك ٦٦۳ ازعربی به‌عبری درآورده است ونسخهٔ عبری درمونیخ هست (ش ۲۷۵).

درکتاب **تناسل‌الحیوان** او (دفتر ۵ از ۷۸۱ ر وپس ازآن). ازوظیفهٔ عضوی صوت و در **کتاب‌الحیوان** (دفتر ٤ بند ۵۳۵ آ) ازآواز بحث شده است.

در **کتاب‌الجدل** او هم بندی است دربارهٔ موسیقی (نسخهٔ ۲۳٤٦ مورخ ٤۱۸ پاریس).

در **کتاب‌الحاس والمحسوس** او سه بند است دربارهٔ آواز (٤٤٦ آ) و دربارهٔ ابعاد (٤۳۹ ب و ٤٤۷ آ و ٤٤۸ آ).

در **الهی** یا **کتاب‌الحروف** او دردفتر ٤ و ۹ و ۱۳ از موسیقی گفتگو شده است.

کتاب De audibilibus که به‌استرابون هم نسبت داده‌اند به‌عربی درآمده و اخوان‌الصفاء ازآن بهره برده‌اند.

موضوعات **طبیعیة** و تسمی **ثاسیس موسیقی** (تسئیس موسیکائی) گویا «ثاسیس‌فوسیقا» باید خواند و ربطی به موسیقی ندارد و دربارهٔ طبیعی‌است. (الفهرست ۲٤۹ و ۲۵۱ ـ قفطی ٤۲ و ٤٦).

۵ ـ **ارسطقسانس** یا **ارسطکسنوس** یا **اریستوکسنوس** Aritoxenus فیلسوف

---

٤ – ف ۸۷ تا ۹٦ ، مل ۱۳ ، تاریخ ۲۷ و ۱۲٦ و ۱۵۰ و ۱۷۵ و ۲۰۲ ، ترجمه ۱٤۹ و ۱۷۸ و ۲۰٦ و ۲٦۵ ، ایسیس گفتار فارمر ۱۳ : ۳۲٦ سال ۱۹۳۰ .

۵ – ف ۹۷ و ۹۸ ، مل ٤ ، هامش ص ۲۰٤ موسیقی‌کبیر، تاریخ ۱۵۲ ، ترجمه ۱۷۹، گفتار فارمر درایسیس.

موسیقی‌دان یونانی زندهٔ در ۳۲۰ و ۳۵۰ که شاگرد ارسطو بوده و در موسیقی به تجربه و احساس ارج می‌نهاده و پیروانش را Harmonistes par oreille مینامیده‌اند دربرابر فیثاغورسیان که Harmonistes par calcule خوانده میشدند. گویند که فیثاغورس در تعریف مقادیر ابعاد صوت مبدء طبیعی را ملاك میدانسته ولی‌او نغمه‌را وابستهٔ به‌نسبت محدود ریاضی می‌پنداشته است. فارابی‌هم درموسیقی کبیر (ص ۲۰٤) میان پیروان ایندو جدایی نهاده است. از او تنها کتاب «**آرمونیکااستوئی‌خیا**» (Element Harmonique) یا **اصول‌النغم** مانده‌است که گویا همان **کتاب‌الریموس** یا **کتاب‌الرئوس (آرخائی‌استویی‌خیا)** باشد که ابن‌ندیم در فهرست (ص ۲۷۰) ازآن‌یادکرده ومیگوید که آن دریك‌مقاله‌است واین کهن‌ترین کتاب موسیقی است که شناخته شده است.

از **کتاب‌الایقاع** Sur le rythme اوپاره‌ای‌هست- **کتاب‌الریموس** ابن‌ندیم گویا **کتاب‌الروثموس** باشد وازآن همین **کتاب‌الایقاع** خواسته شده باشد واو این یکی را دریك مقاله میداند. به‌کتاب او نام عام «**پری‌موسیکن**» هم داده‌اند.

٦ - ارشمیدس کتاب ساعات‌آلات‌الماء یا **کتاب فی‌عمل‌البنکامات** دارد، (فهرست ۲٦٦) که آنرا کارادوو در ۱۸۹۱ به‌فرانسه تلخیص‌کرده و ویدمان در ۱۹۱۸ به‌آلمانی درآورده است.

* پاریس ۲٤٦۸ مورخ ۹۰٦ برگ ۲۹ و پس‌ازآن.

* موزهٔ بریتانیا Add 33391 برگ ۱ - ۲۰.

۷ - اقلیدس را **کتاب‌القانون (کاتاتومی‌کانونس)** است که ابن‌سینا در جوامع‌الموسیقی شفاء (ص ۳۳) ازآن نام برده و پیداست که آنرا دردست داشته است. **ابن‌هیثم «کتاب مقالات فی‌شرح قانون اقلیدس»** ساخته است گویا برخی از آن به‌زبان عبری درآمده وگویا ترجمهٔ از عربی بنام «**الهقانون**» از **ربی‌ایشعیاه‌بن اسحاق** که در ۱۸۸۷ چاپ شده است باشد. **رسالة فی‌قسمة‌القانون** کندی گویا شرح این کتاب باشد.

نیز بنام اوست «**کتاب‌النغم**» که گویا همان «**ایساگوگه آرمونیکی**» منسوب به‌**کلئونیدس** باشد. شرحی دارد از ابن‌هیثم. ابن‌سینا هم گویا این دو را شرح کره باشد.

نیز **قول اقلیدس علی‌اللحون وصنعة‌المعازف ومخارج‌الحروف** که درآن چنین آمده است: «وهذاالمدخل من‌المداخل مرضی ومستقصی وسهل‌فی‌الاختصار مسلم وان‌کان‌لم یحط بالکنه ولم‌یصنع‌المدرك وقدکتبنا تألیفین متشاکلین احدهما

٦- ف ۱۰۹.

۷- ف ۱۰۲ و ۱۰۳، مل ۱۳، تاریخ ۱۵۲، ترجمه ۱۷۹.

محیط بکل‌ما وضعنا باستقصاء والثانی سهل‌الماخذ علی من‌ابتدأ فی‌طلب‌العلم ومجیب الیه ادراك ما بعده کالتدریج».

و «وضعت هذا المدخل تعمدا علی مجری‌المسائل والجواب».

زکریا یوسف آنرا در مؤلفات الکندی الموسیقیة (ش ٤) در بغداد در ۱۹۶۲ بنام «مختصر الموسیقی فی‌تألیف‌النغم وصنعة‌العود» بنام‌کندی از روی نسخهٔ ۵۵۳۱ برلین (۲۲ ر – ۲٤ پ) چاپ‌کرده‌است. سپس نسخهٔ مغنیسا ۱۷۰۵ در ۳۵ ص ۱۷ سطر (فیلم ۲۶۲ دانشگاه ص ٤٤۵ فهرست) را دیده ودریافت که ازکندی نیست و دوباره دردیباچهٔ رسالة‌الکندی فی‌اللحون‌والنغم (چاپ۱۹۶۵ بغداد ص٤) نوشته‌است‌که آن از اقلیدس‌است وشاید ترجمهٔ کندی باشد. آنچه‌که چاپ شده‌است ۱ ص ۱۲ س درآغاز و ۱۲ ص و ۹ س درانجام کم دارد.

آغاز: قول اقلیدس علی‌اللحون و صنعة‌المعازف و مخارج‌الحروف اما مسالك‌الاحادیث وجداول‌الحکماء و نحوالنحویین فقد وصفناوالان نصف فی‌کتابنا هذا استقصاء معرفة‌اللحون من‌اجل انهاطبیعیة رافعة‌للمتعلمین مؤلفة‌للحیاة ویؤلف الی‌المؤلف‌الفة لمصیر هذاالکل نواعیا لابناء‌الفلسفة الی تادیب ماکتبنا.

انجام: و هذا السبعة (التسعة خ) تتمزج خمس مرات و نحن متمثلون صورة لقسم‌القسم وترکیب‌الترکیب والاصوات‌المبسوطة والنغم المرکبة بالکلامات حتی یدرك جمیع ما وصفنا ویفهم ان‌شاءالله تعالی. تم‌الکتاب والحمدلله وعلی‌نبیه الصلوة والسلام. قوبل‌الکتاب بالاصل‌المنتسخ‌منه وکان‌سقیما جداوله‌الحمد.

درآن جستجو شده است ازلحن وصوت وموسیقی وگفته شده‌که شاگرد وآموزندهٔ آن نخست باید چهار چیز بداند: حرفهای بی‌صدا و باصدا را بشناسد وبیتهای شعررا درست اداکند ومخارج حروف را بازشناسد و بافزارهای موسیقی آشناباشد. آنگاه ازمخارج حروف سخن بمیان میآید وگفته‌میشودکه درهریك از نحو ولحن باید شش‌چیزرا دانست، سپس ازسمع وصوت بحث میشود ویاد میشود که شعر یونانی دوازده نغمه دارد و بیست طنین. در پایان گفته می‌شود که چرا بااینکه افزار آواز درهمهٔ مردم یکنواخت است آوازها گوناگون است. درپایان‌کتاب‌گویا شکلی باید باشدکه ترکیبات طنین‌ها ونغمه‌هارا نشان‌دهدکه در نسخه دیده نمیشود.

۸ – بطلمیوس ریاضی‌دان **کتاب‌الموسیقی** یا **کتاب آرمونیکی** داردکه در سدهٔ سوم ترجمه شده و فارابی (ص ۱۰۳ الموسیقی‌الکبیر) وکندی از آن بهره برده‌اند. فارابی مینویسد: «مثل‌بطلمیوس‌التعالیمی فانه ذکر فی‌کتابه فی‌الموسیقی انه لایحس بکثیر من ملائمات‌النغم و انه اذا اراد امتحانها امرالموسیقی الحاذق

۸– ف ۱۰٤، مل ٦، تاریخ ۱۵۲، ترجمه ۱۸۰.

المرتاض بامتحانه‌له» .

(التنبیه ص ۱۲۸ ــ طبقات ۲۹ ــ العقدالفرید ۳: ۱۸۶ ــ اخوان‌الصفاء ۱ : ۱۰۲ ــ المکتبةالجغرافیةالعربیة ۸ : ۱۲۹) .

۹ ــ اسکندر افرودیسی که **تلخیص کتاب‌النفس** دارد ودرآن‌هم ازشنوایی وآواز سخن بمیان میآید. این کتاب در صد برگ بوده است. در فهرست (۲۵۱) وتاریخ‌الحکماء قفطی (۴۱ و ۵۴) ازآن یادشده‌است (نقل فلسفهٔ یونانی به‌جهان عربی از بدوی به‌فرانسه ص ۹۹ ــ ارسطاطالیس عربی از پتر Peter به انگلیسی ص ۴۲) .

۱۰ ــ ثامسطیوس که **شرح کتاب‌النفس** ارسطودارد وآنرا اسحاق‌بن‌حنین درگذشتهٔ‌نزدیك ۲۹۸ به‌عربی برگردانده‌است درآن مانندمتن‌کتاب ازسمع وشنوایی وآواز بحث میشود (فهرست ۳ ــ ۲۵۱) .

فارابی درموسیقی‌کبیر (ص ۱۰۳) ازو بسیارستوده وازموسیقی‌شناسی‌او یادکرده وگفته‌که او گرچه درفلسفه ازسرامدان‌بوده‌است ولی خود اعتراف‌میکند که درهنرموسیقی ورزیدگی ندارم وازراه ریاضی وتعالیم بدان آشنا هستم.

۱۱ ــ نیقوماخوس اسطاغاریایی جهراسینی (نیکوماخوس گراسانی) Nicomachus grasenus را **کتاب‌الموسیقی‌الکبیر** یا **کتاب‌النغم** است‌که درسدهٔ‌سوم ترجمه شده است و **مختصرفی‌الموسیقی** و **کتاب‌الارثماطیقی** یا **کتاب‌المدخل الی علم‌العدد** که ثابت‌بن قرة درگذشتهٔ ۲۸۸ آنرا ترجمه کرده است . در آن از نسبت مؤلفه وموسیقی بحث شده است. کارپینسکی Karpinski آنرا به‌انگلیسی در۱۹۲۶ درنیویورك نشر کرده است. ولهلم‌کوتس‌یسوعی متن‌آنرا در۱۹۵۹ دربیروت چاپ کرده است . نسخهٔ آن در موزهٔ بریتانیا ش Add. 7473 (۴۲۶ فهرست) مورخ ۶۳۹ هست. در شرح‌الادوار فتح‌الله شروانی که بنام محمدبن مراد ساخته است از آن یاد شده است.

۱۲ ــ جالینوس را **کتاب‌الصوت** است که در آن از رهگذر طبیعی و وظایف‌الاعضاء (فیزیك و فیزیولوژی) بحث کرده است . آنرا حنین‌بن اسحاق درگذشتهٔ ۲۶۰ برای محمدبن عبدالملك‌الزیّات وزیر درگذشتهٔ ۲۳۳ درچهار مقاله به‌عربی درآورده است وکندی‌گویا ازآن بهره برده باشد. اصل یونانی‌آن دردست نیست. در سدهٔ هفتم آنرا ازعربی به‌لاتینی درآورده‌اند و این لاتینی درجزوآثار

۹ــ ف ۱۰۸ ، مل ۱۴ .

۱۰ــ ف ۱۰۷ ، مل ۱۴ .

۱۱ــ ف ۹۹ تا ۱۰۱ ، مل ۵ ، تاریخ ۱۵۲ و ۲۰۲ ، ترجمه ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۲۳۷ .

۱۲ــ ف ۱۰۵ و ۱۰۶ ، مل ۷ ، تاریخ ۱۲۷ و ۱۵۱ ، ترجمه ۱۴۹ و ۱۷۸ .

جالینوس در ونیز بسال ٥ ـ ١٥٤١ چاپ شده است. (ج ١) .

نیزازو است **کتاب فی‌تشریح آلات‌الصوت** که حنین‌گویا ازسریانی به‌عربی درآورده است، متن یونانی این‌هم نیست وپاره‌ای ازترجمهٔ لاتینی آن هست.

(فهرست ٢٠٠ ـ قفطی ١٣٠ ـ خزرجی ١ : ٩٥ و ١٠٥) .

١٣ ـ مورسطوس Muristus که از او درفهرست دوکتاب یادشده‌است:

١ ـ **کتاب‌فی‌الآلات‌المصوته‌المسمی** بالارغنون‌البوقی والارغنون‌الزمری.

٢ ـ کتاب‌الالة‌المصوتة تسمع‌علی‌ستین‌میلا .

درتاریخ‌الحکماء چنین‌آمده‌است: «کتاب‌فی‌الالة‌المصوتة‌المسمی بالارغنون البوقی والارغنون‌الزمری یسمع‌علی‌ستین‌میلا» .

این رساله‌را شیخودرالمشرق در ١٩٠٦ ص ٣١ـ٣٣ چاپ‌کرده وویدمان آنرا در ١٩١٨ به‌آلمانی و فارمر در ١٩٣١ درلندن به‌انگلیسی درآورده است.

* ایاصوفیا ٢٤٠٧ و ١٤٥٥
* بیروت ١ : ٢٤٤ از سدهٔ ١٤ و ٢ : ٣٦٤ از سدهٔ ٩ .
* موزهٔ بریتانیا Or. 9649 برگ ٦ پ ـ ١١ درآن از آلت زمری وبوقی و ازسومی بحث میشود .

درفهرست (٢٧٠) وتاریخ‌الحکماء قفطی (٣٢٢) ومختارالحکم (١٥٦) وکتاب‌السیاسة فی‌اسرارالریاسة منسوب به ارسطو (گویا ترجمه ١٨٤) و رسائل اخوان‌الصفاء از رسالهٔ صنعة‌الارغن‌البوقی یاد شده‌است‌که باید درسدهٔ سوم ترجمه شده باشد و آن دربارهٔ سازی است ترسانندهٔ دشمن وگویا یکی ازرساله‌های نایافتهٔ کتسیبیوس همین بوده است.

لویس شیخو آنرا درالمشرق در ١٩٠٩ ص ٣١ـ٣٣ چاپ‌کرده و ویدمان ترجمهٔ آلمانی آنرا در لایپزیك در ١٩١٨ ص١٦٤ ـ ١٦٦ نشرکرده است .

ترجمهٔ فرانسوی‌کارادوو درمجلهٔ مطالعات یونانی در١٩٠٨ نشر شده‌است.

* ایاصوفیا ٢٤٠٧ و ٢٦٥٥ .
* بیروت ١ : ٢٢٤ (رسالةفی‌الارغنون) .
* بیروت ٢ : ٣٦٤ ص ١٠ ـ ١١ (عمل‌الالة‌التی . . . یذهب صوتهاستین‌میلا) .
* موزهٔ بریتانیا Or. 9649 برگ ١ پ ـ ٥ .

در فهرست ابن‌الندیم (ص ٢٨٥) از «کتاب آلة‌الزمرالبوقی و کتاب آلة‌الزمرالریحی» یاد شده است.

١٤ ـ به آلیپیوس Alypius – هم‌کتاب Semia رانسبت‌داده‌اند، همچنین

---

١٣ - ف ١١٣ ، مل ١٠ .

از پلوتارخوس‌دروغین و باکخیوس Bacchius و ثاون (ثئون) و سیمپلیقیوس آثاری دردست بوده است که شاید به‌عربی درآمده باشد.

فارمر در تاریخ موسیقی عربی و منابع موسیقی عربی و موسیقی‌شناسان یونانی درترجمه‌های عربی (مجلهٔ ایسیس Isis ۱۳/۲ ص ۳۲۵ ــ ۳۳۳ سال ۳۰ ــ ۱۹۲۹) ازاینها بحث‌کرده است .

۱۵ ــ آپلونیوس پرگایی را **صنعة‌الزامر** یا **صنعةالزمر** و **عمل آلات‌الزمر** است . آنرا کارادوو در روزنامهٔ‌آسیایی JA در۱۸۹۱ درپاریس به‌فرانسه گزین کرده و ویدمان در ۱۹۱۸ در لایپزیك به‌آلمانی درآورده و فارمر در ۱۹۳۱ به‌انگلیسی گزین کرده است.

* بیروت ۱ : ۲۳۳ بر گ۲۹ ــ ۱۲۵ .

* پاریس ۲٤۶۸ .

* موزهٔ بریتانیا Add. 23391

۱۶ ــ فیلون را **کتاب فی‌الخیال‌الروحانیة** و **مخانیقاالماء** است‌که درسدهٔ سوم ترجمه‌شده وکارادوو آنرا درپاریس در۱۹۰۲ باترجمهٔ فرانسه چاپ‌کرده‌است.

* بادلیان ۶۶۹ مارش .

۱۷ ــ فیلمون بابلی‌که نامش را فیلمان و «قیطوان» و «قنطوان» و «قیطوار» هم نوشته‌اند **کتاب‌الایقاع** دارد. او ازبابل عراق یا میان‌رودان پایتخت ایران‌شهر است، یا از بابلیون مصر کهن و نوشته‌اند که اورا درمیانهٔ راه کشته‌اند. (الفهرست ۲۷۰ ــ تاریخ الحکماء ۲۶٤) .

۱۸ ــ فیندار‌وس رومی که شاید همان **پیندار‌وس** بوزنطیایی باشد ونامش را «فندروس ، قندروس ، قنذروس ، پرنوس» هم نوشته‌اند (شاید هم درست آن تئودوروس باشد) و شاید همان **پندار‌وس** موسیقی‌دان که ابوالفرج ابن العبری غریغوریوس در تاریخ سالانهٔ خود « تاریخ‌الدول » (ص ۳٤) یاد کرده و در مروج‌الذهب مسعودی درگذشتهٔ ۳٤۵ (۸ : ۸۱) و آداب‌الفلاسفة حنین‌بن اسحاق هم ازآن یادگشته است. پیداست‌که اوبندارِرازی نخواهدبود چنانکه فارمر احتمال داده است.

۱۹ ــ اریستیدس کوئینتیلیانوس Aristides Quintilianus «**فی‌الموسیقی**»

۱۵ــ ف ۱۱۲ ، مل ۹ .

۱۶ــ ف ۱۱۱ .

۱۷ــ ف ۱۱۷ .

۱۸ــ ف ۱۱۸ ، مل ۱۵ .

۱۹ــ ف ۱۲۲ .

دارد که درسدهٔ سوم به‌عربی درآمده‌است وگفته‌اندکه فارابی ازآن بهره برده‌است (گفتارفارمردرایسیس) .

۲۰ ــ عیرون یا هرون را **کتاب‌الخیال الروحانیة** Pneumatica است به‌عربی و **مخانیقا** که قسطابن لوقا درگذشتهٔ ۳۰۰ آنرا ترجمه کرده است . آنرا کارادوو در ۱۸۹٤ در روزنامهٔ آسیایی JA به‌فرانسه ونیکس Nix در ۱۹۰۰ به‌آلمانی درآورده‌اند .

۲۱ ــ سعطوس یا ساتوس یا سعماطوس قدیم را «**کتاب‌الجلجل‌الصیاح**» یا «**رسالةصنعةالجلجل‌الصیاح**» است که در سدهٔ سوم ترجمه شده است. آنرا شیخو در المشرق در ۱۹۰٦ ص ۲٦ ــ ۲۸ چاپ کرده و ویدمان در ۱۹۱۸ به‌آلمانی درآورده است (ص ۱٦٤ و پس ازآن) .

* ایاصوفیا ۲٤۰۷ و ۲۷۵۵ .
* بیروت ۲ : ۳٦٤ ص ۱۲۰ ــ ۱۲۲ .
* موزهٔ بریتانیا Or. 9649 برگ ۱۱ پ ــ ۱۳ .

۲۲ ــ بولس که ازاو«**عنصرالموسیقی**» ومافترقت‌علیه‌الفلاسفة من‌ترکیبه ومائیته «به‌نقل اسحاق‌بن حنین دردست هست واو درآن ازامونیوس و بورسطوس و روطیروس و اوقلیدوس و ثوفرسطس و افلیلیس و اسکندر وارماوس وارسطا-طالیس و سولن و ارقاوس و سویطرس رومی و افلاطون و هرمس و قندرس سخنانی درموسیقی آورده است . رسالهٔ کوتاهی‌است وهمین سخنان است وبس. در آن عبارت «دست بندعقل» دیده میشود.

او باید همان پولس ایرانی مؤلف رسالهٔ منطق برای انوشروان باشد که مشکویهٔ رازی ازاو درترتیب‌السعادات یادکرده است.

* مغنیساگنل ۱۷۰۵ (فیلم ۲٦۲ دانشگاه ص٤٤۵) در ۱۵ص .

آغاز : کتاب عنصرالموسیقی و ماافترقت علیه‌الفلاسفة من‌ترکیبه ومائیته تألیف بولس ونقل اسحق‌بن‌حنین قال‌امونیوس اولم هرقل‌علی‌ولده‌فجمع‌الفلاسفة .

انجام : فان‌کل منطق موزون عذب شجی‌تام. تم کتاب اسحق فی‌الموسیقی وکان اصله سقیما .

۲۳ ــ رسالة فی‌الموسیقی که در آن مانند کتاب عنصرالموسیقی بولس و فصل ٤ مقالهٔ ۲ رسالهٔ فی‌اجزاء خبریة فی‌الموسیقی کندی و رسالهٔ موسیقی اخوان‌الصفاء سخنان فیلسوفان یونانی دربارهٔ منافع وخواص موسیقی آمده است. درآن‌یادشده‌است‌ازاسکندر وفوثاغورس وهرمس وافنیطون ونیقوماخوس

---

۲۰ - ف ۱۱۰ .
۲۱ - ف ۱۱۵ و ۱۱٦ .

و افلاطون و کتاب سیاست وطیماوس والسنن والاداب او و از لحن «اسفندناقون»
وافزار «لورا»، نیز درآن آمده‌است «معنی الموسیقی تألیف‌الالحان وانا اشتق‌لها
هذاالاسم من‌اسم‌الفلک الاعلی الذی یدعا بالیونانیة موسیقان لعلوهذه‌الصناعة ولان
دوایرها مستقیمة‌کاستقامة دوایرالفلک‌الاعظم» مانندآنچه‌که مراغی ازاحمدمداینی
نقل‌کرده است.

آغاز : سالت اطال‌الله بقأک شرح معنی صناعة‌الموسیقی و ذکرت تشوقک
الی‌النظر فیما ذکرته‌الفلاسفة منها فتکلفت اجابتک عماسالت و شرحت لک ماوقفت
علیه من‌قولهم ایثارا لماقطعت‌الیه نفسک‌الشریفة من‌فضایل هذه‌الصناعة اذکانت
احدالعلوم الاربعة الریاضیة التی تختص بهاالنفس.

انجام : وکان‌افلاطون اذاجلس علی‌الشراب قال‌للموسیقاة غنیانی ثلثةاشیاء
فی‌الخیرالاول وفی‌الاقتداء به وفی‌ایضاح‌الامور.*

❊ نسخهٔ دکتر یحیی مهدوی مورخ ۵۹۰ در ۱۲ ص.
(فیلم ۲٤٤۳ دانشگاه).

۲٤ ــ **کتاب‌البیافر** یا میوهٔ دانش دربارهٔ موسیقی، این نامی است کهن
هندی و سعیداندلسی درگذشتهٔ ٤٦۳ ازآن بنام «نفیر» یا «یفیر» یادکرده وگویا
به‌عربی درآمده است، در طبقات (۱٤) نام «نفیر» آمده است و «یافیر» هم
خوانده‌اند (قفطی ۲٦٦).

ژ، فراند G. Ferrand میگویدکه درست‌آن بیافر Biyafar باید باشد،
گویاگرفتهٔ‌ازابهینه‌وبهارتی Abhinava Bharati درشرح‌ناتیاشسترا Natia Shastra
جاحظ درگذشتهٔ ۲۵۵ ازکینکله یادمیکندکه‌گویا کیناری Kinnari باشد
ومانند کینورعبری وکنارة عربی.

---

* در عنصرالموسیقی بولس این‌سخن را ثوفرسطس از افلاطون نقل‌کرده است (۱۳۱
عکس).

۲٤ - ف ۱۲٤ و ۲۱٦ و ص ٤۰، مل ٤٤.

۵

فهرست کتابهای عربی درموسیقی وسماع

۱ ـ یونس‌بن سلیمان‌بن کردبن شهریار کاتب مولی‌عمروبن‌زبیر درگذشتهٔ نزدیك ۱۴۸ پدرش فقیهی ایرانی وخودش دراغانی‌آمده‌است که به‌کتابت ودبیری می‌پرداخته و نخستین کسی است که غناء را تدوین کرده و اغنیه‌ها و سرودهای عربی‌راگردآورده وپاره‌ای ازاخبار وسرگذشتهای مغنیان‌را در **«کتاب‌فی‌الاغانی»** خود گذارده است . او **کتاب مجردالاغانی** هم دارد و گویا در آن مانند کتاب فی‌الاغانی فن «موسیقی» نباشد. **کتاب‌القیان** اوازکهن‌ترین‌کتابها دراین‌باره‌است.
کتاب‌النغم اوگویا نخستین رسالهٔ عربی‌است ازمدرسهٔ قدیم موسیقی‌اسلامی دربارهٔ موسیقی نظری .

۲ ـ خلیل‌بن احمد فراهیدی نیشابوری بصری لغوی عروضی (۱۰۲ ـ ۱۷۵) مؤلف **کتاب‌العین** را **جملة آلات‌الطرب** (ایاصوفیا) و **کتاب‌النغم** و **کتاب الایقاع** است.

۳ ـ یوحنابن بطریق مترجم‌مسیحی که‌ازیونانی یا سریانی به‌عربی ترجمه

---

۱ ـ ف۱ ـ ۴ ، ع ۲۶۴ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۸۵۸ ، الفهرست ۱۴۵ ، اغانی ۴ : ۱/۱۳ ، تاریخ ۴ ـ ۸۳ ، ترجمه ۹۲ و ۱۰۰ ، محفوظ ۱۴۴ ، مؤلفات‌الکندی ص۳۷ .

۲ ـ ف ۵ و ۶ ، ع ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۹۶۹ ، تاریخ ۱۰۵ و ۱۲۶ و ۱۵۱ و ۱۷۰ ، ترجمه ۱۲۶ و ۱۴۸ و ۱۷۸ و ۲۰۰ ، تراث‌الاسلام فارمر ص ۵۰ هامش ش ۲۶ ترجمهٔ عربی، فهرست ۴۳ ، یاقوت ۴ : ۱۸۲ .

۳ ـ ف ۷ .

میکرده ونزدیك ۲۰۰ درگذشته است.

اودرترجمهٔ **کتاب‌السیاسة** منسوب به‌ارسطو ازافزاری‌که باآوازآن دشمن را می‌ترسانده‌اند یادکرده است.

٤ ــ **ابواسحق ابراهیم‌بن ماهان ندیم ارجّانی موصلی** (۱۲۵ ــ ۱۸۸) که نسب‌ولائی‌تمیمی دارد. به‌دستور هارون‌رشید (درگذشتهٔ ۱۹۳) «المئة الصوت المختارة‌للرشید» ساخته‌است ازسرودهای خود وفلیح‌بن ابی‌العوراء مخزومی مکی وابوالقاسم اسماعیل‌بن جامع درگذشتهٔ نزدیك ۱۸۹ ودرآن ازموسیقی بحثی‌نکرده ولی‌گویا به‌ایقاع ولحن آنها اشارتی‌کرده باشد. اوراست نزدیك به‌چهل‌کتاب‌که درالفهرست یاد شده است وازآنها است: **اخبارالغریض** دربارهٔ ابومروان عبدالملك غریض مغنی معاصر و رقیب ابن‌سریج که عود می‌نواخته و دف میزده و در زمان عبدالملك درگذشته است. لحن وآواز جمیلة‌کنیز بنی‌سلیم واستاد معبد وابن‌عایشة وسلامة‌که همگان حکم اورا می‌پذیرفتند وکسی ازآنها دعوی همسری اونمی‌کرده است ، در شعراحوص‌هم یکی‌از سروده‌های همین «**المائة‌المختارة**» است .

ازهمین صد سرود برگزیده (**الاصوات المائة‌المختارة**) است در روایت علی‌بن یحیی درگذشتهٔ ۲۷۵ ، سرود ابن‌سریج ابویحیی عبیدبن سریج مغنی مولی بنی‌نوفل‌بن عبدمناف که در زمان هشام‌بن عبدالملك درگذشته است (هامش ص۵۷ الموسیقی‌الکبیر) وآن سرودی است‌که او درلحن ثقیل ثانی ازشعرعمربن ابی‌ربیعة میخوانده است وآن با دولحن : ابوعباد معبدبن وهب زنگی مدنی درگذشتهٔ ۱۲٦ از شعرابن قطیفة در خفیف‌الثقیل و ابن‌محرز ازشعر نصیب نیز درثقیل‌ثانی عبارتند از « **الثلاثة اصوات المختارة** » که مغنیان بدستور هارون‌رشید از میان سرودهای خوانندگان برگزیده وبه‌اجماع این سه را برتر ازهمه دانسته‌اند .

۵ ــ **ابوعثمان‌یحیی‌بن‌مرزوق‌مکی** درگذشتهٔ‌نزدیك۲۰۵«**کتاب‌فی‌الاغانی**» دارد مانند یونس‌کاتب وبسیاری ازآن دراغانی ابوالفرج آمده است.

٦ ــ **ابن‌المنجم ابواحمد یحیی‌بن ابی‌منصورموصلی** ازسدهٔ سوم (۲٤۱ــ ۳۰۰) «**کتاب‌الاغانی**» ساخته است به ترتیب تهجی و « **مجموع اغانی عریب** » والعود والملاهی .

---

٤ – ف ۸ ، ع ٤۵۸ و ٤٦۰ و ٤٦۱ ، تاریخ ۱۱۵ تا ۱۱۹ ، ترجمه ۱۳۸ – ۱٤۱ ، محفوظ ۱٤۰ و ۱٤۲ ، مؤلفات‌الکندی ۳۸ ، هامش ص٦۰ الموسیقی‌الکبیر .

۵ – ف ۹ ، ع ٦۸۹ ، مل ٦ .

٦ – ف ۱۰ و ۱۱ ، ع ۲۰ و ٤٦۹ و ٤۷۰ و ۹۵٤ ، چلبی .

نامش یحیی‌بن علی‌بن یحیی‌بن ابی‌منصور منجم است ومعروف‌است به‌ندیم وادیب است و مغنی وموسیقی‌دان وشاعر وایرانی .

رسالة فی‌الموسیقی یا **کتاب‌النغم** او را محمد بهجة‌الاثری دربغداد بسال ۱۳۶۹ (۱۹۵۰) و زکریا یوسف در قاهره در ۱۹۶٤ ازروی نسخهٔ Or. 2361 موزهٔ بریتانیا مورخ ۱۰۷٤ و نسخهٔ رضا در رامپور مورخ ۱۰۷۳ چاپ کرده‌اند . سرگذشت او و وصف این نسخه‌ها در دیباچهٔ این دوچاپ هست .

۷ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن المهدی الخلیفة (۱٦٤ ــ ۲۲٤) خلیفه‌زاده ورهبر روش‌رمانتیك ابداعی ایرانی درموسیقی دربرابرنحلهٔ رسمی تقلیدی اسحاق موصلی «**کتاب‌الاغانی**» داردکه پس ازاغانی‌یونس نخستین‌کتاب است دراین‌زمینه و دراغانی اصفهانی بسیار ازآن یاد شده است. او موسیقی را از مادر دیلمی خود به‌ارث برده است وخواهرش عُلَـیَّة هم ازمادر دیگری دیلمی بوده وموسیقی‌دان .

۸ ــ ابومحمد اسحاق‌بن ابراهیم‌بن ماهان (میمون) بن نسك ارجّانی رازی موصلی تمیمی (۱۷۲ــ۲۵۵) ازبزرگترین موسیقی‌دانها وخنیاگران ایرانی دوران‌اسلامی که نزدیك به‌چهل کتاب ساخته است. ازاوست **کتاب‌الاختیارمن‌الاغانی للواثق الخلیفة** (درگذشتهٔ ۲۳۲) و **کتاب‌الاغانی‌الکبیر** که سندی‌بن‌علی آنراگرد آورده ودیباچه‌ای بنام اسحاق‌بران گذارده است وآن منبعی است مهم برای اغانی اصفهانی، نیز **اغانی‌معبد** (درگذشتهٔ ۱۲٦) و «**کتاب‌اغانیه‌التی‌غنی‌بها**» و «**کتاب النغم والاریقاع**» و «**کتاب‌الرقص والزفن**» و «**کتاب قیان‌الحجاز**» و « **اخبار القیان**» و «**اخبارالندماء**» و «**اخبارالمغنین‌المکیین**» نیز «**کتاب اخبار**» : **الابجر** (خوانندهٔ زمان امویان) ، **حنین‌الحیری النصرانی** (درگذشتهٔ نزدیك ۱۰۱) ، **الدلال نافذ ابویزید** (زندهٔ در ٦٦ ــ ۸٦) ، **سعیدبن مسجح** (درگذشتهٔ نزدیك ۹۷) ، **طویس** (درگذشتهٔ ۸٦) ، **الغریض ابویزید عبدالملك** (۸۱ ــ ۱۰۲) ، **ابوجعفر محمدبن عایشة** (درگذشتهٔ نزدیك ۱۲٦) ، **معبد و ابن‌سریج** (درگذشتهٔ نزدیك ۱۰۸) .

فارابی در رسالة الایقاع والموسیقی الکبیر (ص۵۸ و ٦۰) از او یاد کرده است.

۹ ــ احمدبن جعفرمداینی حداد، «**لوازم‌الموسیقی**» داردکه گویا به‌عربی

---

۷ ــ ف ۱۲ ، ع ٤۵۷ ، مل ۸ ، تاریخ ۱۱۹ ــ ۱۲۱ ، ترجمه ۱٤۱ ــ ۱٤۳ ، چلبی فهرست ۱۱٦ .

۸ ــ ف ۱۳ تا ۳۱ ، ع ٤۰ و ٤۹۱ تا ٤۹٤ و ۷٤٤ و ۷۸۷ تا ۷۹۸ ، مل ۱۳ ، تاریخ ۱۲٤ ، ترجمه ۱٤٦ ، فهرست ۱٤۱ ، یاقوت .

۹ ــ

است و بندی ازآن در جامع‌الالحان و در مقاصدالالحان (ص ۱۳۸) و در شرح فارسی مراغی برادواریادیا نقل شده است. مراغی اورا پس ازخلفاء وامرا ووزراء که به‌هنر موسیقی می‌پرداخته‌اند همراه با اسحاق موصلی وباربد میآورد.

او درفائدهٔ چهارم پایان شرح ادوار می‌نویسد : «اما احمدبن‌جعفرالحداد المداینی درکتاب «**لوازم‌الموسیقی**» ذکر اصناف طرایق بسیارکرده است ودراین باب بیان کل‌الضروب وکل‌النغم کرده وطرایق توالف آنها را باز نموده وبرابیات و اشعار عربی تصانیف به اصلاح اصابع سته ساخته و آنها را درکنزالالحان ذکر کرده‌ایم» .

۱۰ – ابن حمدون احمدبن حمدون‌بن اسماعیل‌بن داود کاتب زندهٔ در ۲۳۵ ازدرباریان متوکل عباسی (۲۳۲ – ۲۴۷) نگارندهٔ **کتاب‌الندماء والجلساء** .

۱۱ – زریاب ابوالحسن علی‌بن نافع درگذشتهٔ نزدیك ۲۴۶ مولی مهدی خلیفه وشاگرد اسحاق‌موصلی وموسیقی‌دان دانشمند عودنواز دربارهارونی ودربار مغرب یا افریقای شمالی و دربار عبدالرحمان دوم در اندلس که در سال ۸۲۱ م موسیقی خاوری را به‌اندلس برده بود. ده هزار سرود را با لحن آنها میدانست واین شماره بگفتهٔ بطلمیوس واضع ومؤلف موسیقی شمارهٔ نهائی است .

بنام اوست **کتاب فی‌اغانی زریاب** که **اسلم‌بن عبدالعزیز** یا **اسلم‌بن احمدبن سعید** با **حمدونه** دختر زریاب آنرا گرد آوردند.

۱۲ – سندی‌بن علی وراق درگذشتهٔ نزدیك ۲۳۵ « **کتاب اخبارالاغانی الکبیر** » که اسحاق موصلی مقدمهٔ آنرا نوشته وبدو اجازهٔ این گردآوری را داده بود و مواد آن از آثار دیگر اسحاق برگزیده شده است و آنرا «**کتاب‌الشرکة**» خوانده‌اند.

۱۳ – حسن‌بن موسی نصیبی درگذشتهٔ نزدیك ۲۴۶ برای متوکل عباسی **کتاب‌الاغانی علی‌الحروف** ساخته که نخستین کتابی است بدینگونه درزبان عربی . ابن‌الندیم ازآن می‌ستاید که درآن اخباری است دربارهٔ اغانی که اسحاق موصلی و عمروبن بانه نیاورده‌اند ونام زن ومرد مغنی جاهلی واسلامی هردو درآن آمده است همچنین ازاو است کتاب **مجردات‌المغنین** .

---

۱۰ – ف ۳۲ ، فهرست ۱۴۴ ، یاقوت ۲ : ۲۲۳ .

۱۱ – ف ۳۳ و ۸۴ ، ع ۴۹۸ ، مل ۹ و ۲۰ ، تاریخ ۳۰ – ۱۲۸ ، ترجمه ۱۵۱، محفوظ ۱۳۰ ، بغیةالمتلمس مقری ۲۲۴ .

۱۲ – ف ۳۴ ، ع ۶۷۰ ، تاریخ ۱۲۶ ، ترجمه ۱۴۸ ، فهرست ۱۴۱ ، یاقوت ۲: ۲۲۳ .

۱۳ – ف ۳۵ و ۳۶ ، ع ۲ – ۸۶۱ ، مل ۱۰ و ۲۷ ، تاریخ ۱۵۳ و ۱۷۰ ، ترجمه ۱۸۱ و ۲۰۰ .

١٤ ـ ابوجعفر احمدبن‌یحیی‌بن‌مرزوق مکی درگذشتهٔ ٢٥٠ که به‌«زنین» یا «**ظنیناالمکی**» معروف است از درباریان معتصم درگذشتهٔ ٢٢٧ و از سرامدان درغناء وخنیاگری است ودر دربار مأمون هم بوده است.

از او است «**تصحیح کتاب اغانی لیحی‌بن‌المکی**» که اغانی پدر خود را درآن تصحیح نموده‌است. نیز **کتاب مجردالاغانی** که برای محمدبن عبدالله‌بن طاهر خراسانی ساخته ودرآن نزدیك به‌چهارده هزار اغنیه وسرودگذارده بی‌آنکه خبر وترجمه وسرگذشتی ازکسی درآن یاد کرده باشد.

١٥ ـ ابوعثمان عمروبن بحرجاحظ بصری دانشمند درگذشتهٔ ٢٥٥ را **طبقات‌المغنین** است (مکتبةالسیدعبدالحی‌الکتانی‌بالمغرب ـ موزهٔبریتانیا Or 3138 گ ٤٩ ر ـ ٥١ پ) که در مجموعهٔ رسائل او چاپ قاهره در ١٩٠٨ (ص١٨٦ ـ ١٩٠) و درحاشیهٔ الکامل‌مبرد چاپ قاهره در ١٩٠٥ (١ : ١٢٠ ـ ١٢٣) آمده است. نیز **رسالةالقیان** (داماد ابراهیم استانبول ٩٤٩/١٤) که یاقوت (٦ : ٧٦) ازآن یادکرده ودر ثلاث‌رسائل چاپ فونکل (Funkel) در ١٩٢٦ ص ٣٥ ـ ٧٥ دیده میشود . در **کتاب‌المحاسن والاضداد** او هم «**طبقات‌المغنین**» هست. در **التاج** منسوب به‌او نیز **طبقات الندماء المغنین عندالفرس وفی‌الاسلام** آمده است (ص٢٢ـ ٤٦) «**محاسن‌الوصائف‌المغنیات**» هم در **المحاسن و الاضداد** او دیده‌میشود (چاپ قاهره ١٣٢٤ ص ٢٩١ ـ ٢٩٦ و چاپ لیدن در ١٨٩٨) در مجلةالفکر تونس گفتاری است از طه حاجری (مارس ١٩٥٨ س ٣ ص ٢١ ـ ٢٩) و احمد مختار وزیر (اکتبر ١٩٥٧ ، س ٣ ش ١) دربارهٔ همین **رسالةالقیان** .

١٦ ـ از فرزندان «**موسی‌بن شاکر خوارزمی**» یکی را «الالةالتی‌تزمر بنفسها» است که درکتابخانهٔ الکلیةالارثوذکسیةالاغریقیة «الاقمارالثلاثة» مجموعهٔ ٣٦٤ (ص ٦٨ـ٨٦) هست (بیروت ١/٢٢٣) کولانژت (Collangettes) ولویس شیخو آن‌را درالمشرق (س١٦ ص٤٤٤ ـ ٤٥٨ سال١٩٠٦) چاپ کردند وویدمان (Wiedmann) آن‌را در ١٩٠٩ به‌آلمانی درآورده وفارمر در٩٠٣١ درلندن‌آنرا به‌انگلیسی برگردانده است.

نام مؤلف را «**احمد**» درگذشتهٔ ٢٥٩ نوشته‌اند ولی گویا همان «**محمد**» باشد که «**الحیل**» هم ازاوست ونسخهٔ آن دربرلین هست (ش ٥٥٦٢) درفهرست سپهسالار (٤ : ٣٥٤ ـ ٣٥٨) بحثی دربارهٔ آن دیده میشود.

---

١٤ ـ ف ٣٧ و ٣٨ ، ع ٨ ـ ٤٦٧ ، مل ١١ ، تاریخ ١٣٦ ترجمه ١١٤ ، اغانی ٦ : ١٦ و ١٥ : ٦٣ .

١٥ ـ ف ٣٩ ـ ٤٢ ، ع ٨٠٨ ـ ٨١٠ و ٨١٢ و ٨٦٣ ، مل ١٢ .

١٦ ـ ف ٤٣ ، ع ٩٥٧ ، تاریخ ١٢٨ ، ترجمه ١٥٠ .

۱۷ ـ ابویوسف یعقوب بن اسحق کندی فیلسوف درگذشتهٔ ۲۶۰ را چندین کتاب درموسیقی است . ابن‌الندیم هفت رساله و قفطی شش‌رساله و ابن ابی‌اصیبعه هشت رساله از او یادکرده‌اند . نام همهٔ اینها در تاریخ و فهرست فارمر و دیباچهٔ حفنی برموسیقی‌شفا ودیباچهٔزکریایوسف ورائدالموسیقی‌العربیة‌علوچی والموسیقی العراقیة عزاوی آمده است . چهار رسالهٔ او را زکریا یوسف در مؤلفات الکندی الموسیقیة در ۱۹۶۲ دربغداد ورسالةالکندی فی‌اللحون والنغم در۱۹۶۵ دربغداد نشر کرده است :

۱ ـ رسالة فی خبر صناعة‌التألیف

* موزهٔ بریتانیا Or. 2361 گ ۱۶۵ ر ـ ۱۶۸ ر .

چنین است مطالب آن :

۱ ـ الابعاد .
۲ ـ الاجناس .
۳ ـ الجموع .
٤ ـ المقامات .
٥ ـ الانتقال .
٦ ـ تألیف‌اللحن .
۷ ـ انواع البناء اللحنی .

کندی درآن‌میگویدکه ما در «**کتابناالاعظم فی‌التألیف**» ازتألیف به‌کمال بحث‌کردیم و از موسیقی ریاضی و ایقاع در «**الاقاویل العددیة والنسب الزمانیة** سخن داشته‌ایم» ودراینجا نمونه‌ای ازآنها را میآوریم.

این رساله‌را روبرت لاخمان ومحمود حفنی با ترجمهٔ آلمانی بنام «رسالة فی‌خبر تألیف الالحان» در لایپزیك بسال ۱۹۳۱ چاپ‌کرده‌اند .

۲ ـ المصوّبات الوتریة من‌ذات الواحد الی‌ذات‌العشرة الاوتار .

* بادلیان ۱۶/۶۶۳ مارش گویا مورخ ۶۳۱ ونوشتهٔ أبراهیم‌بن عبدالله عمری ص ۲۲۶ ـ ۲۳۸ و ۲۰۳ و ۲۰٤ .

رساله در پنج فصل یا مقاله باید باشد و مقالهٔ یکم و دوم و برخی ازسوم درآن هست وازاین مطالب درآن بحث میشود :

۱ ـ الاسباب‌الفلسفیة لعدد الاوتار فی‌الالات الموسیقیة .

---

۱۷ - ف ٤٥ تا ٥٦ ، ع ۲۷۳ تا ۲۸۷ و ۹۷۱ و ۹۷۲ ، مل ٤ .

۲ ـ تأثیرالالحان فی‌الانسان والحیوان .
۳ ـ مایلزم الموسیقار ان یاخذ به‌عند تقدیم الموسیقی .
٤ ـ تألیف‌اللحون وتأثیرها فی‌النفس .
٥ ـ الایقاعات و تأثیرها فی‌النفس .
٦ ـ قوانین الانتقال من‌ایقاع الی آخر .
۷ ـ نغمات اوتارالعود و مشاکلتها للافلاك .
۸ ـ مزج نغمات‌الاوتار وتأثیر ذلك فی‌الطبایع‌البشریة .
۹ ـ بعض‌الاشعار والایقاعات التی لحنت‌بها .

این عنوانها درنسخه دیده میشود :

المقالةالاولی ذکرالالات الصوتیة وسایر اعداد الاوتار .
المقالة الثانیة (فی‌تألیف‌اللحون) .
المقالة الثالثة فی‌مشاکلة الاوتار .
فی‌کیفیة اظهارالاوتار اخلاق‌النفس .
الترکیب .
فی‌العشرة اوتار .

ازاین‌سخن کندی: «فالموسیقاری‌الباهرالفیلسوف یعرف مایشاکل کل من یلتمس اطرابه من‌صنوف‌الایقاع والنغم والشعر، مثل حاجةالطبیب الفیلسوف الی ان یعرف احوال من یلمتس علاجه اوحفظ صحته» پیداست که به جنبهٔ علمی و عملی موسیقی هردو می‌نگرد. دراینجا است که او از افزار یك‌زهی هندوان بنام کنکه وافزار دوزهی خراسانیان که ایرانیان دوگانه‌گرای هستند وافزار سه‌زهی رومیان که درجهان هستی چیزها را سه‌گانه می‌بینند وافزار چهارزهی وپنج‌زهی تا هشت زهی آنهاهم نظر به‌تعبیرات فلسفی دیگر که ازامور جهان شده است یادکرده ونیز گفته که افزار چهار زهی را برخی از یونان میدانند و بابلیان آن را از خود می‌پندارند وفارسیان میگویندکه درکشور انوشیروان کودکی بنام «فلهوذ» پیدا شده‌که‌کسی براو در روشی که داشت پیشی نگرفته بود و او افزارهائی طرب‌انگیز به‌جز عود ساخته بود.

این «فلهوذ» که‌کندی میگوید همانست‌که فارابی بنام «فلهید» یادکرده وگفته‌که اودرزمان خسروپرویز پسرهرمز پادشاه فارس بوده است.

کندی ازآثار اخلاقی ودینی موسیقی بحث‌کرده ویادکرده ازارتباط آن با اوضاع آسمانی و تأثیرآهنگها درحالات انسانی همچنین از دهدهی‌بودن اجزاء جهان ودرپایان آن ازچندبیت عربی ذی‌الرّمة واعشی وسلمی کنیز محمود وراق وازقصائد احمدیات وایقاع ماخوری درشعرعربی .

افسوس که نسخه ناقص است و درمیانه هم افتادگی دارد.

۳ ــ رسالة فی اجزاء خبریة فی الموسیقی که در عیون‌الانباء نزدیك به‌همین نام یاد شده است .

* برلین ۵۵۰۳ گ ۳۱ ر ــ ۳۵ ر .

دردومقاله است هریك درچهارفصل:

مقالهٔ ۱ :

فصل ۱ ــ فی‌الایقاعات .

فصل ۲ ــ فی کیفیةالانتقالات من‌ایقاع الی ایقاع .

فصل ۳ ــ فی کسوةالموسیقی‌ای الایقاعات‌المرتبة لای‌الاشعار المشاکلة .

فصل ٤ ــ فی کیفیة استعمال الموسیقی للایقاعات والاوزان الشریعة علی حسب‌الازمان الواجب ذلك فیها .

مقالهٔ ۲ :

فصل ۱ ــ فی‌مشاکلة الاوتارلارباع‌الفلك و ارباع‌البروج و ارباع‌القمر و ارکان‌العناصر وصب‌الریاح وفصول‌السنة وارباع‌الشهر وارباع‌الیوم وارکان‌البدن وارباع‌عمرالانسان وقوی‌النفس المنبعثة فی‌الراس وقواها .

فصل ۲ ــ فی‌مزاجات‌الالوان .

فصل ۳ ــ فی‌مزاجات‌الارابیح .

فصل ٤ ــ فی‌نوادرالفلاسفة فی‌الموسیقی .

پس دراین‌رساله بحث‌میشود ازایقاعها وچگونگی انتقال ازایقاعی به‌ایقاع دیگر وتناسب ایقاعات بااشعار وزمان آنها وتناسب لحنها باآسمانها وبرجها و اثر نفسانی آنها و از رنگها وآمیختگی آنها و بویها و آمیختگی آنها و سخنان نادر فیلسوفان درموسیقی‌که رساله دراینجا ناقص است ودرچاپی ازروی رسالهٔ موسیقی اخوان‌الصفاء تااندازه‌ای‌کامل شده‌است. بحث‌کندی ازرنگهاکه درفن رسم سودمند است وبویها وآمیختن آنها تازگی دارد.

این رساله را محمود احمد حفنی هم درقاهره با تحقیقی چاپ‌کرده است . بخشی از آن را فارمر در مقالهٔ خود دربارهٔ سعد یاگائون درلندن در ۱۹٤۳ چاپ کرده است.

٤ ــ رسالةالکندی فی‌اللحون والنغم الفهالاحمدبن المعتصم کـه همان «**مختصرالموسیقی فی‌تألیف النغم وصنعةالعود**» است‌که ابن‌ابی‌اصیبعه (۱ : ۲۱۰) گفته که او آن را برای احمدبن المعتصم ساخته است.

* برلین ۵۵۳۰ گ ۲۵ ر ــ ۳۱ ر .

* مغنیسا ۱۷۰۵ گ ۱۱۰ پ ــ ۱۲۳ ر .

آن‌را زکریا یوسف یك‌بار ازروی نسخهٔ ناقص برلین بنام الرسالةالکبری فی‌التألیف درمؤلفات الکندی الموسیقیة در ۱۹۶۲ در بغداد وبارهٔ دیگر از روی هردونسخه به‌نام یادشده دربالا در ۱۹۶۵ دربغداد چاپ‌کرده است .

درآن سه مطلب مهم است :

۱ ـ کیفیة صناعة العود .

۲ ـ تسویات العود .

۳ ـ تمرین‌للضرب علی‌العود .

کندی میگوید‌که موسیقی یا تألیف‌الالحان سه فن است:

۱ ـ شناختن اندازهٔ بعدها درترکیب و درازا وپهنا وژرفای آنها وزهها ودستانها .

۲ ـ نسبت‌زهها واوتار بایکدیگر واندازهٔ آنها وچندی‌نغمه‌ها وسازگاری وناسازگاری آنها .

۳ ـ جنبش انگشتان روی دستانها وزهها .

شاگرد باید ایقاع را بشناسد ونغمه‌ها را برگزیند و آنها را باهم بیاموزد وسامانی بدانها دهد و آنچه را که یادگرفته است بکاربرد.

چنین است فهرست مطلبهای آن :

(الفن‌الاول) القول فی‌ترکیب العود .

قسمةالدساتین .

القول‌الثانی فی‌معرفه‌الاوثار والنغم .

التسویة العظمی .

القول فی‌النغم .

صفةالنغم السبع الاوائل وتبیین نظیرکل واحدة منها من‌السبع الاواخر ذکرکل نغمة من‌المتناسبة .

العلل النجومیة التی ذکرت‌الفلاسفة ان العود وضع‌علیها .

الفن‌الثالث فی‌ریاضة الیدین لذلك .

ذکر طرق من جس‌الاوتار .

کندی دراین رساله ازعلل نجومی عود یادکرده است وازماننده‌گی‌دستگاه موسیقی با دستگاه جهان .

او یادکرده است از «زیر و بم» و ازاختلاف عرب وروم وفرس و خزر وحبشه ودیگران درخوی وخرد واندیشه وشهوت ودین وموسیقی و ازسغد که در موسیقی مانند زبان وآهنگ خود روشی دارند همچنین ترك و دیلم وخزر ودیگر زبانها . نیزگفته‌که همهٔ اینها همان لحنهای هشتگانهٔ روم را بکارمی‌برند . همچنین

گفته‌که فرس درموسیقی سبکی وشتاب بکارمی‌برند مانند «نسیم وایزن واسفرایس وسندان ونیروزی ومهرجانی» وروم را لحنهای هشتگانهٔ «اسطوخسیه» است .

درپایان می‌نویسد که تعلیم چندین فن است مانند عربی وفارسی و رومی وجزاینهاکه اگر بخواهیم همهٔ اینها را بیاوریم بدرازا خواهدکشید وکار دشوار خواهد شد هنرمندان آنها را میدانند وآموختن آنها آسانتراست.

از آثار کندی «**المدخل الی‌صناعة‌الموسیقی**» است وبولس‌سباط (فهرست، قاهره ۱۹۳۸ قسم ۱ ص ۱٤) گفته که نسخه‌ای از آن در حلب نزد بازماندگان رزق‌الله باسیل هست ولی زکریا یوسف جستجوکرده وآنرا نیافته است.

خود کندی چنانکه یادکرده‌ام از «**کتابنا الاعظم فی تألیف اللحون**» نام برده است (Or. 2361 گ ۱٦۵ پ و ۱٦٦ ر و ۱٦۷ ر ، ص ۵۲ و ۵۷ و ٤٦ چاپی) . شاگردش **سرخسی** هم **کتاب‌الموسیقی الکبیر** دارد، چنانکه فارابی را هم چنین کتابی هست و برای هرسه هم «**المدخل الی علم‌الموسیقی یا المدخل الی صناعة‌الموسیقی**» یادکرده‌اند. آیا کندی و سرخسی و فارابی از **الموسیقی‌الکبیر** و **مختصر فی‌الموسیقی نیقوماخوس** بهره نبرده‌اند ؟

از «**رسالة‌الایقاع**» کندی گویا **ابن‌زیله** بهره برده وآنچه در **کافی** خود ازاوآورده است شاید ازهمین رساله باشد.

سعدیاگائون آنچه در **الامانات والاعتقادات** خود آورده (چاپ ۱۹٤۳ ص ۷ ــ ۸) گویا از **رسالة فی‌ترتیب النغم الدالة علی‌الطبایع والاشخاص‌العالیة و تشابه‌التألیف** کندی باشد .

رسالة‌فی‌قسمة‌القانون کندی گویا شرح **کتاب‌القانون** Sectio Canonis اقلیدس است.

از کندی **رسالة فی صناعة الشعر** (فهرست) و **کتاب فی اتحاد الموسیقی والشعر** (به‌روایت روانه) و **کتاب فی‌خبر صناعة الشعراء** (قفطی وابن ابی‌اصیبعه) هم یادکرده‌اند (ابن‌ندیم ۲۵٦ ــ قفطی ۳۷٦ تا ۳۷۹ ــ ابن‌ابی‌اصیبعه ۱ : ۱۲۰).

۱۸ ــ ابوزید حنین‌بن اسحاق عبادی حیری (۱۹٦ ــ ۲٦٤) را **آداب الفلاسفة** است که درآن گزیده‌هاایست از دانشمندان دربارهٔ موسیقی‌که در جاهای دیگر دیده نمیشود . در دیباچهٔ مختارالحکم‌ابن فاتك (چاپ بدوی در ۱۹۵۸ در مادرید) ودرفهرست دانشگاه (ش ۲۱٦۵ و ۲۱۰۳) ازآن و **آداب‌الفلاسفة** منسوب به‌پسرش **ابویعقوب اسحاق** که درآنهم ازموسیقی ونغمه بحث شده‌است سخن بمیان آمده است.

---

۱۸ - ف ٤٤ ، مل ۱۳ ، تاریخ ۱۲٦ و ۱۵۱ ، ترجمه ۱٤۸ و ۱۷۸ .

۱۹ ـ ابن فرناس ابوالقاسم عباس بن فرناس درگـذشتهٔ ۲۷۵ نخستین موسیقی‌دان اندلس است و مخترع منقلة که کتابی ازاو یاد نکرده‌اند.

۲۰ ـ ابوالحسن علی‌بن یحیی‌بن ابی‌منصور منجم ایرانی درگذشتهٔ ۲۷۵ کتاب **اخبار اسحاق‌بن ابراهیم الموصلی** دارد.

مجموع اغانی عریب (درگذشتهٔ ۲۲۷) را هم باونسبت داده‌اندکه بنوشتهٔ اصفهانی دراغانی باید از پسرش یحیی باشد. درفهرست (۱۴۳) وتاریخ‌ابن‌خلکان (۱ : ۵۰۷) واغانی (۱۳ : ۱۷۶) سرگذشت او هست.

۲۱ ـ ابو حشیشة ابوجعفر محمدبن علی‌بن امیة درگذشتهٔ نزدیك ۲۷۷ موسیقی‌دان طنبوری ادیب را **کتاب اخبارالطنبوریین** و **کتاب‌المغنی‌المجید** است (الفهرست ۱۴۵).

۲۲ ـ عمروبن‌بانة یا عمروبن محمدبن سلیمان‌بن راشد درگذشتهٔ ۲۷۸ که ازموالی یوسف‌بن عمرثقفی بوده وخود کاتب‌زاده وشاگرد اسحاق موصلی و امیر ابراهیم‌بن‌المهدی، از او است **کتاب فی‌الاغانی** و **کتاب مجردالاغانی** که درآن به «اصبع وایقاع» اشارتی‌نمیشود. (ابن‌الندیم ۱۴۵ ـ ابوالفرج‌اصفهانی ۱۴: ۵۰ ـ تاریخ ابن‌خلکان ۱ : ۵۵۷).

۲۳ ـ ابوالعنبس محمدبن ابراهیم ضمیری درگذشتهٔ نزدیك ۲۷۹ **کتاب الطنبیلین** دارد (فهرست ۱۵۲).

۲۴ ـ ابن‌ابی‌الدنیا ابوبکرعبید (عبد) الله‌بن محمدبن ابی‌الدنیا (۲۱۰ـ ۲۸۱) استاد مکتفی خلیفه را کتاب ذم‌الملاهی است.

روبسون Robson آن را درمقالات عن‌سماع‌الموسیقی با ترجمهٔ انگلیسی درلندن بسال ۱۹۳۸ چاپ کرده است.

* برلین ۵۵۰۴ و ۵۵۰۵.

۲۵ ـ ابوالفرج یا ابوالعباس‌احمدبن‌محمدبن‌مروان‌الطیب‌سرخسی شاگرد

---

۱۹ ـ ف ۵۷، تاریخ ۱۴۴ و ۱۷۰، ترجمه ۱۷۱ و ۱۹۹.

۲۰ ـ ف ۵۸ و ۵۹، ع ۴۷۰ و ۸۴۵، مل ۷، تاریخ ۱۲۶ و ۱۶۷، ترجمه ۱۴۸ و ۱۹۶.

۲۱ ـ ف ۶۰ و ۶۱، ع ۷۷۸ و ۷۷۹، مل ۱۵، تاریخ ۱۵۸، ترجمه ۱۸۶.

۲۲ ـ ف ۶۲ و ۶۳، ع ۶۱۸، مل ۱۶، تاریخ ۱۵۸، ترجمه ۱۸۵.

۲۳ ـ ف ۶۴، ع ۸۳۵، مل ۱۷.

۲۴ ـ ف ۶۴ م، ع ۸۹۶، تاریخ ۱۴۶ و ۱۹۴، ترجمه ۱۷۳ و ۲۲۹.

۲۵ ـ ف ۶۵ تا ۷۰، ع ۱۵۷ تا ۱۵۹ و ۵۷۲ و ۸۳۲ و ۹۶۳، مل ۱۸، تاریخ ۱۴۲ و ۱۵۲ و ۱۷۲، ترجمه ۱۶۷ و ۱۸۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ ـ تراث‌الاسلام (گفتار فارمر) ترجمهٔ جرجیس فتح‌الله ۱ : ۷۷.

کندی که معتضد خلیفه شاگردش بوده وسرانجام او را به‌زندان انداخته واموالش را به‌غارت برده واورا در ۲۸۶ کشته است.

سرگذشت این‌دانشمندفیلسوف درفهرست (۲۶۲ و ۱۴۹) وتاریخ‌الحکماء قفطی (۷۸) و مروج‌الذهب مسعودی (۸ : ۱۷۹) و عیون‌الانباء ابن ابی‌اصیبعه (۱ : ۲۱۵) واغانی اصفهانی (۸ : ۵٤ و ۱۹ : ۱۳٦) و نشوارالمحاضرة تنوخی (٦۱) وفهرست‌های‌چلبی واهلورث ش۲/۵۵۳٦ وکازیری (۱: ۳۰٦) وبروکلمن (۱ : ٤۰٤) آمده است.

رزنتال چند مقاله وکتاب دربارهٔ او دارد وآنچه می‌بایست دربارهٔاو نوشته است.

ازاوست:

۱ ــ **آداب‌الملوك وذوی‌الالباب** که درفصل ۳۱ آن از غناء دربار خلفاء بحث‌کرده و ازاین فصل برمیآیدکه اوراست **کتاب‌المجالسات** (هنرومردم ۱۰۱ : ٤٦) .

۲ ــ **المدخل‌الی‌علم‌الموسیقی** .

۳ ــ **الموسیقی‌الکبیر** دردومقاله که بزرگترین‌کتاب است دراین زمینه .

٤ ــ **الموسیقی‌الصغیر**.

۵ ــ **کتاب‌اللهوو‌الملاهی** فی‌الغناء والمغنین .

٦ ــ **کتاب‌القیان** .

۷ ــ **کتاب‌الدلالة علی‌اسرارالغناء** .

۸ ــ **کتاب‌المفکر‌الساهی فی‌اللهو والملاهی** .

۲٦ ــ بذل‌الکبری بانوی خنیاگر مدینه در سدهٔ سوم از درباریان امین تا معتصم . کنیز بود و شاگرد فلیح‌بن ابی‌العوراء و سرانجام از توانگران شده بود . اوراست **کتاب فی‌الاغانی‌المنسوب‌الاصوات** دردوازده‌هزاربند که برای علی‌بن‌هشام گرد آورده است.

سرگذشت او دراغانی (۷ : ۳۱ ــ ۳۸ و ۱۵ : ۷ ــ ۱٤٤) ونهایة‌الارب نویری (۵ : ۸۵) هست.

۲۷ ــ دنانیر برمکیه کنیز یکی از مدنیهاکه اورا به‌خالد برمکی فروخته و او ویرا آزادکرده است (ازسدهٔ‌سوم) شاگرد اسحاق موصلی و ابراهیم موصلی وفلیح وبذل بوده و شعر میسروده و نزد هارون غناء و سرود خوانده است. عقیل

---

۲٦ - ف ۷۱ ، ع ۵۰٦ ، تاریخ ۱۱۹ و ۱۳٤ و ۱٤۸ ، ترجمه ۱٤۱ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۷۵ .

۲۷ - ف ۷۲ ، ع ۵۰۷ ، تاریخ ۱۱۹ و ۱۳٤ و ۱۳۵ ، ترجمه ۱٤۱ و ۱۵۸ .

مغنی دربار خلافت اورا خواسته بود ولی او نپذیرفت چه ویرا نوازندۀ درجۀ دوم می‌دانست.

سرگذشت او دراغانی اصفهانی (۱۶ : ۹ — ۱۳۶) و نهایةالارب نویری (۵ : ۹۰) هست.

از اوست **کتاب مجرد فی‌الاغانی**.

۲۸ — ابوالعباس احمدبن محمدبن علویه جرابالدولة سجزی طنبوری ماهر درباری سدۀ سوم مؤلف **ترویح‌الارواح و مفتاح‌السرور و الافراح** دربارۀ نکته‌های نادر خنده‌آور که گویا موسیقی وسرود هم درآن هست (فهرست۱۳۵).

۲۹ — ابوایوب سلیمان‌بن ایوب‌بن محمدمدینی ازسدۀسوم ازظرفاء وادباء وموسیقی‌شناس ومؤلف کتاب : **ابن‌سریج، ابن‌مسجح، اخبار: ابن‌عایشة، حنین‌الحیری، عزةالمیلاء ، الغریض ، قیان‌الحجاز، قیان‌مکة ، المنادمین ، طبقات‌المغنین**، ازاوست **کتاب النغم والایقاع**.

(الفهرست ۱۴۸ — یاقوت ٤ : ۲۲۰ و ۲۵۰).

۳۰ — اسلم‌بن‌عبدالعزیز یا **اسلم‌بن‌احمدبن‌سعید** مؤلف **کتاب فی‌اغانی‌زریاب** که باکمك حمدونه دختراسلم گرد آورده‌است (بغیةالمتلمس ۲۲٤ — طوق‌الحمامة ابن‌حزم ۱۰۸).

۳۱ — حمادبن اسحاق‌بن ابراهیم موصلی درگذشتۀ شاعرادیب موسیقی‌دان ونویسندۀ سرگذشت شاعران شاگرد ابوعبیده واصمعی وشاگرد پدرخود درموسیقی و همکار او دربیشتر سماعهای او، نیایش نیز موسیقی‌دان بوده است. کتابهای او بیشتر دربارۀ سرگذشت سرایندگان است. از او است : **کتاب مختار غناء ابراهیم** (درگذشتۀ ۱۸۸) و **کتاب اخبار الندماء** مانند کتاب پدرش (فهرست ۱۴۳).

۳۲ — ابوالحسن ثابت‌بن قرةبن هارون‌بن زهرون‌بن ثابت‌بن کرایا‌بن مارینوس‌بن مالاغریوس حرانی صائبی (۲۲۳ — ۲۸۸) که پس‌از کندی وسرخسی موسیقی نظری یونانی را در برابر موسیقی متداول کشورهای اسلامی دنبال‌کرده است . به‌زبان یونانی وجبر نیز آشنا بوده‌است .

---

۲۸ - ف ۷۳ ، تاریخ ۱۵۹ ، ترجمه ۱۸۸ .

۲۹ - ف ۷٤ ، ۸۲ ، ع ۷۶۹ — ۷۷۷ ، مل ۱۹ ، تاریخ ۱۵۳ و ۱۷۱ ، ترجمه ۱۸۱ و ۲۰۱ .

۳۰ - ف ۸٤ و ۳۲ ، ع ٤۹۸ ، مل ۲۰ .

۳۱ - ف ۱۲۵ و ۱۲۶ ، ع ۵۳۱ و ۸۱۹ ، مل ۲۱ ، تاریخ ۹۷ و ۱۲۶ و ۱۷۱ ، ترجمه ۱۱۵ و ۱٤۸ و ۲۰۰ .

۳۲ - ف ۱۲۷ تا ۱۳۵ ، ع ٦۱ ، مل ۲۲ ، تاریخ ۱۵۲ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۲۶ ، ترجمه ۱۸۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۵۶ .

ازاو است : **رسالة من امور الموسيقى** درپاسخ پرسشها که ازاو کرده‌اند گویا همان **کتاب من ابواب علم الموسیقی** که درپاسخ نامه‌های علی‌بن یحیی‌بن منصوراست. **مقالة فی الموسیقی** و **مسالة فی الموسیقی** و **کتاب فی علم الموسیقی** که به‌نوشتهٔ قفطی نزدیك به‌پانصد صفحه وبه‌نوشتهٔ چلبی درپانزده فصل است و **مختصر فی فن الموسیقی** (کتابخانهٔ هندی کلکته ۱۸۴۹ ص۹۳) و **مقالة فی الانغام** بروش یونانی (الدرالنظیم گ ٤٣ پ) و **کتاب فی آلات الزمر** مانند رسالهٔ **موریسطوس** و **کتاب فی آلات الساعات التی تسمی رخامات** (همان صفارات) .

(الفهرست ۱۴۳ و ۲۷۲ ــ قفطی ۱۱۵ و ۱۱۷ تا ۱۲۰ ــ خزرجی ۱ : ۲۱٦ و ۲۱۹ تا ۲۲۰ معجم‌الادباء ۱ : ۲۸۸ چلبی ــ فهرست اسکوریال ازکازیری ۱ : ۳۹۰ فهرست برلین ۳/۵۵۳٦) .

همین ثابت‌بن‌قرة‌حرانی برای محمدبن‌موسی منجم در ٦٤ باب باعنوان‌های «لم‌صار ... لان» **جوامع کتاب الحیوان لارسطاطالیس** ساخته و در بابهای ۳٦ تا ۳۸ آن ازآواز سخن داشته است.

* نسخهٔ دکتر یحیی مهدی مورخ رمضان ۵۹۰ ، فیلم ۲۴۴۳ دانشگاه (ص ٦۹۳ فهرست).

هم از اواست **مسئلة فی الموسیقی** که درآن کلمات فارسی بم وزیرودستان آمده و از «التسوية الفارسية» که برخی آن را «الزلزلية» می‌نامند و از قانون یادشده وبحث دربارهٔ آواز عود است.

آغاز: مسئلة فی‌الموسیقی لثابت‌بن قرة مابالنا نجدحذاق‌المغنین کثیرا ما یخالفون فی‌صیحات‌الغناء واسجاحاتها مایساویها من‌اوتارالعود فیصیحون‌فی‌المثالث والبموم ویتیحون فی‌الزیرة والمثانی وکان اشبه ان یحاذوا بصیاح‌الصوت صیاح الوتر وبغلظه غلظه .

انجام : وبرهانها انمایعلم من‌شیء یسمی‌القانون یوزن به‌کل‌نغمة حتی‌یعرف مقدارها وهوشیء یطول وصفه والله تعالی‌اعلم بالصواب. تمت مسئلةالموسیقی لثابت بن قرةالحرانی کتبه ابن‌القونی کله فی‌التاریخ المذکور آخره واکثرالکتاب کان بخط مقرمط غیرصحیح بالکتابة واصلحنا بعضه بقدرالطاقة ولله المنة .

* مغنیسا گنل ۱۷۰۵ در ٦ ص (فیلم ۲٦۲ دانشگاه) .

۳۳ ــ De Ortu Scientiarum ازمتن عربی‌آن نشانی نیست وتنها ترجمهٔ لاتینی آن هست ومنسوب به‌ارسطو وفارابی وثابت‌بن‌قرة وابن‌سینا وگندیسالینوس مترجم از عربی وگویا مؤلف‌آن همان ثابت‌بن‌قرة باشد . مترجم‌آن **یحیای اشبیلی** Journes Hispalensis است و کلمنس باور Clemens Baur آن را چاپ کرده

---

۳۳ - ف ۱۳٦ .

وبخش‌موسیقی آن‌را فارمر درآثارعربی ولاتینی فارابی دربارهٔ موسیقی در گلاسکو بسال ۱۹۳۱ باترجمهٔ انگلیسی نشرنموده است.

۳۴ — ابوطالب مفضل‌بن سلمة‌بن عاصم ضبی نحوی لغوی در گذشتهٔ ۲۹۰ مؤلف‌الفاخر (ص ۲۸ عزاوی) ازاوست **العود والملاهی** که کهن‌ترین‌کتابی است که دراین زمینه بما رسیده ودرآن ازرهگذر دینی ولغوی ازغناء بحث شده است. اودرآغاز آن ازروی اخبارنبوی غناء را روا میدارد و از **شیرین** مغنی که پیامبر غناء او را شنیده است یاد میکند. نسخه‌ای از آن درطوب‌قپوسرای به خط یاقوت مستعصمی درگذشتهٔ ۶۹۸ هست. 7423 A 2286 در ۲۲ برگ وعکسی ازآن (ش ۵۳۳ ف ج) درقاهره‌هست. جیمس روبسون آن‌را باترجمهٔ‌انگلیسی ودیباچهٔ فارمر در JRAS در ۱۹۳۸ ص ۲۳۱ و ۲۴۹ چاپ کرده است ، نیز خود فارمر بارهٔ‌دوم درگلاسکو در ۱۹۳۸ ونیز عزاوی درالموسیقی‌العراقیة در ۱۹۵۱ .

درتاریخ موسیقی فارمر (ص ۱۷۱ ، ترجمه ۲۰۱) از ابن‌الضبی ابوطیب محمدبن المفضل‌بن‌سلمة شافعی بغدادی‌لغوی درگذشتهٔ ۳۰۸ وشاگرد ابن‌الاعرابی و **العودوالملاهی** او (نسخهٔ قاهره) یاد شده‌است .

۳۵ — ابن‌المعتز پسرمعتـــزخلیفه و درگذشتهٔ ۲۹۶ که از ادیبان‌است، از او است **کتاب‌البدیع** و **کتاب اخبارشاریه** و **اخبارعریب** (درگذشتهٔ ۱۹۹) و**کتاب المجامع فی‌الغناء** (الفهرست ۱۱۶ — لغانی ۱۳ : ۱۲ و ۱۷۶ و ۱۵ : ۱۰۵) .

۳۶ — منصوربن طلحة‌بن طاهربن‌الحسین‌الطاهری درگذشتهٔ نزدیك ۲۹۸ **کتاب‌المونس** دارد که استادش کندی فیلسوف آن را خوانده وگفته : «هومونس کماسماه‌صاحبه» (الفهرست ۱۱۷) فارابی دررسالهٔ موسیقی ازاو یادکرده همچنین صاعداندلسی (ص ۵۲ چاپ بیروت) .

۳۷ — ابن‌المنجم ابواحمد یحیی‌بن علی‌بن یحیی‌بن ابی‌منصور منجم ندیم ایرانی (۲۴۱ — ۳۰۰) آشنای به‌آثار یونانی‌که شاعری بود موسیقی‌دان ومعتزلی ندیم موفق ومکتفی* ، ازاوست **الباهر فی‌اخبارالشعراء المولدین** و **کتاب‌فی‌اخبار اسحاق‌بن ابراهیم الموصلی** و **مجموعة اغانی عریب** و **کتاب‌الاغانی** یا **کتاب فی**

---

۳۴ – ف ۱۳۷ ، ع ۹۷۵ ، مل ۲۳ .

۳۵ – ف ۱۳۸ تا ۱۴۱ ، ع ۴۶۵ و ۷۶۸ ، مل ۲۴ .

۳۶ – ف XIII و ۵۴ و ۱۴۲ ، ع ۲۸۵ و ۳۲۸ ، مل ۲۵ ، تاریخ ۱۶۹ ، ترجمه ۱۹۹ .

۳۷ – ف ۱۴۳ و ۱۴۴ ، ع ۲۰ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۹۵۴ ، مل ۲۶ ، تاریخ ۱۶۷ ، ترجمه ۱۹۷ .

* – پدرش علی شاعر وموسیقی‌دان و شاگرد اسحاق موصلی ونیایش یحیی مولی منصور و منجم وبنیادگذار بیت‌الحکمة برای مأمون بوده است (زکریا یوسف) .

اوصاف المغنی و رجال الغناء وشروطها و کتاب العود والملاهی که اصفهانی در اغانی آن‌را ارجمند ومهم دانسته‌است و **کتاب‌النغم** که‌کامل‌ترین متن علمی وعملی کهن درزبان‌عربی است وازکتاب‌النغم اسحاق‌موصلی بایدگرفته شده‌باشد. همچنین **رسالةفی‌الموسیقی** که‌گویا بخشی‌است ازهمین **کتاب‌النغم** ودرآن ازموسیقی‌اسلامی ویونانی وجدایی آندو **بنام اصحاب‌الغناءالعربی و اصحاب‌الموسیقی** بحث‌شده‌است. درآن از قدماء مانند اسحاق موصلی وعبیدالله طاهری ودیگران یادشده‌است. محمد بهجة اثری دربغداد بسال ۱۹۵۰ و زکریا یوسف درقاهره بسال ۱۹٦٤ این یکی را چاپ‌کرده‌اند. فارمر آن‌را باترجمهٔ انگلیسی آماده چاپ کرده است. نسخهٔ آن در مجموعه‌اش Or. 2361 موزهٔ بریتانیا (۲۳٦ ر ــ ۲۳۸ ر) هست (ش ۸۲۳/۹ فهرست ریو) ومورخ روز پنجشنبه ۲ ج ۱۰۷۳/۱ است و مقابله شده درکشمیر در روزچهارشنبه ۲۵ محرم ۱۰۷٤ بااصل، نسخهٔ دیگر درمجموعهٔ ش۳۰۹۷ رامپور هند است، در برگهای ۲۵ ر ــ ۲۸ پ (۱ : ٤١٤ ش ۳٤ فهرست) عکسی از آن درمعهدالمخطوطات هست.

(مروج‌الذهب مسعودی ۸ : ۲۰٦ و ۲۲۲ و ۲۳۸) .

۳۸ ــ ابن‌طاهر ابواحمد عبیدالله‌بن عبدالله‌بن طاهربن‌الحسین ازخاندان طاهریان پوشنگی درگذشتهٔ ۳۰۰ ندیم‌معتضد ومکتفی ورئیس‌شرطهٔ بغداد فیلسوفی موسیقی‌دان‌بوده‌است وازاواست **کتاب‌فی‌النغم وعلل‌الاغانی‌المثمنة یا الاداب‌الرفیعة.** میان او وخاندان حمدون نامه‌نگاری بوده و دراینکه تغییر برخی از نغمه‌های غناء قدیم رواست یا نه بهمدیگر نامه‌نوشته‌اند. (اغانی ۸: ٤٤ تا ٤٦ و ٥٤ و ۹ : ۱٤۱).

۳۹ ــ قسطابن‌لوقابعلبکی مسیحی‌ملکانی‌درگذشتهٔ نزدیك۳۰۰، دانشمندی است آشنای به‌پزشکی وهندسه واعداد وفلسفه وموسیقی که اززبان یونانی ترجمه میکرده است. به‌او **کتاب‌الموسیقی** نسبت داده‌اندکه باید همان **کتاب قرسطون** باشد که دربارهٔ ترازواست نه موسیقی (فهرست اسکوریال ازکاریری ۱ : ٤۲۰) .

٤۰ ــ ابن‌خرداذبه ابوالقاسم عبیدالله‌بن عبدالله‌بن به خرداذبه خراسانی مجوسی‌نژاد (زادهٔ ۲۱۱ و درگذشتهٔ نزدیك ۳۰۰) جغرافیادان ایرانی را **کتاب طبقات‌المغنین** است که در الغفران معرّی (۲ : ۷۹) ازآن یاد شده‌است و **ادب السماع** (حبیب‌افندی زیات دراسکندریه) و **کتاب‌اللهو والملاهی و کتاب‌الندماء**

---

۳۸ - ف ۱٤٥ ، ع ۱۲ ، تاریخ ۱٦۸ و ۱٦۹ ، ترجمه ۱٦۷ و ۱۷۷ و ۱۹۲ و ۱۹۸

۳۹ - ف ۱٤٦ ، ۲٦۰ ، تاریخ ۱٥۲ و ۱۷۲ و ۱۷۳ ، ترجمه ۱۸۰ و ۲۰۱ و ۲۰۳ .

٤۰ - ف ۱٤۷ تا ۱٥۱ ، ع ۷٦٤ ، ۷۹٤ و ۹۰۰ و ۹٥۲ ، مل ۲۷ ، تاریخ ٤۹ و ۱۳۹ و ۱٤۱ و ۱٥٥ و ۱٥٦ و ۱٦٦ و ۱٦۹ و ۱۷۰ ، ترجمه ۹ و ٥٦ و ۱٥٦ و ۱٦٤ و ۱٦۷ و ۱۸۳ و۱۸٤ و ۱۹٥ و ۱۹۹ .

والجلساء، تنها از **اللهو والملاهی** او نسخه‌ای هست و پاره‌ای ازآن درالموسیقی العراقیه (چاپ ۱۳۷۰ بغداد) دیده میشود واغناطیوس عبده خلیفه هم آن را بنام مختارات من کتاب‌اللهو والملاهی در بیروت بسال ۱۹۶۱ در ۷۲ ص چاپ کرده است (المشرق، نیز ش ۳ س ۳ سال ۱۳۴۰ الدراسات الادبیة).

او در آن از فندروس رومی و غناء فرس و روم وکرد و عرب (حداء) و از رقص یادکرده ونامهایی بفارسی آورده است.

(دیباچهٔ دخویه برمسالك و ممالك ـ الهلال ۲۸ : ۲۱۴ سال ۱۹۳۲ ـ الفهرست ۱۴۹ ـ مروج‌الذهب مسعودی ـ چلبی).

۴۱ ـ **ابوالحسن علی‌بن محمدبن بسام** درگذشتهٔ ۳۰۳ را **اخبار اسحاق‌بن ابراهیم‌الندیم** است (چلبی).

۴۲ ـ **ابوبکر محمدبن زکریابن یحیی رازی** درگذشتهٔ ۳۱۳ فیلسوف، پزشك و عودنواز شاگرد ابن‌ربن طبری و جابرحیان صوفی را **کتاب فی جمل الموسیقی** است.

۴۳ ـ **ابوالطیب محمدبن‌اسحاق‌بن‌یحیی‌وشاء** نحوی‌بغدادی درگذشتهٔ ۳۲۵ و مؤلف الفاضل من‌الادب الکامل را **الموشی اوالظرف والظرفاء** است که در آن «مایکتب علی‌العیدان و المضارب و السرنایات و الطبول و المعارف و الدفوف والنایات» آمده است (ص ۲۴۹ و ۲۵۱ چاپ ۱۹۵۳ قاهره) همچنین **قصیدة فی اسماء‌آلات‌الطرب** که درمجموعهٔ ۴۸۹ قاهره هست (معجم‌المؤلفین ۹ : ۴۴).

۴۴ ـ **قریص‌الجراحی المغنی بغدادی** درگذشتهٔ ۳۲۶ راکه موسیقی‌دانی است هوشمند ونامور **کتاب صناعة الغناء واخبارالمغنین** است نزدیك به‌سه‌هزاربرگ واغانی در آن به ترتیب هجائی آمده است ولی او نتوانست آن را کامل سازد (فهرست ۱۵۶).

۴۵ ـ **ابن‌جزار ابوعلی‌الحسن‌المسدود بغدادی** که معاصر واثق ومتوکل ومنتصربوده ودرغناء سرآمد وطنبورمیزده است ومورخ طنبوریان است.

۴۶ ـ **جحظة برمکی** ابوالحسن احمدبن جعفربن موسی‌بن خالدبن برمك

---

۴۱ ـ ف ۱۵۲، ع ۷۶۱.

۴۲ ـ ف ۱۵۳، ع ۲۵، مل ۲۸، تاریخ ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۵۲ و ۱۷۲ و ۱۷۴، ترجمه ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۸۰، ۲۰۱ و ۲۰۳ و ۲۰۴.

۴۳ ـ ع ۹۸۱ و ۹۸۴.

۴۴ ـ ف ۱۵۴، ع ۶۲۷، مل ۲۹، تاریخ ۱۵۳ و ۱۶۰، ترجمه ۱۸۱ و ۱۸۹.

۴۵ ـ تاریخ ۱۵۸، ترجمه ۱۸۷.

۴۶ ـ ف ۱۵۵ و ۱۵۶، ع ۸۰۲ و ۸۰۳، مل ۳۰، تاریخ ۵۷ و ۱۳۳ و ۱۴۳ و ۹-۱۴۸ و ۱۶۱، ترجمه ۷۲ و ۱۵۷ و ۱۸۶ و ۱۷۶ ـ ۱۸۱ و ۱۸۶ تا ۱۹۰ و ۱۹۴، محفوظ ۱۲۹.

درگذشتهٔ ۳۲۸ مغنی بی‌مانند و سرآمد در طنبور و ادیبی فاضل و نحوی و لغوی شاگرد ابوحشیشة درتنبورزدن ، ازاوست **کتاب‌الطنبوریین** و **کتاب‌الترنم** و **کتاب الندماء** (الفهرست ۱۴۶ ــ اغانی ۹ : ۳۵۰) .

۴۷ ــ سعدیاگائون سعیدبن‌یوسف‌یهودی‌مصری (۲۲۸ ــ ۳۳۲ ه ۸۹۲ ــ ۹۴۲ م) که **الامانات والاعتقادات** دارد به‌عربی وبه‌خط عبری درده مقاله درپایان مقالهٔ دهم آن از موسیقی از روی «**رسالة فی اجزا خبریة الموسیقی**» کندی بحث کرده است. این‌کتاب را یهودا ابن‌طبون درگذشتهٔ ۱۱۹۰ به‌عبری درآورده است، ازمتن عربی‌آن نسخه‌ای دراکسفورد (۱۴۸ پوکوك) ولنینگراد هست وآن‌را ژان گانیه Jean Gagnier در اکسفورد باترجمهٔ ابن‌طبون در ۱۷۱۷ بچاپ رسانده و در ۱۸۸۰ هم چاپ شده وعبری‌آن در ۱۸۶۴ هم چاپ شده‌است. فارمر درگفتار خود « سعدیاگائون در نفوذ موسیقی » چاپ ۱۹۴۳ لندن ترجمهٔ عبری وانگلیسی این بحث را آورده است (ص۲۸) .

۴۸ ــ ابن‌عبدربه ابوعمر احمدبن محمد اندلسی درگذشتهٔ ۳۲۸ در فصل ۲۵ العقد الفرید خود عنوان «الیاقوتة الثانیة فی‌الالحان والغناء واخبارالمغنین» گذارده ودرآن ازتحریم سماع واصل غناء وسرگذشت مغنیان وجزاینها سخن‌داشته است (چاپ ۱۲۹۳ بولاق ۳ : ۲۲۹ ــ ۲۶۸) این بخش را فارمر دراسلامك‌کلچر سال ۱۷ و ۱۸ (۴ ــ ۱۹۴۳) نشر کرده و ترجمهٔ انگلیسی آن را در «مجموعة الکتاب‌الشرقین عن الموسیقی» سال ۱۳۴۰ (۱۹۴۲) آورده است، درآن از**کتاب العود** یاد میشود که مؤلف آن شناخته نشده‌است .

۴۹ ــ ابونصرمحمدبن محمدبن طرخان‌بن اوزلغ فارابی (۲۶۶۰ــ۳۲۹) فیلسوف دانشمند ایرانی که به‌زبانهای عربی وسغدی وفارسی ویونانی آشنایی‌داشته است (کتاب الحروف چاپ محسن مهدی در ۱۹۸۶ در بیروت فهرست کلمات) در رسالة فی بیان ظهورالفلسفة او (نسخهٔ ریاست مطبوعات افغانستان) چنین‌آمده است : «قال‌الخطابی ذکر ابونصران امرالفلسفة اشتهر فی‌ایام ملوك الیونانیین ... فقراء ابونصر الی‌آخرکتاب البرهان وبعد ذلك سافرالی بلاد یونان واقام فی‌بلادهم ثمانیة سنة الی ان اتم العلم و علم کتاب الحکمة و حکایته معروفة والله اعلم » (فهرست ادبیات ۳ : ۷۲) ازالموسیقی‌الکبیر اوهم آشنائی به‌زبان‌یونانی پیداست.

---

۴۷ – ف ۱۵۷ ، تاریخ ۱۷۴ ، ترجمه ۲۰۴ ، فارمر دربارهٔ دین یهود دربرابر مؤلفان موسیقی عربی ، گفتار نگارنده دربارهٔ سعدیا در دانشنامه .

۴۸ – ف ۱۵۸ ، ع ۷۶۶ ، تاریخ ۱۶۶ ، ترجمه ۱۹۶ .

۴۹ – ف ۱۵۹ تا ۱۶۷ و ۳۷۱ ، ع ۲۳۶ تا ۲۴۳ ، محفوظ ۲۱۲ ، مل ۳۱ ، تاریخ ۱۷۵ تا ۱۷۷ ، ترجمه ۲۰۵ تا ۲۰۸ .

اودرکتاب‌الاوسط به‌اصل منطق ارسطو بسیارنزدیك است وفهرستی دقیق هم برای آثار افلاطون وارسطو نگاشته است . ازهمهٔ اینها برمیآید که او اصول یونانی این علوم را دردسترس داشته وبدانها می‌نگریسته است.

مراغی هم در **زبدةالالحان** میگوید که او موسیقی وبرخی ازعلوم دیگررا ازیونانی به‌عربی برگردانده است.

الموسیقی‌الکبیررا او برای ابوجعفرمحمدبن ابی‌القاسم کرخی وزیرراضی عباسی (۳۲۲ ــ ۳۲۹) دردوکتاب ساخته است : نخستین آن دردوجزو : المدخل الی صناعةالموسیقی دردومقاله، صناعةالموسیقی درسه فن: اصول الصناعة والامور العامة ، الالات المشهورة ، اصناف الالحان الجزئیة . دومین کتاب دربارهٔ آراء موسیقی‌دانهای مشهور ونقد آنها که باید درچهارمقاله باشد (آغاز) ولی دردست نیست.

الموسیقی الکبیر با تحقیق غطاس عبدالملك و مراجعه وتصدیر دکتر محمود احمد حفنی در دارالکاتب العربی للطباعة والنشر بالقاهرة در ۱۲۰۹ ص در ۱۹۶۷ چاپ شده است.

کزگارتن Kosegarten در ۳ ــ ۱۸۴۰ بخشی‌ازآن‌راکه ازافزارموسیقی بحث میکند باترجمهٔ لاتینی وآلمانی نشرکرده است لاند Land هم همین بخش را درکارنامهٔ انجمن ششم خاورشناسان در ۱۸۸۳ درلیدن باترجمهٔ فرانسه چاپ نموده است وهمچنین جداگانه درجستجویی دربارهٔ گام عربی در ۱۸۸٤ واوگزیده‌ای از آن را به‌آلمانی درآورده و در لیدن در ۱۸۸۰ نشرکرده است . سوریانو فوئرتس Soriano Fuertes در موسیقی عربی و اسپانیایی گزیده‌ای ازآن را در ۱۸۵۳ در بارسلون (برشلونه) چاپ کرده است . منوبی سنوسی همهٔ آن‌را به‌فرانسه درآورده ودرموسیقی عربی درلانژه ج ۱ درپاریس در ۱۹۳۰ چاپ کرده است.

* اسکوریال مادرید ش۹۰۶(۶۰۲) در۱۳۸ برگ نوشتهٔ برای‌ابوالحسن ابن ابی‌کامل‌کردی از سدهٔ ششم وگفته‌اند که برای ابن‌باجه نوشته شده‌است . (فهرست ملی مادرید ص۲۴۹) .

* بیروت نسخه ناقص .

* پرینستون ۹۰۵۲ در ۱۲۹ گ ، نسخ احمد مجد در ١٤ ع ١/٨٦٦ ، مقاله ۱ فن ۲ فی‌آلةالعودرا ندارد و با اختلاف ترتیب درصفحات ، در خزانهٔ مراد بارودی بوده و ازآنجا به‌امریکا رفته است .

* کوپرولو محمد درآستانهٔ ۹۵۳ در ٤٦٤ گ ، نسخ علی‌بن رستم‌کیشی در روز پنجشنبه ۱۱ ج ٦٥٤/٢ مقابله شده در روز دوشنبه ۱۲ ج

۱/۶۵۵ با یادداشت تملك ۷۴۸ و ۷۸۸ و ۹۳۸ (فیلم ۴۶۸ دانشگاه ص ۳۹۱ فهرست).

* لیدن Cod. 651 (۱۴۲۷) در۱۲۳ گ، نوشتهٔ خلیل بن احمدبن‌خلیل در روز پنجشنبه ٤ محرم ۹٤۳ از روی نسخهٔ نیمهٔ رمضان ٤۸۲.
* موزهٔ بریتانیا Or. 2361/12 گ ۲۳۸ پ.
* میلان (آمبروزیانا) ۲۸۹ نوشتهٔ در ۷۸٤ در ۱۹۵ برگ.

نسخه‌های عکسی: قاهره ٤۳۰ ف ج ازروی کوپرولو، ومجمع‌العلمی العراقی ۲۱۲ و ۲۱۳ گویا از روی همین نسخه، وبغداد معهد الفنون الجمیلة ۱۵۷۱هم گویا ازروی همین نسخه است. نسخهٔ ۲۳۳۱ متحف عراقی بغداد هم عکس است.

درمجموعهٔ Or. 43 دانشگاه کلمبیا درنیویورك (جولة فی‌دورالکتب الامیرکیة ازگورگیس عواد ۹۲) «مسألة موسیقیة ذکرها الفارابی فی‌المقالة الاولی من‌الفن الاول فی‌الموسیقی» است که باید از همین کتاب باشد. این مجموعه از سدهٔ ۷ است دارای ۱۸ رساله واین یکی ۱٤ آن.

ترجمه‌ای که ازآن به‌فرانسه شده و درموسیقی عربی درلانژه گذارده شده ازروی نسخه‌های لیدن ومیلان وبیروت ومادرید است.

هم‌ازاوست: **کتاب احصاء الایقاع** (خزرجی) و**کتاب الایقاعات** (قفطی) که باید همان الایقاع مانیساگنل (مجموعه ۱۷۰۵) باشد (فهرست فیلمها ٤٤۵).

نیز کتاب **احصاء العلوم** که چندبار چاپ شده و چندین ترجمه دارد ودر آن ازموسیقی بحث شده است.

نیز **صناعة علم الموسیقی**.

* قاهره ۵۱۲ ف ج.

نیز **کلام فی‌الموسیقی** (خزرجی).

نیز **کلام فی‌النقلة** یا **کلام فی‌النقرة مضافا الی الایقاع** (خزرجی).

نیز **المدخل الی صناعة الموسیقی** که مقدمهٔ الموسیقی الکبیر است.

او درموسیقی‌کبیر (ص ۶۲) می‌نویسد که لحنها سه‌گونه است:

۱ ــ خوش‌آیند وگوش‌نواز وآرامش‌بخش.

۲ ــ پنداربخش و خیال‌انگیز و تصورانداز حکایت‌کننده مانند سخنان شعری (ص ۶۷) مانند پیکره‌ها و مجسمه‌ها که آنها هم مانند لحن دوگونه‌اند: زیبا، یا نشان‌دهندهٔ هیئتها وانفعالها وفعلها وخلقها وروشها مانند پیکره‌های خدایان

روزگار کهن چنانکه جالینوس گفته است و اکنون هم در سرزمینهای دور هند-
چنین است .

۳ ــ لحنی که ازانفعالات برمی‌خیزد واندوه وشادی جانوران ومردمی‌را
نشان میدهد .

آنچه که بسیاری از فیثاغورسیان و طبیعیان دربارهٔ لذت‌بخشی لحن
میگویند نادرست است و ما درآنجاکه از آراء آنها بررسی کرده‌ایم این‌را گفته‌ایم.
او درجای دیگر هم از فیثاغورسیان یاد میکند (ص ۱۸۲) .

نیز میگوید (ص ۷۱ ــ ۹۲) که : صناعتهای عملی موسیقی از فطرت
وغریزت برخاسته‌است وبرای‌این‌است که‌آسایش وخوشی وشادی ببارآورد ونگذارد
که خستگیها احساس‌شوند وحالات وانفعالات ببالند ودردرون انسان چیزی‌افزوده
یا برداشته شود و دلجویی پیدا شود و خیالی برانگیخته یا چیزی دریافت گردد .
مردمی پیدا شده بودند که ازروی قریحت وفطرت ترنمهایی داشتند و این سه چیز
را می‌خواستند .

او در اینجا از پیدایش موسیقی و افزارهـای آن و رقص و ضرب
شعر وموسیقی نیز بخوبی پی برده است .

باز می‌نویسد (ص ۱۰۸) که آزمایش شخصی در موسیقی بسنده نیست
و باید احساس دیگران را نیز آزمود و دید که آنان چگونه گواهی میدهند .
احساس طبیعی در موسیقی هم از آن کسانی است که در عرض جغرافیایی
میان ۱۵ تا ٤۵ درجه میزنند به‌ویژه کشور عربی از سال ۱۲۰۰ تا ٤۰ اسکندری
(۲۷۰ تا ۹۰۰) نیز کشورروم که خوردنی ونوشیدنی‌طبیعی دارد. زنگیان وسیاهان
وترك بیابان خاوری وصقلابهای باختری از طبیعت بیرونند. کشورعربی زمان ما
(کشوراسلامی) همهٔ مسکنهای طبیعی را دربردارد به‌جز یونان و روم که ازآنجا
بوسیلهٔ مسافران وکتابهای قدماء یونانی درموسیقی نظری ما آگاه می‌شویم .

دربارهٔ روش‌خود دراین‌کتاب می‌نویسد (ص ۲۰۵) : «وهوبین ان‌طریق
التحلیل‌عکس‌طریق‌الترکیب وطریق‌الترکیب هوالذی استعملناه فی‌کتابنا فی‌الصناعة
وطریق‌التحلیل هوالذی سلکناه هاهنا» .

نیز (ص۸٦۹) : «وفیمارتبناه من‌الاجناس هاهنا کفایة وبلاغ فقدیمکن
اذاحتذی حذومانحوناه‌هاهنا ان‌یرتب فیهااجناس آخر غیرمارتبناه نحن‌مما ذکرناه
فی‌کتاب‌الاصول ، اوقد یوجد منها فی‌کتب القدماء ومن‌بعدهم، اومماقد یجوزان
یستخرجه مستخرج وان‌لم‌یکن اثبت فی‌کتاب» .

دربارهٔ شاه‌رود چنین می‌نویسد (ص ۱۱٦) : ان‌التی وجدناها نحن‌بهذه
الصفةمن‌الالات المشهورة فی‌مملکةالعرب هی‌الالة التی تسمی الشاه‌رود . وهذه‌انما

استنبطت فی‌زمامنا نحن ولم‌تکن تعرف فیما خلا من‌الزمان . و اول من استخرجها واستنبطها رجل‌من‌اهل صغد سمرقند یعرف بخلیص (بحلیم) بن‌آحوص واستخرجها اول ما استخرجها ببلاد الماه‌ای‌الجبل وذالك فی سنة ۱۲۸۸ الف وماتین و ثمان وعشرین من‌سنی‌الاسکندر وسنة۳۰۶ ست وثلاث مائةمن‌سنی‌العرب. ثم‌حملها الی‌بلاد الصغد وبلادالصغد هی‌قریبة من‌اقاصی البلدان التی هی‌فی ناحیةالشمال وقریبة من ان تدخل فی‌الاقلیم‌السادس وعرض‌اواخرها زائدة علی‌خمسة وعشرین جزء اومائلة من‌الوسط الی‌المشرق فاستعملت هناك وفیماتاخمها من‌البلدان الی‌المشرق والشمال وسمعها اهلها فلم ینافرمافیها احد من اهل تلك البلدان . ثم حملها الی ارض بابل حیث کان بهااعظم ملوك‌العرب فی‌ذلك‌الزمان. ثم‌ادخلها مدینةبغداد وسمع‌بهامافیها من‌النغم ثم حملت الی بلاد مصر و ماورائها و سلك بهاعلی بلدان الجزیرة و الشام وسمع‌منها جمیع‌الالحان‌الموجودة فی‌اهل‌هذه‌البلدان‌المختلفة القدیمةمنها والمحدثة فلم‌یکن‌شیء مماوجد من‌النغم منافرالاحد من‌الناس وهذه صورةالالة (ص ۱۱۸) .

دربارهٔ شاه‌رود وابوحفص حکیم‌بن احوص‌سمرقندی سغدی وراروددی در المعجم فی‌معائیر اشعارالعجم شمس قیس رازی (۲۰۱) از فارابی نقل شده و باید از همین‌کتاب باشد یا ازقصیدهٔ اسرارالحکمة وشرح‌آن ازلوکری ازموسیقی‌فارابی (فهرست دانشگاه ج ٤ ص ٦٥ بازپسین سخن) .

ازپیشینیان چنین یاد میکند : « واما من تقدم من حذاق من زاول اعمال هذه‌الصناعة من‌العرب یوقعون هذا الاسم (الایقاع‌الماخوری) علی خفیف‌الثقیل» (ص ۱۰۵۳) .

نیز: «مثل ماکان فی اکثرالمتقدمین من العرب من اهل تهامة والحجاز مثل ابن‌سریج والغریض وجمیلة ومعبد و امثالهم وکذالك فی‌کثیرمن‌کان قبلهم فی‌الفرس مثل **فهلبذ** الذی کان فی زمن‌کسری **ابرویز بن هرمز** ملك **فارس** وفی کثیر من‌متأخری العرب ومن عدادهم من اهل العراق مثل اسحق ومخارق (تلمیذ ابراهیم الموصلی) ... مثل ماکان بلغه اسحق‌بن ابراهیم‌بن میمون الموصلی» (ص ۵۷ و ۵۸ و ٦۰) .

نیز از علقمةبن عبدة شاعرکه شعر خودرا بالحن وغناء نزد حارث‌بن ابی شمر پادشاه غسان خوانده است (ص ۷۳) .

نیز (ص ۸ ــ ۱۳۷) : «والذین اثبتوا عدالقوی والنغم‌فی‌کتاب‌اوراموا احصاءهامنهم قدماء اهل‌التعالیم من‌الیونانیین ومنهم **الحدث** الذین زمانهم قریب‌من زماننا ممن جری فی مملکةالعرب . فبعض هولاء راموا الاقتفاء بقدماء الیونانیین وبعضهم لم‌یقصدوا ان‌ینحوا نحو اهل‌التعالیم، ولکن کانوامرتاضی‌السمع بالالحان، واکثرهم‌کانوا من‌مهرةالمزاولین اعمال هذه‌الصناعة واثبتواماوجدوه‌بفطرهم (مثل

اسحق بن ابراهيم الموصلی ومنصور زلزل العواد) ، اوکماصح عندهم مماضطرتهم الی استخراجه تلك الغایات الثلاث التی ذکرناها فیماسلف» (ص ۷۱) «فهولاء فیما قالوه واثبتوه اشداقتفاء للحن ممن ینحوا من اهل زماننا نحوماقاله ممن تقدهم من اهل التعالیم. واما مایقوله **الحدث** ممن ینحوا نحوالقدماء فی ذلك فاولئك لاالهم ارتیاض هولاء فی المحسوس منها ولاعلم القدماء فهم اذا عددوا شیئا من هذه و اثبتوه فی کتاب بەفقد یظهر انهم یثبتون مالایعرفون سببه ولاالامر الذی یوجب ان ماکتبوه کما اثبتوه، سوی حسن ظنهم بمن سلف من القدماء وقدبینا ماقاله کل واحدمنهم فی کتابنا الذی لخصنافیه آراء غیرنا ممن وجدناله شیئا فی هذه الصناعة مثبتا فی کتاب وبینافیه مقدار مابلغه کل واحد منهم وماقصر عنه مماهوفی هذاالعلم» (گویا اشاره به احصاء الایقات خودش است) .

از یونانیان بدین گونه یاد میکند (ص ۳۲۷) : «والا قدمون من القدماء کانویرون الذی بالکل والاربعة الجمع الکامل» .

نیز از جالینوس (۶۳) وفیثاغورس وطبیعیون (ص ۶٤ و۱۸۲) و «نظر آل ارسطقانس ونظر آل فیثاغورس» (ص ۲۰٤) .

نیز می‌نویسد (ص ۱۶۷) : که بگفتهٔ زینون یك دانه گاورس هم که بروی زمین بیفتد باید آوازی داشته باشد اگرچه شنیده نمی‌شود .

همچنین می‌گوید (۱۰۳) : «مثل **بطلمیوس التعالیمی** فانه ذکرفی **کتابه فی الموسیقی** انه لایحس بکثیرمن ملائمات النغم، وانه اذا ارادامتحانها امرالموسیقی الحاذق المرتاض یا متحانه له . ثم ثامسطیوس المشهور بالبراعة فی الفلسفة وهواحد اصحاب ارسطوطالیس و من المتبحرین فی مذهبه قال نصاهکذا : انی اعلم مماتعاطیت من التعالیم ان النغمة التی تسمی المفروضة موافقة للتی تسمی الوسطی ولااحس باتفاقها لقلة ارتیاضی بهذاالباب . فالمفروضة مثل البم فی العود والوسطی هی نغمة السبابة المثنی . واتفاقهما هواعظم الاتفاقات . وقل انسان الاوهویحس باتفاقها . وقد خبرنا ثامسطیوس انه لایحس باتفاقهما و انه قدعلم بالعلم النظری اتفاقهما ولم یکن ذلك مما ینقصه فی العلم النظری . وایضافان ارسطوطالیس قد قال فی انالوطیقی الثانیة ان کثیرا ممن یتعاطی النظر فی الکلیات لایحس بالجزئیات لان ذلك انمایحتاج فیه الی قوة اخری غیرقوة العلم بالکلیات . مثال ذلك صاحب الموسیقی النظری فانه ربمالم یکن عنده معرفة کثیر مما فی علمه من طریق الحس وان کان قدعرفه فی علمه والسبیل الذی یصل به من لم یحس اشخاص هذه الی تصورها ... هوالذی یسمی طریق المقایسة و طریق المناسبة . و قدلخصناها نحن هذالطریق فی مواضع اخر (ص ۱۰۵) .

نیز : **کتاب احصاء الایقاعات** لافضل الفلاسفة الاسلامیین المعلم الثانی ابی نصر

محمدبن محمدبن الطرخان الفارابی که‌گویا مانندکتاب دوم الموسیقی‌الکبیراست.

* مانیساگنل ۱۷۰۵ (فیلم ۲۶۲ دانشگاه تهران ص ٤٤٥ فهرست) ش ۷ مجموعه.

چنین است آغاز آن «قصدنا فی هذا الکتاب ان نحصی اصناف الایقاعات ونخترعهاعلی‌طریق‌الرسم ونجعل‌مانعرف من‌احوالهاعلی‌جهةالاقتصاص فقط ونقتصر فی تصحیح مانقصه‌منها علی‌امتحانه بالحس واستشهاد مایظهربالفعل فی‌الصنایع التی شانها استعمال‌الایقاع ونستعمل فی‌العبارة عمانجدله اسما قدیما اسمه‌القدیم ومالم‌یتاد الینا له اسم عن احد ممن تقدمنا نقلنا الیه اسم اقرب‌الاشیاء شبها بها فسمیناه‌به».

ازاین عبارت روشن کار فارابی دراین رساله روشن‌است که او:

۱ ــ ایقاعات را برمی‌شمرد و به «رسم» یا رموز وحروف نشان میدهد.

۲ ــ آنچه ازایقاعات که میشناسد آنها را می‌آزماید.

۳ ــ درعبارت خود میکوشد نامهای کهن پیشینیان را بکاربرد واگرنباشد آنچه راکه بدان مانندەتر است.

او در چهار جای آن به «الکتاب الکبیر» خود بازگردانده است. فارابی درآن یادمیکند از:

ارسطالیس بدین‌گونه: «وهذا هوالذی یستعمل فی‌المخاطبات المتبدلة التی علی‌طریق‌الخطا وهواحدمااوصی ارسطوطالیس باستعماله فی‌الاقاویل‌الخطبیة التی لایحتاج فیها الی‌الووزن وقدیستعمل کما هووقدیستعمل مخلوطا بغیره».

«وهذا الضرب من‌المطویات فی‌الثقیل‌الثانی جعله**اسحق** هوالرمل ... وقد ذهب ذلك علی‌بن‌الموصلی مع حذقه بالالحان‌المسموعة وارتیاضه ودربته بالصناعة العلمیة ولکن ذهب ذلك علیه کمایذهب علی‌البادی بصناعة لم‌یسمع‌فیها شیئا قبله وفانه اول‌من‌اثبت من‌العرب الایقاعات فی‌کتاب ورام ان‌یجعل‌لها قوانین صناعیة. ولماسعدبعد **منصوربن طلحه** صاحب **کتاب‌المونس** هذا الذی قلناه نحن جعل‌الفرق بینهما انه جعل‌الذی ظنّ من‌هذین انه هوالرمل ...».

«واما توصیل الایقاعات المنفصلة فانه ممکن ... وقد نجد انسانا بعدانسان قدوقف‌بکدوقوما بعد قوم قد وقفواعلی شیء مماثبتناء فی‌هذا الکتاب ونحن نقتصر ما وقفوا علیه منه و نذکرهم باسمائهم فمنهم اسحق الموصلی فانه ذکر فی کتابه تألیف‌النغم ان جمیع الایقاعات تسعة. وان‌اولها مانقراته واحدة واحدة محثوثات متوالیات بقدرواحد. وذکران هذا هواصل جمیع‌الایقاعات وانه‌لااسم‌له ولایعرفه العامة ولیس فیه شیء من‌الغناء ولان الثمانیة الایقاعات انمایکون‌منه وهذاماکتبناه نحن ... فهذا الایقاع‌الذی ذکر وهوصوت من‌المتصل الاول ولایستعمل فی غناء و الغناء الذی ذکره و صیره مثالا اذا امتحن وجد من مطویات‌الهزج الذی ذکرنا

ماطويت النقرة الرابعة منه واما الذى ذكره فليس يوجد اصلا فى شىء من الاغانى ولافى لحن اصلا ولافى خطبة ولافى شعر ...» (در اينجا او از اسحق سخت خرده ميگيرد).

نيز از كندى بدين گونه :

«و **يعقوب بن اسحق الكندى** هو احد من اثبت الايقاع فى كتاب بعد اسحق بن الموصلى راى ان يجعل لها قوانين و اوهم ان الذى كتبه هو اصناف الايقاعات الماخوذة عن قدماء فلاسفة اليونانيين وذكر منها اصنافا كثيرة ركب كل صنف منها نقرات ذكرها ... ومرت له فى خلال ذلك هذه التى حكيناها عن اسحق فسماها بالاسماء التى سماها [1] اسحق و ذكر ان اهل زمانه يسمونها بها ثم ذكر انها فقط هى المستعملة عند اهل زمانه دون باقى الاصناف التى ذكرها ... و اوهم فيها انها ايقاعات من غير التسعة التى يستعملها العرب وانها انما كانت فى القديم عند اليونانيين وان اهل زماننا ليس يستعملونها و انت اذا تفقدت جعل ماكتبه لم يجد شيئا خارجا عما رسمناه من اصناف الايقاعات المستعملة واذا تاملت فى الالحان العربية وفى الاشعار العربية و جدتها كلها فيها مسموعة متداولة بين ملحنين العرب وقد ذكر الكندى انها غير مستعملة عند اهل زماننا وان المستعمل عندهم هى التى ذكرها اسحق. وانت تعلم ان اسحق قد اخطاء فى بعضها بالكلية و ما اصاب فيه فانه انما ذكر صنفا واحدا فقط . فمن ذلك تبين ان يعقوب الكندى لم يتكلم بما تكلم به عن بصيرة نفسه بالايقاعات وانما تبع اسحق وقلده من غير ان يبحث عما قاله اسحق ومن غير ان تمتحنه فى الالحان فظن انه لارمل ولاثقيل اول ولاثانى ثقيل ولاخفيف لشىء من هذه غير الذى قاله اسحق . وتبين ايضا انه لم يتامل ماسواه فى شىء من الحان العرب ولا فى اشعارهم فيقول فيها ببصيرة نفسه هل هى مستعملة اولا وانما ظن انها غير مستعملة عندهم اذلم يجد اسحق ذكرها فى كتابه . واحسب ماقوى ظنه فى هذه الاشياء ايضا ماكتبه **منصور بن طلحة الطاهرى** فى كتابه الذى **سماه المونس** . فان منصور هذا كان **بخراسان** فى ايام **الكندى** و **الكندى** اذ ذاك **ببغداد** ، وقد عمل منصور كتابه هذا و انفذه الى **بغداد** والى **الكندى** خاصة على مابلغنى ليتعقب ماكتبه منصور فى كتابه. فان منصورا هذا تبع فى الايقاعات **اسحق** من غير ان يزيد علما اصلا وقد كان **منصور** هذا مرتاض السمع على مايقولون فوثق به **الكندى**، ولو تامل الالحان بنفسه فضل تامل لوجد جل تلك التى ذكرانها معطلة مستعملة فى الالحان العربية وكثيرا من الخفيفة التى ذكر انها معطلة مستعملة فى اشعارهم وانتم تعملون انه لم يحدث بعد **الكندى** لحن عربى استعمل فيه ايقاع آخر خارج عن الايقاعات التى يوجد الان فى الالحان القديمة التى كانت فى زمان **الكندى** وبل كانت الالحان القوية المفننة الايقاعات فى زمانه اكثر منها فى زماننا هذا الاسباب التى تعرفونها . وكذلك كانت التى ذكرناها نحن

---

[1] - گويا برگها درنسخه پس و پيش شده است.

موجودة کلها فی ذلك و فی زمان **اسحق** . غیران **اسحق** کان معذورا لانه لیس بصاحب منطق، ولامتفلسف ولامقتفاثر الفلاسفة ولاقصدان ینحو نحوهم ولا کان سمع من مذاهبهم فیالموسیقی شیا وانماکان انسانا جهد نفسه فی ان یلتقط ماخیل الیه فیالنغم والایقاعات التیکان درباجدا باستعمالها وسماعها، وکانالذیوقع فی نفسه فیالنغم والایقاعاتهوالمقدارالذیاثبته، وعلیانهاصابه فیجلماکتبهوفیمااخطاء فیه ، لم یبعد فیاکثره منالصواب ذلكالبعد کله بل بعدا یسیرا وهومشکور علی ماکتبه منذالك رایاله منسوباالیه یقبلمنه الصواب ویجعله شاهدا لما اوجبهالبرهان التعالیمی ویجعل ماالزمته منالاقاویل مستندةالیه ویصلح علیه الموضعالذی احل بهولیس ینبغی ان یجعل ماکتبه **الکندی** فی ذلك رایااذکان تبع فی جمیع ذلك رای غیره من غیر ان یکون فیه بصیرة نفسه اصلا ولا بوجه منالوجوه، اذکان ذکر فی بعضهاانها مستعملة عند اهلزماننا فیالالحان ولیستهی مستعملة اصلالافیزماننا ولا فیغیرزماننا ولا وحدها ولا مرکبة الی غیرها وهی التی ذکرنا ان **اسحق** غلط فیها بالکلیة وهیالخفیف والهزج وتبع فیها **الکندی اسحق** ، وذکر فیبعضها انها غیرمستعملة عند اهلزماننا وجلها مستعملة عندهم . وانتاذاکان لك فراغ فتامل فی کتاب **الکندی** المشجر منذلك فانك ستجدالامر وفیه علی ماقلت لك .

تمکتاب الایقاع للمعلم الثانیالفیلسوفالافضل ابیبصر محمدبن محمدبن طرخانالفارابی . قوبلالکتاب وللهالحمد .

نیزدرآن میگوید :

«وانتاذاتاملت لغاتالامم وجدت فیکثیرمنالامم منلاینطق فیشیء اصلا ولایخاطب فی متبدل مخاطباتهالا بالفاظ ذوات ایقاعات منتظمة ، ونجد کثیرا منهم فی ذلك یلحن فی مخاطباته بایقاعات یجری علی انتظام بعضها بسیطة وبعضها مرکبة.

نیز درآن آمده است «یسمیه اهل زماننا التمخیر فلذلك سموا هذاالایقاع من بین سایرالایقاعات الماخری ... سموا ذلك الایقاع الممخریریدونالذی یکلف فیهالتمخیر» .

دوکلمة تمخیر وماخوری درموسیقیکبیر (ص٤ – ١٠٥٣) همآمده است.

٥٠ ــ ابوبکر محمدبن یحییبن عبداللهبن عباسبن محمد صولی شطرنجی درگذشتهٔ ٣٣٦ را «**اخبارابراهیمبنالمهدی واخته واشعارهما**» است و آن جزوی از **الاوراق** اوستکه در ١٩٣٦ بنام **اشعار اولاد الخلفاء** چاپ شده است نسخهای ماکدونالد Macdonald درهارتفورد امریکا دارد.

٥١ ــ ابوالحسن علیبن الحسینبن علی مسعودی درگذشتهٔ ٣٤٥ که در

---

٥٠ – ف ١٥٨ آ ، ع ٨٣٦ ، تاریخ ١٧١ ، ترجمه ٢٠٠ .

٥١ – ف ١٦٨ تا ١١٧ ، تاریخ ١٦٥ ، ترجمه ١٩٥ .

کتاب **اخبارالزمان** خودکه در سی‌مجلد باید باشد و در ۳۳۲ نگاشته وپاره‌ای ازآن مانده است از موسیقی و موسیقی‌دانها سخن داشته ، **الکتاب‌الاوسط** او هم از همین **اخبارالزمان** گرفته شده (بادلیان سلدن ۳۱۵۲/۱۹) در **کتاب‌الزلف** او هم بنوشتهٔ کلانژت از موسیقی بحث شده است (مجلهٔ آسیایی ۱۹۵٤ ص۳۸۲ ــ مروج‌الذهب ۲ : ۳۲/۲) .

در **مروج‌الذهب ومعادن‌الجوهر** او که در ۳۳٦ ــ ۳٤٦ ساخته است بندی است‌که درآن از ابن خردادبه یاد شده‌است واین بند راکه دربرلین هست (۸۵۰۲) فارمر در ۱۹۳۱ به‌انگلیسی درآورده است .

۵۲ ــ ابوالفتح محمدبن الحسین‌بن شاهك کشاجم درگذشتهٔ ۳۵۰ را **ادب الندیم** است چاپ ۱۲۹۸ بولاق و **ادب الندماء و تألیف الظرفاء** چاپ اسکندریه در ۱۳۲۹ .

۵۳ ــ ابوالحسن‌علی‌بن‌هارون‌بن علی‌بن یحیی‌بن ابی‌منصور منجم (۲۷۹- ۳۵۲) متکلم ادیب و راویهٔ اشعار و ندیم خلفاء را **رسالة فی الفرق بین ابراهیم‌بن المهدی واسحاق الموصلی فی‌الغناء** است (الفهرست ۱٤٤ ــ ابن‌خلکان ۱ : ۵۰۸) .

۵٤ ــ ابوالفرج علی‌بن حسین‌بن محمدبن احمد اصفهانی (۲۸٤ــ۳۵٦) را **رسالة فی الاغانی** است (اغانی ٦ : ۵۳) و **اخبار جحظة البرمکی** (ابن‌خلکان) و**اخبارالقیان** و**کتاب‌القیان** (الاعلان بالتوبیخ ممن‌ذم‌التاریخ ازسخاوی ص ۱۰٦) و **اخبارالمغنین‌الممالیك** (الاعلان ص ۱۰٦ و ۱۰۸) و **کتاب‌الغلمان‌المغنین** (ابن خلکان ، سخاوی) و **ادب‌السماع** (ابن‌ندیم ۱۱۵) و **کتاب‌الاماء الشواعر** و **کتاب الحانات** و **کتاب‌النغم** (اغانی ۹ : ٤۹ س ٤ ازپایین چاپ بولاق) .

بهترین کتاب او **الاغانی الکبیر** اواست‌که آن را **دیوان‌العرب** نامیده‌اند ودرشهرحلب درپنجاه‌سال بدان می‌پرداخته است. سیف‌الدوله حمدانی دربرابرآن باو هزاردینار وحکم دوم خلیفهٔ اندلس در برابر نسخه‌ای که برایش فرستاده است مانندآن داده‌است. درآن اغنیه‌ها وسرودها وترانه‌های جاهلی‌عرب ودوران‌اسلامی است تا سدهٔ سوم بایادکردن نغمه‌ها وایقاعات‌آنها وباسرگذشت مغنیان وخنیاگران وسرایندگان وسازنوازان .

کاترمر پاره‌ای ازآن را به‌فرانسه درآورده (JA ۱۸۳۵) وگزگارتن به‌لاتینی (۳ ــ ۱۸٤۰) وفارمر در ۱۹۵۵ اثری به‌انگلیسی دربارهٔ آن دارد.

---

۵۲ - ف ۱۷۱ و ۱۷۲ .

۵۳ - ف ۱۷٤ ، ع ۸٤٤ ، مل ۳۲ ، تاریخ ۱٦۸ ، ترجمه ۱۹۸ .

۵٤ - ف ۱۷۵ تا ۱۸۵ ، ع ۲۹ و ٤۷۸ تا ٤۸۰ و ۷۸۰ تا ۷۸۳ و ۹۰۸ ، مل ۳۳ ، تاریخ ۱٦٤ ، ترجمه ۱۹۳ .

متن آن در ۱۳۲۳ (۱۹۰۵) با فهرست چاپ شده ودربولاق بسال ۱۲۸۵ (۱۸۶۸) که مجلد ۲۱ آن را برونو Brünnw درلیدن بسال ۱۸۸۳ وفهرست آن را گوئیدی Guidi درهمانجا بسال ۱۸۹۵ـ۱۹۰۰ نشر کرده‌است. تصحیح الاغانی درقاهره در ۱۳۳٤ (۱۹۱٦) و **مهذب الاغانی** درهشت جزو به‌دست محمد خضری درمصر بسال ۱۹۲۵ (ع ۵۳۹) و **رنات المثالث والمثانی فی روایات الاغانی** بدست احمد صالحانی دربیروت در ۱۸۸۸ و در ۱۹۲۳ چاپ شده است.

ابن‌منصور محمدبن مکرم افریقی درگذشتهٔ ۷۱۱ **مختار الاغانی فی الاخبار والتهانی** دارد به‌ترتیب تهجی باافزوده‌هایی ازخود.

همچنین جمال‌الدین محمدبن سالم‌بن نصرالله‌بن واصل صموی درگذشتهٔ ۶۹۷ **تجریدالاغانی من المثالث والمثانی** دارد.

حدائق‌الفنون فی اختصار الاغانی در جامع زیتونهٔ تونس هست وگزیدهٔ دیگری ناشناخته در الجزایر (۱ : ۹ ـ ۱۷۹۵).

(بروکلمن ۱ : ۱٤٦ ترجمهٔ عربی ۳ : ۶۹ ـ سزگین ۱ : ۳۷۸).

۵۵ ـ ابوعبدالله محمدبن یوسف‌خوارزمی درگذشتهٔ نزدیك ۳۷۰ **مفاتیح العلوم** دارد که باب هفتم مقالهٔ دوم‌آن درسه‌فصل و درموسیقی است. او آنرا برای ابوالحسن عبیدالله عتبی وزیرنوح‌دوم پادشاه سامانی ساخته است. آن‌را وان‌ولوتن Van Vloten در لیدن بسال ۱۳۱۳ چاپ کرده و بخش موسیقی آن‌را ویدمان در ۱۹۲۲ به‌آلمانی و فارمر در ۱۹۵۹ به‌انگلیسی درآورده است.

۵۶ ـ ابوبکر محمد ادفوی درگذشتهٔ ۳۸۸ **الاقناع باحکام السماع** دارد (چلبی).

۵۷ ـ ابوالفرج محمد بن اسحاق بن ابی یعقوب ابن الندیم وراق بغدادی شیعی را کتاب **الفهرست** است که شیخ طوسی در فهرست خود از آن بهره برده است. او در ۳۷۸ (۹۸۸م) در دارالروم بوده است. الفهرست او دوتحریر دارد هردو با تاریخ ۳۷۷، او آن‌را برمبنای هنر وراقت خویش وشاید هم با نگریستن به‌یك کتابخانه‌ای ازیکی خلفاء ساخته است. اصل آن بگواهی نسخه‌های چستربیتی وشهیدعلی‌پاشا (فهرست فیلمها ص۳۶۲) بساخت سیاقی‌ودفتردیوانی‌است‌که بسیاری ازجاها را سفیدگذارده وهماره آنهارا باآگاهیهای تازه‌ای‌که بدست میآورده است پرمیکرده است.

گویا بیشتر کتابهایی که درفهرست یاد شده است ازمیان رفته وشاید شش

---

۵۵ ـ ف ۱۸٦، ع ۱۲۲، تاریخ ۲۱۳، ترجمه ۲۳٦ و ۲۳۷.

۵۶ ـ ف ۱۸۷، ع ۹۱۲.

۵۷ ـ ف ۱۸۸، ع ۲۱، مل ۲۵، تاریخ ۲۵٤، ترجمه ۲۱۵.

کتاب از صد کتاب موسیقی که او برشمرده است مانده باشد. هولاکو و تیمور و اکسیمنس Ximenes در سدهٔ ۱۳ و ۱۵ بسیاری ازکتابخانه‌ها را تباه و نابود ساختند که شاید نسخه‌هایی ازآنها دراینها بوده است.

مقالهٔ هفتم الفهرست را سوتر درتاریخ ریاضی‌دانان به‌آلمانی ومولرنهمین مقالهٔآنرا نیز به‌آلمانی وفارمر بخشی‌ازمقاله‌های‌سوم وهفتم‌را در ۱۹۶۱ به‌انگلیسی درآورده است.

نگارنده در دیباچهٔ برتاریخ‌الحکماء (فرهنگ ایران زمین) از آن بحث کرده است.

۵۸ ــ ابوالوفاء محمد بن محمد بن یحیی بن اسماعیل بوزجانی خراسانی بغدادی (۳۳۷ ــ ۳۸۷) ازریاضی‌دانان بزرگ جهان بشماراست.

ازاوست **مختصرفی‌فن‌الایقاع** که اکفانی درارشادالقاصد (مجموعهٔ مکتبهٔ هندیه ش ۱۸۴۹ ص ۹۳) دارای رساله‌های موسیقی فارابی وابن‌سینا وصفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی وثابت‌بن قرة ازاویادکرده واودرالدرالنظیم این رساله‌را **مقالة فی‌الایقاع** خوانده وازارزنده‌ترین رساله‌ها دانسته است.

(مفتاح‌السعادة طاش‌کبری‌زاده ص۳۱۱ ــ ابن‌خلکان ۳ : ۳۲۰ ــ قفطی ۲۸۷ ــ فهرست ۲۶٦ و ۲۸۳) .

۵۹ ــ ابوالحسن علی‌بن حسن‌بن طرخان ادیب مغنی سدهٔ ٤ را **کتاب‌اخبار المغنین الطنبوریین** است . در فهرست (۱۵٦) ونشوارالمحاضرة تنوخی از او یاد شده است .

٦۰ ــ علی‌بن سعید اندلسی یا اقلیدسی (فهرست ۲۸۵) (گویا همان علی بن موسی سعید مغربی) ازدانشمندان سدهٔ چهارم را **رسالة فی تألیف الالحان** است (فهرست نسخه‌های شرقی خریداری‌شده برای دکتر لی Lee درترکیه چاپ لندن در ٤۰ ــ ۱۸۳۱ ــ بروکلمن : ۱ ــ ۳۱۳ و ۳۳٦) .

٦۱ ــ اخوان‌الصفاء وخلان‌الوفاء مؤلفان‌رسائل درسدهٔ چهارم‌که گزیدهٔ آنها الجامعة وجامعة الجامعة است. ابوالحکم عمرکرمانی‌قرطبی‌سرقسطی درگذشتهٔ ٤۵۹ (۱۰٦٦ م) ریاضی و طبیعی‌دان که در مشرق به‌ویژه درحران درس خوانده بود این رسائل را دراندلس میان مردم نشرداده بوده است.

رسالةالموسیقی این رسائل درچهارده‌باب است. تاریخ تألیف آنهارا ۳۵۰

---

۵۸ ــ ف ۱۸۹ ، ع ۳۰ ، مل ۳٦ ، تاریخ ۲۱٦ ، ترجمه ۲۵۵ .

۵۹ ــ ف ۱۹۰ ، ع ۷٦۵ ، مل ۳۷ ، تاریخ ۷٦۵ ، ترجمه ۲۰۱ .

٦۰ ــ ف ۱۹۱ ، ع ۲۳۰ ، تاریخ ۱۷۷ ، ترجمه ۲۰۸ .

٦۱ ــ ف ۱۹۲ ، ع ۳٤ ، مل ۳۸ ، تاریخ ۲۲۰ ، ترجمه ۲٦۰ .

(۱۹۶۱ م) نوشته‌اند.

نسخه‌های این رسائل فراوان است وموسیقی آن تنها درملك هست مورخ ۱۲۶۵ (٦/٦١٤٩) .

٦٢ ـ سعیدبن فتوح بن مکرم خمارسرقسطی ازسدهٔ چهارم **کتاب فی الموسیقی** داردکه درالعقدالفرید ازاویادشده وگویا هم صاعد اندلسی ازاونام برده‌باشد.

٦٣ ـ ابوعبدالله هارون بن علی بن هارون به یحیی بن ابی منصور منجم درگذشتهٔ ۳۹۰ شاعر ادیب متکلم مغنی را کتاب **مختار فی الاغانی** است (فهرست ۱٤٤) .

٦٤ ـ ابوالقاسم مسلمة بن احمد مجریطی درگـذشتهٔ ۳۹۸ ستاره‌شناس ریاضی‌دان که **رسائل اخوان الصفاء** بلکه الرسالة الجامعة را باو نسبت داده‌اند واز آنها است رساله‌ای درموسیقی. گویا او به این رسایل اهتمام می‌ورزیده و آنها را به‌اندلس برده است (مجلة معهدالمخطوطات ٦ : ٧٦) .

چنین‌است نسخه‌های الرسالة الجامعة :

* پاریس ۲۳۰۸ .
* بادلیان ۲۹٦ هونت .
* ملك ۵٤۳۹ مورخ۵۹٦ و۱۲۸۰ ازسدهٔ نهم (ص۱٤٧ فهرست عربی) .
* دهخدا ش ۱٦٦ از سدهٔ دهم (نشریه ۳ : ۵۵) .
* مجلس ش۱٧۲۹ از سدهٔ ۱۱ (۵ : ۲٦۰) .

٦٥ ـ ابوالحسن علی بن (ابی) سعید عبدالرحمن بن یونس صدفی منجم درگذشتهٔ ۳۹۹ را **کتاب العقـود و السعود فی اوصاف العـود** است (برلین ۵۵۳٦/۳۱) .

٦٦ ـ ابوالقاسم حسین بن محمدبن مفضل راغب اصفهانی از دانشمندان سدهٔ چهارم **محاضرات الادباء و محاورات الشعراء** دارد که درآن «الغناء والمغنون والالات الموسیقیة» دیده میشود (چاپ قاهره ۱۲۸٧ ص۹ ـ ٤۳٦ ج۱) .

٦٧ ـ ابوحیان علی بن محمدبن عباس توحیدی درگذشتهٔ ۱٤٤ (شدالازار ٤۸۱) در **المقابسات** خود که موسوعه‌ایست دارای ۱۰۳ مطلب در مطلب نوزدهم

---

٦٢ ـ ف ۱۹۳ ، ع ۱۱۵ .

٦٣ ـ ف ۱۹۵ ، ع ٦٦٤ ، تاریخ ۱٦۸ ، ترجمه ۱۹۸ .

٦٤ ـ ف ۱۹٦ ، ع ۲۹٦ ، تاریخ ۲۱۱ و ۲۱٦ ، ترجمه ۲۳٦ و ۲۵۵ ، گفتار فارمر دربارهٔ نسخه‌های موسیقی بادلیان که درمقتطف ترجمه شده است.

٦٥ ـ ف ۱۹٧ ، ع ۹۵۵ .

٦٦ ـ ف ۲۱٧ ، ع ۵۵۰ .

٦٧ ـ ف ۱۹۸ ، ع ۲٦ و ٤٧٦ .

از «السماع والغناء واثر همافی‌النفس» سخن‌داشته (لیدن ۱۴۴۳ ــ چاپ بی‌تاریخ بمبئی وچاپ ۱۳۰۶ شیراز و چاپ ۱۳۴۷ هـ ۱۹۲۹ م سندوبی ص ۱۶۳ ــ ۱۶۵) و در **الامتاع والموانسه** از « الطرب و الغناء » گفتگو کرده است (چاپ ۱۹۴۲ قاهره ۲: ۱۶۵ ــ ۱۸۳) .

۶۸ ــ ابوالقاسم حسین‌بن علی‌بن محمد وزیر مغربی (۳۷۲ ــ ۴۱۸) از فرزندان **بهرام‌گور** بوده ودرقاهره زاده و وزیر فخرالملك ومشرف‌الدوله بویهی و بنی‌عقیل درموصل شده وحاکم خلیفهٔ فاطمی مصررا خدمت‌کرده و درمیافارقین درگذشته است. ازاوست گزیده‌ای ازالفهرست ابن‌الندیم وکتاب **جامع‌الاغانی** که باید گزیدهٔ اغانی اصفهانی باشد .

۶۹ ــ ابن‌سینا ابوعلی حسین‌بن عبدالله بخاری (۳۷۳ ــ ۴۲۸) درکتاب بزرگ خودکه **الشفاء** است درفن سوم ریاضیات‌که فن دوازدهم کتاب است **جوامع علم‌الموسیقی** گذارده است.

او درپایان آن (ص ۱۵۲) با عبارت «وستجد فی‌کتاب اللواحق‌تفریعات و زیادات‌کثیرة ان‌شاءالله تعالی» نوید نوشتن‌کتاب مبسوط وگسترده‌تری میدهد‌که گویا نتوانست بنویسد.

درآغازمقالت دوم‌آن آمده‌است (ص ۳۳) «واستحب لمن آثران‌ینظرفی هذه‌الاصول ان یضیف الی ذلك مطالعة مااورده **اقلیدس** فی‌کتابه‌المعروف **بالقانون** وان احب محب ان یلحق ذلك‌الکتاب کماهوبهذاالموضع‌کان قاصدا قصدالصواب» پس او این‌کتاب را دردست داشته است.

او ازکندی وسرخسی وفارابی یادی نمیکند.

جوامع علم‌الموسیقی شفاء درقاهره بسال ۱۳۷۶ (۱۹۵۶) باتحقیق‌زکریا یوسف وتصدیر ومراجعهٔ احمد فواد اهوانی و محمود احمدالحفنی چاپ شده‌است.

* احمد ثالث ۳۲۶۳ گ ۴۹۶ ــ ۵۲۶ .
* احمد ثالث ۳۴۷۳ گ ۱۲۱ ــ ۱۴۰ .
* الازهر ۳۳۱ بخیت گ ۳۴۸ ــ ۳۵۵ .
* انجمن آسیایی همایونی لندن ۵۸ گ ۵۶۲ ر ــ ۵۶۶ ر ازسدهٔ ۱۰ .
* اوپسالا ۳۴۴ .

---

۶۸ - ف ۱۹۹ ، ع ۶۸۵ ، تاریخ ۱۸۱ و ۲۱۱ و ۲۱۷ ، ترجمه ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۴۹ و ۲۵۷ .

۶۹ - ف ۲۰۲ تا ۲۰۷ ، ع ۶ تا ۱۰ ، مل ۳۹ ، تاریخ ۲۱۸ ، ترجمه ۲۵۷ ، گفتار فارمر دربارهٔ نسخه‌های موسیقی بادلیان وترجمهٔ عربی آن در مقتطف وفارسی آن از ملاح در مجلهٔ موسیقی ۱۱۰ .

* ایاصوفیا ۲۴۴۲ گ ۲۸۰ ــ ۲۸۸ مورخ ۶۷۱ .
* بادلیان ۱۰۹ پوکوك گ ۷۵ ر ــ ۱۲۹ ر . نوشتهٔ محمدبن علی‌بن الحسن در دههٔ دوم محرم ۶۰۴ (۴۷۶ یوری) .
* بادلیان ۲۵۰ پوکوك ۷۴ پ ــ ۹۴ ر از سدهٔ نهم (شمارهٔ ترتیب ۴۳۶ و ۸۹۳) .
* بانکیپور ۶ ــ ۲۲۲۳ .
* برلین ۵۰۴۴ .
* جارالله ۱۴۲۴ گ ۳۷۴ ــ ۴۸۴ نوشتهٔ ابوبکرعبدالله‌بن احمدبن‌عبدالله نساج تبریزی در ۶۹۳ برای قطب‌الدین شیرازی .
* چستربیتی گزیده‌ای از موسیقی ش ۳۳۲۵ مورخ رجب ۶۵۱ در ۴۵ برگ (ج۲ فهرست) .
* چستربیتی ش۳۹۸۳ دورهٔ شفاء مورخ ۱ع ۱۰۰۲/۱ (ج۴ فهرست)، (بروکلمن ۱ : ۴۵۴ و ذیل ۱ : ۸۱۵) .
* حکیم ملت ۸۵۷ گ ۸۲۱ ــ ۸۳۴ نوشتهٔ ۱۱۰۲ .
* داماد ابراهیم ۸۲۲ گ ۳۵۴ ــ ۳۷۴ از سدهٔ ۸ گویا از روی خط خود شیخ مورخ ۴۲۰ و ۴۲۲ .
* داماد ابراهیم ۸۲۳ گ ۴۹۴ ــ ۵۰۹ نوشتهٔ شهاب کرمانی در ۶۹۷ .
* دانشگاه تهران ۲۴۳ گ ۴۷۸ پ ــ ۴۹۱ ر (۳ : ۴۹۰) .
* دانشگاه تهران ۶۵۹۶ (۱۷ علومی) مورخ ۱۰۷۶ (دورهٔ کامل) .
* دیوان هند ۱۸۱۱ (۴۷۵۲) گ ۵۱۳ ر ــ ۵۷۵ر نوشتهٔ محمدصادق‌بن حاجی عبدالحکیم در ۱۱۰۲ــ مقابله شده با نسخهٔ نوشتهٔ محمدحسینی در موصل در بامداد روز شنبه ۶ صفر ۶۵۲ ، ترجمهٔ درلانژه ازروی این نسخه بوده است .
* دیوان هند RB 114 .
* دیوان هند ۴۷۴ ــ ۴۷۷ .
* سپه‌سالارتهران۱۴۳۸ به‌نستعلیق‌نوشتهٔ محمدحسین‌بن‌حسین‌خاتون‌آبادی در ۲۰ محرم ۱۰۵۳ .
* سپه‌سالار تهران ۱۴۳۹ به‌نسخ زین‌العابدین‌بن حاجی محمد رزاقی در ۲۹ ع ۱/۱۲۷۵ .
* سپه‌سالار تهران ۸۳۳۱ نسخ فضل‌الله‌بن حسین نایینی الهی در ۱۰۵۵ (۵ : ۲۵۲) .
* علی‌گره ۳۰/۱۱۰ .

* عمومی بایزید ۳۹٦۹ .
* فاتح ۲۳۱۱ .
* فیض‌الله ۱۲۰۹ گ ۲۵ ــ ۱۱۲ مورخ ۱۰۹۳ .
* قاهره ٦۷٥ فلسفه گ ۳۰۱ر ــ ۳۱۷ر نوشتهٔ ابوعلی‌بن‌الحسن کرمانی در ۱۱۷۷ .
* قاهره ۸۹٤ فلسفه گ ۷۹٥ ر ــ ۸۱٤ ر .
* لیدن ٥ ــ ۱٤٤ Or. 84 گ ٦٤٤ ر ــ ٦٤۸ ر نوشتهٔ فضل‌اللّه‌بن عبدالعزیز حافظ در روز سه‌شنبه ۸۸۱/۲٤ دارای خط دارندهٔ نسخه محمدبن عبدالرزاق گرگانی در ٤ شعبان ۸۸۲ (فیلم ۱٦۷۸ دانشگاه ص ۳٤۹ فهرست) .
* مجلس تهران نسخهٔ نوشتهٔ احمدبن محمد در ۸ ــ ۸۹۷۰ از طبیعی تا الهی و موسیقی آن در آغـاز محرم ۸۹۸ نوشته شده است (وحید ٤۳ : ٦٤۷) .
* ملك ۱۲٤٥ نسخ ۸٥۳ .
* ملك ۱۲۷٥ نسخ رفیع‌الدین محمد طبسی در ۱۱۱٦ .
* ملی ٥۸۰ .
* منچستر جان‌رایلندز John Rylands ۹ ــ ۳۷ گ ۱۳۹ ر ــ ۱۷٥ ر از سدهٔ ۱۱ .
* موزهٔ بریتانیا Or. 1190 مورخ ذق ٤۸٥ (ذی‌القعدة خمس وثمانین و اربعمائة) مقابله شده (عورض المکتوب منه) . (فیلم ۷۲٥ دانشگاه ص ۳٤۸ فهرست فیلمها) .
* مهدوی ۸٦۱ از سدهٔ ۱۲ نشریه (۲ : ۱٦۰) .
* نورعثمانی ۲۷۰۹ مورخ ۸۸٦ .
* نورعثمانی ۲۷۱۰ گ ۲۷۷ ــ ۲۸۱ مورخ ٦٦٦ .
* ینی‌جامع سلیمانیه ۷۷۲ مورخ شعبان ٦۲۸ (فیلم ٦۳۲ دانشگاه) .
* ینی جامع سلیمانیه ۷۷۰ مورخ ۸۸۸ .

منوبی سنوسی آن را به‌فرانسه درآورده و در مجلد ۲ موسیقی عربی‌د ر لانژه در ۱۹۳٥ بچـاپ رسیده است . فـارمر آن را در Studies in Oriental musical instruments II ص ٥ ــ ٥٤ درلندن با ترجمهٔ بخشی ازآن به‌انگلیسی چاپ کرده است.

حاجی خلیفه می‌نویسد که موسیقی شفا تصویر آلات داشته است ولی‌گویا نسخه‌ای با تصویر نمانده است (فهرست فارمر ص۳٦) .

کتاب جامع دیگر ابن‌سینا **النجاة** است که نتوانست بخش ریاضی آن را بنگارد و شاگردش جوزجانی چنانکه در دیباچهٔ این بخش در نجات و دانشنامه می‌نویسد از کتابها و رساله‌های دیگر شیخ گرفته و برآن افزوده است (فهرست مهدوی ص ۱۱۰ و ۲۳٤) موسیقی آن همان رسالهٔ موسیقی است که جوزجانی داشته ودرآن گذارده است واین رساله درتسع رسائل فی‌الحکمة چاپ ۱ ــ ۱۸۸۰ استانبول ودرمجموعهٔ هفت رسالهٔ چاپ ۱۳٥٤ دکن دیده میشود ، محمود حفنی آن را در برلیـن بسال ۱۹۳۱ با ترجمهٔ آلمانـی نشر کرده است ، تـدرس تدرسی Todros Todrosi آن‌را به‌عبری درآورده است (۱۳۳۰/۷۳۱) ونسخهٔ آن دربرلین هست (۲٤۸/۲) درترجمهٔ لاتین نجات موسیقی نیامده است.

دراین‌رساله از: اصوات، ابعاد، اجناس، جموع، ایقاع وانتقال سخن بمیان میآید و ازسازهای : صنج ، شاه‌رود، تنبور، مزمار، دستانهای بربط یاد میشود. در پایان آن از تألیف الحان یا آهنگسازی و شدود (دوازده مقام) و آوازات (شش آوازه) وشعب گفتگوشده است.

برخی ازجمله‌های آن ازموسیقی شفاء است.

* آستان قدس رضوی ۹۲۳ (٤ : ۲٦۳ ش ٥ ــ ۱۰٥٤) . مورخ ٥۲٤ سخ حسن‌بن ابی‌الفضل شاه‌بن حسن سامانی جنـزی در پایان شعبان ٥۲٤ ، تصحیح ومقابله شده .
* احمد ثالث ش ۳٤٤۸ نسخ محمدبن عبدالله‌المتقال .
* اونیورسیتهٔ استانبول ٦۷۸ مورخ ۱۰٦۲ .
* بادلیان ۹۸٥ و ۱۰۲٦ (مارس ۱٦۱ و ٥۲۱) .
* ایاصوفیا ۲٤۷۱ و ٤۸۲۹/٤۱ .
* جارالله ۱۳٤٥ مورخ ٦۱۸ نسخ عبدالحمیدبن عبدالواحدبن محمد نهاوندی .
* حراجچی اوغلو ۱۲۱٤ نوشتهٔ ابوالفضل فاخربن محمدبن مسعودبن اسعد هروی صاحبی‌ما بیژن‌آبادی در نیشابور درنیمه روز دوشنبه ۲٦ رمضان ٥۳۲ (فیلم ٦۹) .
* حمیدیه ۱٤٤۸ .
* دانشگاه تهران ۱۳٤۸ نوشته برای خزانهٔ ابوکالیجار علاءالدولـه گرشاسب‌بن علی‌بن فرامرز زندهٔ در ٥۱۳ .
* سپه ۸۳۸٤ (٥ : ۷٤) .
* قاهره ۱۰٥/٦ (۲٥ فلسفه م) .
* کوپرولی ۹۰٤ مورخ ۱۰۷٦ .

* ملی ۸۷۳ .
* نور عثمانیه ۲۷۱۸ .
(فهرست فیلمها ص۳۹۲ ــ فهرست قنواتی ومهدوی) .

ابن‌سینا برای علاءالدوله پسر کاکویه در شهر اصفهان میان سالهای ٤١٤ و ٤٢٨ یك دوره فلسفه را به‌زبان فارسی در **دانشنامهٔعلائی** یا **حکمت‌علائی** گذارده است. مگراینکه بخش ریاضیات آن‌چنانکه عبدالواحدجوزجانی می‌نویسد گم وتباه شده واو رساله‌ای‌کوچك ازاستاد دراصول هندسه داشته‌که گزیده‌ای ازکتاب اصول اقلیدس است و رسالهٔ دیگر در رصدهای کلی و افلاك مختصر ازمجسطی ورساله‌ای درعلم موسیقی ولی درارثماطیقی چیزی ازوی نداشته‌است، ناگزیر ازشفا برگزیده آن اندازه‌ای‌که در موسیقی سودمند باشد . او این رساله‌ها را به‌فارسی درآورده وبدین‌کتاب پیوسته‌است، همهٔ اینها به‌عربی بوده واو پیشها آنها را به **نجات** پیوسته بوده است (دیباچهٔ دانشنامه ونجات) .

پس موسیقی دانشنامه ترجمه‌ای از موسیقی نجات خواهد بود (دیباچهٔ ج۲ ترجمهٔ فرانسوی دانشنامه) وسبك او دراین بخش جز روش استاد است دربخشهای الهی وطبیعی‌که میخواسته است به‌فارسی سره بنویسد، ولی او لفظهای عربی بیشتر بکاربرده است (همین دیباچه) .

در **کتاب‌التحصیل بهمنیار** که ازروی دانشنامه ساخته شده و **مقاصدالفلاسفة غزالی** که ترجمه‌ایست آزاد از دانشنامه ، ریاضی وموسیقی نیست .

هانری ماسه Henri Massé ومحمد آشنا دانشنامه را به‌فرانسه درآوردند (دردوجلد چاپ ۸ ــ ۱۹۵۵ پاریس) .

* مجلس ۱۳۲ ص ٤۹۹ ــ ٥۲٥ (۲ : ٦۲) فیلم ۳۷۸٦ دانشگاه .
* ملك ۱۰۲٥ از سدهٔ ۱۱ وآراسته (ص ۲٤۱ فهرست فارسی) .
* ملی ٤۳ فردوسی .
* موزهٔ بریتانیا Or. 2361 (ش ۸۲۳ فهرست) و Add. 16659/3 و Add. 16830

ابن‌سینا در **اقسام‌العلوم** از موسیقی و در **کتاب‌النفس شفاء** و **رسائل نفس** دیگر از نیروی شنوایی مانند **ارسطو** در **کتاب‌النفس** سخن داشته است.

ابن ابی اصیبعه در عیون‌الانباء (۲ : ۱۹) از **المدخل فی‌صناعة‌الموسیقی** او یادکرده است . بندی از چنین‌کتابی‌که درنسخهٔ شمارهٔ Or. 2361 موزهٔ بریتانیا دیده میشود (۲۰۱پ) ازفارابی است نه او (نیز تاریخ‌الحکماء ص ٤۲۲) .

۷۰ ــ ابوالفرج عبدالله‌بن الطیب‌جاثلیق همدانی بغدادی درگذشتهٔ ٤۳٥ **تحدید مبادی‌الاقاویل‌الملفوظ بها وتعدیدها** دارد در ده‌باب ودرآن ازآواز وحرف

وکلمه ازرهگذرطبیعی ونحوی وطبی سخن داشته وازجالینوس یادکرده است.

* نسخهٔ دکتر یحیی مهدوی ، فیلم ۲٤٤۳ دانشگاه (ص ٦۹۳ فهرست).

۷۱ ــ ابن‌زیله ابومنصور حسین‌بن محمدبن عمربن زیله اصفهانی فیلسوف مهندس سرامد در موسیقی و آشنای به علوم ادب و استیفاء که گویا مجوسی بوده و در ٤٤۰ درگذشته است، **الکافی فی‌الموسیقی** نگاشتهٔ او است .

این‌کتاب در دنبال شفاء ابن‌سینا نوشته شده وگرفتهٔ از فارابی‌هم هست. او بحثی ازایقاع‌کرده‌که تازگی‌دارد ودرآثارپیشینیان دیده‌نمیشود. اودرآن ازکندی (٥٤ و ٥٦ و ٦۰ و ٦۱) وازفارابی (٥٥ و ٥۷ و ٦۰ و ٦۱) یادمیکند ومیگوید: «اما **الکندی** و **الفارابی** وغیرهاممن صنف فی‌الایقاع‌فلم یوفوه‌حق» (٥۳) عباراتی ازفارابی (ص ٦۲ ــ ٦۹ و ۷٤ و ۸۰ المدخل‌الکبیر) درآن‌آمده‌است (ص ٦۷ ــ ٦۹ تا ۷۲) همچنین از جوامع الموسیقی ابن‌سینا (ص ٤٥ و ٤۸) درآن (ص ۷٦ و ۲٦) دیده میشود.

درآن کلمهٔ «راوسین» آمده است (ص ٦٦) در المدخل الکبیر فارابی «رواشین فارسیة و خراسانیة» (ص ٦۹ و ۷۰) آمده ودرکافی (٦٦) «دستانات-خراسانیة اصفهانیة» می‌بینیم.

در آن آمده است (ص ۷۱) «صناعات آخر یضاف الی التی ذکرناها : صناعةضرب‌الدفوف والطبول والصنوج، صناعةالتصفیق، صناعةالرقص، صناعةالزفن (تحریک‌الاکتاف و الحواجب و الرؤس وماجانسهامن الاعضاء) » که در المدخل الکبیر فارابی (ص ۷۷) می‌بینیم.

درآن این عبارتها را میخوانیم (ص ٦٦) .

«و من اصناف اللحون الرواسین و هی‌الحان توخذ و تستعمل فی‌الالات والحلوق من غیر ان یوجد بها اغان اوالفاظ قسمت اجزاؤها علی اجزائها کما فی-الضرب‌الاخر المسمی الدستانات وهی الحان حوذی بها الالفاظ و الاغانی و قسمت اجزاوها وذلك کالدستانات الخراسانیة والمعروفة بالاصفهانیة .

ولکل واحد من‌الصنفین اسامی معروفة عند مستعملیها :

فالضرب‌الاول مثل یورمنك ورویح کامکارو ووردنس وفیروزکرنا قوسه و غیرهـــا .

والضرب‌الثانی‌مثل اراخسین‌ومردات‌هوف ونام‌افرنك وخروسال وافرمورد وغیر ذالك .

عنوانهای مطالب :

---

۷۱ - ف ۲۱۰ و ۱۱ ، ع ٥ ، مل ٤۱ ، تاریخ ۲۲۰ ، ترجمه ۲٦۰ .

١ ـ تعريف الموسيقى .
٢ ـ حدود الصوت واسبابه .
٣ ـ تأثيرالصوت فى‌النفس .
٤ ـ المتفق والمتنافر من‌النغم .
٥ ـ انواع‌الابعاد .
٦ ـ الجنس وانواعه .
٧ ـ جمع‌الابعاد وتفريقها .
٨ ـ الجمع .
٩ ـ الانتقال .
١٠ ـ الايقاع .
١١ ـ انواع‌الايقاعات .
١٢ ـ تأليف‌اللحون .
١٣ ـ انواع‌الالحان .
١٤ ـ الالات الموسيقية .
١٥ ـ تسوية‌العدد .
١٦ ـ الناى .

آغاز : بسملة كتاب الكافى فى الموسيقى لابى منصور بن زيلة قال الشيخ ابومنصورالحسين‌ابن محمدبن عمربن زيلة : علم‌الموسيقى يشتمل على بحثين .

احمد هماالبحث عن احوال‌النغم من حيث تاتلف وتتنافر [ويسمى «علم التأليف »] .

والثانى البحث عن مقاديرالازمنة المتخللة بين‌النغم ويسمى «علم‌الايقاع» فيحصل من هذين البحثين معرفه تأليف‌اللحون ولهذا العلم مبادى و اصول مسلمة يكون بياناتها فى صناعات آخر و تكون مقدمات مسلمة فى بيان مبادى هذا العلم ولنقدم الكلام عليها .

انجام : فان‌احتاج الزامر الى‌نغمة اخرى من‌نغم العود ولم‌يجدها فى‌الناى عدل الى ضعفها الموجودةفيه، فاخذها من‌الناى بدل تلك النغمة فنابت عنها وقامت مقامهاالا فى نغمة لايوجدلها ضعف فى‌الناى فيحتال فى‌النفخ وشدته وضعفه ويرفع الاصبع عن‌الثقب‌الذى يقارب تلك النغمة الى حد يخرج منه تلك النغمة التى يحتاج اليها وتوخذ سائرالنغم بهذه الحيلة وهذا التدبير (تم‌الكتاب) .

زكريا يوسف آن را درقاهره بسال ١٩٦٤ در ٧٨ ص چاپ كرده است.

* رامپور مجموعة ٣٠٩٧ برگ ١ ـ ٢١ (I 417/57)

* موزهٔ بريتانيا مجموعهٔ Or. 2361 ش ١٠ برگ ٢٢٠ر ـ ٢٣٧ پ

(فهرست عربی ریو ش ۸۲۳ ص ۵۵۹) .
۲ (بروکلمن ۱ : ۸۲۹ و ذیل ۲ : ۱۰۳٦ — ابن ابی اصیبعه ۲ : ۱۹) .
ابن‌زیله **کتاب‌النفس** هم دارد که گویا نسخه‌ای از آن نیست و می‌بایستی در آن ازسمع وشنوایی گفتگو کرده باشد.

۷۲ — ابوالعلاء احمدبن عبدالله‌بن سلیمان معری درگذشتهٔ ٤٤۹ شاعر فیلسوف در **الفصول والغایات** خود ازایقاع یادکرده است (ص ۹٤ — ۳۸۹ چاپ ۱۳٦٤ ﻫ ۱۹٤۵ م بیروت) .

۷۳ — عزالملك محمدبن عبد (عبید) الله‌بن احمد حرانی (۳٦۸ — ٤۲۰) مورخ مصری خدمت‌گذار حاکم فاطمی را **مختارالاغانی و معانیها** است (چلبی) .

۷٤ — ابن‌الهیثم ابوعلی‌الحسن‌بن الحسین‌بن الهیثم درگذشتهٔ ٤۳۰ طبیعی وریاضی‌دان مصررا **رسالة فی‌تأثیرات اللحون الموسیقیة فی‌النفوس الحیوانیة** است. این‌مسأله درکتابهای‌اسلامی یادمیشده ودرآنها ازتأثیرنغمه در راهواری شتر(حدی عربها) ودراسب تشنه‌ای که آب‌نخورد وگزنده‌ای که افسون‌شود وپرنده‌ای که‌شکار گردد وفیلی‌که به‌دام افتد سخن بمیان آمده است. در رسائل اخوان‌الصفاء والعقد الفرید هم این‌مسأله دیده میشود .

همچنین از اوست کتاب مقالات شرح قانون اقلیدس و مقالات فی شرح الارمونیکی‌لاقلیدس که‌گویا به‌ایساگوگه ارمونیکی یا Introductio Harmonica کلئونیدس Cleonides مربوط باشد.

(قفطی ۱٦۸ — خرجی ۲ : ۹۸ — گفتار فارمر درایسیس دربارهٔ آثار یونانی ترجمه شدهٔ به‌عربی) .

۷۵ — ابوالحسن علی‌بن محمدبن حبیب ماوردی بصری بغدادی (۳٦٤— ٤۵۰) دانشمند مقمزلی شافعی فتوایی دربارهٔ سماع دارد .

۷٦ — قاضی‌ابوالطیب طاهربن عبدالله‌بن طاهربن عمرطبری آملی بغدادی شافعی (۳٤۸ — ٤۵۰) **رسالة فی‌سماع‌الغناء علی مذهب‌الشافعی** دارد .

* اسعد افندی ۲۲ مورخ ٤۲۷ .
(فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ص۳۳۲ ف ٦٤۹) .

---

۷۲ - ف ۲۰۰ و ۲۱۱ ، مل ٤۳ ، تاریخ ۱۰۳ و ۱۳۸ ، ترجمه ۱۲٤ و ۱٦۳ .
۷۳ - ف ۲۰۱ ، ع ٦۵۰ ، تاریخ ۱۹۰ و ۲۱۱ و ۲۱۷ ، ترجمه ۲۲٤ و ۲٤۹ و ۲۵۷ .
۷٤ - ف ۲۰۷ تا ۲۰۹ ، ع ۲۲ ، مل ٤۰ ، تاریخ ۲۱۹ ، ترجمه ۲۵۹ .
۷۵ - تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .
۷٦ - ف ۲۱۳ ، تاریخ ۱۹۹ ، ترجمه ۲۳٤ .

۷۷ ـ ابن‌سیده ابوالحسن علی‌بن اسماعیل (احمد) بن سیده مرسی‌اندلسی درگذشتهٔ ۴۵۸ ادیب در **المخصص** خود ازایقاع‌اندلسی وشرقی ومانندگی آنها یاد کرده (۱۲ : ۱ ، ۱۱ چاپ بولاق) و در **المحکم والمحیط الاعظم** (۱۳ : ۹ر۱۶). باب‌الملاهی و الغناء گذارده است (کوپرولو ۱۵۷۳ ـ چاپ ۱۳۲۰ هـ ۱۹۰۲ م قاهره) .

۷۸ ـ قاضی امام عتیق‌بن دواد یمانی حنفی فقیه درگذشتهٔ ۴۶۰ را **رسالة السماع والغناء** است (چلبی ـ معجم المؤلفین ۶ : ۲۴۸) .

۷۹ ـ ابوالقاسم عبدالکریم‌بن هوازن قشیری‌نیشابوری درگذشتهٔ ۴۶۵ در **الرسالة القشیریة** ازسماع یاد کرده است (چاپ ۱۲۸۴ بولاق) و از او است **کتاب السماع** که چنین آغاز میشود «الحمدالله خالق الارواح ...... هذه فصول یخبر عن حقیقة السماع واحکامه و امارات صحته واعلامه ذکر ناعلی حدالاختصار» در مجلهٔ علوم اسلامیه مسلم یونیورسیتی علی‌گره (۱ : ۱ ص ۱۵۲) از مجموعهٔ ۲۷۱۳ قسطمونی مورخ ۶۱۵/۱۲ که دربرگ ۲۲۲ ـ ۲۲۶ آن این‌رساله است یاد شده است.

۸۰ ـ ابن‌بطلان ابوالحسن المختاربن‌الحسن‌مصری درگذشتهٔ پس از ۴۶۰ را کتاب **شراءالرقیق وتقلیب‌العبد** است وبندهای کوتاهی که اوراست در موسیقی س . رایس S. Rice برای فارمرگرد آورده است (ش ۴۹۷۹ برلین) .

۸۱ ـ بندارابن ناقیارئیس **ابوالقاسم عبیدالله‌بن محمدبن‌الحسن‌بن ناقیابن داودبن محمدبن یعقوب‌بن ابی‌الفتح چلبی بغدادی** حنفی شاعر کاتب موسیقی‌دان نوازندهٔ مزاهرکه عود جاهلی است از مردم حریم طاهری (۱۵ ذق ۱۰ ـ ۴۸۵) مؤلف الجمل فی‌التشبیهات است که در بغداد بسال ۱۳۸۷ (۱۹۶۸ م) چاپ شده وسرگذشت‌او در ریباچهٔ آن هست. ازاوست **مختصرالاغانی لابی‌الفرج الاصفهانی** .

* قاهره ۵۳۹ ف ج (آغاز افتاده) .
* قاهره ۳۱ ف ج نوشتهٔ ٤ ـ ۱۹۰۳ کامل .

همچنین **اغانی‌المحدثین** یا **المحدث‌الاغانی** .

چلبی وصفدی وابن‌خلکان ازاویادکرده‌اند.

۸۲ ـ ناصر عودی‌کلبی گویا از سدهٔ پنجم یا ششم را **بلوغ‌الاوطار فی**

---

۷۸ ـ ع ۹۴۶ .
۷۹ ـ ف ۲۱۴ ، ع ۹۳۶ .
۸۰ ـ ف ۲۱۵ .
۸۱ ـ ف ۲۱۶ ، ع ۴۷۲ ، مل ٤٤ ، تاریخ ۲۲۰ ، ترجمه ۲۶۰ .
۸۲ ـ ع ۲۷۱ .

بیان ترنم **الاوتار علی‌الموسیقی** است (بروکلمن ذیل ۱۰۳۶) .
* قاهره ۳۱ ف ج در ۹ گ (نشر ۵۰) .
۸۳ ــ ابوحامد محمدبن محمد غزالی طوسی (۴۵۰ ــ ۵۰۵) در **احیاء العلوم** کتاب هشتم بخش چهارم **کتاب آداب السماع والوجد** گذارده است . این بخش‌را ماکدونالد D. B. Macdonald در JRAS سال ۱۹۰۱ ص ۱۹۸ــ۲۵۲ و ۷۰۵ــ۷۴۸ وسال ۱۹۰۲ ص ۱ــ۲۸ به‌انگلیسی درآورده است.
این کتاب‌را در ۶۲۰ برای مؤیدالملك محمدبن فخرالملك ابوسعید جنبید بفارسی درآوردند (فهرست فیلمها ص ۴۸) .
درفهرست قاهره (۱ : ۷۵) از ترجمهٔ احیاء مؤیدالدین محمد خوارزمی (نسخهٔ مورخ ۹ ــ ۱۰۸۷) ودرفهرست افغانستان (ص ۱۵) ازترجمه‌ای‌که نسخهٔ آن در ۱۰۲۴ نوشته شده است یادگردید. دردانشگاه تهران بخشی ازترجمهٔ احیاء (ش ۷۸۸۵) هست. قطب‌شیرازی برای محمودبیك پسرمظفرالدین یولوق ارسلان از احیاءالعلوم بنام **انتخاب سلیمانی** بفارسی گزین کرده است (سرگذشت قطب از مجتبی مینوی ص ۴۰) بخش تصوف . درةالتاج گویا از احیاء گرفته شده باشد .
درهمم‌الثواقب شیخ‌علی‌نقی‌کمره‌ای‌که به‌نام شاه‌صفی (۱۰۳۸ ــ ۱۰۵۲) در ۱۰۴۴ ساخته‌است آمده‌که این پادشاه به‌صدرامحمداشیرازی دستورداده‌است‌که احیاءالعلوم غزالی را بااینکه مطالب‌فاسدی‌دارد به‌فارسی درآورد (سپه ۱ : ۳۴۸) این شیرازی گوهریگانه را به‌نام همین‌پادشاه در ۱۰۷۷ ساخته‌است (فهرست‌فیلمها ۱۷۲ ــ منزوی ۸۳۶ ــ مجلس ۱۶ : ۲۴۵ ش ۵۳۳۳/۱۲) .
درکیمیای سعادت او هم دراصل هشتم آداب سماع و وجد دوباب است : نخستین دراباحت سماع و اقسام آن و بیان آنچه از وی حلال است و آنچه حرام سپس فصل سماع درکجا حرام بود ودوم درآثارسماع وآداب آن .
درمجموعهٔ آقای کریم‌زاده رساله‌مانندیست باعنوان هذه من فوائد موائد امام محمدالغزالی ... دربیان آداب سماع ووجد وحکم سماع وآنچه ازاو حلال است وآنچه حرام است (مجلهٔ وحید ۴۷ : ۱۰۵۶) .
۸۴ ــ عمربن ابراهیم خیامی (تا آغاز سدهٔ ششم) القول فی‌الاجناس‌الذی بالاربعة وانواع‌القوی والملون والتألیفی یا رسالة من‌کلام عمرالخیامی **فی‌الموسیقی** دارد و درآن از فارابی و ابن‌سینا یادکرده است وآن درخیامی‌نامهٔ همایی ازروی نسخهٔ مانیساگنل ش ۱۷۰۵ (۹۷ــ۹۹) در ۱۳۴۶ خ (ص ۳۴۰ــ۳۴۴) چاپ شده است (فهرست فیلمها ص ۴۴۵) .

---

۸۳ - ف ۲۱۸ ، ع ۹۳۲ ، مل ۴۲ ، تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .
۸۴ - تاریخ ۱۸۲ ، ترجمه ۲۱۳ .

۸۵ ـ ابن‌القیسرانی ابوالفضل محمدبن طاهربن عبدالله مقدسی درگذشتهٔ ۵۰۷ «**فی‌جوازالسماع**» دارد .

* کوپرولو ۳۹۱ .

۸۶ ـ عثمان‌بن عیسی، بلطی درگذشتهٔ ۵۹۹ **مختصر کتاب‌الاغانی‌الاصفهانی** دارد وسخاوی درالاعلان بالتوبیخ لمن‌ذم‌التاریخ (ص ۵۸۵) ازآن یادکرده‌است.

۸۷ ـ حریری ابومحمد قاسم‌بن علی‌بن محمد بصری (۴۴۶ ـ ۵۱۶) در **المقامات** خود داستانهایی آورده دارای نکاتی درموسیقی ودرآن ازاسحاق‌موصلی یادکرده است. در ۱۸۶۷ و ۱۸۹۸ ترجمهٔ انگلیسی آن نشرشده است.

فضل‌الله‌بن عثمان سراج کاتب درچاشت روزآدینه ۱۲ ج ۵۸۷/۱ آن را بفارسی درآورده است (نسخهٔ مورخ ۲۱ ع ۶۶۲/۱ موزهٔ‌بریتانیا ش Or. 7976) متن‌آن باترجمهٔ فارسی درنورعثمانی‌که درتاریخ ۵ ج۱ر۶۸۶ نوشته شده‌است هست بشمارهٔ ۴۲۶۴ (فهرست فیلمها ص ۵۱ و ۳۸۶) .

نسخه‌ای ازمتن‌آن باترجمهٔ طبری ازسدهٔ‌نهم درکتابخانهٔ ملی‌ملك ش۲۴۸۷ هست (فهرست عربی ص ۵۲۸) .

نسخهٔ مصوری ازآن درموزهٔ بریتانیا (ذیل ش ۱۰۰۶) باعود وزمرد دف ودرپاریس (ش ۵۸۴۷ عربی) هست (سچوکین نسخ مصور تیموری ص ۳۸) .

۸۸ ـ ابوالعباس شهاب‌الدین احمدبن محمد خیاط درگذشتهٔ ۵۱۷ را **اختصارمواهب‌العرب من‌الحرب فی‌السماع وآلات‌الطرب** است .

* قاهره ۴۵۰ فقه مالکی .

۸۹ ـ ابوالفتوح مجدالدین احمدبن محمد غزالی طوسی درگذشتهٔ ۷۱۵ را **بوارق‌الالماع** فی‌تکفیر (خطأ) من یحرم‌السماع وتبیین شرفه بالاجماع (الرد علی من یحرم‌السماع بالاجماع) است که با فرح‌الاسماع ابن زغدون در لکنو در ۱۳۱۷ (۱۸۹۹ م) چاپ شده و روبسون Robson آن را با ترجمهٔ انگلیسی در «رسائل‌فی‌سماع‌الموسیقی» درلندن بسال ۱۹۳۸ بچاپ رسانده است.

*اسکوریال ش ۱۸۱۰/۴ ج۳ فهرست .

* برلین ۵۵۰۵ مورخ ۷۵۰ .

* بنگال ش ۴۵۸۰/۱ ج۳ .

---

۸۵ – ف ۱۲۹ ، مل ۴۵ .

۸۶ – ع ۵۰۹ .

۸۷ – ف ۲۲۰ ، مل ۴۶ .

۸۸ – ف ۲۲۱ ، مل ۴۸ .

۸۹ – ف ۲۲۲ ، ع ۹۳۱ ، تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .

* پاریس ۱۵۱۳ ذیل از سدهٔ ۱۱ .
* ظاهریه دمشق ۷۵۲۶ .
* قاهره ۲۲۶ مج ت و ۳۷۷ ت .
* لیدن ۴۲۱ .
(بوئیز ۲۳۶ ـ بدوی ۲۳۷) .

۹۰ ـ ابو الصلت امیة بن ابی الصلت عندالعزیز اندلسی تونسی مصری (۴۶۳ ـ ۵۲۹) شاگرد ابوالولیدبن احمدکنانی وقابسی اندلسی و دانشمند آگاه ازموسیقی علمی وعملی وعودنواز را **رسالة فی‌الموسیقی** است که ترجمهٔ عبری‌آن درپاریس (۱۰۳۷ عبری گ ۱ پ ـ ۲۰ پ) هست.

پروفیات دورام Profiat Duram درمعسه‌افود Mua'seh Efod ساختهٔ در ۸۰۶ (۱۴۰۳ م) ازاویادکرده است.
* برلین ۵۵۳۶/۵ .

۹۱ ـ ابن‌باجه ابوبکرمحمدبن یحیی‌بن الصائغ سرقسطی اشبیلی مراکشی که در۵۳۳ کشته شده‌است. موسیقی‌دانی‌بود بی‌مانند وعود می‌نواخته‌است. دانشمندی است فیلسوف و مانند فارابی در مغرب اسلامی در موسیقی چنانکه ابن‌سعید مغربی درگذشتهٔ ۶۴۱ گواهی داده است . دشمنش فتح‌بن خاقان دربارهٔ او گفته است که «اقام سوق الموسیقی» . ابن خلدون در مقدمه او را «صاحب‌التلاحین المعروفة» خوانده است. همچنین دربارهٔ اوگفته‌اند «الیه‌تنسب‌الالحان المطربة بالاندلس‌التی علیهاالاعتماد» .

از **رسالة فی الموسیقی** او المقری (۲ : ۱۲۵) یاد کرده است (خزرجی ۲ : ۶۲) .

کتاب فی‌النفس او بحثی ازسمع دارد (۵۰۵۰ برلین در ۱۶۱ گ مورخ ۶۷۰) در **تدبیرالمتوحد** اوازسازعود بحث‌شده‌است (بادلیان Pocok 206 ۴ پ ـ ۱۵ ، ۱۵۷ ـ ۱۵۸) .

۹۲ ـ ابن قزمان ابوبکربن عیسی‌بن عبدالملک‌بن قزمان اندلسی درگذشتهٔ ۵۵۵ آشنای به‌موشح وزجل را **اصابة الاغراض فی ذکر الاعراض** است درازجال .
* قاهره ۱۵۱۳ ادب ش ۱۵ مورخ ۱۰۹۶ .

۹۳ ـ ابن الحداد ابوعبدالله محمدبن احمدبن عثمان‌بن‌الحداد درگذشتهٔ

---

۹۰ ـ ف ۲۲۳ ، ع ۲۸ ، مل ۴۷ ، تاریخ ۲۲۱ ، ترجمه ۲۶۱ .
۹۱ ـ ف ۲۲۴ ، ۲۲۶ ، ع ۳ ، مل ۴۹ ، تاریخ ۲۲۲ ، ترجمه ۲۶۲ .
۹۲ ـ ف ۲۲۶/۲ ، ع ۴۶۴ .
۹۳ ـ ف ۲۲۷ ، مل ۵۰ ، تاریخ ۲۲۳ ، ترجمه ۲۶۳ .

٥٦١ را (تعلیم‌الموسیقی) Musices Disciplina است.

۹٤ ــ کافی‌الکفاة ابوالمعالی بهاءالدین‌ابن‌حمدون محمدبن‌ابی‌سعدالحسن بغدادی (٤٩٥ــ٥٦٢) ادیب مورخ **التذکرةفی‌السیاسة** یا **التذکرةالحمدونیة** دارد که بسیاری ازآن از اغانی‌کبیر اصفهانی گرفته شده به‌ویژه فصل ۲۵ آن‌که دربارهٔ قینه‌ها یا زنان خنیاگراست (معجم‌المؤلفین ۹ : ۲۱۷) .

* موزهٔ بریتانیا Or. 5475

* منچستر ٦٦۹ .

(JRAS ۱۹۰۸ ص ٤۰۹) .

۹٥ ــ ابوجعفر احمدبن عبدالملک‌بن عمیرة‌بن یحیی ضبی‌لورقی درگذشتهٔ ٥۷۷ در **کتاب بغیة‌المتلمس فی‌تاریخ رجال الاندلس** (چاپ مادرید در ۱۸۸٤ ص ۲۲٤) ازسر‌گذشت زریاب سخن داشته است (ذیل چلبی) .

۹٦ ــ ابن‌المطران موفق‌الدین‌ابونصر اسعدبن الیاس‌بن‌جرجس‌بن‌المطران دمشقی درگذشتهٔ ٥۸۷ شاگرد ابن‌النقاش پزشکی مسیحی بوده وسپس اسلام آورده است ودربغداد درس‌خوانده‌است. نزد صلاح‌الدین ایوبی بوده وکتابخانه‌ای دارای ده‌هزارمجلد بنیاد نهاد. از **رسالةالادوار** اودرفهرست برلین (٥٥۳٦/۲٥) یادشده است. ازاوست **بستان‌الاطباء وروضةالاطباء** . (خزرجی۲ : ۱۷٥ – لکلرک ۲ : ٤٥ – المخطوطات العربیة لکتبة النصرانیة ص ۱۷) .

۹۷ ــ ابن رشد ابوالولید محمدبن احمدبن رشد اندلسی درگذشتهٔ ٥۹۳ در شرح یا **تلخیص کتاب النفس** ارسطو (مادرید ۳۷ ــ قاهره ٦ : ۹۰) از سمع وشنوایی سخن داشته است . این‌کتاب به‌عبری ولاتینی واسپانیایی درآمده و چاپ هم شده است.

۹۸ ــ ابن الجوزی جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن‌بن علی بغدادی درگذشتهٔ ٥۹۷ را **الظرفاء فی‌تواریخ‌المغنین** است (الاعلان بالتوبیخ‌لمن‌ذم‌التاریخ ازسخاوی) .

۹۹ ــ یحیی‌بن ابراهیم خدوج‌اعلم اصبحی مرسی از سدهٔ ششم را **الاغانی الاندلسیه** است‌که به‌پیروی اغانی اصفهانی ساخته‌است . رعینی در «برمانج‌الشیوخ»

۹٤– ف ۲۲۸ .

۹٥– ع ۸۳۷ .

۹٦– ف ۲۲۹ ، ع ۱۹ .

۹۷– ف ۲۳۰ ، تاریخ ۲۲٥ ، ترجمه ۲٦٥ .

۹۸– ع ۷٦۲ .

۹۹– ف ۲۳۱ ، ع ٥۰۰ ، تاریخ ، ترجمه ۲٦٥ .

(چاپ ۱۹۶۲ دمشق ص ۱٦٤) ازآن یادکرده است (مقری ۲ : ۱۲۵) .

۱۰۰ ــ ابن‌میمون ابوعمران موسی‌بن میمون‌بن عبیدالله قرطبی درگذشتهٔ ٦۰۱ فیلسوف یهودی که آثارش به‌جز مشناه تورات‌که به‌عبری است همه به‌عربی است. او مانند فقهاء محتاط اسلامی موسیقی را تحریم‌کرده است بلکه خواندن آن را هم روا نداشته است. متن فتوای او و ترجمهٔ آن را فارمر درلندن بسال ۱۹٤۱ چاپ کرده است و آن به‌عبری است. گویا او خود موسیقی را ناروا ندانسته بلکه آن خنیاگری وغناء متداول را ناپسند داشته‌است چنانکه ازسخنان برخی ازفقیهان اسلامی هم چنین دریافت میشود.

۱۰۱ ــ بدیع‌الزمان ابوالعز اسماعیل‌بن الرزاز الجزری درگذشتهٔ ٦۰۲ **کتاب فی‌معرفة‌الحیل الهندسیة** دارد که آنرا کوماراسوامی در ۱۹۲٤ به انگلیسی درآورده و ویدمان در ۱۹۰۹ و ۱۹۱۸ به‌آلمانی دربارهٔ آن‌کتاب نوشته است.

۱۰۲ ــ ابن‌سناءالملك قاضی عزالدین ابوالقاسم هبة‌الله‌بن جعفربن معتمد سعدی مصری (۵۵۰ ــ ٦۰۸) را **دارالطراز فی‌الموشحات** است‌که جوده‌رکابی آن را دردمشق بسال ۱۹٤۹ چاپ‌کرده است.

(بروکلمن ۱ : ۲٦۱ ذیل ۱ : ٤٦۱ ــ معجم‌المؤلفین ۳ : ۱۳۵) .

* قاهره ۲۰۳۸ ادب (فهرست دوم ۳ : ۳٤۲) .

* لیدن ۲۸٦ (نسخهٔ کهنی است) .

۱۰۳ ــ شیخ‌الاسلام برهان‌الدین علی‌بن ابی‌بکربن عبدالجلیل مرغینانی فرغانی حنفی درگذشتهٔ ٦۱۷ فتوایی دربارهٔ سماع دارد .

۱۰٤ ــ ابومحمد موفق‌الدین عبدالله‌بن احمدبن محمدبن قدامة مقدسی جماعیلی نابلسی دمشقی صالحی (۵٤۱ ــ ٦۲۰) . دانشمند فقیه حنبلی‌کتابی دربارهٔ جواز وحرمت موسیقی نگاشته است (الموسیقی العراقیة عباس عزاوی ص ۹۳ ــ معجم‌المؤلفین ٦ : ۳۰) .

۱۰۵ ــ حسن‌بن احمدبن علی‌کاتب زندهٔ در ٦۲۵ را **کمال‌ادب‌الغناء** است در چهل باب .

* روان‌کوشکو درطوپ‌قپوسرای ش ۱۷۲۹ در ۲۱ برگ نوشتهٔ حسن‌بن

---

۱۰۰ ــ ف ۲۳۲ ، تاریخ ۱۸۹ و ۱۹۳ ، ترجمه ۲۲۲ و ۲۲۷ .

۱۰۱ ــ ف ۲۲۳ .

۱۰۲ ــ ف ۲۳۵ ، ع ٤٦۳ .

۱۰۳ ــ تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .

۱۰۵ ــ ف ۲۳٦ ، ع ۲٦۳ و ٦۲۹ .

یوسف‌بن ابی‌القاسم گویا ازدیوانیان ایوبی در۶۲۵ (ج ٤ ش ٧٤٢٥ – فهرست) .

* قاهره ۵۰۵ ف ج در ۲٤۸ ص (عکس همین نسخه ، نشره ۲۳) .

آغاز : ثبت جمل ابواب الکتاب ... الحمدلله مولی النعم و اهل القول والکرم .

همچنین **المعین فی النغم والایقاع** که درکمال ادب‌الغناء ازآن یادشده‌است.

(بروکلمن ۱ : ٤۹۶ و ۲ : ۶۶۷ و ذیل ۲ : ۱۰۳۵) .

۱۰۶ – یاقوت‌بن عبدالله رومی حموی درگذشتهٔ ٤۲۶ در **معجم الادباء** سرگذشت مغیان را آورده است.

* موزهٔ بریتانیا Add. 16649-50 ، چاپ مارگولیوث در ۱۹۰۷ وچاپ بیروت . او **کتاب‌السماع** هم دارد .

۱۰۷ – موفق‌الدین عبداللطیف بغدادی درگذشتهٔ ۶۲۹ را **کتاب السماع** است.

* برلین ۵۵۳۶/۶ .

۱۰۸ – محیی‌الدین ابن العربی (۵۶۰ – ۶۳۸) را **رسالة فی الوجد والتواجد** است .

* استانبول امانة خزینه‌سی ۱۷۲۵/۱۰ ازسدهٔ ۱۰ .

* معهدالمخطوطات ۲۱۷ تصوف (عکس همان‌نسخه) .

(فهرست معهدالمخطوطات ۱ : ۱۶۳– فهرست عثمان‌یحیی ش۸۱۰).

۱۰۹ – جمال‌الدین ابوالحسن علی‌بن یوسف القفطی (۵۶۸ – ۶٤۶) را **اخبارالعلماء باخبارالحکماء** یا **تاریخ‌الحکماء** است که **محمدبن علی‌بن محمد زوزنی** از آن بنام **المنتخبات الملتقطات** گزین‌کرده وهمین‌گزیده است‌که یولیوس‌لیپرت در ۱۹۰۳ در لایپزیك چاپ‌کرده است . در زمان شاه‌سلیمان صفوی آن‌را به‌فارسی برگرداندند وآن درشب یکشنبه ٤ ج ۱۰۹۹/۱ بانجام رسیده است . واین ترجمه در دانشگاه تهران در ۱۳٤۷ خ بچاپ رسیده است . نسخه‌های این فارسی درمجلس (۲ : ۳۱۶ ش ۶ – ۵۳۵) وملك (ش۳۸۹۵ ص۱۲۹ فهرست فارسی) وآستان‌قدس (۳ : ۷۶ ش ۱۰) و سپه (۳ : ٤۰۱ ش ۱۵۵۹) و دانشگاه تهران (٤ : ۶۹۳ ش ٤۲٤) است .

نگارنده در دیباچهٔ مختصرفی‌تاریخ الحکماء الیونابیین والملیین (فرهنگ

---

۱۰۶ – ف ۲۳۷ ، ع ۹۶۵ .

۱۰۷ – ف ۲۳۸ .

۱۰۹ – ف ۲۳۹ ، ع ۱۶ ، تاریخ ۲۲۹ ، ترجمه ۲۷۰ .

ایران‌زمین) از این کتاب بحث کرده سرگذشت بسیاری از موسیقی‌دانها در آن هست).

۱۱۰ ـ ابوالعباس احمد بن محمد اندلسی اشبیلی درگذشتهٔ ۶۵۱ **کتاب السماع واحکامه** دارد.

(ش ۵۵۳۶/۷ برلین ـ المقری ۱ : ۸۱۱).

۱۱۱ ـ شهاب‌الدین ابوالعباس احمدبن یوسف تیفاشی درگذشتهٔ ۶۵۱ را **متعة‌الاسماع فی‌علم‌السماع** است. چنانکه حسن‌عبدالوهاب فرمان‌روای مهدیهٔ تونس میگوید کسی نسخه‌ای از آن دارد.

۱۱۲ ـ ابوالعباس احمدبن عمر انصاری قرطبی فقیه مالکی درگذشتهٔ ۶۵۶ **کشف‌القناع عن‌حکم‌الوجد والسماع** نگاشته است (المقری ۱ : ۸۸۳).

* قاهره ش ۵۴۶۷ (۷ : ۵۴۶).

۱۱۳ ـ عزالدین عبدالعزیز بن‌عبدالله‌بن‌عبدالسلام‌بن ابی‌القاسم سلمی‌دمشقی شافعی مفتی سوریه و مصر و رئیس العلماء (۵۷۷ ـ ۶۶۰) **حل‌الرموز و مفاتیح الکنوز** نگاشته است.

(معجم‌المؤلفین ۵ : ۲۴۹ ـ رامپور ۱ : ۳۳۵).

علوچی (ش ۲۲۰) این کتاب را از ابن‌غانم عزالدین عبدالسلام‌بن احمد مقدسی درگذشتهٔ ۹۷۸ دانسته ونوشته است که آن در چاپخانهٔ جریدة‌الاسلام قاهره در ۱۳۷۱ چاپ شده ونسخهٔ آن در دارالکتب قاهره بشمارهٔ ۶۳ ت هست و به‌فصل ۱۳ و ۱۴ آن باید نگریست. فارمرهم درجای دیگر (ش۲۴۸) چنین گفته است.

نسخه‌ای ازآن در لایپزیك (۲۳۹) وگوتا (۹۰۸) هست درچاپ قاهره تاریخ درگذشت مؤلف ۹۷۸ آمده است.

۱۱۴ ـ ابوالحسن علی‌بن عبدالله نمیری ششتری اندلسی فارسی مصری صوفی حکیم ادیب شاعر مغرب واندلس درگذشتهٔ ۶۶۸ **دیوان موشحات وازجال** دارد که به‌گفتهٔ ابن‌عبادرندی ازروی قاعدهٔ تلحین Melodi و ضرب Rhytme ساخته شده است (معجم‌المؤلفین ۷ : ۱۳۵).

* بریل لیدن ش **H2 30**

* پرینستن ۳۰ و ۳۱.

---

۱۱۰ – ف ۲۴۰ ، ۹۱۳ ، تاریخ ۱۹۶ ، ترجمه ۲۳۰ .
۱۱۱ – ف ۲۴۱ .
۱۱۲ – ف ۲۴۲ ، ع ۹۳۵ .
۱۱۳ – ف ۲۴۳ و ۲۴۸ ، ع ۲۲۰ .
۱۱۴ – ف ۲۴۳/۲ .

۱۱۵ ــ موفق‌الدین ابوالعباس احمد بن القاسم بن خلیفه خزرجی دمشقی ابن ابی اصیبعه (۵۹۶ ــ ۶۶۸) **عیون‌الانباء فی طبقات الاطباء** دارد که سرگذشت بسیاری ازموسیقی‌دانها درآن دیده میشود.

(معجم‌المؤلفین ۱ : ۴۷) .

۱۱۶ ــ ابن‌سبعین قطب‌الدین ابومحمد عبدالحق بن ابراهیم بن محمد بن نصراشبیلی مرسی‌قروطی‌عکی صوفی فیلسوف (۶۱۴ـ۶۶۹) **کتاب‌الادوارالمنسوب** داردکه نسخهٔ‌آن درقاهره (احمدتیمورپاشا) هست (الهلال ۲۸ : ۲۱۴) ولی گویا **الادوار ارموی** است.

۱۱۷ ــ ابوالمعالی تعاسیف علم‌الدین ابوالفضل قیصر بن ابی القاسم بن عبدالغنی‌بن مسافر حنفی مصری دمشقی مهندس منجم (۵۶۴ ــ ۶۴۹) شاگرد کمال‌الدین‌بن منعة درموسیقی مشهور وسرآمد بوده‌است .

(معجم‌المؤلفین ۸ : ۱۳۶ ــ سرگذشت طوسی از مدرس رضوی فهرست نامها) .

۱۱۸ ــ خواجه نصیرالدین ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی (۵۹۷ ــ ۶۷۲) را رسالة فی علم الموسیقی است‌که درآن از ابعاد بروش یونانی بحث شده است.

* پاریس ۲۴۶۶ عربی برگ ۱۹۷ پ ــ ۱۹۸ ر در دنبال تحریر اصول اقلیدس او (ص ۴۳۶ فهرست Ancien fonds 1129 از سدهٔ ۹) .

زکریا یوسف آن را در ۱۹۶۴ در ۱۵ ص عکسی و حروفی با دیباچه‌ای چاپ‌کرده است. درکتابخانهٔ پادشاهی کیمبریج نسخه‌ای است ازکنزالتحف منسوب به‌طوسی (Jras ژوئن ۱۸۶۷ ص ۱۱۸) که نباید ازاوباشد (مدخل تاریخ علم سارتن ۲ : ۲ : ۱۰۰۹) .

ترکها ساز «مهتردودوك» را به‌طوسی نسبت میدهند (اولیا چلبی قصص‌ـ الرحلات ۱ ، ۲ ، ۲۳۷) .

۱۱۹ ــ جمال‌الدین محمد (محمود) بن عابد (عبید) حسینی تمیمی صرخدی شاعرحنفی درگذشتهٔ ۶۷۴ مؤلف **مقامات‌المفاخرة** (اسکوریال) را **تشنیف الاسماع باحکام‌السماع** است (برلین ۵۵۳۶/۸ ــ معجم المؤلفین ۱۲ : ۱۷۲) .

---

۱۱۵ - ف ۲۴۴/۲ ، ع ۲ .

۱۱۶ - ف ۲۴۵ ، تاریخ ۱۸۹ و ۲۰۱ و ۲۲۶ ، ترجمه ۲۲۲ و ۲۳۷ و ۲۶۶ .

۱۱۷ - تاریخ ۲۲۵ ، ترجمه ۲۶۶ .

۱۱۸ - ف ۲۴۶ ، ع ۳۳۸ ، تاریخ ۲۰۶ و ۲۲۶ ، ترجمه ۲۴۳ و ۲۶۷ .

۱۱۹ - ف ۲۴۷ ، ع ۹۲۸ .

۱۲۰ – محیی‌الدین ابوزکریا یحیی‌بن شرف‌نووی فقیه درگذشتهٔ ۶۷۶ در **منهاج‌الطالبین** مانند **هدایه** ازرهگذردینی ازسماع‌بحث کرده‌است (چاپ‌شده‌است).

* کیمبریج ۱۱۲٤ .

وان دن برگ Van Den Berg آن را به انگلیسی درآورده است .

۱۲۱ – صفی‌الدین ابوالمفاخر عبدالمؤمن بن ابی‌المفاخر یوسف‌بن فاخر ارموی بغدادی (۶۱۳ – روز دوشنبه ۱۸ یا چهارشنبه ۲۰ صفر ۶۹۳) گنجور کتابخانهٔ مستعصم و شاعر و خوشنویس و دبیر دیوان انشاء در وزارت شمس‌الدین محمدجوینی وزیرهولاکوومربی‌پسران اوکه ادیبی سرآمد درموسیقی وخنیاگری بوده ومورخ وخلافی، واورا پس‌از ابن‌سینا و ابن‌زیله ازبزرگترین موسیقی‌شناسان ونمایندهٔ نحلهٔ روش ونظام درموسیقی میدانند.

ازاوست **الادوار فی معرفةالنغم ونسب ابعاده وادوارالایقاع یا الادوارفی معرفةالنغم والاوتار** که درجوانی درسال ۶۳۳ (نورعثمانی) درپانزده فصل ساخته است.

* آستان رضوی ش ۱۹۱ (۸ : ۱۵۷) نستعلیق ۱۰۸۶ .
* الهیات مشهد ش ۵۳۱/۱ (نشریه ٥ : ۷۹) از سدهٔ ۱۲ .
* بادلیان ۱۶۱ مارش گ ٤۳ – ۸۳ .
* بادلیان ۵۲۱ مارش گ ۱۱۸ – ۱۵۸ (۹۸۵ و ۱۰۲۶/۳ یوری) .
* برلین ۵۵۳۲ گزیده‌ای ازآن .
(این‌دو درفهرست شناخته نشده است) .
* پاریس ۲۸۶۵ عربی منسوب به‌ابوبکر رازی ، تکه‌ایست ازآن (گ ٥ پ – ۲۳ پ) از سدهٔ ۹ .
* چستربیتی ۲٦٤ از سدهٔ ۹ در ۲۳۰ گ (٥ : ۸۲) .
* دانشگاه تهران ۸۲٤۹ از سدهٔ ۱۳ .
* راغب ۹۱۹/۳ گ ۱۳٤ پ – ۱۷۱ ر .
* طوپ قپوسرای A 21304 (ج ۳ فهرست ش ۷٤۲۹) .
* فاتح ۳٦٦۱/۲ .

---

۱۲۰ – ف ۲٤۷ .

۱۲۱ – ف ۲۵۳ ، ع ۳۸ ، مل ۵۱ ، تاریخ ۲۲۷ ، ترجمه ۲٦۷ ، عزاوی ۲۲ – ۳٤ ، محمد بهجةالاثری دردیباچهٔ کتاب‌النغم – معجم‌الموسیقی العربیة ص۱۲۳ و ۱۳۲ ، جهانگشای جوینی ۱ : سه‌وسو – بروکلمن ۱ : ٤۹٦ – دانشگاه ۳ : ۱۰٦ – مجلهٔ موسیقی ش ۱۱۰ – گفتار ملاح نقل ازگفتارفارمر– ابن‌الفوطی (جزو ٤ قسم ۱ ص ۲۵۳) ازپسر عزالدین علی ارموی بغدادی نویسندهٔ دیوان یاد میکند.

* قاهره ۳٤۹ ف ج نوشتهٔ عبدالکریم ابن‌السهروردی در ۷۲۷ (عکسی از نور عثمانیه) .
* قاهره ٤۲۸ ف ج .
* قاهره ۵۰۷ ف ج (عکسی) .
* کلمبیا مجموعهٔ Or. 306 .
* لیدن Or. 8414 (فهرست دستی‌عربی‌وورهوه GI 496. Woorhoeve) .
* لنینگراد دانشکدهٔ خاورشناسی ٤۷٤ در ۲۹ برگ .
* مجلس تهران ۷۷٤ (۲ : ٤۸٦) مورخ ۱۲۸۸ .
گویا همانکه فارمر یادکرده با نشانهٔ ۱ : ۹٦ ، درفهرست شناخته نشده است (فهرست فیلمها ص ۳۷۹ و ۱۸۱ فیلم ۲۱۲۱) .
* محفوظ در بغداد درمجموعهٔ مورخ ۸٦۳ ــ ۸۷۳ .
* ملك ۱/۸۳۱ نسخ حسن‌بن‌احمدبن‌علی در روز چهارشنبه ۲ج ۹۸٤/۲ .
* ملك ۸۳٤ نستعلیق عبدالله‌بن محمدبن‌عبدالله در ۱۲٦٦/۱٤۱ (فهرست عربی ص ۲۰) .
* ملك ۱٦٥۱/۲ نسخ ۱۳ محرم ۸۰۹ درکرمان .
* ملك ۲۸۳۰/۱ مورخ ۱۲۷۵ .
* ملی ۱۵۵٦/۳ عربی مورخ ٦۹۳ .
* موزهٔ بریتانیا Or. 136 گ ۱ ــ ۳۹ .
* موزهٔ بریتانیا Or. 2361/3 گ ۱۸ پ ــ ۳۲ مورخ ۱۰۷٤ .
* نورعثمانی ۳٦۵۳/٤ بنام الادوار فی‌الموسیقی وساختهٔ در ٦۳۳ .
* وصال درمجموعهٔ مورخ ۹۵۲ (نشریه ۵ : ۲۹۳) .
* وین ۱۵۱٦/۲ بنام مختصر فی معرفةالنغم‌که فلوگل (۲ : ۵۹۵) نشناخته است .
* ییل امریکا ۱۲۵ بنام الادوار والایقاع .

ادوار را محفوظ دربغداد بسال ۱۹٦۱ در ۲۰ برگ بچاپ عکسی رسانده است.

المنوبی السنوسی آن‌را درشرح گمنام که به‌شریف‌گرگانی نسبت داده‌اند وگویا ازمبارك شاه است بفرانسه درآورده‌که درموسیقی عربی درلانژه در ۱۹۳۸ درپاریس چاپ شده است.

فهرست مطلب‌ها

آغاز : بسمله . رب یسر فی اتمامه . الحمدلله رب‌العالمین و صلواته علی خاتم‌الانبیاء محمد وآله اجمعین . اما بعد فقد امرنی من یجب علی امتثال اوامره والتیمن بالسعی فی مسالك مرامی‌خواطره‌ان اصنع‌له مختصرا فی‌معرفةالنغم ونسب ابعادها و ادوارها و ادوارالایقاع وانواعه‌علی نهج یفیدالعلم والعمل فبادرت الی ما امر به‌ممتثلا وبینت ماسنح للخاطر فیه ما اذا امعن الناظرفیه انکشف‌له‌مالم‌یتفطن الیه الاکثر ممن فنی جل زمانه فی‌هذه الصناعة ، وجعلت مداره اولا علی وترواحد لئلایتعذر علی‌المبتدی استخراجه وذلك‌لان الاصعب علی من یروم المباشرةعملاهی اصطخاب‌الاوتار والوترالواحد لایفتقر الی اصطخاب اذالاصطخاب نسبة مطلق‌الوتر الی آخر ورتبته فصولا .

انجام : ولنکتف‌بهذا القدرفی‌هذا الفن ونختم‌به‌الکتاب والحمدلله وصلواته علی سیدنا محمد وآله‌الطیبین‌الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا .

هم از اوست **الرسالة الشرفیة فی علم‌النسب التألیفیة و الاوزان الایقاعیة** که برای شاگرد خود شرف‌الدین هارون جوینی درگذشتهٔ ٦۷۸ درپنج‌مقاله هریك درچند فصل نزدیك به‌سال ٦٦٦ پس از ادوارساخته است . او دراین‌کتاب بروش یونانی رفته وچیزهایی‌هم ازخود برآن افزوده وازفارابی وابن‌سینا هم گرفته‌است. المنوبی السنوسی آن‌را به‌فرانسه‌درآورده وبادیباچهٔ‌فارمردرج ۳ موسیقی

عربی در لانژه چاپ کرده است. کارادووگریده‌ای ازآن را در مجلهٔ آسیایی سال ۱۸۹۱ (۸ : ۲۷۹ ــ ۳۵۵) به‌فرانسه درآورده‌است (ف ۲۵۳ ، ع ۳۷ ــ بروکلمن ۱: ۴۹۵ و ذیل ۱: ۹۰۷ و ۲: ۶۶۷) .

* آصفیه ش۴۰۱ نوشتهٔ حسین‌بن‌داود الاطقی‌گویا در۱۰۶۴ (۲ : ۲۵۹) .
* بادلیان ۱۱۵ مارش گ ۲ ــ ۵۵ پ .
* بادلیان ۵۲۱ مارش گ ۴۳ ــ ۱۱۶ .
  (۹۲۲ و ۲/۱۰۲۶ یوری) .
* بایزید عمومی ۴۵۲۴ مورخ ۱۱۳۹ .
* برلین ۵۵۰۶ نوشتهٔ ابومحمد بن یحیی بن شهید فضل‌الله ساجوستانی در ذق ۶۷۴ در زمان خود ارموی وهارون جوینی (دیباچهٔ الدرالنقی ص ۵) .
* پاریس ۲۴۷۹ عربی مورخ ۸۹۶ .
* پاریس ۴۸۶۷ نسخ ترکی ۱۲۵۵ در ۷۰ برگ .
* پاریس ۵۰۷۰ نسخ ۱۱۵۲ در ۵۲ برگ .
* جاراله ۲۱۰۷/۳ (ج۲) .
  (قاهرة نشرة ۲) .
* جزائری دکتر شمس‌الدین درتهران نسخ محمدبن مصطفی المرمی(؟) در اصفهان در ذح ۷۶۹ که گویا به مجلس رفته است (وحید ۴۱ : ۴۳۵) .
* دانشگاه ۲۶۸۹/۱ مورخ ۱۰ شوال ۱۰۷۵ .
* رامپو I, 416/56 .
* طوپ قپوسرای ۲۱۳۰/۳ A (ج ۳ فهرست) .
* طوپ قپوسرای ۷۴۶۰ A مورخ ۸۲۷ .
  (ش ۷۴۳۶ فهرست) .
* قاهره ۸ ف ج .
* قاهره ۳۴۸ ف ج (عکسی) .
* قاهره تیموریه (مجلة مجمع‌العلمی‌العربی ۳ : ۳۶۵) .
* المتحف‌العراقی ش ۱۰۹۵ (نسخهٔ کرملی) .
* محفوظ مجموعهٔ مورخ ۸۶۳ و ۸۷۳ .
* ملك ۸۹۴ نستعلیق سدهٔ ۱۲ .
* ملی ۱۵۵۶/۱ عربی مورخ ۶۹۳ .

ملی ۸۹۷ عربی نستعلیق محمدرضابن حاجی‌سلیمان در روز آدینه ۵ ج

۱۰۹۵/۱ در مدرسهٔ شیخ لطف‌الله شهر اصفهان ومقابله شده بانسخه‌ای معتمد ، عنوان وجدول ورقم شنگرف ، با خط تملک محمد معصوم حسینی ازغندی و با مهر او مورخ ۱۱۰۹ و با مهر زین‌العابدین در ص ع در ۳٤ گ ، ۳۰ سطر ، ربعی ، جلد تیماج تریاکی لایی .

* واتیکان ۳۱۹۳ V (ذیل بروکلمن ۱ : ۹۰۷) .
* وصال درمجموعه ومورخ ۹۵۲ (نشریه ٥ : ۲۹۳) .
* وین ٥۱٥ (۲ : ٥۹۱) .
* نورعثمانیه ۳٦٤۷ بنام «مختصر فی‌علم‌الموسیقی» ومنسوب به محمدبن محمدبن محمد جوینی (بروکلمن ذیل ۲ : ۱۰۰۳٦) نسخهٔ انستاس کرملی که در متحف بغداد است (ش ۱۰۹٥) هم‌چنین است (دیباچهٔ الدرالنقی ص ٥) .

در پنج مقاله است :

۱ — فی‌الکلام علی‌الصوت ولواحقه وفی‌ذکرشکوک واردة علی‌ماقیل‌فیه .
۲ — فی حصر نسب‌الاعداد بعضها الی بعض واستخراج‌الاجناس من‌الابعاد المستخرجة من‌نسب مقادیرها ومراتبها فی‌التلاوم والتنافر واسمائها الموضوعة‌لها .
۳ — فی‌اضافات‌الابعاد بعضها الی بعض وفصل بعضها عن بعض واستخراج الاجناس من‌الابعاد الوسطی .
٤ — فی ترتیب‌الاجناس فی طبقات‌الابعاد العظمی وذکرنسبها واعدادها .
٥ — فی‌الایقاع ونسب ادواره والارشاد الی‌کیفیة استخراج الالحان فی الصناعة العملیة .

آغاز : الحمدلله علی آلائه واشکرعلی سوابغ نعمائه و اصلی علی‌النفوس المقدسة من‌رسله واولیائه خصوصاً علی محمد وآله واصفیائه بعد هذه رسالة تشتمل علی‌النسب التألیفیة علی نهج استنبطه القدماء من حکماء الیونان مضافاً الی زیادات نافعة‌لم اجدها فی‌شیء من‌مصنفاتهم ولا فی‌شیء من‌کتب‌المحدثین من‌بعدهم قدمت بها خزانه المولی الصاحب‌الاعظم ... شمس‌الاسلام والمسلمین ... هرون‌بن المولی الصاحب ... شمس‌الدین‌بهاءالاسلام والمسلمین محمدبن محمدبن‌الجوینی ... وذلک حسب‌اشارته ... وهی‌تشتمل علی خمس مقالات .

انجام : وعلی هذا النمط یجب ان یثبت‌الالحان فقداومانا الی ذلک اذهی غیرمتناهیة فلیکن هذا القدرکافیا فی علم‌التألیف .

هم ازاو دانسته‌اند **المیزان‌فی‌علم‌الادوار والاوزان** که گویا از ادواروشرفیه گرفته شده است . فارمر (ش ۲۸۸) آنرا ازگمنام دانسته است .

* بادلیان ۱۰۲/۲ اوزلی گ ۱۱ — ۳٦ .

* قاهره ٥٠٦ ف ج .
* گوتا ٨٥/٦ گ ٤٠ ــ ٦٢ .
* متحف عراقی ٢٢٧٦/٢ که درانجام ناقص است .
(ع ٣٩ ، معجم‌الموسیقی‌العربیة ص١٢٢) .

نیز ازاو دانسته‌اند : **دائرة‌البحور والالحان** (الاوزان) .
* قاهره ٥٠٩/٤ ف ج (عکسی) .
(ع ٣٥ ــ نشرة ١٠ ــ بروکلمن ٢ : ٦٦٧) .

نیزشرح دائرة‌الاصل‌الاول (الراست) که درآن ازارموی نقل شده است.
* قاهره ٣٤/٣ ف ج (eb 71 ــ ع ٣٦٢) .

هم از ارموی است **کتاب الکافی من‌الشافی فی علوم العروض والقوافی** (دانشگاه ٣ : ١٠٦) .
* بادلیان .
* داماد عمومیه 24, 39
عمومی دمشق .

ادوار ارموی چون کوتاه و روشن و جامع بوده است کتابی درسی شده ودانشمندان بدان‌ارج‌می‌نهادند اینست‌که چندین‌شرح برآن‌نوشتند وچندبار بفارسی وترکی ترجمه‌شده ورساله‌هاای هم ناظر به‌آن نوشته‌اند مانند مقاصدالادوار ونقاوة الادوار .

ازسخنان مراغی‌برمی‌آیدکه در ٧٧٨ درتبریزکسانی‌بودندمانندجلال‌الدین فضل‌الله عبیدی وسعدالدین‌کوچك وعمرتاج خراسانی که ادوار وشرفیه را شرح نوشته‌بودند . همو در زبدة‌الادوار ازشرح نصرالله‌قاینی یادمیکند. ازمجموعهٔ دکتر نورانی‌وصال بنام دوشارح ادوار یکی مراغی دیگری نصیربن احمدبن محمدمعینی برمیخوریم. درمجموعهٔ ٢٣٦١ شرقی لندن شرح مبارکشاه ورسالهٔموسیقی فتح‌الله شیروانی را که ناظر به‌آثار ارموی است می‌بینیم که درطوب قپوسرای هم هست . میدانیم‌که عمادالدین یحیی کاشانی ادوار را فارسی‌کرده است. اینك ازچند شرح وترجمهٔ ادوار یاد میکنیم :

١ ــ قاضی‌عمادالدین‌یحیی‌بن‌احمدکاشانی ادیب ریاضی‌دان شیعی به‌فرمان جمال‌الدین ابواسحاق اینجو (٧٤٣ ــ ٧٥٨) ادوار ارموی‌را به‌فارسی برگردانده وآن‌را درچاشت روزدوم محرم ٧٤٦ بانجام رسانده است.

(فهرست‌فیلمها ١٧٤ و ٣٧١ و ٤٢٦ و ٧٧٧ ــ ادبیات ٣: ٦١ ــ دانشگاه ٢٤٠١/٤٢ ــ راهنمای کتاب ١٣ : ١٠ ــ ١٢ ص ٧٥٣) .
* مجلس ش ٢٢٠٧ (٦ : ١٦٨) با تاریخ چاشت روز ٢ محرم ٧٤٦

فیلم ۳۸۴۰ دانشگاه .

* برلین Or. 2854 (ش۲۵۵ فهرست هیتنس) .

آغاز وانجام کتاب درهنرومردم (۹٤ : ۳۰) آمده است . نسخه‌ای که در راهنمای کتاب ازاوپنداشته شده است ازاونباید باشد.

۲ ــ خواجه‌شهاب‌الدین عبدالله‌بن‌محمودصراف صیرفی‌تبریزی خوشنویس خنیاگر درگذشتهٔ ۷٤۲ یا ۷۵۳ (روضات الجنان ۱ : ۳٦۹) که در تبریز به خاك سپرده شده است برای سلطان‌اویس‌ایلکانی (۷۵۷ ــ ۷۷٦) بروش ارموی **خلاصة الافکار فی‌معرفة‌الادوار** ساخته است که در تاریخ ادبیات ایران آقای همایی (چاپ دوم ۱ : ۷۲ و ۳۳۲ و چاپ یکم ۱ : ۲۱٤ و ۲ : ۸۸) وصف شده است (الموسیقی العراقية ص ٤۲) . در روضات‌الجنان کربلایی (فهرست نامها) سرگذشت او هست. او جز صیرفی‌کورتبریزی شاعر سدهٔ ۱۰ (نظم ونثر فارسی نفیسی ص ۵۲۷) است که‌گویا همان صیرفی شاعرسرایندهٔ‌گلزارصفا در ۹۵۰ باشد.

(هنرومردم ۷ ــ ۸٦ : ۳۳ و ۹۳ : ۳۰ و ۹٤: ۳۱) .

صیرفی دربرخی‌ازجاها با ارموی خلاف ورزیده است. نسخهٔ آن بفرمودهٔ آقای همایی درکتابخانهٔ ثقة‌الاسلام درتبریز است ونسخه‌ای هم ایشان به‌خط خود ازروی آن نوشته بودند و به‌عباس‌اقبال داده‌بودند. ازدوبندی‌که ایشان درآن‌کتاب آورده‌اند برمیآیدکه‌کتاب بفارسی است.

۳ ــ لطف‌الله‌بن‌محمدبن محمودبن‌محمدبن اسعد سمرقندی که شرح‌الادوار فی حل‌الاوتار دارد به‌فارسی‌که در ۷۹۸ برای امیرزاده سیدی ساخته است.

(هنرومردم ۹٤ : ۳۲ ــ دانشمندان آذربایجان ۲۳٦) .

* ملك ۱٦٤۷ از سدهٔ ۱٤ آغاز وانجام افتاده .

* وصال در مجموعهٔ مورخ ۹۵٤ .

٤ ــ مولانامبارك‌شاه بنام شاه‌شجاع (۷٦۰ ــ ۷۸٦) **شرح‌الادوار** به‌عربی نگاشته است. فارمر (ش ۲۹۵) آن را ازسیدشریف‌علی‌گرگانی (درگذشتهٔ ۸۱٦) پنداشته است.

منوبی‌سنوسی آن‌را به‌فرانسه درآورده وبا دیباچهٔ فارمر درموسیقی عربی درلاثره ج ۳ درپاریس بسال ۱۹۳۸ چاپ شده است.

* طوپ قپوسرای A 3438 .

---

۲ ــ ع ۲۰۲ ، عزاوی ٤۲ ، فکری سلجوقی ۲٤ ، تاریخ ادبیات صفا : ۳ : ۲٦۲ .

۳ ــ ع ۱٦۷ ، عزاوی ۳۲ .

٤ ــ ف ۲۹۵ ، ع ۷۰ .

* موزهٔ بریتانیا Or. 2361/5 .

چندین مبارکشاه داریم :

۱ ــ **شهاب‌الدین مبارکشاه ساوی** از نواب وپیشکاران خواجه سعدالدین محمد ساوجی که اولجایتو وی را در روز سه‌شنبهٔ ۱۱ شوال ۷۱۱ درنزدیکی بغداد کشته است (روضات‌الجنان کربلایی ۲ : ۶۷۳) .

۲ ــ **مبارکشاه قطب‌قدس صوفی** که درنسخ چیره‌دست‌بوده و چهل‌وچهار قرآن نوشته وبیشتر کاراو قرآن‌نویسی بوده و در ۷۱۰ یا ۷۱۱ درگذشته است.

۳ ــ **خواجه‌مبارکشاه‌بن عبدالله‌سیوفی‌نیشابوری تبریزی زرین‌قلم** شاگرد خواجه‌یاقوت که دربصره‌می‌زیسته وخوش‌نویس‌بوده وبه‌ویژه ریحان خوب‌می‌نوشته و درنیشابور وخراسان شهرت داشته ودر ۷۳۵ درگذشته است . اورا صاحب‌السیف میخوانده‌اند وکتیبهٔ درمشهد علی(ع) درنجف‌که سلطان اویس‌گذارده است به‌خط اوست و شاگردش پیریحیی صوفی صاحب‌المشرب شیرازی است (روضات‌الجنان کربلایی ۱ : ۲۷ و ۳۷۰ ــ مناقب هنروران ص ۱۸ و ۷۵ ــ کلمانت هوارت ص ۸۷ و۸۸ و۹۲ و۱۵۱ ــ گلستان‌هنر ۲۲ متن ۲۸ و ۶۱ ترجمهٔ انگلیسی ــ پیدایش خط و خطاطان ایرانی ص ۲۱٤ ــ هفت قلمی ص ۲٤ ــ قوانین خطوط ص ۳۵ و ۹٤ ــ خوشنویسان وهنرمندان فکری سلجوقی ۵ و ۲٤) .

٤ ــ **قاضی‌القضاة شمس‌الدین مبارکشاه** معاصرشیخ‌صفی اردبیلی(۶۵۰ ــ ۷۳۵) وزندهٔ درهنگام عبورپادشاه‌ابوسعید به‌اردبیل ومعاصرسیدقطب‌الدین وقاضی افتخارتبریزی واسحق حافظ اردبیلی وجلال‌الدین محمود قصرانی‌که خویش همین قاضی مبارک بوده است (صفوة‌الصفاء ص ۱۸۵ و ۱۸۷ و ۲۱۷) .

۵ ــ **میرک بخاری شمس‌الدین‌محمد** شارح‌حکمة‌العین‌که پس‌ازعلامهٔ حلی درگذشتهٔ ۷۲۶ وقطب‌شیرازی درگذشتهٔ ۷۱۰ وپیش ازسیدشریف‌گرگانی درگذشتهٔ ۸۱۶ زنده بوده است پسر **مبارکشاه جنگی** است.

ازاینها شاید چهارمی یا پنجمی شارح ادوار باشند.

شرح‌الادوار .

آغاز : الحمدلله رب‌العالمین والصلاة علی سیدنا محمد ... (قال) ورتبته (اقول) قبل‌الخوض فی‌المقصود یحب ان یعلم ان‌لکل علم موضوعا ومبادی ومسائل وموضوع‌کل علم مایبحث .

انجام نسخه : تمت کتابـة هذا الشرح‌الادوار بعنایة‌الله الملک‌الجبار فی یوم‌الثلثاء الثامن‌من‌شهر ذی‌حجة‌الحرام سنة اربع ومائة بعدالف من‌هجرة‌المصطفویة حرره‌العبدالفقیر شمس‌الدین محمدبن حسن السجستانی .

---

۵ ــ ۲۹۰ ، ع ۳۶۱ .

* موزهٔ بریتانیا Add 7471 (فهرست عربی ش۳۸۸ ص 186 b) دارای شرح اشکال التأسیس شمس الدین سمرقندی از قاضی زادهٔ رومی واین شرح که از ۴۱ پ آغاز میشود .
* موزهٔ بریتانیا Or 2361/4 .

۶ ـ **رساله درموسیقی** کالترجمة للشرفية والادوار که بنام امیرزاده وزیر جلال الدنیاوالدین گویا تورانشاه در ۱۵ فصل درست مانند ادوار ارموی وجامع قسم علمی وعملی ساخته شده شاید نام آن لطایف الاسرار لمقاصد الادوار باشد. مؤلف آن گویا **نصیر بن احمد بن محمد المعینی** است که پاره‌هایی ازشرح او که‌دارای عنوان سؤال وجواب است درمجموعهٔ آقای دکتر وصال با نشانهٔ «ص» آمده است و این بندها گویا گزیده‌ایست ازاین شرح .

نسخه‌ای ازاین شرح گمنام بی‌نام آقای کرامت رعناحسینی درشیراز دارند وآن‌را درراهنمای کتاب (۱۳ : ۱۰ ـ ۱۲ ص ۷۴۸) شناسانده وگمان برده‌اند که شاید ازعمادالدین یحیی کاشانی است وجزشرح ادواردیگراو.

۷ ـ ترجمهٔ *ادوار ارموی* که درست ترجمه‌است بی‌شرح و درآغاز آن از کسی یاد نشده است (هنرومردم ۹۴ : ۳۲ ، نسخهٔ ۳۸۱/۲ ملك) .

۸ ـ **ترجمهٔ کتاب صفی الدین عبدالمؤمن در علم الموسیقی.**
* توبینگین Or Oct 2854 (مجلهٔ ادبیات تهران ۷ : ۳ ص۸۱) .

۹ ـ **میرزا محمداسماعیل بن میرزاجعفر اصفهانی** . در ۱۲۹۶ برای میرزا آقاخان صدراعظم ادوار را بفارسی درآورده است در ۱۵ فصل . آقای یحیی ذکاء آن را از روی نسخهٔ سپهسالار درمجلهٔ موسیقی (ش ۴۶ ـ ۵۶) چاپ کرده‌است. (دانشگاه ۳ : ۱۰۷ ـ مجلهٔ موسیقی ش ۵ ـ ۱۰۴ ص۳۲) .
* سپهسالار ۵۶۴ (۳ : ۳۹۷) .
* فیلم ۹۲۷ دانشگاه (ص ۸ فهرست) از روی همین نسخه .
* مجلس ۲۲۰۶ (۶ : ۱۶۸) .

۱۰ ـ **شکرالله بن احمد شیروانی آماسیوی** پزشك درگذشتهٔ ۸۹۴ ومؤلف *ریاض العلوم* به‌فارسی درنه‌باب به‌روش انموزج العلوم برای بایزید دوم در۸۹۴ (چلبی ایاصوفیا) ادوار را به‌ترکی درآورده است.

این ترجمه درشمارهٔ اخیر شهبال چاپ شده‌است. در دانشمندان آذربایجان (ص ۲۳۶) آمده است که او رسالهٔ ایقاع فارسی ارموی را به‌ترکی درآورده وآن را فصلی ازکتاب مفصل خود قرارداده وآن درمجلهٔ شهبال ترکی دراستانبول نشر شده‌است . گویا او گزیده‌ای از بهجة الروح عبدالمؤمن بلخی‌را به‌ترکی درآورده

---

۱۰ - عزاوی ۳۲ - فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۶ ، عثمانلی مؤلف لری - ۱ : ۳۳۲ .

باشد همانکه بنام الدرالنقی به‌عربی هم درآمده است .

۱۱ ــ ترجمهٔ ادوار به‌ترکی :

(دیباچهٔ مقاصدالالحان ص۳۵ به‌نقل از فارمر) .

* لیدن Or 1175 (۳ : ۳۰۵ ش ۱۴۴۸) .

۱۲۲ ــ فخرالدین محمدبن محمدبن ابی‌نصرخجندی پزشك، موسیقی‌دان را **رسالة فی‌نسبة‌التألیف** است که آن‌را **شرح‌الادوار** پنداشته‌اند ولی ناظر به قانون **ابن‌سینا** است ودربارهٔ نسب عددی موسیقی .

* دانشگاه ش ۱۱۲۹/۳ (۶ : ۲۲۳۵) .
* دانشگاه ۱۴۱۴/۳ مورخ ۱۲۹۲ .
* رامپور ۱ : ۴۱۴ .
* موزهٔ بریتانیا Or 2361/6 .

۱۲۳ ــ شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن ابراهیم بن ابی بکربن خلکان برمکی مورخ درگذشتهٔ ۶۸۱ در **وفیات‌الاعیان** خود سرگذشت بسیاری از موسیقی‌دانها را گذارده است.

د سلان De slane آن‌را در ۴۲ــ۱۸۳۸ بچاپ رسانده و در ۷۱ــ۱۸۴۳ به‌انگلیسی درآورده است.

دو ترجمهٔ فارسی دارد :

۱ ــ منظرالانسان یوسف سجزی در ۸۹۵ (سه‌نسخه) .

۲ ــ ترجمهٔ ظهیرالدین‌عبدالکبیر اردبیلی در۹۲۸ (سه نسخه) . (فهرست فیلمها ص ۵۱ و ۲۵۹ و ۸۰۰) .

محمدبن‌محمدرودوسی‌زاده ازدانشمندان سدهٔ ۱۱ آن‌را به‌ترکی درآورده وآن دراستانبول بسال ۱۲۸۰ چاپ شده است.

نسخه اصل عربی مؤلف درموزهٔ بریتانیا هست و نسخه دارای تملك ۷۱۶ و ۹۱۱ درجامع یزد (نشریه ۴ : ۴۱۶) .

۱۲۴ ــ جمال‌الدین محمدبن سالم‌بن نصرالله‌بن واصل حموی درگذشتهٔ ۶۹۷ (تاریخ‌ابوالفداء) **تجریدالاغانی‌من‌المثالث‌والمثانی** داردکه طه‌حسین وابراهیم ابیاری آن‌را در ۱۹۵۵ درقاهره چاپ کرده‌اند.

* موزهٔ بریتانیا ۵۷۱ .

---

۱۱ – ف۳۰۴ .

۱۲۲ – ع ۱۱۶ .

۱۲۳ – ف ۲۴۹ ، ع ۴ .

۱۲۴ – ف ۲۵۶ ، ع ۴۷۴ ، مل ۵۳ .

* ایاصوفیا ۱۴۰۰ .

(بروکلمن ۳ : ۱۲۴۰) .

۱۲۵ — ابن‌الزبیر ازسدهٔ هفتم **کتاب‌الاغانی** داردکه صفدی درگذشتهٔ ۷۶۶ دراسماء کتب‌التواریخ‌المؤلفهٔ ازآن یادکرده واوشاید همان **ابن‌النذیر** باشدکه چلبی ازاو نام برده است (XIX JA دورهٔ دوم سال ۱۹۱۲ ص ۸ — ۲۶۷) .

۱۲۶ — مهذب‌الدین عبدالرحیم بن علی بن حامدالدخوار ادیب و طبیب دمشقی (۵۶۵ — ۶۳۸) **مختصر کتاب‌الاغانی** نگاشته است .

(معجم‌المؤلفین ۵ : ۲۰۹) .

۱۲۷ — محمدبن ابراهیم شلاحی زندهٔ در ۷۰۱ را **کتاب‌الامتاع والانتفاع** است بنام ابویعقوب‌بن ابی‌عبدالحق درگذشتهٔ ۷۰۶ درمسائل‌سماع با آوردن سخنان دانشمندانی‌که کتابهای آنها دردست نیست. اودرآن ازکتاب ابوبکربن‌العربی قاضی اشبیلی (م ۵۴۶) درتجویز سماع بهره برده است.

(فهرست ربلس Robles ش ۶۰۳) .

* مادرید ۶۰۳ در ۱۱۹ برگ .

روبسن Robson فصلی از آن را در Islamic Culture بسال ۱۸۵۲ (۲۶ : ۱۱۳ — ۱۳۱) به‌انگلیسی درآورده است.

۱۲۸ — ابن‌منظور جمال‌الدین ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی افریقی مصری (۶۳۰ — ۷۱۱) مؤلف **لسان‌العرب** را **مختار الاغانی فی الاخبار و التهانی** است گرفتهٔ ازاغانی اصفهانی باافزوده‌هایی ازخود او (معجم‌المؤلفین ۱۲ : ۴۶).

* گوتا ۲۱۲۶ .

* عباسیهٔ بصره (ص ۳۳ ج۱ ش۱۰۱ فهرست) .

۱۲۹ — ابوعبدالله زکریابن محمدکمونی‌قزوینی (۶۰۰ — ۶۸۲) درباب دوازدهم **عجایب‌المخلوقات** خود ازموسیقی سخن داشته است .

در نسخهٔ شمارهٔ ۱۸۳ کتابخانهٔ دانشگاه Aberdeen آبردین پیکرهٔ زنی چنگ‌زن است. سچوکین درنسخه‌های مصور تیموری (ش ٤ ص ۳۲) ونسخه‌های مصور صفوی (ص ۹۱ و ۱۰٤ ش ۶۷ و ۱۰۷) سه نسخهٔ مصورفارسی این‌کتاب را شناسانده است . درقاهره نیز دو نسخهٔ مصورهست بفارسی (فهرست مصور طرازی

---

۱۲۵ - ف ۲۵۷ ، ع ۴۷۳ .

۱۲۶ - ف ۲۵۸ ، ع ۵٤۵ .

۱۲۷ - ف ۲۵۹ ، ع ۹۲۹ ، تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۳۰

۱۲۸ - ف ۲۶۰ ، ع ۴۷۱ .

۱۲۹ - ف ۲۵۰ ، مل ۵۱ .

ص ۷۷ و ۱٤۷) .

چندترجمهٔ فارسی‌داردکه استوری (۲ : ۱۲٤) ومنزوی (نسخه‌های خطی فارسی ٤۳٤) آنها را برشمرده‌اند.

۱۳۰ ــ تاج‌الدین ابومحمد عبدالرحمن بن ابراهیم فزاری بدری فرکاح شافعی درگذشتهٔ ۶۹۰ را **کشف القناع فی حل السماع است** (برلین ۵۵۳۶/۹ ــ چلبی) .

۱۳۱ ــ محب‌الدین ابوالعباس احمدبن عبدالله طبری مکی اخباری شافعی درگذشتهٔ ۶۹٤ را **استقصاءالبیان فی مسالة شادروان** (که آیا می‌توان به‌آوازخوش چشمهٔ آبشارمانند شادروان گوش‌داد یا نه) است و **کتاب‌الغناء وتحریمه** (برلین ۱۱ و ۵۵۳۶/۱۰) .

۱۳۲ ــ عمادالدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن عبدالرحمان واسطی درگذشتهٔ ۷۱۱ **البلغة والاقناع فی‌حل شبهةمسالةالسماع** دارد (برلین ۵۵۳۶/۱۲) دراسلامك‌کلچر (۱۸ : ۱۱۲) آمده که مؤلف آن **محمدبن محمدبن محمد منبجی** است‌که در ۷۷۵ نگاشته است .

۱۳۳ ــ ابوالفرج علی‌بن حسن‌اصفهانی درگذشتهٔ ۷۲۱ را (نزهةالملوك) The Delection of Kings است چنانکه کلانثرت در JA ۱۹۰٤ ص ۳۸۳ گفته وکایزوتر Kisewater وروانت Rouanet (ص ۲۶۸۰) هم ازاو پیروی‌کردند ولی اثری ازآن درکتابهای عربی نیست وگویا اشتباهی شده است.

فارمرنوشته‌که درفهرست عربی برلین (۵۵۳۶/۱۲) ازآن یاد شده است ولی چنین نیست.

۱۳٤ ــ ابوالعباس احمدبن عبدالحلیم‌بن عبدالسلام‌بن عبدالله‌بن محمدبن تیمیه حرانی حنبلی (درگذشتهٔ۷۲۸) را **رسالة فی‌السماع والرقص** است‌که درقاهره درمجموعةالرسائل (ص ۲۷۷ ــ ۳۱۵) بسال ۱۳۲۳ (۱۹۰۵) چاپ شده است.

* برلین ۵۵۰۷ مورخ ۷۸۳ .

دراسلامك‌کلچر (۱۸ : ۱۱۲) آمده است‌که مؤلف آن **محمدبن محمدبن منبجی** است در ۷۷۵ .

---

۱۳۰ - ف ۲۵۱ ، ع ۹۳۳ .
۱۳۱ - ف ۲۵٤ و ۲۵۵ ، ع ۶٤۲ .
۱۳۲ - ف ۲۶۲ نیز ص ۵۶ ، ع ۹٤۳ .
۱۳۳ - ف ۲۶۳ ، مل ۵۵ .
۱۳٤ - ف ۲۶٤ ، ع ۸۹۷ .

۱۳۵ ـ برهان‌الدین ابواسحاق ابراهیم‌بن‌عبدالرحمان‌بن‌ابراهیم‌بن‌الفرکاح فزاری مصری دمشقی شافعی (۶۶۰ ـ ۷۲۹) را **حل‌القناع عن حل‌السماع** است. (برلین ۱۳/۵۵۳۶ ـ معجم‌المؤلفین ۱ : ۴۳) .

۱۳۶ ـ بدرالدین ابوالمعالی محمدبن علی‌بن ابی‌الحسن‌علی خطیب اربلی موصلی (۶۸۶ ـ ۷۳۱) را **جواهر النظام فی معرفة‌الانغام** یا **ارجوزة فی‌الانغام** است درچند بخش که در ۷۳۱ سروده است و او ازآثار ارموی متأثراست.

* برلین ۵۵۱۵ بنام القصدة فی‌الانغام .
* دانشگاه قدیس‌یوسف‌بیروت (۱) مجموعه ۲۱۹ برگ ۱ـ۵ مورخ۸۷۷ .
* خزانهٔ عباس عزاوی دربغداد .

در مجلة‌المشرق سال ۱۹۱۳ (۱۶ : ۸۹۵ ـ ۹۰۱) و جریدة‌الفتح بغداد ۲۴ حزیران سال ۱۹۳۹ ش ۹ چاپ شده است . عزاوی در الموسیقی العراقیة فی عهدالمغول بنام ارجوزة‌الانغام (ص ۳۷) ازآن یاد کرده و در همین رساله آن‌را چاپ کرده است.

برءالاسقام فی شرح قصیدة‌الانغام وجواهر النظام فی معرفة‌الانغام للخطیب الاربلی دربرلین هست (۵۵۱۵) .

۱۳۷ ـ رسالة فی علم‌الموسیقی گویا مورخ ۷۳۲ درموسیقی نظری است وشاید ازپزشکی باشد.

* برلین ۶۲۸۴ گ ۲ (نسخه‌ایست‌طبی مورخ ۷۳۳) .

۱۳۸ ـ شهاب‌الدین ابوالعباس احمدبن عبدالوهاب‌نویری شافعی (۶۷۷ـ ۷۳۲) را **نهایة‌الارب فی فنون‌الادب** است درسی مجلد بنام ناصربن قلاون ودرجزء ۴ و ۵ بابهای ۶ و ۷ آن «الغناء والسماع والمغنون وماقیل فی وصف‌آلات‌الطرب وما وصفت به‌القیان» آمده است.

چاپ دارالکتب قاهره بسال ۳۷ ـ ۱۹۲۳ (معجم‌المؤلفین ۱ : ۳۰۶) .

۱۳۹ ـ فضل‌الله‌بن‌محمدبن ایوب‌ملتانی حنفی فقیه صوفی درگذشتهٔ ۷۳۵ را **رسالة فی رقص الصوفیة** است (چلبی ـ معجم‌المؤلفین ۸ : ۷۶) .

۱۴۰ ـ محمدبن احمدبن حرب غرناطی درگذشتهٔ ۷۱۴ **المختصرفی لحن**

---

۱۳۵ - ف ۲۶۵ .
۱۳۶ - ف ۲۶۶ ، ع ۱۱۸ و ۳۵۲ .
۱۳۷ - ف ۲۶۷ ، ع ۳۵۶ .
۱۳۸ - ف ۲۶۸ ، ع ۶۶۳ .
۱۳۹ - ع ۷۵۰ آ .
۱۴۰ - ف ۲۶۹ .

العامة دارد که باید دربارهٔ اغلاط عوام باشد نه موسیقی (فهرست اسکوریال کازیری ۲ : ۸۰) .

۱۴۱ ــ محمد بن محمد بن علی بلبیسی زندهٔ در ۷۴۶ «**ماینبغی ان یعرفه المغنی**» دارد دربارهٔ مغنی ومشبب در «**الملح والظرف من منادمات ارباب الحرف**» که درقاهره بسال ۱۲۸۳ (۱۸۶۶) چاپ شده و در ۵۱ فن است .

﹡ اسکوریال نسخهٔ مورخ ۷۴۶ (۲ : ۴۹۹) .

﹡ موزهٔ بریتانیا Add 19411 گ ۶۸ ــ ۸۸ ازسدهٔ ۸ .

۱۴۲ ــ شمس‌الدین محمدبن احمدبن عثمان ابن الصباح صیداوی دمشقی ذهبی درگذشتهٔ ۷۴۸ را نظمی است به‌عربی درموسیقی با نامهای فارسی که درنسخهٔ شمارهٔ ۱۲۱۴ مجموعهٔ قدیم از سدهٔ ۱۰ **کتاب الانغام فی معرفة الانغام** خوانده شده است (ش ۲۴۸۰ ص ۴۳۹ فهرست دسلان) عکس این یکی در قاهره ۳۴۰/۱ ف ج و در دانشگاه تهران (ش ۳۷۹۹) هست . این رساله درنشرهٔ (۳۰) ارجوزة فی النغمات الموسیقیة خوانده شده است . نسخهٔ دیگر آن در طوپ قپوسرای است (ش 4429 ج ۳ فهرست A 2130/2) نسخهٔ ش ۸۲ مارش و ۴۲ یوری بادلیان بنام «کتاب یستخرج منه الانغام» است در نه‌فصل ونسخهٔ ۴۰ عربی آنجا ناقص و ۶ ص است. نسخهٔ ۱۰۶ اوزلی آنجا تحریردیگری‌است ازآن بنام **کنز الطرب وغایة الارب** با فصل دهم در اصول الادوار .

آغاز :

احمد الله ولی النعمة	من جادلی منه بعلم النغمة
واشکر الله علی عطاه	شکرا جزیلا نامیا یرضاه
. . . .	. . . .
وبعد حمد الله والصلاة	فجاءنی خل من الثقاة
یسالنی فی نظم ذی الرسالة	وشرحها فلم ادع مقالة
. . . .	. . . .
فصل اصول اربع للنغم	اوضحها فی ذا المقال فافهم

چنین است فصلهای آن :

۱ ــ الاصول الاربع للنغم .

۲ ــ فروع هذه الاصول .

---

۱۴۱ – ف ۲۷۰ ، ع ۵۲ .

۱۴۲ – ع ۱۳۶ ، مجلهٔ موسیقی ش ۱۱۰ از گفتار فارمر در وصف نسخه‌های موسیقی بادلیان که درمجلهٔ مقتطف هم گزیدهٔ آن هست .

٣ ــ دوائرالاصول (راست، عراق، زیرافگند) .
٤ ــ دوائرالبحور (یگاه، دوگاه، سیگاه، چهارگاه، پنجگاه) .
٥ ــ دائرةالجمع لسائرالطبقات .
٦ ــ فصل فی سایرالابعاد .
٧ ــ جدول‌الطبقات .
٨ ــ فصل لحل سایرالنغمات .
٩ ــ جدول فی‌المخالفات وغیرذلك .

انجام :

واله و سایــر الاصحاب　　　الاصفاء الاتقیاء الانجاب

پس ازاین درنسخهٔ پاریس در ٢٢ ص جدول و دائره آنگاه چند بند شعر عربی موشح که دوتای نخستین گویا از همان صیداوی باشد و سومین ازبابلی است وچهارمین ازسیدعلی‌بن ابی‌الوفاء است تا هشتم .

درمعجم‌المؤلفین (٤: ٣٠٧) آمده که شمس‌الدین صیداوی دمشقی ازسدهٔ ١١ است وازاواست **جواهرالنظام فی معرفةالانغام** (دسلان ٤٣٩ و ٤٤٠) .

١٤٣ ــ کمال‌الدین ابوالفضل جعفر بن ثعلب (تغلب) بن جعفر ادفوی شافعی (٦٨٥ ــ ٧٤٨) را **الامتاع والانتفاع فی‌مسالةسماع‌السماع لاستشارةبالکفایة والغناء فی احکام اهل الغناء والرد علی من نقص علی‌المسلمین بتحریم ما ابیح لهم منه فی مظان‌السیرة والهذاء** است (معجم‌المؤلفین ٣ : ١٣٦) .

* از هر ش ٧٠٥٨ ادب اباطه (٤٦٢) .
* مادرید DC III (فهرست مادرید ص ٢٤٩) مورخ ٧٠١ در ١١٩ برگ .
* اسکوریال مجموعهٔ ١٢٤٠ (١) .
* قاهره ٣٦٨ تصوف در ١٦٦ گ .
* گوتا ١٠٥ .

همچنین ازاوست **الطالع السعید الجامع** که درآن ازموسیقی وافزارهای آن یاد شده است چاپ ١٣٣٨ (١٩١٩) قاهره و ١٣٣٢ (١٩١٤) اسکندریه .

١٤٤ ــ شهاب‌الدین ابوالعباس احمدبن یحیی‌بن فضل‌الله عمری دمشقی شافعی (٦٩٧ ــ ٧٤٩) در **مسالك‌الابصارفی‌ممالك‌الامصار** که دربیست مجلد است درجزونهم ودهم‌آن از «**اهل علم‌الموسیقی**» سخن داشته وهمین بخش‌آن در بلدیهٔ اسکندریه هست. بخشی ازآن به‌فرانسه ترجمه شده است وکتاب درقاهره در ١٣١٢

---

١٤٣ - ٢٧١ و ٢٧٢ ، ع ٩١١ .
١٤٤ - ف ٢٧٣ ، ع ٧٦٧ .

(۱۸۹۴) چاپ شده است (معجم المؤلفین ۲ : ۲۰۴) .

۱۴۵ ــ شمس (رضی) الدین ابوعبدالله محمدبن برهان‌الدین ابراهیم‌بن سعید (سعد) الاکفانی سنجاری فیلسوف (درگذشتهٔ ۷۴۹) را **ارشادالقاصدالی‌اسنی المقاصد** است که موسوعه‌ایست علمی ویك قول آن درعلم‌الموسیقی است.

هار بروکر Haarbrucker این بخش را در ۱۸۵۹ به آلمانی درآورده وویدمان در ۱۹۲۲ (ص ۱۶ ــ ۲۱) ترجمه کرده است.

کتاب‌را اسپرنگر درکلکته بسال ۱۸۴۹ چاپ وموسیقی‌آن درص ۹۲–۹۴ است. درقاهره بسال ۱۳۱۸ (۱۹۰۰) هم چاپ شده است.

* اسکوریال (۱) ۹۴۴ .

* گوتا ۱۶۳ .

* پاریس ش ۲۲۳۱ مورخ ۷۳۸ .

نیز ازاوست موسوعهٔ دیگری بنام الدرالنظیم که فصل ۵۷ آن در موسیقی است وگوتیل Gotheil این فصل را در مجلهٔ چهارفصلی یهود در ۱۹۳۲ ش۲۳ ص ۸۰ ــ ۱۷۶ به‌خط عبری باترجمهٔ انگلیسی چاپ کرده‌است. فارمر گزیده‌ای از آن‌را درگلاسکو بسال۱۹۶۳ به‌انگلیسی برگردانده‌است (الوافی بالوفیات ۲ : ۱۴۲ – معجم المؤلفین ۸ : ۲۰۰) .

۱۴۶ ــ شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن ابی‌بکربن بن‌ایوب‌بن قیم الجوزیة (درگذشتهٔ ۷۵۱) درمقدمهٔ **روضةالمحبین ونزهةالمشتاقین** «حرمةالسماع» گذارده است (چاپ ۱۹۵۶ قاهره) درفهرست‌عربی برلین (ش ۵۵۳۶/۱۴) ازآن یاد شده است.

۱۴۷ ــ صفی‌الدین ابوالفضل‌عبدالعزیربن‌سرایابن‌علی‌بن‌احمدبن‌سرایاحلی (درگذشتهٔ ۷۴۹) را **«فائدة فی تولدالانغام بعضها من بعض وترتیبها علی‌البروج»** است که گویا درآن ازکندی پیروی‌نموده وموسیقی را باستارگان پیوند داده است.

* قاهره ۵۰۶ ف ج .

همچنین از اوست **رسالة فی‌الموسیقی** به‌عربی درچند باب .

* آصفیه ش ۳۸۳ به‌نسخ خوش بی‌تاریخ وانجام افتاده در ۶۱ برگ ۲۱ س (۲ : ۲۵۸) .

۱۴۸ ــ شیخ‌امام حسام (شمس) الدین ابوعبدالله محمدبن ابی‌الروح عیسی

---

۱۴۵ – ف ۲۷۴ و ۲۷۵ ، ع ۴۲ و ۴۳ .

۱۴۶ – ف ۲۷۸ .

۱۴۷ – ف ۲۷۹ ، ع ۱۹۹ .

۱۴۸ – ف ۲۸۰ و ص ۵۵ ، ع ۱۷ و ۱۸ .

بن فتح‌الدین حسن بن کر مروانی بغدادی مصری حنبلی معروف به **ابن کر یا ابن کرکری** (۶۸۱ — ۷۶۳) فقیه محدث ادیب موسیقی‌دان که در مشهدالحسین میزیسته است **غایة‌المطلوب فی‌فن‌الانغام والضروب (الطروب)** ساخته است (برلین ۵۵۳۶/۱۵) **ونهایة‌السئول فی معرفة‌الالحان والایقاع** .

(عزاوی ص۶۲- گفتار فارمر در تراث‌الاسلام – معجم‌المؤلفین ۱۱ : ۱۰۴).

۱۴۹ — احمدبن قاسم‌بن عبدالرحمن‌بن کمیار در ۷۶۳ نسخهٔ «**فتوی فی حکم‌الضرب علی‌الطنبور فی‌المسجد و غیره**» را نوشته است (فهرست المخطوطات المصورة ۱ : ۱۷۴ — سوئد ۱۲۳ حدیث) .

۱۵۰ — عفیف‌الدین عبدالله‌بن اسعدبن علی‌بن سلیمان‌بن فلاح یافعی یمنی مکی شافعی فقیه ادیب صوفی محاسب (۷۰۰ — ۷۶۸) را **بحث‌السماع** است وآن‌را ناروا میداند (**روض‌الریاحین**) .

* برلین ۵۵۰۹ (۶۹۰ پترمن گ ۲۶ — ۲۷) .

۱۵۱ — ذوالوزارتین والعمرین لسان‌الدین ابوعبدالله محمدبن عبدالله‌بن بن سعید خطیب سلمانی لوشی غرناطی اندلسی که وزیر بنی‌عامر غرناطه بوده است و ادیب مورخ (۷۱۳ — ۷۷۶) **کتاب فی الموسیقی** دارد که در فهرست کازیری (۲ : ۷۳) از آن یاد شده است و **منظومة فی الطبایع والطبوع والاصول** که به **عبدالواحدبن احمد ونشریشی** درگذشتهٔ ۹۵۵ (ش ۳۲۶ فهرست فارمر) هم نسبت داده‌اند. فارمر آن را در JRAS بسال ۲ — ۱۹۳۱ باترجمهٔ انگلیسی نشرکرده ومتن آن را در ج ۱ مجموعة‌الکتاب‌الشرقیین غن‌الموسیقی هم چاپ نموده است .

* مادرید مجموعهٔ ۳۳۴ گ ۱۸ — ۱۹ .

* قاهره ۲۰۹ دوریات قسم افرنجی بنام رسالة فی‌معرفة النغمات الثمان .
این‌دانشمندرا به‌گناه فلسفه وتهمت زندقه درفاس کشته‌اند (معجم‌المؤلفین ۱۰ : ۲۱۶) .

۱۵۲ — صلاح‌الدین ابوالصفاء خلیل بن ایبك بن عبدالله صفدی شافعی (۶۹۶ — ۷۶۴) مؤلف **فوات‌الوفیات** در ۲۶ مجلد را **کتاب الجامع فی الموسیقی** است (عزاوی ص ۶۳ — معجم‌المؤلفین ۴ : ۱۱۴) .

* برلین ۵۵۲۵ .

* مجلس ۸۹۵۰ .

---

۱۵۰ - ف ۲۸۱ ، ع ۹۴۴ .
۱۵۱ - ف ۲۸۲ ، ع ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۳۴۸ و ۳۵۸ .
۱۵۲ - ف ۲۸۳ .

۱۵۳ ــ بدرالدین ابومحمد حسن بن علی بن اسماعیل بن یوسف قونوی قاهری مدرس مفتی (۷۲۱ ــ ۷۷۶) **بذل الشعاع فی احکام السماع** دارد .
(۵۵۳۶/۱۶ برلین) اوست که الاحکام السلطانیة ماوردی را اختصار کرده است . (معجم المؤلفین ۳ : ۲۴۹) .
۱۵۴ ــ شهاب الدین ابوالعباس احمدبن یحیی ابن ابی حجلة تلمسانی قاهری دمشقی ادیب شاعر (۷۲۵ ــ ۷۷۶) را **دیوان الصبابة** است (چاپ ۱۲۷۹ و ۱۲۹۱ و ۱۳۰۵ قاهره) . که بنوشتهٔ روانت Rouanet (۵ : ۲۶۸) در بخش ۲۸ آن از اغانی و افزار موسیقی سخن بمیان آمده است . (معجم المؤلفین ۲ : ۲۰۱) .
۱۵۵ ــ برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن عبدالرحیم بن محمدبن سعدالله ابن جماعة کنانی مفسر شافعی **مصری دمشقی** (۷۲۵ ــ ۷۹۰) را **نصیحة فی ذم الملاهی** یا **نصیحة فی ذم الغناء** است (معجم المؤلفین ۱ : ۴۷) .

* برلین ۵۵۱ .

۱۵۶ ــ ابن الصباح محمدبن محمدبن احمد ذهبی (سدهٔ ۸) را **کتاب فی علم الموسیقی ومعرفة الانغام** است که ارجوزه‌ایست با شرح منثور خود او بنام **ابواب نهایة الطلب والمطلوب** .

* بادلیان اوزلی در ۱۱ ص بنام نهایة الطلاب والمطلوب .

* قاهره ۵۰۶/۱ ف ج (عکسی) بنام ارجوزة فی النغمات الموسیقیة .

۱۵۷ ــ شرف الدین ابن العلاء العلائی الاولوی حسینی علوی بغدادی (از سدهٔ ۸) را **فوائدالزمان فی علم الالحان** است که در **المیزان فی علم الادوار والاوزان** (قاهره ۵۰۶ ف ج) آمده است. این یکی ازروی الادوار ارموی و فوائدالزمان فی علم الالحان در شش باب ساخته شده‌است .

۱ ــ فی مهیة الموسیقی .
۲ ــ فی ماهیة النغم المطلق .
۳ ــ فی الاوتار والمواجب .
۴ ــ فی معرفة الشدود والاوازات .
۵ ــ فی اسماء الدساتین .
۶ ــ فی الایقاع .

* بادلیان ۱۰۲/۲ اوزلی .

---

۱۵۳ - ف ۲۸۴ ، ع ۹۳۷ .
۱۵۴ - ف ۲۸۵ .
۱۵۵ - ف ۲۸۶ .
۱۵۶ - ع ۱۱ ، مقتطف .

۱۵۸ ـ جمال‌الدین ابوسعید عمر بن خضر بن جعفر کردی داسنی مشرقی فقیه (زادهٔ ۶۶۱) که موسیقی‌را دربغداد آموخته‌بود **الکنز المطلوب فی‌علم‌الدوائر و الضروب** ساخته است (عزاوی ص ۴۸ ـ برلین ۵۵۳۶/۱۷ ـ معجم المؤلفین ۷ : ۲۸۳) .

۱۵۹ ـ احمدبن محمدبن علی در ۷۸۳ نسخهٔ « **موعظة فی الملاهی** » را نوشته است .

* برلین ۵۵۳۵ .

۱۶۰ ـ ابوالحسن‌محمدبن‌حسن‌ابن الطحان از سدهٔ هشتم **حاوی‌الفنون و سلوة‌المحزون** دارد درصدبخش هریك دومقاله‌که درآن‌ازافزارهای‌موسیقی وصف دقیقی شده است.

* قاهره ۵۳۹ ف ج در ۱۱۱ گ .

(مقتطف ش ۳۱ ص ۵۲۳ حاشیهٔ ۱ تاریخ ۱۹۰۶ ـ گفتار فارمر دربارهٔ افزارهای موسیقی چاپ ۱۹۳۹ گلاسکو ۲ : ۹۳ ـ ۹۴) .

۱۶۱ ـ صفی‌الدین ادریس‌بن عبدالله (کیدکین) ابن ترکمانی حنفی ماردینی‌قاهری (نزدیك ۸۰۰) مؤلف **اللمع‌فی‌الحوادث والبدع** (برلین Qu 1981 - قاهره فهرست دوم ۱ : ۳۵۱ ـ بروکلمن ذیل ۳ : ۱۲۶۰) ـ و فصل فی الفتوة (لیدن ۲۳۵۲) **الحجة والبرهان علی فتیان هذا الزمان فی‌حرمة السماع** دارد .

* مجموعهٔ تیمور ۲۰۴ .

به‌اندازهٔ یك‌کراسه است واو درآن سماع را تحریم‌کرده است (بروکلمن ذیل ۲ : ۱۶۸ ـ چلبی درسه‌جا ـ هدیة‌العارفین ۱ : ۱۹۶) .

۱۶۳ ـ ابوعبدالله محمد بن احمد بن شیخ محمد بسطامی شافعی صوفی (درگذشتهٔ ۸۰۷) **رسالة فی‌نصیحة‌اصحاب‌النفوس‌الزکیة‌فی‌حکم‌السماع علی‌الطریقة المرضیة** دارد درتجویز سماع ومفصل .

* برلین ۵۵۱۲ در ۵۰ بـرگ و مورخ ع ۹۴۶/۲ PM 199/3 گ ۱۰۷ ـ ۱۵۶ .

این رساله دارای یك‌باب دردوقسم سپس پنج فصل ویك خاتمه ویك‌فصل

---

۱۵۸ - ف ۲۸۷ ، ع ۱۲۷ و ۲۶۷ .
۱۵۹ - ف ۲۸۹ ، ع ۹۵۱ .
۱۶۰ - ف ۲/۲۹۰ ، ع۱۳ .
۱۶۱ - ع ۹۲۱ .
۱۶۲ - ف ۲۹۱ ، ع ۹۱۷ ، مل ۵۶ .
۱۶۳ - ف ۲۹۲ ، ع ۴۶۲ ، مل ۵۷ .

ودرآن ازسماع قرآن واغانی والحان بحث شده است. (معجم‌المؤلفین ۹ : ٤) .

۱٦۳ ــ ابن خلدون ولی‌الدین ابوزید عبدالرحمن‌بن محمد بن محمد بن خلدون اشبیلی تونسی قاهری مالکی (۷۳۲ ــ ۸۰۸) در مقدمهٔ خود که به‌فرانسه وانگلیسی وترکی وفارسی ترجمه شده‌است ازصناعةالغناء وموشحات وازجال سخن داشته است.

نسخه‌های‌آن بسیار وچندبارهم چاپ شده است (معجم‌المؤلفین ۵ : ۱۸۸ و ۱۳ : ۳۹٦) .

۱٦٤ ــ جمال‌الدین ابومحمد عبدالله‌بن‌خلیل‌بن یوسف‌بن عبدالله ماردینی (ماردانی) ریاضی‌دان زمان خود (درگذشتهٔ ۸۰۹) **ارجوزة فی‌شرح‌النغمات** دارد (معجم‌المؤلفین ٦ : ۵۳) .

* قاهره ۵۱۰/۳ ف ج (عکسی) .

نیز **مقدمة فی علم قوانین‌الانغام** .

*بادلیان II, 545 a پاره‌ایست ازآن .

* گوتا ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲/۲ و ۱۳۵۳/۲ .

۱٦۵ ــ علاءالدین علی‌بن عبدالله غزولی بهائی دمشقی ادیب (درگذشتهٔ ۸۱۵) در**مطالع‌البدورفی‌منازل‌السرور** خود (چاپ ۱۲۹۹ قاهره ص ۲۲۹ــ۲٦۱) از «الحذاق‌المطربون و الجواری المغنیات» سخن داشته است . (معجم المؤلفین ۷ : ۱۳۲) .

۱٦٦ ــ میرسیدشریف علی‌بن محمدگرگانی درگذشتهٔ ۸۱٦ درعلم‌هفدهم **مقالیدالعلوم فی‌الحدود والرسوم** خودکه دربیست ویك علم است از علم‌الموسیقی سخن داشته است. اوآن‌را برای شاه‌شجاع‌مظفری که درسال ۷۷۹ ویرا برای‌تدریس دارالشفاء شیراز خواسته ووی ده سالی درآنجا زیسته بود ساخته است. (بروکلمن ۲ : ۲۸۰) .

* موزهٔ بریتانیا Or. 3143 در برگ ۲۷ ــ ۲۸ (فهرست عربی ریو ص ٤۸۷ ش ۷۱۵) .

این‌کتاب دربرخی ازجاها با **التعریفات** اوکه فرهنگی‌است‌علمی یکی‌است (موزهٔ بریتانیا A 7745 مورخ ۹۷۲ ، فهرست عربی ص ۲۳۰ ش ٤۷۸) وازاین رهگذراست‌که آن‌را ازگرگانی دانسته‌اند وگرنه درخودنسخه به‌سیوطی نسبت داده شده‌که با زمان شاه‌شجاع سازگارنمی‌باشد.

---

۱٦٤ - ف ۲۹۳ و ۲۹٤ ، ع ۲۹٤ و ۲۹۵ ، مل ٦۰ .
۱٦۵ - ع ۸۵۰ .
۱٦٦ - ف ٦۹٦ ، ع ۷۱ ، مل ۵۸ .

۱۶۷ ـ شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی مصری ادیب فقیه (۷۵۶ ـ ۸۲۱) در **صبح‌الاعشی فی صناعةالانشاء** ازآلات‌الطرب سخن گفته است (معجم‌المؤلفین ۱ : ۳۱۷) .

۱۶۸ ـ تقی‌الدین ابوبکر (الصدق) بن محمدبن عبدالمؤمن بن حریزبن معلی حصنی دمشقی شافعی‌فقیه محدث (۷۵۲ ـ ۷۲۹) **سیرالسالک‌فی‌اسنی‌الممالك** دارد و در «فصل فی السماع» آن ازروشهای صوفیانه درموسیقی بحث کرده است (معجم‌المؤلفین ۳ : ۷۴) .

✻ برلین ۵۵۱۳ مورخ ع ۲/۹۲۶ .
✻ پاریس ۴۵۹۱ .
✻ لایپزیك ۶۹۳ .

۱۶۹ ـ سراج (شرف) الدین ابومحمد اسماعیل‌بن ابی‌بکرمقری شفدری شاوری شرجی‌یمانی فقیه ادیب شاعر (۷۵۴ ـ ۸۳۷) **الذریعةالی‌نصرالشریعة** دارد که نظمی‌است به‌وزن بسیط درموسیقی ورقص‌صوفیان (معجم‌المؤلفین ۲ : ۲۶۲) .

✻ برلین ۳۳۸۲ .

۱۷۰ ـ تقی‌الدین ابوالمحاسن ابوبکربن علی‌بن عبدالله‌بن الحجة حموی ازراری حنفی ادیب (۷۶۷ ـ ۸۳۸) در **ثمرات الاوراق** خود « قصص وملح عن المغنین» دارد (چاپ ۱۸۹۲ درهامش‌محاضرات‌راغب) (معجم‌المؤلفین ۳: ۶۷) .

✻ برلین ۳/۸۳۸۲ .
✻ گوتا ۲۱۳۳ .

۱۷۱ ـ غرس‌الدین خلیل‌بن شاهین شیخی صفوی ظاهری مقدسی‌طرابلسی فقیه مفسر مورخ ادیب (۸۱۳ ـ ۸۷۳) در **زبدة کشف‌الممالك فـی بیان‌الطرق والمسالك** که در دوازده باب است (چاپ‌بولس راویس در ۱۸۹۴) از«الطبلخاناه» سخن داشته است . این کتاب **اختصار کشف‌الممالك** خود اوست و دربارهٔ مصر است (ریحانةالادب ۶ : ۳۷ ـ معجم‌المؤلفین ۴ : ۱۲۰) .

✻ فهرست پاریس د سلان ۳۱۹ و ۳۹۶ و ۴۹۶ .

۱۷۲ ـ امام احمدبن یحیی ابن‌المرتضی یمنی زبیدی (۷۷۵ ـ ۸۴۰)

---

۱۶۷ - ع ۹۷۰ .
۱۶۸ - ف ۲۹۷ ، ع ۹۵ .
۱۶۹ - ف ۲۹۸ ، ع ۴۶۶ .
۱۷۰ - ف ۲۹۹ ، ع ۷۶۳
۱۷۱ - ع ۹۵۳ .
۱۷۲ - ع ۹۰۶ .

کتاب **القمر النوار فی الرد علی المرخصین فی الملاهی والامزار** دارد (معجم المؤلفین ۲ : ۲۰۶) .

* آمبروزیانا مجموعهٔ ۳۹۹ در ٤ برگ .

۱۷۳ ــ تقی الدین ابوالعباس احمدبن علی بن عبدالقادربن محمدحسینی مقریزی مصری مورخ محدث (۷٦۹ ــ ۸٤٥) **ازالة التعب والعناء فی معرفة حال الغناء** دارد . ازآن آنچه مانده است وستنفلد با البیان والاعراب عما بارض مصرمن الاعراب او درگوتینگن در ۱۸٤۷ چاپ کرده‌است . دراین چاپ بیانی که مؤلف دربارهٔ ابن سریج مغنی امویان درهامش دارد و به‌خط او است فراموش شده‌است .

* عنوان (به‌خط مؤلف) و ص ۱ این رساله در برگ ۲۰۳ ر و پ نسخهٔ ش ۲٤۰۸ لیدن مانده است .

۱۷٤ ــ حسن بن المزنق الانصاری المقر القضائی البدری را «**فائدة فی ترتیب الانغام علی الایام والبروج**» مورخ ۸٤۹ که مانند کارکندی است (بروکلمن ذیل ۲ : ۱۰۳۵) .

* قاهره ۵۰٦/۷ ف ج (نشرة ۱۹) .

۱۷۵ ــ محیی الدین ابومحمد محمدبن عبدالحمید لاذقی موسیقی‌دان منطقی ومؤلف زبدةالبیان فی المنطق (درگذشتهٔ نزدیك ۹۰۰) به نام بایزیدبن محمدخان عثمانی (۸۸٦ ــ ۹۱۸) و درآغاز فتوح او گویا در ۸۹۰ **الرسالة الفتحیة فی الموسیقی را که** ازمتوسطات است ساخته‌است وآن دوتحریر دارد مطول ومختصر، در یك مقدمه ودوطرف است ، وازآن برمیآید که موسیقی ایرانی وترکی درموسیقی عربی اثر کرده‌است. بحثهای آن مانند شرفیه‌است وازجامع الالحان عبدالقادرمراغی گرفته شده‌است . سیدی منوبی سنوسی آن‌را به‌فرانسه درآورده است (ج٤ درلانژه چاپ ۱۹۳۹ پاریس) .

* نسخهٔ تکیهٔ خالدیهٔ بغداد ش۲۱۲۹ که اکنون در «مکتبةالاقاف العامة بغداد» است ش ۵۵۰٤ (طلس ۳۳٦) وانستانس کرملی در المشرق بیروت سال ۱۹۰۱ س ٤ ص ۸ ــ ٤۷٦ آن را شناسانده است و آن در ۱۱۹۱ نوشته شده وغلط بسیار دارد .
* آستان‌قدس رضوی مشهد ش ۱٤۲ ریاضی (۳ : ۳٤٤) نسخ مصطفی مکی در ۹۵۷ در ۱۳۷ گ ۱٤ س وقف عضدالملك .
* معهدالفنون الجمیلة بغداد (عکسی) .

---

۱۷۳ - ف ۳۰٦ ، ع ٦۵۳ ، مل ٦۳ .

۱۷٤ - ف ۵ و ۳۰۷ ، ع ۹۱ ، مل ٦٤ .

۱۷۵ - ف ۳۱۷ و ۳۱۸ ، ع ۲۸۸ و ۲۸۹ .

* متحف عراقی بغداد ش ۱۱۲۵ .
* قاهره ۷ و ۳٦٤ ف ج و ۲۱ د ب م .
* تکیۀ خالدیۀ الاوقاف الاسلامیة درحلب (کتابخانۀ احمدیده) ش۱۲۰٦ مورخ ۸۹۰ .
* مسجد زیتونۀ تونس در ۱۰۷ برگ بی‌تاریخ .
* موزۀ بریتانیا Or. 6629 در ۸۸ برگ .
* مولوی خانۀ ینی قاپو در استانبول (دائرةالمعارف موسیقی لاوینیاك Lavignac ٥ : ۲۹۷۹) .
* نور عثمانیه ۳٦٥٥ (فارمر) .

چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی اذا قنا حلاوة الحان عنادل ورد جماله فی دوائر روضات الغبراء بکمال قدرته ورافته . . . وبعد فیقول العبد الفقیر محمدبن عبدالحمیداللا ذقی‌الحقیر غفرذنوبهما بلطف الغفار وسترعیوبهما بسترالستارالخبیر لما رایت ان اشرف‌الریاضیات هوالعلم الموسوم بالموسیقی بین‌الوضیع والرفیع من عباد الخالق الحقیقی ولم یکن فی‌زماننا هذا مورده صافیا عن‌التهاب الاکباد الی الوقوف علی‌سینه وشینه والعشور علی‌غثه وسمینه بناء علی وقوعه فی‌ایدی جماعة لایرتفع غشاوةالتعصب عن بصائرهم حتی یرسم حقایقه ورقایقه فی‌طبایعهم وضمایرهم یحومون فی‌تحقیقه حول‌القیل والقال فلاینکشف لهم وجوه حقیقةالحال عن قناع المقال بعثنی صدق‌الهمة الی ان‌اجمع فوائدالافکار عن‌مطارح الانظار واحرر رسالة جامعة لغرر فوائده ونکت مسائله عن قدماء الحکماء الاخیار وحاویة لجمیع انواع الایقاع المستعمل والالحان علی‌سبیل الایجازالمستحسن‌عندالاشراف والاعیان خدمة لسدة من‌انسد بهیبته هجوم الکفرة والمشرکین ان هوالا لهوالفضل المبین . . . السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان بایزید خان بن‌سلطان محمدخان . . . و رتبته علی مقدمة وطرفین . . . اما المقدمة ففیها فصول ثلثة .

الفصل‌الاول فی‌امور ستة منها تعریف‌الموسیقی ومایستد عیه تعریفه ومنها موضوعه ومنها واضعه ومنها غایته ومنها شرفه ومنها وجه تسمیته .

الفصل‌الثانی فی‌المبادی الطبیعیة .

الفصل‌الثالث فی‌المبادی العددیة والهندسیة .

الطرف‌الاول فی‌علم التألیف وفیه خمس مقالات :

المقالةالاولی‌فی‌تقسیم‌الدساتین ومباحث‌الابعاد الملایمة ونسبها المستخرجة من مقادیر اوتارها .

المقالة الثانیة فی اضافات‌الابعاد بعضها الی بعض وفضلها وتنصیفها وتثلیثها

و تربیعها .

المقالة الثالثة فی‌التألیف الملایم من‌الابعاد الصغارللحنیة واسباب‌التنافر .

المقالة الرابعة فی‌الادوار المشهورة . .

المقالةالخامسة فی‌الالحان المستعملة . . .

الطرف‌الثانی فی‌علم‌الایقاع وفیه ثلاث مقالات .

انجام : وان‌کان بالعکس یسمی‌قبل. تمت‌الرساله الفتحیة (آستان قدس).

همچنین از اوست **زین‌الالحان فی علم‌التألیف والاوزان** که در ۸۸۸ ساخته است .

* نورعثمانیه ۳۶۵۵ (عزاوی) .
* قاهره ۳۵۰ ف ج (عکس همان نسخه) .

آغاز : الحمدلله المنفرد بتألیف النغمات الشهیة (نورعثمانیه) .

(عزاوی ص ٦٤ ــ فارمر در Oriental Studies mainly musical ص ۲۱ ــ بروکلمن ۲ : ۵۹۵ و ذیل ۲ : ۶۶۷ و ۳ : ۱۲۶ ــ مکتبة الاقاف العامة تاریخها ونوادرمخطوطاتها ص۱۸۹ ش۱۹ــ معجم‌المؤلفین۱۰ :۱۳۱ــش۲۱/۵۵۳۶ برلین) .

۱۷۶ ــ شهاب (بهاء) الدین ابوالفتح محمدبن احمدکاتب ابشیهی محلی شافعی‌ادیب واعظ (۷۹۰ ــ ۸۵۰) در **المستطرف من کل فن‌مستظرف** خود ازاصوات والحان وغناء وقینات واغانی سخن‌داشته‌است (چاپ۱۲۷۷قاهره ۲ : ۳۷۲ ــ ۴۱۵).

ژ . رات G. Rat آن‌را به‌فرانسه برگردانده و درپاریس در ۱۸۹۹ ــ ۱۹۰۲ چاپ‌کرده است (معجم‌المؤالفین ۹ : ۲۲) .

* برلین ۸ ــ ۸۳۸۷ .
* پاریس ۸۲ ــ ۳۳۶۹ .

۱۷۷ ــ خضربن‌عبدالله شاگرد حاجی‌علی در زمان سلطان‌مرادبن محمدبن بایزید(۸۲۴ ــ ۸۵۵) **الادوار** به‌ترکی ساخته‌است که باید ترجمهٔ ادوار ارموی‌باشد.

* لنینگراد ، دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه ش ۳۷۳ در ۱۰۷ برگ نوشتهٔ ۹۳۰ (فهرست محفوظ) .

شکرالله احمد اوغلی آماسیه‌ای درآغاز سدهٔ نهم هم‌آن‌را به‌ترکی درآورده و ۲۱ فصل برآن افزوده است وآن درمجلهٔ مصور شهبال چاپ شده‌است .

(دانشمندان آذربایجان ص۳۳۶ ــ فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۷) .

---

۱۷۶ - ف ۳۰۸ ، ع ۴۵۹ .
۱۷۷ - ع ۱۱۷ .

۱۷۸ ــ شمس‌الدین محمدبن حسن‌بن علی‌بن عثمان نواجی قاهری ادیب شاعر (۷۸۸ ــ ۸۵۹) در **حلبة‌الکمیت** خودکه در خمریات است و در ۸۲٤ ساخته است «وصف‌الاغانی وآلات‌الملاهی» گذارده است (ص۱۷۷ ــ ۲۰٤ چاپ ۱۳۵۷ﻫ ۱۹۳۸ قاهره) .

در بولاق بسال۱۲۷٦ (۱۸۵۹) و درقاهره بسال۱۳۰۰ (۱۸۸۲)هم چاپ شده‌است (معجم‌المؤلفین ۹ : ۲۰۳) .

* برلین ۳ ــ ۸۳۹۲ .

* پاریس ۳۳۹۳ تا ۳٤۰۰ .

۱۷۹ ــ آق شمس‌الدین محمدشاه چلبی‌بن محمدبن حمزه رومی فناری دانشمند فیلسوف عارف (۷۵۱ ــ ۷۳٤) درعلم شصت‌وپنجم **انموذج العلوم** خودکه کوچك است گزیده‌ای از جامع‌العلوم فخرالدین رازی را گذارده است .

* برلین ۷۱ .

* وین ۱۱ برگ ۲۰۱ ــ ۲۰۲ .

نیز از اوست **رسالة فی رقص‌الصوفیة** . (معجم‌المؤلفین ۹ : ۲۷۲) .

۱۸۰ ــ جمال‌الدین ابوالمحاسن یوسف‌بن تغری بردی‌بن عبدالله طاهری قاهری حنفی مورخ (۸۱۳ ــ ۸۷٤) را **حلیة‌الصفات فی‌الاسماء والصناعات** است (ریحانة‌الادب ۵ : ۲۷۹ ــ معجم‌المؤلفین ۱۳ : ۲۸۲) .

* انستیتوی مردم آسیا در آکادمی لنینگراد C 37 .

۱۸۱ ــ شهاب (زکی)الدین ابوالطیب (العباس) احمدبن‌محمدبن علی‌بن حسن‌بن‌ابراهیم انصاری خزرجی‌حجازی شافعی‌ادیب شاعر (۷۹۰ ــ ۸۷۵) درفصل ششم **روض‌الادب** خود که در ۸۲٦ ساخته است «اخبارالاغانی والحظایا والندماء» گذارده است ، چاپ بی‌تاریخ بمبئی (معجم‌المؤلفین ۲ : ۱۲۹) .

* قاهره ۱٤۳۷ ادب .

* لیدن ٤۳۸ الف .

* موزهٔ بریتانیا Or. 3843 گ ۱۹۰ ــ ۱۹۸ .

* وین ٤۰۰ .

---

۱۷۸ - ف ۳۰۹، ع ۹۷٦ .

۱۷۹ - ف ۳۱۰ ، ع ۲۵۲ و ۱۷٤۲ آ .

۱۸۰ - ف ۳۱۱ ، محفوظ ص ۲۱۲ .

۱۸۱ - ف ۳۱۲ ، ع ۵۲۳ ، مل ٦۵ .

۱۸۲ ـ صفی‌الدین ابوالمواهب ابوعبدالله محمدبن احمدبن محمدبن داود بن‌سلامة یزلتینی تونسی‌قاهری مالکی وفائی شاذلی صوفی شاعرمعروف به **ابن‌زغدان** (۸۲۰ ـ ۸۸۱) **فرح‌الاسماع برخص‌السماع** دارد که در لکنو بسال ۱۸۹۹ چاپ‌شده است (معجم‌المؤلفین ۹ : ۵) دیوان اوهم موشحات و ادوار است .

* بادلیان ۱۲/۲۸۷ پوکوك (فهرست اوری) .
* برلین ۵۵۱٤ مورخ ۹۷۱ .
* پاریس ۲۱۳۸ .
* قاهره ۲۲۵/۱ م بنام قرع‌الاسماع مانند چلبی .

دیوان او درقاهره (۹۲ ادب) است ومورخ ۸۹۰ .

۱۸۳ ـ برهان‌الدین ابراهیم‌بن عمربن حسن‌الرباط خرباوی بقاعی قاهری دمشقی شافعی دانشمند مفسر محدث مورخ (۸۰۹ ـ ۸۸۵) **بیان‌الاجماع علی‌منع الاجتماع فی‌بدعةالغناء والسماع** دارد (برلین ۱۹/۵۵۳۶ـ معجم‌المؤلفین ۱:۷۱) .

۱۸٤ ـ ابوحامد محمدبن عبدالرحمن مقدسی مصری شافعی (درگذشتهٔ ۸۹۳) **تشنیف‌الاسماع فی‌تلخیص‌الامتاع باحکام‌السماع** لکمال‌الدین ابی‌الفضل‌جعفر ابن‌ثعلب الادفوری الشافعی دارد که گزیده است و مانند اصل آن در یك مقدمه و دوباب است .

(هدیةالعارفین ۲ : ۲۱۵ ـ معجم‌المؤلفین ۱۰ : ۱۵٦)

۱۸۵ ـ قطب‌الدین ابوالخیر محمدبن محمدبن عبدالله‌بن خیضر خیضری زبیدی بلقاوی ترملی دمشقی شافعی‌محدث حافظ اصولی فقیه مورخ (۸۲۱ ـ ۸۹٤) **رسالة فی‌السماع** دارد .

(برلین ۲۰/۵۵۳٦) .

۱۸٦ ـ شهاب‌الدین العجمی (اواخر سدهٔ ۹) **رسالة فی‌الانغام** دارد (ذیل بروکلمن ۱ : ۹۰۷) .

* برلین ۵۵۳٤ .
* پاریس ۱۸٦۵ .
* دانشگاه قدیس یوسف بیروت ۲۲۰/۱ .

---

۱۸۲ ـ ف ۳۱٦ ، ع ٤۸۱ و ۹۰۲ و ۹۰۹ ، مل ٦۷ .
۱۸۳ ـ ف ۳۱٤ ، ع ۹۱۸ ، مل ٦٦ .
۱۸٤ ـ ع ۹۰۷ .
۱۸۵ ـ ف ۳۱۵ ، ع ۹۲۵ ، مل ٦۷ .
۱۸٦ ـ ع ۲۱٤ .

۱۸۷ ــ کشف‌الهموم والکرب فی‌شرح آلات‌الطرب . در ترکیب آلات موسیقی از عود وچنگ ایرانی ومصری وسنطیر یا قانون سوریانی‌ها وشبابه وشعبیه و رباب وکمانچه و دف و غربال و موسیقا ، گویا درمصر تألیف شده باشد . درآن از سخنان تقی‌الدین محمدبن ابی‌عبدالله‌حسن فارابی واحمدبن‌محمدبن ایوب خرازی آورده شده‌است .

* طوپ قپوسرای A 3465 (فهرست عربی ۳ : ۸۸ ش ۷۴۲۴) در ۱۸۶ گ ودرکتابخانهٔ سیف‌الدین ابوبکربن منقیبغای ایوبی نوشته شده است .

* قاهره ۱ ف ج (نسخهٔ عکسی از همان یکی) .

۱۸۸ ــ فتح‌الله‌بن ابی‌یزید بن عبدالعزیزبن ابراهیم شیروانی شافعی ادیب ریاضی فقیه مؤلف تفسیر آیةالکرسی وشرح‌المراح وشرح الارشاد فی‌النحو وشرح التذکرة النصیریة و زندهٔ در ۸۸۰ **رسالة فی علم‌الموسیقی** دارد به عربی که بنام سلطان محمدثانی فاتح‌بن مراد عثمانی در یك مقدمه و دوقسمت درموسیقی نظری ساخته است . درآن از آواز و وتر وبعد وجنس ونوع وجمع ومقامات وآوازه‌ها وشعب و ازاخلاق وایقاع وتألیف بحث شده و از فارابی و ابن‌سینا و ارموی وشارح الادوار و ابن‌الغیبی المراغی نقل شده و گرفتهٔ از شفاء و ادوار و شرفیه است و مقاصد الالحان .

سیدی منوبی سنوسی آن‌را به‌فرانسه درآورده (در لانژه ج ٤ چاپ ۱۹۳۹ پاریس) .

(هنرومردم ۹٤ : ۳٤ــ معجم‌المؤلفین ۸ : ٥٤ــ E I ضمیمهٔ ص٤و٥ ــ محمد بهجةالاثری دیباچهٔ کتاب‌النغم ص‌ج) .

* طوپ قپوسرای A 3449 در ۹٤ برگ (ش ۷٤۲۸ ص ۸۸۲ ج۳) در ۹٤ برگ .

* موزهٔ بریتانیا Or. 3261/9 گ ۱٦۸ ــ ۲۱۹ در ٥۲ گ (ریو ص ٥٦۰ ش ۸۳۳) .

آغاز : الحمدلله‌الذی فضلنا علی‌کثیرمن عباده‌المؤمنین وآتانا من‌کل‌شیء ان هذالهوالفضل‌المبین . . . اما بعد فانی‌ایها المتوخی فی مسارح الانظارمایروفك حلاوته المتحری فی‌مطارح الافکار مایشوقك طلا وته . . . و اما القسم الاول فی التألیف . فصل فی تعریف النغمة ومایشتمل علیه تعریفها . النغمة صوت لابث زمانا محسوساً . . فصل فی النغمات التی دارالالحان علیها . . .

---

۱۸۷ ــ ف ۳۱۹ ، ع ۳٦۹ ، مل ٦۹ .
۱۸۸ ــ ف ۳۲۰ ، ع ۳۱٥ ، مل ۷ .

و اما القسم الثانی فی الایقاع . فی تعریف الایقاع و مایتعلق بتعریفه قال صفی‌الدین . . .

انجام : فهذا آخرماأردت ایراده فی هذه‌المجلة والحمدلله اولاً وآخراً .

۱۸۹ ـ علی‌بن غانم بقاعی خطیب شافعی تنبورنواز (درگذشتهٔ ۹۱۳) را **الخفیف‌النجدی** است .

(کتاب تاریخ مصرچاپ قاهره در ۱۳۱۱) .

۱۹۰ ـ جمال‌الدین محمدبن عمربن مبارک‌بن عبدالله‌بن‌علی بحرق حمیری حضرمی شافعی دانشمند ادیب صوفی (۸۶۹ ـ ۹۳۰) **متعةالاسماع باحکام السماع** دارد در چهار فصل برگزیده از الامتاع باحکام السماع کمال‌الدین جعفربن ثعلب تغلبی ادفوی (ش ۲۶۹ ف) ، تیفاشی هم (۲۴۱ ف) کتابی بدین نام دارد (معجم‌المؤلفین ۱۱ : ۸۹) .

* برلین ۵۵۰۸ .

* پاریس ۲۰۳۹ (بلوشه) .

چنین است فصول آن :

۱ ـ فی انشاد الشعر واستنشاده ومنه‌الحداء وفیه احادیث .

۲ ـ فی حکم‌الغناء بغیرآلة بمجردالصوت .

۳ ـ فی آلات الطرب .

۴ ـ فی اجتماع آلات اللهو .

۱۹۱ ـ جمال‌الدین اسحاق قرامانی مفسر صوفی ادیب درگذشتهٔ ۹۳۰ یا ۹۳۳ یا ۹۳۴ **رسالة فی دوران الصوفیه ورقصهم** دارد .

۱۹۲ ـ شیخ‌الاسلام‌ابن‌کمال‌پاشا شمس‌الدین احمدبن سلیمان‌بن‌کمال‌پاشا مفتی‌الثغلین رومی حنفی دانشمند (درگذشتهٔ ۹۴۰) **رسالة فی رقص الصوفیة** نگاشته است .

(معجم‌المؤلفین ۱ : ۲۳۸ و ۱۳ : ۳۵۹) .

۱۹۳ ـ محمدبن مراد ارمنکی ، رسالة فی تحریم الذکر جهرا و الرقص والسماع در ۹۵۰ ساخته است .

* بلدیه ۱۳/۵۲۲۷ ج مورخ ۱۱۱۸ (فهرست مخطوطات المصورة ۱ : ۱۶۰) .

---

۱۸۹ ـ ف ۳۲۱ .

۱۹۰ ـ ف ۳۲۲ ، ع ۹۲۴ .

۱۹۱ ـ ع ۷۵۰ ب .

۱۹۲ ـ ع ۷۴۲ ب .

۱۹۴ ـ ابوالحسن علی‌بن احمدبن محمد کیزوانی حموی شاذلی صوفی شاعر (۸۸۸ ـ ۹۵۵) **کشف القناع عن وجه السماع** دارد . (معجم المؤلفین ۷ : ۲۸) .

* برلین ۵۵۱۶ از سدهٔ ۱۲ .
* رباط ۱۱۴۵ .
* واتیکان ۸۸۱ (فهرست‌رسی) .

۱۹۵ ـ عبدالواحد ابومحمدبن احمدبن یحیی ونشریشی فاسی فقیه ادیب (۸۸۰ ـ ۹۵۵) **منظومة فی‌الطبایع والطبوع والاصول** سروده است به وزن طویل (کناش‌الحائك قسم٤) فارمر آن‌را با ترجمهٔ انگلیسی در **JRAS** بسال **۲ـ۱۹۳۱** ودرمجموعةالکتاب‌الشرقین عن‌الموسیقی‌نشر کرده است. آن‌را به‌لسان‌الدین‌خطیب هم نسبت داده‌اند .

* قاهره ۲۰۹ .
* مادرید ش ۳ مجموعهٔ اشعار عربی ش CCC XXXIV (ص ۱۴۵ فهرست مادرید) که درآن رسالة فی‌غناء العرب است وهمین منظومهٔ والروضة الغناء واصول الغناء به‌نظم عربی بدینگونه : «الحمدلله‌الذی اسبغ علینا نعمه» .

۱۹۶ ـ الروضة الغناء واصول الغناء گویا از سدهٔ نهم .

* مادرید ۳۳٤/۵ (ص ۱۴۵ فهرست) .

۱۹۷ ـ شیخ ابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم حلبی رومی فقیه ادیب مفسر (درگذشتهٔ ۹۵۶) را **الرهص والوقص لمستحل‌الرقص** است (برلین ۵۵۳۶/۲۲ ـ فهرست المخطوطات المصورة ۱ : ۱۶۵ ـ معجم‌المؤلفین ۱ : ۸۰) .

* بلدیه ۵۱۹۱/٦ ج مورخ ۱۰۷۸ .
* قاهره ٦۸۰ مجموعهٔ تیموریه .

۱۹۸ ـ عصام‌الدین ابوالخیر احمدبن مصلح‌الدین مصطفی‌بن خلیل‌طاش کبری‌زادهٔ رومی دانشمند مورخ (۹۰۱ ـ ۹۶۸) در **مفتاح‌السعادة ومصباح‌السیادة** که دارای ۱۴۰ فن و علم است ازموسیقی سخن داشته است (ص ۱ ـ ۳۱۰ ج ۱ چاپ ۱۹۱۰ دکن) .

رشر Rocher آن را در استانبول بسال ۱۳٤٦ به آلمانی ترجمه کرده

---

۱۹۴ ـ ع ۹۳۸ .
۱۹۵ ـ ف ۳۲٦ ، ع ۲۹۱ و ۳٤۸ و ۳۵۸
۱۹۷ ـ ف ۳۲۳ ، ع ۷٤٦ .
۱۹۸ ـ ف ۳۲۷ ، ع ۲۰۳

است . ترجمهٔ ترکی آن از **کمال‌الدین محمد** پسرش در استانبول بسال ۱۳۱۳ بنام **مشکات‌العلوم** چاپ شده است (معجم‌المؤلفین ۲ : ۱۷۷ و ۱۳ : ۳۷۰) .

* لیدن ۱۸ .
* وین ۱۶ .

۱۹۹ – زین‌العابدین محمد بن محمد غمری سبط المرصفی (درگذشتهٔ ۹۶۵) را **الاجوبة‌المسکتة عن‌مسائل‌السماع‌المبهة** است (معجم‌المؤلفین ۱۱ : ۲۵۷) .

* قاهره ۷۰٤/۳ تصوف .

۲۰۰ – شهاب‌الـدین ابوالعباس احمدبن محمدبن علی‌بن حجر هیتمی شافعی فقیه محدث (۹۰۹ – ۹۷۳) را **کف‌الرعاع عن محرمات اللهو والسماع فی الرد علی ابن زغدون** است که درهامش **الزواجر عن اقتراف الکبائر** در قاهره در ۱۲۸٤ چاپ شده است ، نیز در مطبعهٔ میمنیه در ۱۳۱۰ و در ۱۳۲۵ و ۱۳۳۱ (معجم‌المؤلفین ۲ : ۱۵۲) .

* آمبروزیانا (میلان) ۲۸۹ د در ٤۰ برگ .
* برلین ۵۵۱۷ مورخ ۱۰۷۶ .
* موزهٔ بریتانیا Or 3854 گ ۳۱ – ۸۶ .

فهرست بابهای آن درفهرست برلین آمده وازآن برمیآیدکه دراین‌کتاب ازافزارهای موسیقی ورقص وبازیهای‌گوناگون بحث شده است .

۲۰۱ – سنبل سنان سنان‌الدین یوسف بن یعقوب مرزیفونی قسطنطینی خلوتی (درگذشتهٔ ۹۸۹) را **الرساله الحقیة لطلاب الایقان فی رقص الصوفیة** است و **رسالة فی جواز السماع و دوران الصوفیة** (معجم‌المؤلفین ۱۳ : ۳۳۵ – هدیة‌العارفین ۲ : ۵٦٤) .

۲۰۲ – شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد بکری صدیقی (درگذشتهٔ ۹۹٤) **معاهدالجمع فی مشاهدالسمع** دارد (۵۵۳٦/۲۳ برلین) .

۲۰۳ – بابلی ازسدهٔ ۱۰ «**رسالة فی الموسیقی**» دارد و به‌نثر مسجع در مجموعهٔ ش ۲٤۸۰ پاریس که درآن دوپارهٔ دیگر از نثر مسجع است نشان دهندهٔ احساسات به‌وسیلهٔ مقامات‌گوناگون موسیقی (گ ۱۹ پ) .

---

۱۹۹ – ف ۳۲۸ ، ع ۹۲۷ .
۲۰۰ – ف ۳۲۹ ، ع ۸۹۹ .
۲۰۱ – ع ۷٤۸ آ .
۲۰۲ – ف ۳۳۰ ، ع ۹۱۹ .
۲۰۳ – ف ۳۲۵ و ۳۳۳ ، ع ٤۸ .

۲۰۴ ــ شیخ ناصرالدین العجمی از سدهٔ ۱۰ **ارجوزة فی‌الانغام** سروده است (بروکلمن ذیل ۲ : ۱۰۳۶) .

* قاهره ۵۰۹/۲ ف ج ، نسخهٔ عکسی (نشرة ۲) .

۲۰۵ ــ مظفربن الحسین‌بن مظفر حصکفی (حصنی) موسیقی‌دان ازسدهٔ ۱۰ که بنام **الموسیقی الحصنی** هم شناخته شده است ، **رسالة الکاشف فی‌علم الانغام** یا **رسالة الکشاف فی علم الانغام** یا **الکاشف فی الغناء** داردکه کتاب کوچك متداولی است (بروکلمن ذیل ۱ : ۹۰۷ و ۲ : ۱۰۳۶) .

* دانشگاه برسلو ۲۳۱ .
* بریل از شهرمدینه ۴۱۸ .
* گوتا ۱۳۵۰/۸ و ۱۳۵۳/۱۰ .
* منچستر از جان رایلند ز ۶۷۶ .

۲۰۶ ــ علی‌بن ابی الوفاء ازسدهٔ ۱۰ **«فی الموسیقی»** دارد .

* پاریس ۲۴۸۰ .

۲۰۷ ــ کتاب فی علم الموسیقی کتابی است بزرگ که در آن از برخی ازانواع‌موسیقی مانند نوبت ونوح وسوگواری وموشح ودور وسلسله ودولاب بحث شده است .

* وین ۱۵۱۷ در ۱۴۹ گ .

۲۰۸ ــ نصیرالدین جامی ازسدهٔ دهم ، **ارجوزة فی‌الانغام** دارد .

* قاهره ۵۰۹ ف ج (عکسی) .

در این کتابخانه **«ارجوزة فی الانغام»** دیگری هم هست ش ۵۰۶ ف ج (عکسی) .

۲۰۹ ــ انطاکی داودبن عمر پزشك (درگذشتهٔ ۱۰۰۸) در **تذکرة اولی الالباب و الجامع للعجب العجاب** درجزوسوم ازموسیقی‌دانها وعود وغناء یادکرده است . (ص ۵۶ ــ ۶۱ چاپ ۱۲۸۲ بولاق نیز چاپ ۱۲۹۴ قاهره و ص ۳۶ ــ ۳۸ چاپ ۱۳۵۶) .

این جزوراگفته‌اندکه ازیکی ازشاگردان اوست .

---

۲۰۴ - ع ۱۴ .
۲۰۵ - ف ۳۳۲ ، ع ۹۴ .
۲۰۶ - ف ۳۳۴ ، ع ۲۲۸ .
۲۰۷ - ف ۳۳۵ ، ع ۳۶۶ .
۲۰۸ - ف ۳۳۶ و ۳۳۷ ، ع ۳۵۱ .
۲۰۹ - ف ۳۳۱ ، ع ۳۷۵ .

* پاریس ۳ ـ ۳۰۳۱ .
* لیدن ۱۳۷۹ .
* مونیخ ۷ ـ ۸۳۶ .
* موزهٔ بریتانیا Or. 1350 .
* هند ۷۸۹ .
* هونت ٤٥٥ .

۲۱۰ ـ ملاعلی‌بن سلطان محمد هروی قاری درگذشتهٔ ۱۰۱٤ را دو رساله است :

یکی بنام **رسالة فی السماع و الغناء** که **فتح الاسماع فی شرح السماع** هم خوانده میشود .

* برلین ۵۵۱۹ (لندبرگ ۳/۳۰۰ گ ۱۳۵ ر ـ ۱٤٤ ر) مورخ ع ۱۲۱۲/۲ ، نسخهٔ دیگر آنجا در لندبرگ ۲۹۵/۶۵ است در برگ ۵۱٤ ـ ۵۲۷ وبنام فتح‌الاسماع فی شرح‌السماع .
* قاهره ۹۱/۲۷ (فهرست نخستین ۷ : ۱۳۳ ـ نشرة ۲۰) .

دومی بنام **الاعتناء بالغناء** .

* بلدیه ۱/۵۱۹۱ ج مورخ ۱۰۸۷ .
* برلین ۵۵۱۸ (لندبرگ ۲۹۵/٦٤ گ ۵۰٦ ـ ۵۱۳) مورخ ذ ق ۱۱۷۵ .
* مونیخ ۸۸۶ .
* رامپور ۷۱۷ (۱ : ۱۹۷) .

۲۱۱ ـ ملازاده محمد امین‌بن صدر امین شروانی قسطنطینی دانشمند درگذشتهٔ ۱۰۳۶ در **الفوائد الخاقانیة الاحمد خانیة (الاحمدیة)** که دائرة‌المعارف وموسوعه‌ایست در۵۳ علم وهنر وآن‌را در۱۰۲۳ ساخته‌است ازموسیقی سخن‌داشته است (معجم‌المؤلفین ۹ : ۷۳) .

* قاهره ٤ : ۱۷٦ .
* نورعثمانیه ۳ ـ ٤۱۳۲ (دونسخه) .
* وین ۲۰ مورخ ۱۰۲۵ .

۲۱۲ ـ شیخ بهاءالدین محمد عاملی (۹۵۳ ـ ۱۰۳۰) در**کشکول** خود (ص ۲۱۰ چاپ ۱۳۰۵ قاهره) ازعلم الموسیقی و جواز تعلیم وتعلم نظری آن یاد

۲۱۰ـ ف ۳۳۸ و ۳۳۹ ، ع ٦٦۹ و ۹٤۱ و ۹٤۲ .
۲۱۱ ـ ف ۳٤۱ ، ع ۱۷٦ .
۲۱۲ ـ ف ۳٤۰ ، ع ۵۳ .

کرده است (چاپهای ۱۲۶۵ تهران و ۱۲۹۶ ایران (ص ۲۶۶) و ۱۲۸۸ بولاق و ۱۳۰۵ قاهره و ۱۳۰۸ بمبئی) .

* دیوان هند ۴۰ ـ ۸۳۴ .

* وین ۴۲۱ (معجم‌المؤلفین ۹ : ۲۴۲) .

۲۱۳ ـ محیی‌الدین ابومحمد عبدالقادربن محمد ابن‌القضیب‌البان‌حموی قاهری حلبی ادیب شاعر صوفی ونقیب حلب (۹۷۱ ـ ۱۰۴۰) **ناقوس الطباع فی اسرار السماع** دارد (معجم‌المؤلفین ۵ : ۳۰۱) .

۲۱۴ ـ اسماعیل بن احمد بیرامی مولوی روخی انقروی از درویشان مولوی (درگذشتهٔ ۱۰۴۲) **رسالة حجةالسماع فی‌حل‌السماع‌الغناء** (برلین ۵۵۲۰) و **رسالة فی رقص الصوفیة** (معجم‌المؤلفین ۲ : ۲۵۹) دارد .

۲۱۵ ـ شهاب‌الدین ابوالعباس احمدبن محمدمقری تلمسانی فاسی مالکی اشعری (۹۹۲ ـ ۱۰۴۱) مورخ بزرگ اندلس ومغرب‌که در **نفح الطیب من‌غصن الاندلس الرطیب** خود از بسیاری از موسیقی‌دانها و از موسیقی و از زریاب مغنی اندلسی یاد کرده و از نویسندگان پیشین بویژه شکُندی درگذشتهٔ ۶۲۹ نقل کرده است .

(چاپهای لندن در۶۱ ـ ۱۸۵۵ ـ وبولاق در۱۲۷۹ وقاهره در ۱۳۰۲) . پاره‌ای ازآن در ۴۳ ـ ۱۸۴۰ به‌انگلیسی ترجمه‌شده‌است (معجم‌المؤلفین ۲ : ۷۸) .

۲۱۶ ـ ابوالحسن علی‌بن محمد حداد مصری در **حدیقة المنادمة وطریقة المناسمة** نوشتهٔ خود او در۱۰۴۰ درباب بیست‌ونهم از «الجواری والقینات» سخن داشته است (معجم‌المؤلفین ۷ : ۱۹۰) .

* قاهره ۷۴ ادب مورخ ۱۰۴۰ گ ۷۴ ـ ۸۹ (مجلةالکتاب ۱۹۴۷ قاهره س ۲ ج ۴ جزء ۷ ص ۱۰۵۹ ـ ۱۰۶۸) .

ازاوست **«التعلیق علی وصیة الادب المسمی بکشف القناع عن الفاظ شبهة السماع»** .

* برلین ۳۰۶۷ .

۲۱۷ ـ عبدالقار بن محمد بن محمد قادری زندهٔ در ۱۰۳۴ و درگذشتهٔ

---

۲۱۳ - ع ۹۰۴ .
۲۱۴ - ف ۳۴۲ ، ع ۷۴۴ و ۹۱۴ .
۲۱۵ - ف ۳۴۳ .
۲۱۶ - ف ۳۴۴ و ۳۴۵ ، ع ۲۹۳ و ۸۱۳ .
۲۱۷ - ف ۳۴۶ و ۳۴۷ ، ع ۲۵۷ و ۳۵۵ و ۹۳۴ .

نزدیك ۱۰۵۰ **رسالة فی ذکر الانغام واصواتها** دارد :

* برلین ۵۵۲۸ مورخ نزدیك ۱۰۰۰ در ۵/۵ برگ .
* گوتا ۳۹ گ ۶۵ پ — ۷۱ پ .

نیز **دائرة البحور والانغام** .

* قاهره ۵۰۹/۳ ف ج (عکسی) .

نیز **اقناع السماع لجواز الاسماع یا ایقاع السماع لجواز الاستماع** که در فهرست برلین (۵۵۳۶/۲٤) ازآن یاد شده است .

گویا او همان **عبدالقادربن محمود قادری فلکی** مؤلف **رسالة فی المیقات** باشدکه در ۱۰۵۰ آن را نوشته است (معجم المؤلفین ۵ : ۳۰۲ و ۳۰٤) .

۲۱۸ — بدرالدین سلیم‌بن محمد مالکی زندهٔ در ۱۰٦٤ **قوت‌الارواح فی احکام السماع المباح** را ساخته است .

* قاهره ۱٦۳ تصوف م خط مؤلف در ۱۰٦٤ .

۲۱۹ — حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله قسطنطینی (۱۰۱۷ — ۱۰٦۸) در **کشف‌الظنون عن اسامی‌الکتب والفنون** مورخ ۱۰٦٤ ازکتب‌موسیقی وافزارهای آن سخن داشته است . این‌کتاب در لایپزیك با ترجمهٔ لاتینی در ۵۸— ۱۸۳۸ چاپ شده است ، چاپ قسطنطنیه وقاهره هم دارد ، بفارسی ترجمه شد وتعاریف آن به‌آلمانی درآمده است .

(معجم المؤلفین ۱۲ : ۲٦۲ — بروکلمن ۲ : ٤۲۸ و ذیل ۲ : ٦۳٦) .

۲۲۰ — عبدعلی‌بن ناصربن رحمة حویزی بصری ادیب شاعر منشی شیعی فیلسوف موسیقی‌دان (زندهٔ در ۱۰۵۳ و درگذشتهٔ ۱۰۷۵) **کتاب الموسیقی** دارد و آهنگ **جام جم** درمقام **حسینی** وضرب **خفیف** ساختهٔ او است . (معجم‌الموسیقی العربیة از حسین‌علی محفوظ ص۱۲۸ و ۱۳۵ — معجم‌المؤلفین ۵ : ۲٦٦ — ذریعه ۱۷ : ۱۵۷) .

۲۲۱ — ابن‌النقیب ابن‌حمزه سیدعبدالرحمن‌بن محمدبن محمدکمال‌الدین بن محمدبن حسین حسینی دمشقی ادیب شاعر (۲۸ ع ۱/۱۰٤۸ — ۸ ع ۲/۱۰۸۱) را **قصیدة فی طبقات الندماء وارباب الغناء من المشاهیر**است .

(محفوظ ص ۱۳۹ — معجم المؤلفین ۵ : ۱۹۱) .

۲۲۲ — ابوالعباس احمدبن محمدبن الخیاط مورخ ادیب فقیه (زندهٔ در ۱۰۹۰) **مواهب الادب فی السماع وآلات اللهو والطرب** دارد .

---

۲۱۸ - ف۳٤۸ .

۲۱۹ - ف ۳٤۹ .

۲۲۲ - ع ۹۰۱ .

(معجم المؤلفين ۲ : ۱۰۰) .

۲۲۳ ــ محمد باقر محقق سبزواری درگذشتهٔ ۱۰۹۰ را **رسالة فی الغناء** است .

٭ دانشگاه ۱٤/۳۵۱٤ بندیست. گویا ازاین رساله یا ازکتابهای فقهی‌او .

٭ دانشگاه ش ۲ فیلم ۳٦۵۳ از روی نسخه سدهٔ ۱۱ و ۱۲ .

٭ سپه‌سالار ۸۱۹۰/۱۳ (٤ : ۱۰٦ و ۵ : ۳۵۲) .

۲۲٤ ــ محمد محسن فیض کاشانی درگذشتهٔ ۱۰۹۱ در**رسالة الغناء** خود آنرا رواداشته است (ذریعه ۱٦ : ٦۲) .

همو در**مفاتیح‌الشرایع** ازغناء سخن‌داشته‌است (محفوظ ص ۱۳۷ و۲۱۲) .

۲۲۵ ــ ابوزید عبدالرحمن‌بن عبدالقادربن علی فاسی فهری مـالکی فقیه محدث ادیب (۱۰٤۰ ــ ۱۰۹٦) را رجزی بنام **کتاب‌الجموع فی‌علم‌الموسیقی والطبوع** است که درآن ازایقاع ولحن وکمیات وابعاد واجناس و طبوع و طبایع سخن داشته است . رویهم هشت بند و صد و چهاربیت و مورخ ذ ح ۱۰٦۰ است . (معجم‌المؤلفین ۵ : ۱٤۵) .

٭ ازهر دونسخه .

٭ برلین ۵۵۲۱ .

فارمر پاره‌ای ازآن را درروزنامهٔ‌انجمن‌همایونی آسیایی سال ۲ ــ ۱۹۳۱ و در An old moorish Lut tutor درلندن بسال ۱۹۳۲ چاپ‌کرده و درمجموع الکتاب الشرقین عن الموسیقی به‌انگلیسی درآورده است .

۲۲٦ ــ سید محمد ماجدبن ابراهیم حسینی بحرانی ادیب شاعر شارح نهج‌البلاغة وقاضی‌اصفهان وشیراز ازسدهٔ ۱۱ **ایقاظ‌النائین وایعاظ‌الجاهلین** نگاشته است دربارهٔ غناء دریك مقدمه و دومقصد (ذریعه ۲ : ۵۰۵ ــ روضات ۵۱۵) .

۲۲۷ ــ شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین شهید ثانی عاملی اصفهانی (٤ ، ۱۰۱۳ ــ ۱۱۰۳) را **تنبیه الغافلین و تذکیر العاقلین** است در رد رسالهٔ محمد باقر محقق سبزواری درغناء .

٭ دانشگاه ش ۱ فیلم ۳٦۵۳ از روی نسخهٔ سدهٔ ۱۱ و ۱۲ .

همو در **الدرالمنثور من‌الخبر الماثور وغیر الماثور**غناء را تحریم کرده‌است.

٭ دانشگاه ٦۵۵ (۵ : ۱۳۰۲) .

٭ محفوظ ۱۵۵٤ (معجم‌الموسیقی‌العربیة ص۱۳۷ و ۲۱۱) .

۱۲۸ ــ درسدهٔ ۱۱ **الاغانی الدرویشیة** سروده شده که موشحات وسرودها

---

۲۲۵ - ف ۳۵۰ ، ع ۲٤۷ .

۲۲۸ - ف ۳۵۱ ، ع ٦۹۵ .

و دور های شیوخ ودراویش درآن گرد آمده است .

* موزهٔ بریتانیا Or. 4219 از سدهٔ ۱۲ .

۲۲۹ ـ عسگرحلبی حنفی قادری از سدهٔ ۱۱ **راح‌الجام فی‌شجرات الانغام** ساخته‌که درموسیقی نظری است ودرآن از استاد خود **مصطفی البانیة** یادکرده است (ذیل بروکلمن ۲ : ۱۰۳۵) .

۲۳۰ ـ شیخ احمد درویش برلسی مکی احمدی از سدهٔ ۱۱ را **العقیدة الدرویشیة فی تحریرالسبعة الفنون الادبیة** است‌که درآن توشیح و دو بیت وزجل ومواليا وجزاینها آمده است .

۲۳۱ ـ عبدالغنی‌بن اسماعیل نابلسی (۱۰۵۱ ـ ۱۱۴۳) **ایضاح‌الدلالات فی جوار سماع‌الالات** داردکه در مطبعهٔ حنفیهٔ دمشق در۱۳۰۲ در۶۶ ص چاپ‌شده است (معجم المطبوعات ۱۸۳۳) .

* قاهره ۸۶۰ مجموعهٔ تصوف .

* متحف عراقی ۹۰۳/۱ .

۲۳۲ ـ محمد مرعشی ساجقلی‌زاده دانشمند ادیب درگذشتهٔ ۱۱۵۰ **رسالة الرقص** دارد (معجم المؤلفین ۱۲ : ۱۴) .

* دارالکتب بالزقازیق ۲۸۷۶ .

۲۳۳ ـ محمد افندی‌بن احمدبن محمودبن محمدگنجی ابن ابی العشرون زندهٔ در ۱۱۵۰ را **بلوغ المنی فی تراجم اهل الغناء** است .

* برلین ۷۴۲۷ .

* طاهریه فهرست عش ۳۰۳ .

* کمبریج ذیل ۱۷۹ .

و **رشف‌النبیه فی تجریدالتشبیه** .

* برلین ۷۲۸۶ .

* قاهره دومین فهرست ۲ : ۲۰۱ .

(بروکلمن ۲ : ۴۴۸ و ذیل ۲ : ۶۶۷ ـ مجلهٔ علمی دمشق ٤ : ۵۷/۹) .

۲۳۴ ـ احمدبن عبدالرحمن‌قادری رفاعی مسلم موصلی درگذشتهٔ نزدیک ۱۱۵۰ **الدرالنقی فی علم الموسیقی** دارد که ترجمهٔ گزیده‌ایست از **بهجة الروح**

---

۲۲۹ ـ ف ۳۵۲ ، ع ۲۵۸ .

۲۳۰ ـ ف ۳۵۳ ، ع ۵۴۶ .

۲۳۱ ـ ع ۹۴۰ .

۲۳۲ ـ ع ۷۴۸ .

۲۳۴ ـ ع ۳۶ و ۱۴۲ و ۵۸۴ ، دیباچهٔ چاپی .

ودردیباچه آن‌را «**المقامات العلیة مع‌الفروع والاوزان الاصلیة**» خوانده واز **استاد کامل عبدالمؤمن بلخی** و بدرخواست دوستی آن‌را به عربی درآورده است در یك مقدمه و سه‌باب و خاتمه است . آن را ترجمهٔ الایقاع ارموی پنداشته‌اند . **شکرالله ابن احمد اماسیوی** درسدهٔ ۹ آن‌را به‌ترکی درآورده برخی ازفصول این ترکی در مجلد اخیرمجلهٔ شهبال‌نشرشده است .

شیخ جلال‌حنفی آن را ازروی نسخهٔدیوه‌چی ونقیب در ۱۳۸٤ (۱۹٦٤) دربغداد چاپ‌کرده است .

* احمد ناظم عمری موصلی .
* برلین ۵۵۲۳ مورخ ۱۲۰۰ .
* داود چلبی درموصل .
* سعید دیوه‌چی مدیر متحف موصل . گویا مورخ روز پنجشنبه ۱٤ ع ۱۲۷۰/۲ .
* عبدالغنی نقیب‌دار نجلةالسید ـ عبدالمطلب مورخ ۱۳٦۱ .
* مدرسهٔ حجیات موصل .

عزاوی (ص ۳۳) از نسخهٔ مورخ ۱۱۸٦ یاد میکند که شاید همان نسخهٔ داود چلبی باشد .

درآن از نظم الطرب فی مقامات العجم والعرب از شمس‌الدین ابوالفضل یاد شده است .

۲۳۵ ـ مولی محمداسماعیل‌بن محمدحسین‌مازندرانی‌خواجویی اصفهانی درگذشتهٔ ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ در رد محقق سبزواری **رسالة فی الغناء** به عربی نوشته است (ذریعه ۱٦ : ٦۰) .

* ملك ۵۹۱/۱ .

۲۳٦ ـ محمدعلی حزین زاهدی گیلانی لاهیجانی (۱۱۰٤ ـ ۱۱۸۱) **فوائد السماع** دارد .

* ملك ٤۰۵۷/۲۱ .

۲۳۷ ـ وجیه‌الدین عبدالرحمن‌بن مصطفی عیدروس حسینی یمنی شافعی دانشمند ادیب شاعر صوفی (۱۱۳۵ ـ ۱۱۹۲) **تشنیف الاسماع ببعض اسرارالسماع** دارد (معجم المؤلفین ۵ : ۱۹۵) .

* قاهره ۳۲۲/۳ مجامیع .

۲۳۸ ـ ابوعلی محمدبن محمدبن عبدالرحمن غوثی تلمسانی مورخ زندهٔ

---

۲۳۷ - ع ۹۳۰ .
۲۳۸ - ع ۹۵٦ .

در ۱۱۹۳ (معجم المؤلفین ۱۱ : ۲۳۰) **کشف القناع عن آلات السماع** دارد که در الجزائر درمطبعة الجورداان در ۱۹۰۴ در ۱۴۳ ص چاپ شده است.

۲۳۹ ــ محمدبن‌الحسین‌حائك‌اندلسی از سدهٔ ۱۲ **مجموع‌الاغانی‌الاندلسية** دارد که بیشترآن در **مجموع الاغانی والالحان من کلام الاندلس** گردآوری **ادمند یاخیل** درالجزائردر ۱۹۰۴ چاپ شده است.

* موزهٔ بریتانیا ۷۰۰۷ شرقی.
* چلاوی پاشا در مراکش.

۲۴۰ ــ میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی درگذشتهٔ ۱۲۳۱ **رسالة فی الغناء** نگاشته است (ذریعه ۱۶ : ۶۲).

۲۴۱ ــ سید محمد کاظم رشتی (۱۲۱۲ ــ ۱۲۵۹) **رسالة فی الغناء** به‌درخواست واعظی اصفهانی به‌فارسی نگاشته است.

* ملك ۳/۳۰۴۸.

۲۴۲ ــ سیدمحمد جعفر پسر آقابزرگ محمدحسین پسرمیرزامحمدمهدی موسوی شهرستانی درگذشتهٔ ۱۲۶۰ را **رسالة وجیزةفی‌الغناء** است درسه‌مقام به‌عربی در رد فیض کاشانی.

* دانشگاه ۳/۱۱۱۱ (۵ : ۱۸۹۶).

۲۴۳ ــ شیخ ابویحیی مصطفی‌بن رمضان بولاقی برلسی مصری ازهری مالکی فقیه ریاضی‌دان مفتی مدرس (۱۲۱۵ ــ ۱۲۶۳) **السیف الیمانی لمن قال بحل سماع الالات و الاغانی یا السم القاتل للمغنی المتساهل** دارد که در هامش «الحصن والجنة علی عقیدة اهل السنة» از شیخ محمدبن یوسف کافی در مصر در ۱۳۲۴ چاپ شده است (معجم المؤلفین ۱۲ : ۲۵۲).

۲۴۴ ــ میرزا جعفر ریاض همدانی بدیع‌الزمان دوم خوشنویس (زندهٔ در ۱۲۶۹ ــ ۱۲۹۷) در *ریاض الادب* که در ۱۲۶۹ ساخته شده است «**المقامة العاشرة فی‌السماع والایقاع**» گذارده است وآن با المقامات العشرة جناب گرگانی چاپ شده است.

* محفوظ ۱۵۸۷ مورخ ۱۲۹۶ ص ۸۲ ــ ۹۹.
* محفوظ ۸۶۶ مورخ ۱۲۹۵ گ ۴۲ پ ۵۱ ر.
* ملك ۶۱۹۸ مورخ ۱۲۹۷ (ص۲۲۵ فهرست عربی).

او راست **رساله‌ای در موسیقی**.

---

۲۳۹ ــ ع ۵۲۱ آ.
۲۴۳ ــ ع ۹۲۰.
۲۴۴ ــ ع ۹۲۶.

(ذریعه ۹ : ۳۹۵ و ۱۱ : ۳۱۸ ـ مجلة معهدالمخطوطات ۶ : ۳۲ و۴۶ ـ فرهنگ سخنوران ۲۴۴ ـ سپه‌سالار ۲ : ۸۴) .

۲۴۵ ـ آقامحمدعلی کرمانشاهی درگذشتهٔ ۱۲۶۹ **رسالة فی الغناء** خودرا در ۱۲۶۳ ساخته است . (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .

۲۴۶ ـ شهاب‌الدین محمدبن اسماعیل مصری (درگذشتهٔ ۱۲۷۴) **سفینة الملك ونفیسة الفلك** داردکه درپایانش سرگذشت زریاب آمده است (چاپ ۱۲۷۴ قاهره) .

۲۴۷ ـ حاج‌محمدکریم‌خان کرمانی (۱۲۵۵ ـ ۱۲۸۸) را **رسالة فی‌علم الموسیقی** است در یك مقدمه و چهارباب مورخ ۱۹ رجب ۱۲۶۲ (فهرست مشایخ ۲ : ۲۳۱) .

* ملك ۳/۴۹۴ مورخ ۱۳۰۴ .

۲۴۸ ـ سید محمود بن عبدالعظیم موسوی خوانساری زندهٔ در ۱۲۷۰ و ۱۲۹۰ **رسالة فی الغناء** دارد به عربی .

* دانشگاه ۱۱۳۶/۶ (۵ : ۱۷۰۰ و ۱۸۹۲) .

۲۴۹ ـ میرزا عبدالرزاق پسرعلی‌رضا پسرعبدالحسین قزوینی اصفهانی همدانی حایری واعظ‌که در ۱۲۹۱ زاده شده است **رسالة فی الغناء** دارد . (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .

۲۵۰ ـ میرزا ابراهیم بن میرزا غیاث‌الدین محمد خوزانی اصفهانی قاضی اصفهان و قاضی عسگر نادرشاه در رد **ایقاظ‌النائمین وایعاظ الجاهلین** محمد ماجد بحرانی رسالة فی الغناء نگاشته است (ذریعه ۲ : ۵۰۵) .

۲۵۱ ـ جنون حافظ ابوعبدالله محمدبن‌المدینی بنی‌علی فاسی (۱۲۳۹ـ ۱۳۰۲) را **الزواجر والاقماع بزواجرالشرع‌المطاع عن‌آلات اللهو والسماع** است که درفاس بی‌تاریخ در ۲۵۴ص ودرهمانجا در ۱۳۰۹ در ۲۹۴ ص چاپ شده‌است (معجم‌المؤلفین ۱۲ : ۱۰) .

۲۵۲ ـ میخائیل (فلیل) بن جرجس درگذشتهٔ ۱۳۰۵ (۱۸۸۸) **الرسالة** الشهابیة فی قواعد الحان الموسیقی العربیة دارد که لویس رنزوال Ronzevalle درمشرق ج ۲ بسال ۱۸۹۹ دربیروت چاپ‌کرده است . ترجمهٔ آن به‌فرانسه ازهمو در مجلهٔ دانشگاه قدیس یوسف درسال ۱۹۱۳ ص ۱ ـ ۱۲۰ نشر شده و متن عربی آن تنها دربیروت در ۱۸۹۹ در ۸۰ ص چاپ شده است .

---

۲۴۶ - ع ۱۸۳ .
۲۵۱ - ع ۳۲۱ .
۲۵۲ - ع ۳۲۱ .

۲۵۳ ـ نظرعلی طالقانی تهرانی درگذشتهٔ ۱۳۰۶ در خراسان **رسالة فی الغناء** دارد . (ذریعه ۱۶ : ٦٢) .

۲۵٤ ـ احمد شبراوی زندهٔ در ۱۳۱۷ **روضة اهل الفکاهة** دارد که در قاهره در ۱۳۱۷ چاپ شده است و باب سوم آن (ص ۳٤ تا آخر) دراغانی است . (معجم المؤلفین ۲ : ۱۱۰) .

۲۵۵ ـ محمدهادی تهرانی درگذشتهٔ ۱۳۲۱ در روایی غناء **رسالة فی الغناء** نگاشته است . (ذریعه ۱۶ : ٦٢) .

۲۵٦ ـ ابوالمواهب جعفربن ادریس کتانی حسنی ادریسی فاسی مالکی فقیه محدث صوفی (۱۲۵۰ ـ ۱۳۲۳) **اختصار مواهب الادب المبرئة من الجرب فی السماع والالات اللهو والطرب** دارد که درفاس باحروف بعربی چاپ شده‌است. (معجم المؤلفین ۳ : ۱۳۳ ـ بروکلمن ذیل ۲ : ۷۰۰) .

۲۵۷ ـ ابوالهدی محمدبن حسن واری صیادی درگذشتهٔ ۱۲۳۷ **ریاضة الاسماع فی احکام الذکر والسماع** داردکه در مطبعة التمدن در ۱۹۰۳ در ۹۱ ص چاپ شده است .

۲۵۸ ـ ابوالمجد آقا رضای اصفهانی درگذشتهٔ ۱۳٦۱ **رسالة فی الغناء** نگاشته است . (ذریعه ۱۶ : ٦٢) .

۲۵۹ ـ احمد تیمور پاشای کردی موصلی مصری ادیب لغوی مورخ (۱۲۸۸ ـ ۱۳٤۸) در **الموسوعة التیموریة من کنوزالعرب فی اللغة والفن والادب** در ص ۱٦۷ ازآلات الطرب واصوات الغناء ودر ص ۲۱٦ ـ ۲۲۲ ازعلم الموسیقی و در ص ۲۲۳ ـ ۲۲٦ ازالمخطوطات الموسیقیة العربیة و در ۲۲۷ از مصطلحات موسیقیه سخن داشته است او را است «**الموسیقی والغناء عندالعرب**» چاپ ۱۹٦۳ . (معجم المؤلفین ۱ : ۱٦٦ و ۱۳ : ۳۵۷) .

۲٦۰ ـ حسین بن علی سنقری ، **رسالة فی بیان معنی الغناء واللهو** دارد و نسخهٔ ش ۲۸۵۰/۳ ملك گویا نوشتهٔ خود اوست در ۱۳۲۳ .

۲٦۱ ـ محمدرسول کاشانی را **رسالة فی الغناء** است .

* سپه ۷۵٦٤/۵ (۵ : ۳۵۳) .

۲٦۲ ـ مختصر فی علم الموسیقی .

* مکتبةالمتحف العراقی ۱۰۹۵ (محفوظ ص ۲۱۲) .

---

۲۵٤ - ع ۵۸۱ .
۲۵٦ - ع ۹۰۱ .
۲۵۷ - ع ۹۱۰ .
۲۵۹ - ع ۹۵۹ .

٢٦٣ ــ رسالة فى الموسيقى « قالت الفلاسفة الموسيقى حكمة عجزت النفوس» (ش ٦/٥٦٤١ فهرست طلس ص ٣٢١) .

٢٦٤ ــ طردية و هوجملة من الشعر و الموشحات و الاحمال الزجلية (ع ٥٢٤) .

٢٦٥ ــ رسالة فى بيان حرمة استماع صوت المزمار (برلين ٥٥٢٠) .

٢٦٦ ــ القصيدة الدامغة فى الرد على الملاحدة والدهريين والمتصوفة المرقصة .

* قاهره ٣/٢٥٤ تيموريه .

٢٦٧ ــ فائدة فى السماع .

* متحف عراقى ١٧٤٨ .

٢٦٨ ــ فائدة نقلت من الرسالة التى فى ذم الشبابة و الرقص و السماع ونحو ذلك .

* متحف عراقى ٢/٢٠٦٣ .

٢٦٩ ــ دائرة الانغام الاربعة والعشرين ، اغان وقصائد مع نغمها .

* قاهره ٦٢٣ مج .

٢٧٠ ــ باشميل محمد احمد ، اسكات الرعاع بادلة تحريم الغناء والسماع دارد كه در ١٦٩١ در ٩٠ ص چاپ شده است (ع ٩١٥) .

٢٧١ ــ محمدبن امين بن صالح را الرسالة الجلية فى عدم جواز الرقص است كه دردار الكتب بالزقازيق ٢٨٧٦ هست (ع ٧٥٢) .

٢٧٢ ــ شيخ محمد سنار را رسالة فى الموسيقى است كه درقاهره (٣٤ ف ح هست (٣٠٢٤) .

٢٧٣ ــ محمودبن محمد سيالة صفاقسى را قانون الاصفياء فى علم نغمات الاذكياء است درمتحف عراقى ١/٢٢٧٦ (١٩٧ ع ــ محفوظ ٢١٢) .

٢٧٤ ــ جفاناتى احمد تلميذ **صفى الدين عواد ، جدول الاهجار** دارد .

* قاهره ٢/٥٠٦ ف ج (عكسى) .
* متحف عراقى در پايان الميزان فى علم الادوار والاوزان (ع٥١٨) .

٢٧٥ ــ جمال الدين حسن بن احمد را روضة المستهام فى علم الانغام است درقاهره ٢/٥١٠ ف ح (عكسى) (بروكلمن ذيل ٢ : ١٠٣٥ ــ ع ٩٠) .

٢٧٦ ــ حريرى درويش محمد صفاء ، **الاوقات فى علم النغمات** دارد (قاهره ١٩١٠) (ع ٨٩) .

٢٧٧ ــ سالم بن على بن بركات طَريفى (ظريفى) مصرى دمشقى را رسالة فى فضل السماع است .

* برلین ۵۵۳۵/۳ .

۲۷۸ ـ کتاب فی العود که در **العقد الفرید** از آن یادشده است (ف ۱۹٤) .

۲۷۹ ـ الاجماع علی حل السماع .

* برلین ۵۵۳۵/۲ .

۲۸۰ ـ تعلیم النغمات وبیان الدرج والشعب والمقامات ، درهفت فصل .

وین ش ۱۵۱٦/۱ (۲ : ۵۹۵) .

۲۸۱ ـ کتاب فی معرفة الانغام والهنوك والطرب .

آغاز : کتاب فیه الرتب والمراتب .

* طوپ قپوسرای A 2130 ، این مجموعه در ج ۳ فهرست یاد شده (ش ۷٤۲۹) و در ۳۱۷ برگ است ومورخ ۷۲٦ .

۲۸۲ ـ کتاب فی علم موسیقا ، گویا با عنوانهای : نوحات ، نوبات ، دولاب ، سلسله ، دور .

وین ش ۱۵۱۷ در ۱٤۹ گ نسخ سدهٔ ۱۰ (۲ : ۵۹٤) .

۲۸۳ ـ کتاب سلیمان بن محمد بن عبدالله یا رسالة فی الغناء وآلات الموسقی که در یك مقدمه و سه باب و یك خاتمه است و در آن از غنا و آلات موسیقی بحث شده است .

آغاز : الحمدلله الذی نزل احسن الحدیث کتبا .

* فهرست مادرید ص ۹۵ س CCXII/8 در ٤۵ گ ۱۲ س .

۲۸٤ ـ نورالدین محمدحسین را رسالة فی حرمه الغناء است .

* دانشگاه ۸۳۲٦/۳ از سدهٔ ۱٤ .

* * *

درفهرست المخطوطات العربیه المحفوظة فی الخزانة العامة برباط الفتح (المغرب الاقصی) القسم الثانی الجزء الثانی ازعلوش ورجراجی چاپ ۱۹۵۸ ص ۳٦۹ و ۳۷۰ چنین آمده است :

۲۸۵ ـ ۲۷٦۰ (D 1327) **تألیف فی الموسیقی** جمع الوزیر الفقیه السید محمدبن المختار الجامعی الکبیر ، بدینگونه :

هل ینفع الوجدا ویفید وهل علی من بکی جناح

نوشتهٔ روزدوشنبه رجب ۱۳۳۰ برگ ۱۲۱ (عکسی) .

(ازفهرست لویی پرونسال برای مخطوطات رباط ۱۹۷) .

دربارهٔ آن گفته شده که «شاملة علی جمیع نوبات وطبوع آلات الطرب ، اصله جمع الشیخ الحائك الاندلسی التونسی المغربی التطوانی» . سپس گفته شده «عندنا نسخة 488 (D 8) » .

۲۸۶ ـ ۲۷۶۱ (D 1031) **خطبة التأليف فی الموسیقی** ، بدینگونه :
« الحمدلله واهب العقول فی قلوب‌الحشا » باقتراح الجامعی المذکور فی ۱۳۰۳
۲۸۷ ـ ۲۷۶۲ (D 1301) **منتخبات من‌عدة نوبات موسیقیة** ، بدینگونه:
«. . . وبعد فهذا تقییدکناش فی مدح النبی و مااشتمل علیه من الطبوع : ابتداها بنوبة الاصفهان» در ۵۱ گ .
۲۸۸ ـ ۲۷۶۳ (D 1518) **مجموع فی الغناء و الطرب** ، نوبات علی الترتیب التطوانی ، بدینگونه :
«الفصل الاول فی جوازالسماع واستحکامه ، اعلم اذا قناالله وایاك حلاوة المناجاة وطلاوة اللذات ان السماع بالاصوات الحسن والترنمات قد حضره وسمعه الاجلة الاخیار والصالحون الابرار» ، در ۹۸ص .
۲۸۹ ـ ۲۷۶٤ (D 1459) **مجموع فی الغناء و الطرب** جمعه الارسالیة العلمیة الفرنسیة بطنجة ، بدینگونه :
«الحمدلله وحده هذا مجموع‌الالة والغناء والطرب الذی‌یدور ویستعمل بطنجة وقد تلقینامن بعض‌المطربین» ۲۰ گ .

۲۹۰ ـ ۲۷۶۵ (D 1514) قطع من نوبة‌المایة ، ٥ گ .
۲۹۱ ـ **قسطندی‌رزق** در **الموسیقی الشرقیة والغناء العربی** (چاپ قاهره ٤۳ ـ ۱۹۳۶ ج ۱ ص ۱۰۰) از سماع بحث کرده وگفته که سلف صالح به دلیل روایتهای نبوی آن را روا میدانستند آنگاه فصلی ازمقدمهٔ ابن خلدون آورده‌که نکاتی ازتاریخ موسیقی اسلامی را دربردارد .

در این مسأله به **احیاء العلوم غزالی** (۲ : ۲۶۶) و **کیمیاء سعادت** او **المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء فیض‌کاشانی** (۱ : ۳۶۱) میتوان نگریست . در کتابهای فقهی هم ازآن بحث شده است .

۲۹۲ ـ **مؤتمر الموسیقی العربیة** چاپ ۱۹۳۳ قاهره که در ص ۳۷۵ ـ ۳۸۲ آن «لجنة تاریخ الموسیقی والمخطوطات» است و در ص ۳۸۳ ـ ۳۹۲ آن «تاریخ‌مختصر للسلم‌الموسیقی‌العربی» است ازفارمر واین‌کتاب پراست ازاصطلاحات فارسی .

۲۹۳ ـ نیز: Recueille de travaux du Congrès de musique arabe
چاپ ۱۹۳٤ قاهره در ٦٤۳ ص .

۲۹٤ ـ **دکترجواد علی** درمجلهٔ مجمع‌العلمی العراقی بغداد . سال۱۹۵۵ ج ۱ ص ۱۰۲ ـ ۱۰٤ : **رسائل فی‌الموسیقی** (ع۷۷) .

۲۹۵ ـ **طنطاوی جوهری : الموسیقی العربیة** چـاپ اسکندریة ۱۹۱٤ (ع ۲۰٤) .

۲۹۶ ــ لویس شیخو در **المشرق** سال ۱۸۹۸ ش ۲ ص ۱۰۹۹ ــ ۱۱۰۰ ازموسیقی بحث کرده است (ع ۱۹۳) .

۲۹۷ ــ سلیم حلو در مجلةالمعارف بیروت سال ۱۹۶۲ ش ۶ و ۷ و ۸ دربارهٔ تاریخ موسیقی عربی بحث کرده است (ع ۱۱۴) .

۲۹۸ ــ دکتر محمود احمد حفنی در مجلهٔ موسیقی قاهره سال ۱۹۳۵ و ۱۹۵۲ مقالاتی دارد در بارهٔ آثار کندی و فارابی (عربی لاتینی) و دیگران (ع ۹۶ ــ ۱۱۲) .

۲۹۹ ــ دکتر صلاح‌الدین منجد در مجلهٔ موسیقی قاهــره در ۱۹۳۵ (۳ : ۲۲ ــ ۳۵) «**اذان‌الصلاة تاریخه وتطوراته وموسیقاه**» نوشته و درآن لحن اذان را با نت نشان داده است .

۳۰۰ ــ دکتر عادل بکری «عثمان موصلی‌الشاعرالمتصوف» (۱۲۷۱ ــ ۱۳۴۱) دارد ودر آن از تاریخ موصل سخن داشته واز ابراهیم فارسی موصلی (کوفه ۱۲۵، ۷۴۲ م ــ بغداد ۲۲۶، ۸۴۰ م) یاد میکند واز اسحاق موصلی (ری ۱۵۰، ۷۶۷ م ــ بغداد ۱۹۵، ۸۱۰ م) وکمال‌الدین موسی‌بن یونس‌بن منعة موصلی (موصل ۵۵۱ ، ۱۱۵۶ م ــ موصل ۶۳۹ ، ۱۲۴۲ م) که درمدرسهٔ نظامیهٔ بغداد مشهور شده بود و علم‌الدین قیصربن ابی‌القاسم درگذشتهٔ ۶۴۹ (۱۲۵۱ م) شاگرد او وزین‌الدین ابوعبدالله حسن‌بن برهان موصلی مغنی شاعر عالم درگذشتهٔ ۶۸۷ (۱۲۸۸) و کمال‌الدین محمدبن برهان صوفی موصلی بغدادی موسیقی‌دان صاحب ابن‌السباك وابوالحزم‌ابن‌الریان نحوی مدرس موسیقی در موصل از اواخر سدهٔ ۶ (۱۲ م) ویحیی‌بن ابی‌منصور موصلی ادیب مؤلف «العود والملاهی» و احمدبن عبدالرحمان قادری رفاعی مسلم موصلی درگذشتهٔ نزدیك ۱۱۵۰ و مؤلف‌الدرالنقی فی علم‌الموسیقی و خلیل‌بن علی‌البصیر نابینا (۱۱۱۲ ، ۱۷۰۰ ــ ۱۱۷۶ ، ۱۷۶۲) که چند زبان میدانسته است و شیخ قاسم موسیقار رامی موصلی ملِحّن موشِّح درگذشتهٔ ۱۱۸۶ (۱۷۷۲) و ملاسعدی بن محمد امین‌بن سعدالدین موصلی بغدادی زندهٔ در ۱۱۲۷ (۱۸۰۲) .

۳۰۱ ــ زکریا یوسف در دیباچهٔ چاپی که از رسالهٔ موسیقی یحیی‌ابن المنجم در قاهره در ۱۹۶۴ در ۳۱ ص کرده است برای موسیقی اسلامی چهار دوره قائل شده است .

۱ ــ مدرسهٔ قدیم جاهلی و اموی وعباسی تا برسد به‌اسحاق موصلی .
۲ ــ مدرسهٔ فلسفهٔ اغریقی یا یونانی ازکندی تا طوسی درپنج سده .
۳ ــ مدرسهٔ پیروان نظام و روش از ارموی تا شش‌صد سال پس از وی .
۴ ــ مدرسهٔ معاصر کنونی .

۳۰۲ ـ **غطاس عبدالملك خشبة** در دیباچهٔ الموسیقی الکبیر فارابی (ص۱۶) می‌نویسد که عربها موسیقی را از ایران و آثار یونانی گرفته‌اند، سپس آنچه که با خنیاگری و صناعت‌الحان به زبان عربی سازگاری داشته است در آن وارد کرده‌اند وسرودهای عربی ساخته‌اند.

۳۰۳ ـ **محمد بهجة‌الاثری** در دیباچهٔ کتاب النغم لیحی‌بن علی‌بن یحیی چاپ ۱۳۶۹ (۱۹۵۰) از تاریخ این خاندان مجوسی ایرانی و چند کتاب موسیقی عربی و فارسی مندرج در مجموعهٔ Or 2367 موزهٔ بریتانیا سخن داشته است.

۳۰۴ ـ **عباس عزاوی** در **الموسیقی‌العراقیة** فی عهد المغول والترکمان چاپ ۱۳۷۰ (۱۹۵۱) بغداد الملاهی مفضل‌بن سلمة واللهو والملاهی ابن‌خردادبه وارجوزةالانغام بدراربلی را چاپ کرده و در دیباچهٔ آن تاریخ موسیقی اسلامی وایرانی گذاشته و سخنان او بسیار سودمند است.

۳۰۵ ـ **دکتر حسین‌علی محفوظ معجم‌الموسیقی العربیة** دارد چاپ ۱۳۸۴ (۱۹۶۴) بغداد که درآن به بسیاری ازلغات واصطلاحات فارسی ودانشمندان ایران و آثار آنها بر می‌خوریم.

۳۰۶ ـ ۱. **کاظم** دانشمند ترک عثمانی شاگرد **ذکائی‌افندی** فارابی زمان خود، «**تعلیم موسیقی یا خود موسیقی اصطلاحاتی**» (چاپ ۱۳۱۰) به ترکی نگاشته که ابراهیم داقوقی آن را بنام «**الاصطلاحات‌الموسیقیة**» به عربی درآورده است (چاپ ۱۳۸٤ هـ. ق. ۱۹٤۶ م بغداد) بیشتر اصلاحات درآن فارسی است.

۳۰۷ ـ **عبدالحمیدالعلوچی** را **رائدالموسیقی‌العربیة** است چاپ ۱۳۸٤ (۱۹۶٤) منبع عمدهٔ کار او آثار فارمر است واز خودش هم چیزهائی افزوده است. در آن فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی در چندین بخش برشمرده شده و اثری است بسیار سودمند.

۶

آثار شناخته شدهٔ فارسی درموسیقی وسماع

۱ ــ **ابن‌سینا** که از موسیقی دانشنامهٔ او یاد کرده‌ام .

۲ ــ **محمدبن محمود نیشابوری** که رسالهٔ موسیقی دارد در ده فصل و نگارنده آن را از روی نسخهٔ آکادمی علوم شوروی C 612/2 (فهرست فیلمها ۶۲۵) در «هفتادسالگی فرخ» (ص ۹۹ ــ ۱۰۳) چاپ کرده‌ام .

۳ ــ **افضل‌الدین کاشانی** درگذشتهٔ ۶۱۰بندی درموسیقی دارد (مصنفات او ص ۶۵۳) .

٤ ــ **امام فخرالدین ابوعبدالله محمدبن عمربن حسین خطیب طبرستانی رازی** درگذشتهٔ ۶۰۶ **راستینی** یا **حدائق‌الانوار** است که بنام علاءالدین تکش خوارزم‌شاهی (۵۶۸ ــ ۵۹۶) در خوارزم بسال ۵۷٤ در ۶۰ باب ساخته و **جامع‌العلوم** یا **مفتاح‌العلوم** که بنام علاءالدین محمد (۵۹٤ ــ ۶۱۷) در چهل علم ساخته است . نسخه‌های آن در دیباچهٔ نگارنده بر یواقیت‌العلوم و فهرست فیلمها (ص ٦٤) ودر فهرست نسخه‌های خطی فارسی (ص ٦٥٦) نشان داده شده است . شمارهٔ ۳۷۶۰ نورعثمانی هم همین است ، نیز آصفیه ۲ : ۱۷۶۶ .

۵ ــ **مجمل‌الحکمة** که ترجمه‌گونه‌ایست از **رسائل اخوان‌الصفاء وخلان الوفاء** وگویا بیش‌از ۶۰۸ و ۶۶۷ بنگارش درآمده و پس‌از این کسی آن‌را به‌نام تیمور مرد خراسان کرده است .

---

٤ - ف ۲۳٤ - تاریخ ۱۸۲ و ۲۰۰ و ۲۰۶ - ترجمه ۲۱٤ و ۲۳۶ و ۲٤۳ .

درفهرست فیلمها (ص ۱۸۵ و ۶۵۸) ودیباچهٔ یواقیت العلوم(ص و) و فهرست نسخه‌های خطی (۶۸۳) از نسخه های آن یاد شده است .

۶ ــ **محمدبن علی‌بن محمدبن حسن ظهیر کاتب سمرقندی** صاحب دیوان رسائل‌الب قتلغ تنکابیلکا ابوالمظفر قلج طمغاج خاقان فرمان‌روای خانی‌ازخاندان افراسیاب‌که نزدیك ۶۰۰ درگذشته است **اغراض‌السیاسة فی اعراض‌الریاسة** بنام او نگاشته است . او در سخنان الواثق‌بالله یادی از مزامیر و ترکیب آن کرده و از خواص زیر وبم و دوتاه و سه تاه و از خواص سماع (ص ۳۳۳ چاپ ۱۳۴۹ دانشگاه) .

۷ ــ **میرسراج‌الملة والدین قمری‌آملی‌خوارزمی** شاعر سدهٔ هفتم ومعاصر کمال اسماعیل درگذشتهٔ ۶۳۵ که در دیوانش قصیده‌ایست در پاسخ قصیدهٔ کمال . (فرهنگ سخنوران ۴۷۴ ــ ذریعه ۹ : ۴۳۷ و ۸۸۸ ــ فهرست نسخه‌های خطی ۲۳۴۷ ــ فهرست فیلمها ص ۹۱ فیلم ۱۸۶۶) **رسالهٔ چنگ** دارد به نظم و نثر مسجع فارسی دراینکه چنگ افزاری است که آوازی خوش وغم‌انگیزی دارد و کاردست استاد هنرمند موسیقی است واندیشهٔ صوفیانه واندوه و لغزش و جنبش درونی است که این آواز را در موسیقی پدید میآورد .

* تاشکند ۲۲۱۳/۱۹ (۵ : ۳۲۵ ش ۴۰۲۱) به نسخ ریز آراستهٔ آسیب دیده در ۷۴۵ در ۵ برگ ۵۶ پ ــ ۲۳/۵×۱۶/۵۴/۶۰ .

۸ ــ **قطب‌الدین محمودبن مسعود شیرازی** (۶۳۴ ــ ۷۱۰) را **درةالتاج لغرةالدباج** است بفارسی که موسیقی آن در ۱۳۲۴ خ در تهران چاپ شده است . این کتاب را او در روز سه‌شنبه ۲۴ ع ۱/ ۶۷۴ بپایان برده است .

(فهرست‌فیلمها ۸۴ ــ هنرومردم ۹۴ : ۳۰ــ دیباچهٔ یواقیت‌العلوم (و)ــ فهرست نسخه‌های خطی ۶۶۵ ــ معجم‌المؤلفین ۱۲ : ۲۰۲ ــ سرگذشت قطب از مینوی) .

او را شرحی است بر شرفیهٔ ارموی که در مقاصدالالحان مراغی (ص ۵۳و ۵۸ و ۶۲) از آن یاد شده وگویا بفارسی است و شاید هم به عربی باشد چه شاید آن بندی که مراغی ازاین‌کتاب به فارسی میآورد ازعربی ترجمه کرده باشد .

۹ ــ **امیرخسرو دهلوی** ابوالحسن‌بن امیر سیف‌الدین محمود لاجین هزاره‌ای بلخی (۶۵۱ ــ ۷۲۵) شاعر فارسی و هندی و مؤلف قانون استیفاء که

---

۸ - ف ۲۶۱ - ع ۲۶۲ - مل ۵۴ - تاریخ ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۲۷ - ترجمه ۲۳۹ و ۲۴۱ و ۲۴۷

در نشر هنر موسیقی کمك کرده و قوالان هند اورا استاد خویش میدانسته‌اند (ش ۱۲۲۱ فهرست دیوان هند) . از او **رسالهٔ موسیقی** یاد کرده‌اند .

در ادبیات فارسی استوری (۱ : ٤۹۵) و دیباچهٔ سعید نفسی بر دیوان او (ص ۱۲) و مجلهٔ مهر (۸ : ۲۹) و دو فهرست دانشگاه (۲ : ۱۸۱) و مجلس (۳ : ۱۸۸) که آثار او برشمرده شده است نسخی از آن نشان داده نشده است . در فهرست‌های دیگر تا آنجا که گشته‌ام سراغی از آن نگرفته‌ام و نه از قانون استیفاء که باید جز رسائل‌الاعجاز باشد .

وحید میرزا Wahid Mirza در The life and works of Amir Khusraw چاپ ۱۹۳۵ کلکته (ص ۲۳۸) از هنر موسیقی امیر خسرو بحث کرده و گفته که ساختن سه‌تار که به‌او نسبت داده‌اند درست نیست . از شعرهای ایقاعی او دراین کتاب نمونه‌ای هست ولی از نسخه‌ای از رسالهٔ موسیقی او نشانی داده نشده است . محمدحبیب هم کتابی دربارهٔ او دارد بنام حضرت امیرخسرو دهلوی چاپ ۱۹۲۷ بمبئی ، همچنین محمد سیداحمد مارهروی چاپ ۱۹۰۹ لاهور بنام حیات خسرو به‌زبان اردو .

در کتابی به زبان اردو دیده‌ام که در آن از هنر موسیقی خسرو سخن بمیان آمده ولی از نسخهٔ رسالهٔ او درآن نشانی ندیده‌ام .

۱۰ ــ شمس‌الدین محمدبن محمود آملی درگذشتهٔ ۷۵۰ (شدالازار ص ٤۵۰) در **نفائس‌الفنون** و **عرائس‌العیون** خود که بنام شیخ ابواسحاق اینجوی مظفری (۷۱۹ ــ ۷۵۸) در ۷۳۵ ــ ۷٤۲ ساخته است در موسیقی آن پنج باب گذارده ودر آن مانند قطب شیرازی در درةالتاج از سخنان ارموی در شرفیه در خرده گیری از فارابی خرده گرفته است . نسخه‌های آن در دیباچهٔ یواقیت‌العلوم (ز) و فهرست نسخه‌های خطی (۶۹۱) یاد شده است .

۱۱ ــ امیر خضرمالی قرمانی که کنزالتحف را کلمانت هوارت به‌او نسبت و تاریخ تألیف آن ۸۳۸ یادکرده وآن‌را هم به فرانسه در آورده ودردائرةالمعارف Lavignac (ص ۷۳ ــ ۳۷۱) گنجانده است ولی نسخهٔ ش ۲۷۶۳ دیوان هند مورخ ۷۸٤ با آنچه که او نوشته است نمی‌سازد . رساله‌ایست در یك مقدمه و چهارمقاله ودرآن از سید غیاث‌الدین‌حسینی یاد شده ومؤلف‌آن حسن کاشانی‌است.

* **پاریس S.P. 1121** برگ ۱٤۷ ــ ۱۸۹ .
* دیوان هند ۲۷۶۳ با تاریخ ۱ ذ ق ۷۸٤

---

۱۰ – ف ۲۷۶ ، تاریخ ۲۰۳ ، ترجمه ۲۳۹ .
۱۱ – ف ۲۷۷ ، تاریخ ۲۰۳ ، ترجمه ۲٤۰ .

* لیدن (۳ : ۳۰۲) .
* موزهٔ بریتانیا Or. 2361 برگ ۲۴۷ پ (فهرست عربی ریو ش۸۲۳ـ ذیل فارسی ریو ص ۱۱۵ ش ۱۶۲) .

از ماده تاریخ آن «اندر سنهٔ «لح ذ وبو ـ بیست‌ودوم جمادی‌الاول» گویا برمیآید که در ۲۲ ج ۷۴۶/۱ ساخته شده است . (هنر مردم ۹۴ : ۲۳).

۱۲ ـ کمال‌الدین عبدالقادربن جمال‌الدین غیبی مراغی آذربایجانی

حافظ خوشنویس شاعر موسیقی‌دان (۷۵۴ ـ ۸۳۷) **کنزالالحان** دارد که در نقاوةالآثار از آن یاد شده و خود او در جامع‌الالحان و مقاصدالالحان (ص ۵۶ و ۱۰۹ و ۱۱۳ و ۱۲۲ و ۱۴۱) و زبدةالادوار (فائدهٔ چهارم در دوجا) از آن نام برده است . در فهرست برلین (۵۵۳۶/۲۷) هم نامی از آن هست . پیداست که کتابی مفصل بوده و دقایق فن موسیقی درآن یاد شده بود و نسخه‌ای تاکنون ازآن بدست نیامده است .

هم از اوست جامع‌الالحان که در آن تاریخ ۸۰۸ دیده میشود و تاریخ ۹ محرم و ۱۱ صفر ۸۱۶ و بنام پسرش عبدالرحمن و تاریخ ۸۱۸ و بنام شاه‌رخ . در یك مقدمه است و دوازده باب ویك خاتمه که در فهرست بادلیان (ستون ۱۰۵۷) فهرست آنها نوشته شده‌است . درخاتمهٔ آن مجالسی گذارده شده که درآن سرودها و شعرهای غنایی عربی و فارسی آمده و برخی از آنها به لهجهٔ محلی است . در عرفات العاشقین از این مجالس بایستی نقل شده باشد . آغاز آن مانند زبدةالالحان است .

(هنر مردم ۹۴ : ۳۲ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۲۵۴ و ۲۵۸ و ۲۶۱)

در جامع‌الالحان (فصل ۱ باب ۳) آمده است که «**ابن احوص** آلتی وضع کرده است و آن را **شهرود** نام کرده و در آن «حدة حدة حدة نغمه موجود است» نیز (فصل ۳ باب ۳) .

«این فقیر چند تصنیف ساخته است» .

همچنین (فصل ٤) یاد شده درآن ازتصنیف خواجه عمادالدین عبدالملك سمرقندی که از اشعار خود غزلی ساخته است :

باری دیگر به‌میکده بردیم راه را	برهم زدیم مدرسه و خانقاه را
هرجا رویم از در دل‌دار نگذریم	ما گم نمی‌کنیم ازین کوی راه را
هرجا رویم لطف الهی پناه ما است	هرگز ز دست می‌ندهیم آن پناه را
درمی‌کشیم آتش می را وانگهی	برمی‌کشیم نالهٔ دلسوز آه را
ابن عصام نام قلندر درست کرد	چون برفگند قاعدهٔ مال و جاه را

نیز درآنجا آمده است : (فصل باب ٥ دربیان اوتار خمسه) : «و در

اصطخاب غیر معهود رسالهٔ دیگر تألیف کردیم و درآن جمع شدود مبین گردانیده»
و نیز گفته که قطب شیرازی عمل نمی‌دانست ولی در علم سرآمد بوده است (فصل ۳ باب ٦) .

همچنین یاد کرده است از کتاب مقالات **شیخ ابونصر فارابی معلم ثانی** (فصل ۳ باب ۱۰) وسازپیپا و اهل ختای وچپچق یا موسیقای ختایی (اواخر باب ۱۰) و دور ترکی (فصل ۲ باب ۱۱) و از ادوار ایقاع و تصانیف خودش (فصل ۳ باب ۱۱) ، در آن (فصل۲ باب۱۲) آمده است :

«افضل المتأخرین امیر سید شریف سلمه‌الله این دوبیت :

« زد مار هوا برجگر غمناکم	سودی نکند فسونگر چالاکم »
« آن یار که عاشق جمالش‌شده‌ام	هم نزد ویست رقیه و تریاکم »

را ترجمهٔ آن دو بیت عربی :

«قـد لسعت حیة الهوی کبدی	فلا طبیب لهـا و لاراق »
«الا الحبیب الذی شغفت به	فعنده رقیتی و تریاقـی »

کرد وازین فقیر درخواست این دو بیت در تصنیفی درآورد برحسب التماس خدمتش داخل گردانیدم :

بگزید مار عشقت جگر کباب ما را	نه‌طبیب می‌تواندنه‌فسونگراین‌دوا را
مگرآنکه‌والهم‌من‌به‌جمال‌جان‌فزایش	که‌هم‌اوشفاتواندکه‌دهدمر این‌گدارا

نیز در پایان آن آمده است :

«**شیخ ابونصر فارابی** رحمه‌الله درین‌علم وعمل ماهر وکامل بوده چنانکه مردم را به‌آواز عود گریه می‌آورد وبه‌خواب میکرده وما طریقهٔ آن‌عمل درآخر کتاب بیان کرده . اما **شیخ ابوعلی** در علمی این فن ماهر بوده لیکن در عملیات موسیقی عاجز و متحیر بوده و این سخن از او مشهور است که چون به علمی این فن رسیده گفته که : اینك علم کومرد !»

در همین‌جا او گفته است کـه پدرم جمال‌الدین غیبی در علمی و عملی این فن سرآمد بوده وکسی بدو نمی‌رسیده است و او مرا پس‌از حفظ **قرآن** موسیقی آموخته و پرورده‌ام .

درپایان جامع‌الالحان چند بیتی از سعدی آمده وچنین گفته شده است :
در حالت ختم این‌کتاب فرزند اعزاکرم نورالدین عبدالرحمن گفت این دو بیت اگرچه مشهور است چون مناسبتی درین محل دارد بنویس ! به جهت خاطر عزیز او نبشته آمد : «بماند سالها این نظم و ترتیب ... بقائی» .

* بادلیان ۸۲۸ مارش مورخ ۸۱۸ وبنام شاه‌رخ .
* بادلیان ۱۸۴۲ مارش ۲۸۲ نسخهٔ اصل مراغی مورخ ۸۰۸ برای‌پسرش

نورالدین عبدالرحمن وتجدید شدهٔ در ۸۱۶ .

* بادلیان گزیدهٔ آن از خود مراغی برای بایسنغر ومورخ ۸۲۱ .

* ملك ۶۳۱۷/۲ گ ۱۵ پ — ۱۶۲ پ از سدهٔ ۱۱ ، انجام افتاده وبنام کنزالالحان .

* نورعثمانی ۳۶۴۴ بنام شاهرخ و مورخ ۸۱۸ و ۳۶۴۵ و ۳۶۴۶ و ۳۶۴۹ و ۳۶۵۰ .

درپایان باب دوازدهم چنین آمده است :

«سبب تصنیف کردن سی‌نوبت مرتب که هرنوبتی پنج قطعه بودند دریك ماه رمضان به دارالسلطنه تبریز بتاریخ **تاسع عشرین** شعبان‌المعظم سنه **ثمان وسبعین وسبعمائة** در بلدهٔ **تبریز** در مجلس بندگی حضرت سلطان **جلال‌الدین حسین‌خان** ابن‌سلطان شیخ اویس انارالله برهانهما شیخ‌الاسلام و اعظم **خواجه شیخ‌الکججی** و دستوراعظم **امیرشمس‌الدین زکریا** و سایر اکابر وافاضل که در آن زمان‌بودند حاضر شدند وکسانی‌که **ادوار** و **شرفیه** را **شرح** نبشته بودند مثل مولاناجلال‌الدین **فضل‌الله‌العبیدی** و مولانا **سعدالدین کوچك** و مولانا **عمرتاج خراسانی** حاضر بودند و خوش‌خوانان و استادان مصنف و متغنیان (متعینان) مثل **خواجه رضی‌الدین رضوان‌شاه** مصنف و استاد **عمرشاه** و استاد **بوکه** و **نورشاه** و غیرهم ازمباشران آلات ذوات‌الاوتار و آلات ذوات‌النفح (و) هم در آن مجلس حاضر بودند وبحث علمی و عملی موسیقی می‌کردند . مصنفان عملی گفتند که اشکل اصناف موسیقی در عملیات **نوبت مرتب** است و تألیف یك نوبت در مدت یك ماه نتوان کردن برای آنکه هرقطعه از نوبت را که سازند به ضبط و تکرار آن احتیاج باشد . بعضی گفتندکه چون مصنف مؤید وماهر وقاهر بود ممکن باشد .

این فقیر گفتم که در یك ماه سی‌نوبت مرتب سازم ان‌شاءالله تعالی .

ایشان به‌اتفاق استبعاد نمودند. پس گفتم که‌اینك درین‌ماه رمضان هرروزی نوبتی مرتبی سازم وروز به‌روز عرض‌کنم و روز عرفه هر سی‌نوبت را اعاده کنم ان‌شاءالله تعالی .

شارحان **ادوار** و استادان روزگار خصوصاً **خواجه رضوان شاه نامدار** و مباشران آلات ذوات النفح وآلات ذوات‌الاوتار متفق‌الکلمة گشتند گفتندکه این خود ممکن و مقدور بشر نیست و **خواجه رضوان‌شاه** استاد و متعین روزگار بود گفت شاید که قبل‌ازین ساخته باشند .

---

۱ — در مجلهٔ ادبیات تبریز (س ۷ ش ٤ ، ص ٤٦۹) «درنظری به تاریخ آذربایجان» مشکور (ص ۲۱۶) از کتاب موسیقی عبدالقادر مراغی از سدهٔ نهم شمارهٔ ۱۳۰٤ ملك یاد شده است ولی در آنجا چنین شماره‌ای ازاین کتاب نیست .

اکنون گوید ، این فقیر گفتم که هرروز ابیات واشعار نوبت را شما اختیارکنید و درهرروزی از ادوار واز نغمات و ادوار ایقاعی‌که امتحان‌کنید بهرصنعتی‌که‌گویند از ترکیبات مشکله وغیره بهمان صنعت و انواع‌که مختار شما باشد هرروز نوبت مرتب سازم و برسر جمع اداکنم چنانکه خالی‌از اعتراض باشد.

پس بندگی حضرت **سلطان‌الاعظم جلال‌الدین حسین** فرمودند که اشعار و ابیات نوبت هر روزی را **خواجه شیخ** و **امیرزکریا** و **مولانا جلال‌الدین فضل‌الله عبیدی** و **خواجه سلمان ساوجی** در حضور ما تعیین کنند و **صنایع والحان** و **ایقاع** را استادان مصنف به‌اتفاق **خواجه رضوان‌شاه** معین کنند .

پس برحسب فرمان اعلی ابیات واشعار نوبت اول که اول روز ماه رمضان ساخته شد با صنایع الحان وایقاع مفصل نبشته بدین فقیر دادند وبندگی حضرت پادشاه فرمود که نوبت اول را بنام ما مخصوص گردان و در مقام حسینی ساز و این نوبت را پنج قطعه ساز : قول وغزل وترانه و فرو داشت و در قطعهٔ خامس که مستزاد است دوازده مقام و شش آواز را لازم دار چنانکه میان هردو پرده یك آواز باشد و هرآنچه از پرده‌ها باشد الفاظ و ارکان نقرات مقارن آنها گردان وآنچه از آوازات باشند هرآوازه‌ای را بر مصراعی شعر تقسیم‌کن واین نوبت را دو دائرهٔ ثقیل رمل بسازد واشعار عربی **مولانا جلال‌الدین فضل‌الله** نبشت و ابیات پارسی خواجه **جمال‌الدین سلمان** .

پس برآن اشعار وابیات درمیان مجلس نوبت مرتبی ساختم پنج قطعه مشتمل برآن صنایع که امتحان کرده بودند و دیگر صنایع بدان اضافه کردم ودر میان مجلس نوبت را عرض‌کردم به نوعی همه مسلم داشتند بل‌که متحیر شدند و به‌انواع تحسینها وتربیتها کردند وبندگی حضرت در میان مجلس سیورغالات وانعامات پادشاهانه فرمود . . .

وهرروز ابیات واشعار یك نوبت را مینوشتند با صنایع الحانی و ایقاعی می‌دادند این فقیر نوبتی مرتبی پنج‌قطعه درآن می‌ساختم و روز دیگر درمجلس حضرت سلطان به‌حضور اکابر واستادانی‌که مذکورشد ادا می‌کردم زائد برامتحان ایشان به‌بسیاری صنایع وچون روز عرفه شد هرسی‌نوبت اعاده‌کردم وشرح وبیان صنایع آن نوابت را درکتاب **کنزالالحان** ذکرکردیم تا اگرکسی را معرفت علمی وعملی این حاصل شده باشد اورا استخراج آنها کردن ممکن باشد .

همین داستان در شرح ادوار مراغی (قائدهٔ ششم) چنین است :

« در تاریخ سلخ شعبان‌المعظم سنة احدی و ثمائین و سبعمائة در بلدهٔ تبریز بندگی حضرت سلطان‌الاعظم **سلطان جلال‌الدین حسین** انارالله برهانه بدین فقیر فرمود که درین ماه رمضان هرروز یك نوبت مرتب بساز و بر ما عرض

کن! گفتم : بلی ان‌شاءالله تعالی . استادان ومصنفان گفتند امکان نیست که این‌عمل توان کرد واز ارباب این فن کس را میسر نشده است و غالباً نشود ، و **خواجه رضی‌الدین رضوان شاه** رحمه‌الله تعالی که متعین دوران واستاد زمان بود به مبلغ صدهزار دینار پیمان زد وگروبست که این ممکن نیست واگر این ساخته شود این مبلغ مذکور را ادا کنم و حجت نبشت . وبندگی حضرت **پادشاه** و **خواجه شیخ‌الکججی** و **قاضی شیخ‌علی** رحمهم‌الله تعالی برآن حجت گواهی نبشتند و شرط چنان کردند که مقام واصول ایقاعی استادان و مصنفان تعیین کنند و اشعار شیخ‌الاسلام اعظم **خواجه** شیخ به اتفاق **مولانا جلال‌الدین فضل‌الله‌العبیدی** معین کنند وابیات فارسی را به‌خواجه جمال‌الدین سلمان‌الساوجی رجوع کردند که او معین‌کند بدان‌ابیات واشعار وبدان صنایع‌که مقررکرده بودند این‌فقیر هرروز نوبت مرتبی می‌ساخت ودر مجلس جلوه به حضور پادشاه و اکابر و استادان و مصنفان عرض میکرد .

واین فقیر گفتم که نوبت را قدماء چهار قطعه ساخته‌اند اما این فقیر هرنوبتی را چهار[1] قطعه بسازم تا برشکل تربیع نباشد ، استادان ومصنفان گفتندکه قدماء در قطعه‌ای از مقطعات اربعه نوبت شروط که مذکور شد کرده‌اند در قطعهٔ خامس شروط نیست گفتم قطعهٔ مستزاد مشروط بدانست‌که مجمل مفصل نوبت‌باشد هرآنچه از صنایع وابیات واشعارکه مقطعات اربعهٔ نوبت باشد مجموع‌آنها درقطعهٔ مستزاد جمع باشد . . .

هرروز نوبتی مرتبی مشکل وخوش‌آیند پنج قطعه به‌شروط مذکوره ساخته معروض میشد وهرنوبتی را یکی ازگویندگان تعلیم میگفتیم پس روز عرفه هر سی‌نوبت را حضرت سلطان وحضور اکابر واستادان این‌فن عرض‌کردیم چنانکه الفاظ نقرات ونغمات وابعاد اشعار هرنوبتی‌را برطوماری نبشته بودیم و در روز عرض نوابت استادان درحالت استماع نوابت آنها را درنظر می‌داشتند بر همان موجب بلا زاید ونقصان ادا کردیم پس استادان انگشتهای تعجب به دندانهـای حیرت گزیده به مداحی مشغول و **خواجه رضوان‌شاه** آن مبلغ صدهزار دینار را با دختر خود بدین‌فقیر داد .

وبندگی حضرت **سلطان حسین** انارالله برهانه فرمود که روز اول رمضان نوبت را بنام من ساز درپردهٔ حسینی .

برموجب امر وفرمان پادشاهی غرّهٔ ماه رمضان نوبت مرتب پنج قطعه ساخته عرض‌کردم در حضرت اعلی وحضور اکابر و استادان بدین‌موجب نوبت مرتب پنج قطعه وقول وغزل وترانه و فرو داشت ومستزاد به‌دور ثقیل رمل که

---

۱ - گویا : پنج .

غرّهٔ ماه رمضان عرض کردم . . . »

به **باربد** خنیاگر دربار **خسروپرویز** درگذشتهٔ ۶۲۸ داستانهایـی نسبت داده‌اند همچنین نوای هفت‌گانه که «**طرق ملوکیه**»اش نامیدند و نیز آهنگها سی روز ماه که گویا **نظامی** آنها را برشمرده است[1] .

او گویا همان «**فهلیذ**» است که **فارابی** در **موسیقی‌کبیر** (ص ۶۰) یا «**فلهوذ**» که **کندی** در **المصوتات‌الوتریة** (ص ۷۵) یاد کرده‌اند و بگفتهٔ ایندو او درزمان **انوشروان** کودك بوده ودر زمان **خسروپرویز** میزیسته است .

سی نوبت **مراغی** که داستان ساختن آنها را در **جامع‌الالحان** و **زبدة الادوار** آورده است گویا دنبالهٔ همین کار باربد باشد و گویا هم دنبالهٔ کار همکار او خواجه رضوان‌شاه است (روضات‌الجنات فی‌اوصاف مدینة هرات زمجی اسفزاری ج۲ ص۳۷ دیباچه و ص ۹۳ متن) .

او تاریخ این کار خویش را در **جامع‌الالحان** ۲۹ شعبان ۷۷۸ درتبریز بدستور سلطان **جلال‌الدین حسین** پسر **اویس جلایری** و در **زبدة‌الادوار** پایان شعبان ۷۸۱ درتبریز بدستور همو یاد میکند . فارمر هم آن‌را از نسخه‌های بادلیان وموزهٔ بریتانیا آورده با تاریخ ۷۸۱ (۱۳۷۹) . [1]

نیز ازاوست **مقاصدالالحان** که بنام **سلطان‌مرادخان‌عثمانی** (۸۲۴ ــ ۸۵۵) در ۸۲۴ و بنام **بایسنغر پسر شاهرخ** درگذشتهٔ ۸۳۷ هم ساخته و در روز آدینه ۲۱ شوال ۸۲۱ آن را به انجام رسانده است . یك مقدمه و دوازده باب در آن است . بیشتر آن از درةالحاج شیرازی است . (بادلیان ۱۸۴۴) .

* آستان قدس ۱۶۳ مورخ ۱۲ رمضان ۸۲۱ بنام شاهرخ (۳ : ۳۵) .
* بادلیان ۱۸۴۳ مورخ ۲۱ شوال ۸۲۱ با اندکی جدایی با نسخهٔ دومی.
* بادلیان ۱۸۴۴ مورخ روز سه‌شنبه ۳ محرم ۱۰۷۷ دراکبرآباد ازروی نسخهٔ مورخ ۴ رمضان ۸۴۲ برای شاه قبادبن عبدالجلیل حـارثی بدخشی ومقابله شده درهمان شهر ، بامقدمه‌ای دارای روایتهای نبوی دربارهٔ آوازخوش وخاتمه‌ای نزدیك به **جامع‌الالحان** .

دانشگاه ۳۲۰۳ مورخ ۱۲۹۱ .

نسخهٔ رئوف یکتابیگ که از تهران بدست آورده است .

روان‌کوشکو ۱۷۲۶ نوشتهٔ محمدبن محمودبن الیاس گویا پسر فقیه نجم شیرازی (ش ۲۷۹ فهرست طوپ قپوسرای) .

---

۱ – تاریخ ۱۴۸ و ۹ – ۱۹۸، ترجمه ۱۷۵ و ۵ – ۲۳۳ – همایی ۱۷۱ .

۱ – عزاوی ۲۶۰ – دیباچهٔ زکریا یوسف بررسالةفی‌الموسیقی یحیی ابن‌المنجم ص۲۷ – ف ۳۰۰ تا ۳۰۵ – ع ۳۱۶ تا ۳۲۰ – مل ۵۹ .

لیدن Or. 270-1 (۳ = ۵ ـ ۳۰۲) بنام مراد دوم در ۸۲٤ .
ملك ۸۳۲/۱ مورخ ۸۳۷ .
ملك ۱٦٤۹ نستعلیق سدهٔ ۹ .

هم ازاوست **زبدةالادوار** دریك مقدمه در سه فصل و یك مقاله در دوفصل و یك خاتمه دارای زواید و فوائد در شرح ادوار ارموی .

پس از دیباچه حاشیه مانند است بر ادوار وبا عنوانهای «قوله» بندهایی از متن میآید وترجمه و شرح میشود .

درآغاز آن چنین آمده‌است : « از دیگر شروح بلکه از سایر کتب که در این فن نوشته‌اند مستغنی گردد » و « دراین زمان شارحان ادوار را اشتباهات میباشد» .

درپایان بخشی است در تاریخ موسیقی‌دانها و سرگذشت خود او . نیزدر پایان گفته‌است که درحال تألیف این کتاب پسرم **نورالدین عبدالرحمن** دوازده ساله و **نظام‌الدین عبدالرحمن** هفت ساله است و هردو هر روزه پس‌از خواندن قرآن به علم و عمل موسیقی مشغول میشوند .

او در فائدهٔ هشتم از سعدی یاد میکند .

مراغی در **زبدةالادوار** ازکتاب **مقامات شیخ ابونصر فارابی** یاد کرده (فائدهٔ ٤) و از افزارهای موسیقی بحث نموده با آوردن اشکال آنها (فصل ٥ فائدهٔ ۹) وتاریخچه‌ای ازموسیقی دوستان ازخلفاء وامراء وازموسیقی‌شناسان آورده (فائدهٔ ۱۰) و گفته که : «**شیخ ابونصر فارابی**» رحمه‌الله جامع بوده است در این فن بین‌العلم والعمل واین علم را وبعضی علوم دیگر را نیز از زبان یونانی به عربی نقل‌کرده و درعلمی این فن کتب تألیف‌کرده و وسامعان را بی‌اختیار به آواز عود در بکاء و ضحك آوردی ودرخواب کردی وبیدارکردن خود آسان است .

واز **شیخ ابوعلی** رحمه‌الله نقل است که او درسن هفده سالگی جمع علوم کرده بوده است وگفته که اینك مرد، کو دگر علم ! چون به علم موسیقی رسیده است گفت که اینك علم، کو مرد ! اما در علمی موسیقی در **کتاب شفاء** رساله‌ای نبشته‌است‌که موافق است سخنان او با سخنان «**کتاب مقالات شیخ ابونصر فارابی**».

نیزیادکرده‌است از**ارموی** و **ادوار وشرفیهٔ** او وازشیخ**شمس‌الدین‌سهروردی** شاگرد ارموی درموسیقی وشاگرد **یاقوت** درخط واز شاگردان دیگر ارموی مانند **علی ستایی** و **حسن زامر** و **زیتون** وگفته که دراین‌زمان **شیخ عبدالرحمن مراغی** و **خواجه رضوان‌شاه تبریزی** هستند .

ع - ۳۱۷ و ۳۱۸ عزاوی ٦۰ .

انجام زبدةالادوار بیش ازفوائد عشره :

چنانکه با هر خبیر دیگر تواند خواندن و در عمل آوردن و به حلق ادا کند واز دساتین اوتار به نغمات ملائمه حلقی معا ادا توانند کردی تا ازاین‌علم وعمل محظوظ باشند اعنی‌جامع باشند بین‌العلم والعمل . قوله ولنکتف بهذا القدر فی‌هذا الفن ونختم‌الکتاب والحمدلله وحده وصلواته سیدنا محمدنا وآله‌الطاهرین (نسخه نورعثمانی) .

انجام فصل۱ فائدهٔ ۱۰ دربرگ ۲۱۲' عکس دانشگاه از نورعثمانی : واین فقیر حقیر را به نظر عنایت والتفات خاطر مبارک مخصوص فرموده وازخاک برگرفته و آنچه وظیفهٔ تربیت در آن به اقصی‌الغایة کوشید (ملی) وقرآن را به لفظ مبارک خود تلقین وتعلیم این بنده‌کرده وتوفیق رفیق‌گشته و دراین‌علم وعمل آنچه وظیفهٔ علم و عمل بوده ارشاد و تعلیم فرموده چنان شده که آن دلخواه او شده والحمدلله علی نعمائه (گویاسپه) .

انجام نورعثمانی :

اما جناب مولانا قطب‌الدین را علمی بر عملی غالب بوده است زیرا که در قواعد و مصطلحات این فن از کتاب ادوار وکتاب شرفیه مستفید شده . رحمهم‌الله تعالی (درپایان فصل دوم فائدهٔ ۱ که دربارهٔ محاکمهٔ میان فارابی و صاحب شرفیه و قطب شیرازی است) .

* نسخهٔ رئوف یکتابیگ موسیقی‌دان ترک‌که منیف‌بیگ مستشار سفارت عثمانی درتهران بدست آورده وبه‌او بخشیده است .
* سپهسالار تهران ۵۶۵/۱/۱ (۵ : ۱۴۱) نوشتهٔ فتح‌الله بن ابی‌یزید شابرانی .
* شروانی در روز یکشنبه ۲۶ شوال ۸۴۵ از روی خط مؤلف ، او مترجم‌الانوار لاعمال الابرار اردبیلی است به‌فارسی و شارح‌التذکرة طوسی پس‌از ۸۷۵ (دانشگاه ٤ : ۹۰۷ و ۵ : ۱۸۲۵) و از اوست رسالة فی‌الموسیقی (موزهٔ بریتانیا Or. 2361/9 و طوپ قپوسرای A ۳٤٤۹) که فارمر نشناخته است .
* ملک ۱٤۷۶ نوشتهٔ ۱۶ صفر ۱۲۸۳ در نجف در قزقانچای تهران .
* ملک ۶۲۹۵ نسخ آغاز سدهٔ ۱٤ از روی خط همان شابرانی از روی خط مؤلف .
* ملی (فیلم ۲۹۲۷ دانشگاه تهران) .
* نورعثمانی ۳۶۵۱ (فارمر ش ۳۰۳ ـ فیلم ٤۹۱ دانشگاه تهران) با فوائد عشره در پایان .

در شرح ادوار مراغی (۳۶۵۱ نورعثمانی برگ ۱۱ عکس) آمده است .

اما یکی از شارحان کتاب ادوار **مولانا نصرالله قاینی** بود که در انواع علوم دقیقه یدطولائی ومرتبهٔ اعلی داشت . روزی درمجلسی درسمرقند بود ودرآن مجلس **خواجه عمادالدین عبدالملك** و**خواجه کامل‌الدین عبدالاول** و**امیرسیدشریف** ومولانا **نعمان‌الدین خوارزمی** رحمهم‌الله حاضر بودند .

شارح مذکور اعنی **مولانا نصرالله قاینی** هم حاضر بود شرح ادوار که نبشته بودند به دست این فقیر داد و گفت که دراین شرح نظر کنید تا اگر در آن خطائی واقع شده‌باشد درقلم آورید تاکتاب مصحح شود . گشادم این‌محل برآمد ... واین‌مسئله مذکورا تفهیم حضار آن‌مجلس وشارح کردم همه‌به‌اتفاق گفتند که‌این‌مسئله برهمه مشتبه بود وهم در آن محفل یکی‌ازبزرگان اعنی . . . (سفید مانده) گفت که صاحب ادوار مردم [را] مغلطه داده‌است درتقسیم دساتین . . . اما جواب شما همان جواب است که به مولانا نصرالله گفتیم (فصل۲) .

واین دور را در بلدهٔ خجند درحضور سلطان‌الاعظم نصیرالملة والدین امیرخلیل سلطان غفرالله له مرغی قمری آواز میکرد ، آن حضرت فرمودکه برین وزن آواز این‌مرغ دوری بساز . برحسب فرمان جهان‌مطاع این دور ساخته شد .

واین دور را حضرت سلطان **جلال‌الدین حسین** رحمه‌الله ابن **سلطان اویس** انارالله برهانه در تبریز در باغ دولت‌خانه مجلسی آراسته بود در اثنای مجلس تصنیفی خواست در دوری از ادوار ایقاعی غیر از ادوار مذکوره . برحسب فرمان اعلی دفعة در بدیهه براین دایره تصنیفی ساخته به عرض رسانیدم وچون فصل ربیع بود نام این دو را ضرب الربیع فرمود .

و نقرهٔ دیگر بروتد رابع و سبب تألیف این دور آن بود که حضرت پادشاه مغفور مرحوم سعید شهید سلطان **مغیث‌الدین احمد** سقی‌الله ثراه و جعل الجنة مشواه دربغداد در کشتی نشسته بود و محرکان آن کشتی سی ملاح بودندکه اجرای آن‌کشتی میکردند . نقرات این دورا برابر (مساوی) عدد ملاحان‌آن‌کشتی فرمودند باید که باشد برحسب فرمان همایون همچنان ساخته شد . و برچهار بیت برابیات **شیخ جنید بغدادی** قدس‌الله تعالی سره تصنیفی خواستند درسه‌گاه برموجب فرمان همایون مؤلف گشت .

اما زمان ماتین و زمان این دور دویست نقره است و تقطیع آن به پنجاه فاصله یا سی‌وتد و فاصلتین و سببی دیگر هم که توان کرد اما حضرت بندگی به فواصل تقطیع فرمود و سبب ترتیب این دور آن بود کـه سلطان‌زادهٔ عالمیان **غیاث‌الدین سلطان محمد** نورالله مضجعه در دارالملك **سمرقند** در **باغ نقش‌جهان** فرمودکه‌دوری میخواهم از ادوار ایقاعی که‌اطول ازجمیع‌دوایرایقاعی وزمان دور

آن دویست نقره باشد برموجب فرمان عالی این‌دور مأتین مرتب شد .

در **منشآت** شرف‌الدین علی یزدی وقوام‌الدین محمد یزدی نام هنرمندان آمده است. در راهنمای کتاب (١٤ : ٧٦٣) از چهار نسخهٔ آن یاد کرده‌ام.

١٣ ــ عبدالعزیزبن خواجه کمال‌الدین عبدالقادر مراغی ، نقاوةالادوار دارد بفارسی که در یك مقدمه و ده‌اصل بنام سلطان محمد ثانی فاتح‌بن مراد (٨٤٧ ــ ٨٤٩ و ٨٥٥ ــ ٨٨٦) در یك مقدمه و ده اصل ساخته است .

* ایاصوفیا ش ٣٤٦٢ از سدهٔ ١١ (طوپ قپوسرای ش ٢٧٨ ص١٠٦) .
* لنینگراد ٤٤٦ در ٧٦ گ (فهرست محفوظ) .
* نورعثمانی ٣٦٤٦ (دیباچهٔ مقاصدالالحان ص٣٨) .

آغاز : الحمدلله‌الذی جعل‌الارواح قابلة‌لحسن الالحان والنغمات وقلوب العشاق‌الحجازیة راغبین‌الالحان والمقامات .

١٤ ــ ابواسحاق‌بن عبیدالله کوهبنانی‌کرمانی درشرح دوبیت **شرف‌الدین علی یزدی** تألیفیه نگاشته است (مجلس ٩ : ٥٩٣) .

* دانشگاه ٢٤١٧/٥ و ١٠٨٨/١٣ (٤ : ٩٥٧) .
* مجلس ٦٣٢١/١٤ از عدهٔ نهم (١٩ : ٣١٧) .

١٥ ــ نورالدین عبدالرحمن جامی (٨١٧ ــ ٨٩٨) که رسالهٔ موسیقی خودرا در یك رجب ٨٩٠ بپایان برده است . در آن پس از دیباچه تمهیدات در آواز و یك فصل در تأثیر نغمات و ایقاع آن در نفس ولذت این دو سپس دو قسم است :

١ ــ در علم تألیف در احوال نغمات در چند فصل .

٢ ــ در علم ایقاع دراحوال ازمنه درچند فصل .

قزوینی در یادداشتها (٧ : ١٦٣) از این‌رساله ونسخهٔ پاریس (S.P. 822) که از روی خط جامی نوشته شده است یاد نموده است.

متن این رساله با ترجمه و شرح و عکس نسخه بدستیاری بلیایوا Beliyaeva درتاشکند در ١٩٦٠ بچاپ رسیده است . آقای حسین‌علی ملاح آنرا شرح کرد ودر مجلهٔ موسیقی (ش ١٠١ ــ ١٠٧) نشر نموده است .

آغاز : باسمه سبحانه (بسمله) بعد از ترنم به‌نغمات سپاس خداوندی‌که شعبه‌دانان مقامات بندگی‌را گوش امید برآوازنوید لطایف انعام وافضال اوست ... گویندهٔ این راز وسازندهٔ این نقش دل‌نواز که در عنفوان شباب که اوان تحصیل

---

١٣ ــ ع ١٥٤ عزاوی ص ٥٩ هنرومردم ٩٥ : ٤٥ ، برخی این‌کتاب را با رسالهٔ موسیقی فتح‌الله شروانی یکی پنداشتند .

و عنوان صحیفهٔ قیل‌وقال بود تشحید خاطر را به‌تعلم علم موسیقی آهنگ‌کرده بودم و قواعد علمی آن را به چنگ آورده گاه در قوانین تألیفی آن لب میگشادم وگاه در موازین ایقاعی آن دستی میزدم اما بواسطهٔ تقلب ادوار . . . خاطر ازآن افسانه فراموش کرده بود و لب از آن ترانه خاموش مانده تا دراین ایام ازناحیهٔ بعضی کرام که آن دستان را شنیده بود و به آن داستان آرمیده چنان تفرس کردم که . . . برآنست که از آن افسانه حرفی بروی کار آرم و ازآن ترانه صدائی بگوش روزگارگذارم . . . . اقدام برآن مرام نه به مقتضای مقام این‌حقیر بود و اشتغال بدان مقال نه موافق حال این حقیر اما از این معنی تجاهل کردم وروی توجه به جمع رساله آوردم از کتب این قوم ملتقط واز اصول ایشان مستنبط .

انجام اینست بیان آنچه از اصول و فروع این فن میسر شد والله سبحانه ملهم‌الصواب ومنه‌المبدء والیه المآب والحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله محمد وآله اجمعین وتیسرذلك‌الاتمام فی‌غرة رجب‌المرجب سنه تسعین وثمانمائة .

نسخه‌ها :

۱ ــ کلیات جامی ش۴۷۹۵ ملك‌گویا ازسدهٔ ۱۰ با تاریخ تألیف ۱ رجب ۸۹۰ دراین رساله که ش ۲۲ است .

۲ ــ کلیات جامی ش ۵۹۹۷ ملك از سدهٔ ۱۰ (ش ۱۰) .

۳ ــ کلیات جامی ش۸۲۵۳ دانشگاه تهران مورخ ۹۰۹ (ش۳) .

۴ ــ کلیات جامی S.P. 822 ملی پارس مورخ ۶ ــ ۸۹۵ (بلوشه ۳ : ۲۷۳ ش ۱۶۷۶ ــ فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ۱ : ۱۶۳ ش ۱۰۸۰) .

۵ ــ کلیات جامی ش ۱۳۳۱ آکادمی علوم اوزبکستان نوشتهٔ محمد کاتب هروی در ۹۰۸ (فهرست نسخ آثار جامی در اوزبکستان چاپ ۱۹۶۵ ص ۱۲ ــ فهرست آکادمی تاشکند ۲ : ۴۱۰ ش ۱۸۰۳) .

۶ ــ نورعثمانیه ش ۷۷/۱۴ ــ ۳۷ مورخ ۹۸۰ .

۷ ــ نوعثمانیه ش ۴۱۷۱/۳۵ مورخ ۸۹۸ .

۸ ــ نورعثمانیه ش ۴۱۷۷/۱۳ مورخ و ۹۷۹ ــ ۹۸۱ .

۹ ــ اونیورسیته ش ۴۵۵/۲۷ مورخ ۹۱۵ با تاریخ تألیف ۱ رجب ۸۹۰ (فهرست احمد آتش ش ۵۸۵ و ۵۸۸ و ۵۹۱ و ۵۹۲) .

۱۰ ــ بادلیان ش ۸۹۴/۳۴ مورخ ۹۴۱ .

۱۱ ــ بادلیان ش ۸۹۵/۳۴ مورخ ۹۶۳ .

۱۲ ــ بادلیان ش ۸۹۶/۲۱ مورخ ۹۷۹ .

۱۳ ــ بانکیپور ۲ : ۵۰ش XIX مورخ ۱۰۱۷ دربرخی ازرساله‌ها، این شماره مجلد یکم‌است ومجلد دوم‌آن که شمارهٔ ۱۸۱ است دربرخی ازرساله‌ها مورخ

۹۷۰ است، دراین دومجلد کلیات جامی است.

۱۴ ـ کتابخانهٔ سلطنتی نوشتهٔ از روی اصل با تاریخ تألیف ۱ رجب ۸۹۰ که آقای ملاح در شرح خود در قسم دوم از آن بهره برده است و نشان آن پای صفحات در مجلهٔ موسیقی (نسخهٔ ت) است (ص ۴۷ ش ۱۰۷) در فهرست کتابخانه (ص ۲۸۱ ش ۲۲۸) ازآن یاد شده و تاریخ تحریر از ۸۹۸ تا ۹۰۲ است.

۱۵ ـ ایا صوفیا ش ۴۲۰۶.

۱۶ ـ دامادا ابراهیم ش ۴ ـ ۷۵۳.

(بنوشتهٔ آقای ملاح درمجلهٔ موسیقی درآغازشرح رسالهٔ موسیقی جامی).

۱۷ ـ وین N.F. 33 مورخ ۲ ع/۹۸۳ (فلوگل ۳ : ۵۴۳ ش۹/۲۰۱۰).

۱۶ ـ محمودبن عبدالعزیزبن عبدالقادرمراغی درگذشتهٔ ۹۱۸ بنام بایزید دوم (۸۸۶ ـ ۹۱۸) **مقاصدالادوار** ساخته دراصول و فروع وقواعد علم موسیقی با افزودن موسیقی چینی نیایش مراغی بنام سازچینی. دردانشمندان آذربایجان این رساله از نورالدین عبدالرحمن پسر مراغی که جامع‌الالحان بنام اوست در ۸۱۶ دانسته شده است.

آغاز: الحمدلمن جعل الارواح مایلة بطبیب الاصوات وزینها بحسن الالحان والنغمات.

قاهره ۲ ف ج درسی برگ ۱۷ س (طرازی ۲ : ۱۳۶).

مدینه ش ۲۲ عارف حکمت بنام رساله در موسیقی در دوازده برگ (نشریه ۵ : ۴۹۴).

نورعثمانی ۳۶۴۹ (دیباچهٔ مقاصدالالحان ص ۳۸).

۱۷ ـ داودبن محمد عودی که در منشاءالانشاء نظامی از تحفهٔ ادوار او و شطرنج‌دوستی شطرنجی یاد شده‌است (مجلهٔ وحید ۷۱ : ۱۰۰۹).

۱۸ ـ علی رویانی توضیح‌الالحان دارد در یك مقدمه و چهار اصل و خاتمه که به نام شاه‌محمود بهمنی (۸۸۷ ـ ۹۲۳) پانصد سال پس از مرگ فارابی ساخته است (هنرومردم ۴۹ : ۵۸) شاید همان **نزهةالانام فی تعریف کل وزن و مقام** او که مأخذ فارسی الدرالنقی مسلم موصلی است، نام مؤلف را «روایانی، ریبانی، روبانی، رویانی» نوشته‌اند. موصلی دراین کتاب (ص ۱۴ و۱۷ و۲۷) رویانی را استادصفی‌الدین ارموی خوانده است.

دربرهان‌المآثر علی‌بن عزیزالله طباطبائی (ص ۱۱۷ و ۱۳۴ چاپ ۱۳۵۵ دهلی) از محمود بهمنی گفتگو شده است.

---

۱۶ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۲۵۴ ـ EI ۴ ـ ۵ ـ هنرومردم ۹۵ : ۴۷.

۱۹ ــ کاشف‌الدین محمد یزدی رسالهٔ موسیقی دارد . در جامع مفیدی از او به جالینوس‌الزمانی بقراط الدورانی حکیم کاشفا محمداوملا کاشف‌الدین محمد یاد شده است (۳ : ۴۸۸ ــ ۴۹۱ ــ ۵۰۳) .

نامش ابوالمحامد کاشف‌الدین محمد پسر ابوالانوار سالك‌الدین محمد (۸۴۷ ــ ۹۱۵) پسر ابوالمعارف مولی نجم‌الدین محمد یزدی (۸۱۸ ــ ۸۸۵) است واز خاندان سعدالدین محمد حموئی بحرآبادی جوینی ودر ۹۱۰ درگذشته است و جز کاشف‌الدین یزدی اُردکانی باید باشد و پدرش مؤلف مجمع‌النفایس و حجلة‌العرایس (ش ۱۹۷ دهخدا و ۳۶۰ سنا) است شاید هم این رساله از همان کاشف‌الدین محمد یزدی اردکانی باشد .

(نشریه ۳ : ۱۰ و ۶ : ۵۶۰ ــ المشیخة ۲۱۴۳ دانشگاه) .

لنینگراد مجموعهٔ C. 692 (فهرست عمومی ص ۲۸۳ و ۵۱۱) شمارهٔ ۱ گ ۱ ــ ۳ .

این یکی گویا همان انیس‌الارواح میرزا ابراهیم پسرکاشف‌الدین باشد که پس ازاین خواهیم دید .

۲۰ ــ نجم‌الدین کوکبی بخاری موسیقی‌دان زندهٔ در ۹۲۸ (ذریعه ۱ : ۹۲۶ ــ فرهنگ سخنوران ص ۴۹۳) مؤلف نادره در معما بنام عبدالله خان در ۹۱۵ (دانشگاه ۳۹۰۸/۶) **سلطانیه** دارد که در مقام پنجم آن از الشرفیة صفی‌الدین عبدالمؤمن و نفایس‌الفنون محمدبن محمود آملی یاد شده‌است .

کوکبی آنرا در دوازده مقام و یك خاتمه بنام خسروغازی عبیدالله‌خان به‌نثر فارسی ساخته است درآن آمده‌است (نسخهٔ مجلس) :

خسروغازی عبیدالله‌خان ،

از جور سپهر کوکبی جست پناه   بنوشت صفیحه‌ای پر از ناله وآه

(راهنمای کتاب ۲ : ۸ و ۷ ص ۴۶۸) .

فهرست دوازده مقام :

۱ ــ در شرف علم موسیقی .

۲ ــ در بیان معنی موسیقی و نغمتین (دربیان موسیقی و تعیین موضوع او) .

۳ ــ در تعریف نغمه .

٤ ــ درتعریف بعد وجنس وجمع وملایمت ومنافرت آن .

٥ ــ دربیان پرده‌های اصل .

٦ ــ درسبب آوازها وشعبات .

۷ ــ دربیان مرکبات .

۸ ــ درتعریف نقره

۹ ــ درتعریف ایقاع .

۱۰ ــ دروارد ..ن‌النغم (؟) به قدرت وی میسر است (ادوارالضروب)

۱۱ ــ درتقسیم تصنیف اضافی که به حسب اجزاء ازهم ممتازند .

۱۲ ــ در اقسامی‌که به حسب اصول از هم ممتازند .

خاتمه در رعایت حالات و تعیین اوقات و تأثیر نغمات .

آغاز : حمد بی‌حد وثنای بی‌عد حکیم کارسازی را که سازگار عشاق به نوای نای اوست . . .

اما بعد این چند سطریست مشتمل بر معرفت اجزاء و ارکان تصنیف و احوال و عوارض آن مرتب در دوازده مقام وخاتمه .

انجام نسخهٔ سپهسالار: واوج نیزهمین تأثیردارد وهوالمؤثر والیه‌المصبر.

انجام نسخهٔ مجلس که مقام نخستین و پاره‌ای از مقام دوم را دارد : از حقیقت ملایمه و منافر چنانکه مذکور شد .

درهامش این نسخه هفده بیت است در موسیقی بدینگونه :

ای برادر یك دوگاهی ساز کن　　　از حسینی پستیی آغاز کن

. . . .

راست خواندن دربلندی مشکل‌است　　　پنجگاهی گر بخوانی حاصل است

* سپهسالار ۲۹۳۱/۴۲ (۵ : ۶۸۸) .
* تاشکند ٤ ــ ۷۲۳ (۱ : ۳۱۷) .
* مجلس (۲۷۳۹/۲ در ۳ ص ۹ : ۸۷) .
* لنینگراد B 2257 فهرست عمومی ص ۲۸۳ بنام مقامات‌العلیة) .

همچنین نظم **کوکبی** دربارهٔ دوازده مقام ، از کوکبی موسیقی‌دان نامور بخارا در سدهٔ ۱۰ (۲۱۶) همانکه از دو رسالهٔ او درفهرست تاشکند (۱ : ۳۱۷ س ٤ ــ ۷۲۳) یاد شده است .

* تاشکند ۹۲٦٤/۲ (۸ : ۲۱۵ س ۵۷۹۳) به‌نسخ خوش بخارایی گویا از سدهٔ ۱۱ در ۱ ص .

رسالهٔ در موسیقی نامبوب دیگری که آنهم گویا از روی رسالهٔ کوکبی بنگارش درآمده است .

آغاز : فصل دربیان دانستن‌علم موسیقی ومقامات وشعبه بدانکه ارشدك‌الله تعالی که هیچ علمــی به موسیقی نمیرسد چنانکه حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند هرکه این علم را سیرکند تمام علمهارا آموخته باشد .

دانش پژوه - محمد تقی

نمونه ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی واسلامی
در غناء و موسیقی

تالیف: محمد تقی دانش پژوه.
انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. ۱۳۵۵،
تعداد صفحات، ۲۳۸.
فهرست: ۱. خنیاگران حجاز و شام و بغداد و ایران شهر (مردان، زنان)
۲- خنیاگرانی که در دربار خلفاء رفت و آمد داشته اند.

مزار جلگزی و یوسف ثانی و ماه سمنانی و ساقی و باقی عراقی در مجلس آراستهٔ چهارباغ پرزه نیم‌فرسخی هرات از آن امیر علی‌شیر نوائی گرد آمده بودند و خواجه مجدالدین محمد و مولانا عبدالواسع منشی هم درآنجا بوده‌اند (۵۲۳) .

۴۲ — فضولی شاعر درگذشتهٔ ۹۷۱ را ساقی‌نامه‌ایست بنام هفت جام در ۳۲۷ بیت در هفت‌جام که درهرجامی از یکی از افزارهای موسیقی یادکرده است. (ذریعه ۹ : ۸۳۸ و ۱۲ : ۱۱۲ و ۱۹ : ۳۴۰ — نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ۱ : ۲۹ — مجلهٔ ادبیات تهران ۶ — ٦٥ : ١٦٤) .

۴۳ — سراینده‌ای بنام طرب یا نسیم یا نسیمی، نسیم‌طرب ساخته‌است‌گویا بنام پادشاهی « مظفر محمود » ازروی درةالتاج وآثار ارموی و عبدالقادرمراغی (۷۵٤ — ۸۳۹) مانند ادوار ارموی و رسالهٔ زوایدالفواید مراغی که بدانها اشاره‌ای دارد وگویا درسدهٔ ۱۰ ساخته باشد.

نام کتاب بگواهی‌متن درفائدهٔ سوم «نسیم طرب» می‌باشد اگرچه درعنوان همین فایده «نسیمی» آمده است .

باید در چهل فایده و بیست مطلب باشد ولی درنسخه ۳۹ فایده و۱۹مطلب دیده میشود و عنوانهای برخی از مطلبها و فایده‌ها درآن یاد نشده چنانکه خواهیم دید :

فایدهٔ اول — در بیان الفاظ واحادیث اربعه که در شأن تغنی وارد شده قال رسول‌الله ص ما اذن‌الله لنبی ما اذن یتغنی بالقرآن وقال ص لیس منا من لم یتغن بالقرآن ، متفق علیه . وقال : زینوا القرآن باصواتکم فان‌الصوت الحسن یزیدالقرآن حسنا رواه احمد والدارمی.[1]

فایدهٔ دوم در بیان معانی احادیث اربعه و آنکه متعلق است بآن درشأن تغنی .

حدیث اول

حدیثی کنون گوش کن از نبی	که نبود بطبع سلیم اجنبی
خدا گوش را می‌ندارد گنهی	بچیزی مگر صوت پیغمبری
چو پیغمبری کو تغنی کند	به قرآن و معنی حدیث این‌بود

۱ — سه حدیث پیش دراینجا یاد شده است .

درهامش آمده : بعضی از اینها افتراء است بر پیغمبر ص و بعضی ماول و اما آنچه افتراء است حدیث اول است که لازم دارد جسمیت (دراحیاء ۲ : ۲٦٨ و ومحجة ۱ : ۳٦۱ مانند این حدیث هست : لله اشد اذناللرجل الحسن‌الصوت بالقرآن من صاحب‌القینةالی‌قینة ، ما اذن‌الله لشئی اذنه لحسن‌الصوت بالقرآن ، مابعث‌الله نبیاالاحسن‌الصوت ، لیس‌منامن لم‌یتغن بالقرآن) .

دربیان معنی حدیث دوم

دگر یك حدیثی به حسن نغم — بـدان از رسول جمیل‌الشیم
هر آنگونه قرآن تغنی کنـد — نباشد زما وین حدیث است فرد

دربیان کیفیت تغنی

ولی آن تغنی که بد مستحب — نه چون قصه خوانی معدی‌کرب
چو دیگر حدیث ازرسول امین — بود امر جمعی درو این چنین
که در آخرالعهد قومی شوند — تغنی به ترجیح قرآن کنند
بود لحن فاحش بهرجا قبیح — به تخصیص قرآن به قول صریح
تغنی به معنی دگر حمل کرد — یکی از رفیقان برین قول فرد
ولـی از ره معرفت شافعی — جوابـی ازاین گفته گر قانعی
ز نغمه تغنی بیایـد فقط — تغنی از استغنی‌اش شد غلط
ز معنی ظاهر به تأویل کس — نرفت‌است معنی همین است وبس

بیان حدیث سوم

حدیث دگر از رسول خـدا — به تزیین اصوات باشد خـدا
به آواز قرآن مزیـن کند — که از پرتو او به دولت رسد

بیان معنی حدیث چهارم

به‌تحسین اصوات و امر درآن — حـدیث صحیح آورم در بیان
بآواز خوش این حدیث آورم — . . . .
به وصف نغم بر حدیثی که بود — به اوضح بیانـی ترجم نمود
مزین شد اکنون به اینها کتاب — گلی شد به‌صورت به‌معنی گلاب

مطلب اول در بیان نوشتن این رساله واحوال جامع او .

درآن آمده که از اهل ادوار خراسان پرسیده بودم که علم ترکیب نغم چیست و او نمیدانست ومن خود گفته بودم که چگونه است . سپس میگویدکه من **درةالتاج علامه قطب شیرازی** را نزد استاد خوانده بودم تا اینکه میگوید :

ز روی عمل نـزد استادکار — گـرفتم از او کار بالای کار
کنون ازعمل آرم ازصد یکی — که کس را نباشد در آنها شکی
دوگل از گلستان فضل و کمال — کـه باشند هریك عدیم‌المثال
صفی‌الانام آنکه او **مؤمن** است — دگر **عبد قادر** گران معدن است

فایدهٔ سوم دربیان وجه تسمیهٔ این رساله به (نسیمی)

نیست طربناك از هر مقام — وزید و بیاورد از آنجا پیام
که نام رسالـه ز نامم بدان — (نسیم طرب) نام این شد روان
. . . . — . . . .

فایدۀ بیست‌وچهارم ـ در بیان کیفیت دور اساس بروجه تفصیل در بیان کلام منشور .

مطلب دوازدهم ـ دربیان کیفیت‌نقارات دورفتح یکی‌ضرب‌الفتح ودیگری بروجه تفصیل .

فایدۀ بیست‌وپنجم ـ در بیان کیفیت نقرات چهارضرب بروجه تفصیل .

فایدۀ بیست‌وششم ـ دربیان کیفیت نقرات دورتقلیلی بروجه تفصیل .

مطلب سیزدهم ـ دربیان کیفیت نقرات دورخفیف بروجه تفصیل .

فایدۀ بیست‌وهفتم ـ دربیان کیفیت نقرات دور مخمس بروجه تفصیل .

فایدۀ بیست‌وهشتم ـ دربیان کیفیت نقرات دوربشارت کبیرمرقوم به‌یازده فصل میشود .

مطلب چهاردهم ـ دربیان کیفیت نقارات دوربشارات‌صغری مرقوم به‌شش فصل میشود .

فایدۀ بیست‌ونهم ـ دربیان‌نقارات دور جواجك یعنی‌دقاق بروجه تفصیل.

فایدۀ سی‌ام ـ دربیان کیفیت نقرات دور اواسط مرقوم به چهار فصل میشود .

مطلب پانزدهم ـ دربیان کیفیت نقرات دوردرافشان به‌چهارفصل میشود .

فایدۀ سی‌ویکم ـ دربیان کیفیت نقرات دور شاهنامه .

فایدۀ سی‌ودوم ـ دربیان کیفیت نقرات دورترکی .

مطلب شانزدهم ـ دربیان کیفیت نقرات دور رملی .

فایدۀ سی‌وسوم ـ در بیان کیفیت نقرات دور هزج و آن مرقوم است به‌سه فصل .

[مطلب هفدهم] ـ در بیان کیفیت نقرات دور وافر مرقوم به دو فصل میشود .

فایدۀ سی‌وششم ـ دربیان کیفیت نقرات دور مجمل که به نه‌فصل میشود.

مطلب هژدهم ـ دربیان کیفیت نقرات دور نیم ثقیل به‌چهارفصل .

دیگر نقرات دورحجاری مرقوم به‌چهار فصل میشود .

فایدۀ سی‌دهفتم ـ در بیان کیفیت نقرات دور اصول عمل مرقوم به‌هفت فصل میشود .

فایدۀ سی‌وهشتم ـ دربیان کیفیت نقرات دور ضربی به‌چهارفصل میشود.

مطلب نوزدهم ـ دربیان کیفیت نقرات دور سلطان ودور ارغشتك مرقوم به‌چهارفصل میشود .

فایدۀ سی‌ونهم ـ دربیان کیفیت‌نقرات دور روان‌کبیر به‌چهارفصل‌وصفیر

به‌سه‌فصل ودورالفرح کبیر به‌چهارفصل وصفیر به‌چهارفصل .

فایدهٔ چهلم ــ دربیان‌کیفیت‌نقرات دورخفیف صریح ضربی مرقوم به‌شش فصل .

آغاز : بسمله .

بنام خداوند هر انس و جان
به نطق‌آور هر زبان در دهان

درآرندهٔ هر نفس در درون
که دل را طراوت دهد از برون

همان دم ز معنی بر آرد نفس
بجنبش‌درآرد زبان چون جرس

. . . .

به مدح کسی کو ولیش بود
همه انس و جان از ازل تا ابد

علیه الصلوة و علیه السلام
و برآل و احباب او بالتمام

بـه تخصیص ظل الله کریـم
که یعنی سر خاندان قدیم

جنابی که باشد **مظفر** یقین
بر ابناء دولت بر ابناء دین

صفاتش چو **محمود** باشد تمام
چگویم به وصفش نمایم کدام

زعدلش مزین بود ملك خویش
زحلمش بهم‌میچرد گرگ ومیش

زبانم به مدحش چو باشد هزار
به نتوان ندارد یك از صدهزار

. . . .

کنون‌گوید احوال خود شمه‌ای
که باشد شود درسخن رخنه‌ای

در ادوار نظمی که وافی بود
نمایم به وجهی که کافی بود

نوشتم من اینرا به بیت الحرام
بـرای ندیمـان عالیمقـام

بدستم جز این تحفه نبود دگر
وگرهست لایق بس‌است این‌قدر

چو ناید ز دستم مگر این دعا
که وردم بود هرصباح و مسا

که یارب به حق کلام مجید
به جاه محمد رسول حمید

که ظل ظلیلش مؤید بدار
مرادات هر دو جهانش برآر

مرادم بود از شه خاندان
که بخشد برین بندهٔ ناتوان

به‌وجهی که یابد خلاصی ز دین
چودینی‌که باشد برو فرض عین

در امر تغنـی نمایم بیان
حدیثی که باشد مؤید بر آن

چهار از حدیث نبی لفظ آن
بیارم عیان بعد از آن ترجمان

انجام : در بیان کیفیت نقارات دور خفیف صریح ضربی بدانکه نقرات دور صریح مرقوم به شش فصل میشود باین ترتیب اول یك سبب خفیف . . با یك رقوم تن‌تنن ــ تنن‌تن

درآندم که ماند یکی از نفس
نباشد مرا جز تو فریادرس

به فضل‌خود آری نظر سوی من
مرادم برآری به وجه حسن

حمد وستایش بی‌قیاس پادشاهی را که بساط اهل نشاط درنافهٔ (مأمن حظ وحضور ومهد عیش ارباب عشرت را درمقام سکن وسرور انداخت.

اما بعد چون سرگشتهٔ هر وادی ساکن کوی نامرادی **دورهٔ سفره‌چی** میخواست که آنچه به‌قدر وسع خود درفن موسیقی از اقوال حکماء گرفته به عمل آورده بود تحریر کند وسه اصل (فصل) بنا نهاد :

اول دربیان دوازده مقام .

دوم درشعبات .

سوم درآوازه .

انجام :

تا بلبل‌جان نغمه‌سرا خواهد بود	تا مطلب عشاق نوا خواهد بود
بی‌زمزمهٔ عشق نخواهم بودن	تا قوت دم‌زدن مرا خواهد بود

۲۶ ــ عبدالمؤمن‌بن صفی‌الدین گرگانی بهجةالروح وقوت‌الارواح دارد دریك مقدمه وده‌باب باابیاتی درموسیقی که برخی را برای فرزند خود **ضیاءالدین محمد یوسف** سروده است (ص۷۳) . درخاتمهٔ آن (۷۸) از **سعدالدین یحیی‌آبادی** و **شمس‌الدین کازرونی** و **کمال‌الدین کازرونی** و **شیخ‌محمدشانگی** و **میرفخرالدین** و **اسحاق موصلی** و **سیدحسین اخلاطی** و **ضیاءالدین محمد یوسف فرزند خود** (ص ۷۳) و**ابن‌سینا** و **ابن‌طائی** و**محمد امین‌طاوس** و**فخرالدین طاوس هروی** (مروی) و **شیخ نجم‌الدین** مؤلف **فصوص روحانی** یاد شده است .

این رساله را بنیاد فرهنگ در ۱۳۴۶ خ چاپ‌کرده است .

من وصف‌آنرا درفهرست دانشگاه (٤ ــ ۸٤۰) آوردم ونسخه‌های‌دیگری میشناسم مانند مجلس (۹ ــ ۱۳۸۱ و ۱۳ ــ ۲۹۲) و سپهسالار (۲۶۱/۳ مورخ ۱۰٤۶) و ملك (ش ۶۱۹۳/۱۱ مورخ ۱۲۷۹ و ۸۳۳/۱ مورخ و ۱۲۷۹ و ش ٤۹٤/۵ فهرست مجموعه‌ها ص ٤۵ ــ فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۷۸۱) و سنا (۲۲٤۲/۲ ــ نشریه ۲۳۶/۱) و بادلیان ش۱۸٤۱ نوشتهٔ قایم‌بن نظرعلی یزدی در اصفهان درکوی‌احمدآباد پایان ذح ۱۰۳۶ وکمبریج (فهرست نیکولسون ص۲۰۳) و دانشگاه ش ۵۸۶۹/۱ و دانشگاه استکهلم ش ۲ مجموعهٔ مورخ ۱۰۹۱ (نشریه ۵ ــ ۷۱٤) .

چنین است فهرست آن :

مقدمه با دیباچه .

۱ ــ دربیان مبداء این علم .

۲ ــ از اقاویل بعضی از حکماء دراین علم .

۳ ــ درنسبت این علم به‌وجود انسان .

٤ ـ نسبت این علم به‌کواکب سبعه.
٥ ـ دربیان بحوراصل وحرکات هریك.
٦ ـ دربیان علم ادوار موسیقی به‌نظم، فصل دربحور اصول به‌نظم.
٧ ـ درترکیب پرده به‌حسب مسیرعطارد وقمر وزهره.
٨ ـ دربیان آنکه درمجالس مناسب هرکسی چه نغمه باید.
٩ ـ دربیان آنکه برپرده وهرنغمه وهرمقامی چند بانگ باید.
١٠ـ سلوك صاحب این علم با خواص وعوام.
١١ـ خاتمه‌درآنکه‌هرمقامی ازچه‌استخراج کرده‌اند ودرنسبت‌ها به‌کواکب وعناصر وفصول اربعه.

٣٧ ـ حسین عقیلی رستمداری در ریاض‌الابرارکه به نام شاه تهماسب در سال ٩٧٩ ساخته است (مجلهٔ ادبیات مشهد ٧ : ٤ ص ٩٩٢) ازموسیقی سخن داشته است (مجلهٔ وحید ٩٢ : ٧٤٣ ـ نامهٔ‌آستان‌قدس شمارهٔ مخصوص‌جشنهای‌شاهنشاهی ص ١٩٨).

٣٨ ـ درویش‌علی چنگی خاقانی را رسالهٔ موسیقی است. ونسبت وی چنین است: درویش‌علی‌بن میرزاعلی‌بن عبدالعلی‌بن محمدمؤمن قانونی‌ابن خواجه عبدالله‌بن خواجه‌محمد مروارید.

درآن‌تاریخ موسیقی‌دانان ایرانی مانند **حسین کوکبی** آمده است.

نسخه‌ای ازآن را درنمایشگاه تاشکند دیده‌ام.

درذریعه (٩ ـ ٣٢٣) از **درویش‌علی‌طبیب** پسر پدری شمّاع گویا ازسدهٔ ٩ و ١٠ و درخوشنویسان بیانی (ص٤٥٥) از **درویش‌علی** خوشنویس زندهٔ درمحرم ٨٦٩ یاد شده است، مؤلف ما نباید هیچیك از ایندو باشد.

* لنینگراد D. 403 (فهرست عمومی ص٢٨٣).

* تاشکند ش٤٤٩ و ٤٦٨/١ (فهرست سمنوف ١ : ٣١٨ ش ٦ ـ ٧٢٥).

٣٩ ـ محمد مؤمن‌بن ابی‌المحسن حسینی منشی گونابادی زندهٔ در ٩٩٨ مؤلف **خلاصة‌اللغات** در١٠٠٦ (نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ـ ٦٢٤ و ٦٦١) **تذکرة‌النغم** داردکه درآن یك مقدمه وچهار فصل و یك خاتمه چنانکه در دیباچه آمده‌گذارده است اگرچه درمتن آن شش فصل بی‌شماره آمده است بدینگونه:

١ ـ فصل دروجه‌تسمیهٔ موسیقی.
٢ ـ فصل درباب دانستن مقام.
٣ ـ فصل درشعبه.
٤ ـ فصل درآوازه.
٥ ـ فصل دربحراصول.

چند به‌عمل در موسیقی که بفرمان گوهرخوشاب درج سلطنت وشهریاری نورحدیقهٔ شاهنشاهی تألیف یافته وبنابراین مختصر به‌مقدمه است ودرپنج فصل وخاتمه .

مقدمه درپیداکردن علم موسیقی وتعریف‌نغمه وایقاع وذکراسامی‌جمعی‌که باین فن مشغول گردیده‌اند (کسانی‌که مربوط این‌فن بوده‌اند) .

فصل اول درذکر بعضی حالات مقدمها واسامی‌آن .

فصل ثانی دربیان آوازها وآن شش‌است .

فصل سیم دراسامی بیست وچهارشعبه وذکربرخاستن هردوازآنها ازروی یك مقام .

فصل چهارم در خواص هرکدام و زیادتی آن که چند مخصوص دارد و برکدام است .

فصل پنجم درذکراصولهاکه درکتب موسیقی بنام ایقاع مذکورمیشود .

انجام :

ازعمر وجان سلطنت تا ظهور صاحب‌الامر ... بهره‌مندگرداناد. والسلام. ودایره‌ای‌که موصوف باین‌سازهست‌اینست‌که نمودیم وقدرعلم بدانندکه چقدربایست بکاربرد والله اعلم .

آغاز نسخهٔ ملك : بعد این مختصریست درعلم موسیقی و مبنی‌است بر یك مقدمه وپنج فصل ویك خاتمه .

انجام نسخهٔ ملك : و حقیر شصت سال ریاضت کشید تا اینها را دانسته وبیان نمود .

* بادلیان ش ۸ وینفیلد ش ۲۸۲۷/۲ (فهرست فیلمها ۱ ــ ۵۷۰ ش ۱۱۵۰) .

در پایان آن آمده که تصنیف میرصدرالدین محمد است . ومورخ ۱۰۰۸/۱٤٦ وبنام سلطان حسین‌میرزا. پس‌ازین‌فهرست دوازده مقام‌است وبیست‌و چهار شعبه به‌نظم فارسی در دوبند ، دومی بروش معما در نیم صفحه . درفهرست بستون (۳ــ۸۲) گمان برده شده که این رساله از صدرالدین محمد دشتکی است و بنام سلطان حسین بایقرا درست باشد .

* سنا ش ۲۲٤۲/۳ (نشریه ۲ : ۲۳٦ ــ فهرست فیلمها ص ٦۲۸ ش ۱۲۸۰) که درآغاز آن (نه دیباچه) به میرصدرالدین‌محمد نسبت داده شده است .

* ملك ش ٤۹٤/٦ (فهرست مجموعه‌ها ص ٤٦ ــ فیلم ش ۳۰۱۱ دانشگاه ص ۱۷۱ فهرست) با قمارنامهٔ محمد امین میرزا .

۳۱ ــ میرزا محمدجان‌بن‌فخرالدین محمد که بدرخواست **کوکلتاش‌خان** **تحفةالهند** خودرا در موسیقی هندی و هنرهای زیبای دیگر وقیافه‌شناسی و جز اینها برای آموختن **محمد معزالدین جهاندارشاه** پسر **اورنگ** زیب گویا بسال ۱۰۷۱ یا ۱۰۷۶ ودر یك مقدمه و هفت‌باب ساخته است .

مقدمه دربیان مصطلحات حروف تهجیهٔ هندیه و علم خط و ذکر اشکال حروف مذکوره از مفردات و مرکبات و بعضی قواعد کلیه بهاکها Bhâsâ مشتمل بر چهار فصل است .

باب یك در علم پنگال Pingala یعنی علم عروض اهل هند مشتمل بر سه فصل .

باب ۲ در علم تك Tuk یعنی علم قوافی اهل هند مشتمل بر دو فصل .

باب ۳ در علم النکار Alankâra یعنی علم بدیع و بیان اهل هند مشتمل بر دو فصل است .

باب ٤ در علم سرنگارس Sringârasa یعنی عاشقی و معشوقی، در بیان احوال عاشق ومعشوق مشتمل بردوفصل .

باب ٥ ــ در علم سنگیت Sangita یعنی علم موسیقی اهل هند و غیره مشتمل بر ده فصل .

باب ٦ ــ درعلم کوك Kok یعنی معرفت اقسام زن ومرد و صحبت داشتن و مباشرت کردن با زنان برپنج فصل .

باب ۷ در علم سامدریك Samudrika یعنی علم قیافه که علامات خیر وشر در انسان در آن معلوم شود مشتمل بردو فصل .

خاتمه در ذکر لغات و مصطلحات وکنایات اهل هند به ترتیب تهجی که حرف نخستین باب و حرف دوم فصل است .

آغاز : الحمدلله . . . اما بعد چنین گوید مست بادهٔ هذیان بی‌حد **میرزا محمد** .

انجام : اینها به رای مفتوحه و نون منونه و بای موحده تقلید ممدوده و آن زنی بود جمیله وهم‌اشو به‌فتح همزه .

* بادلیان ش ۱۷٦۳ .
* برلین ۱/۳٤ و ۱۰۷۳ و ۱۰۷٤ و ۱۰۷٥ ص ۳۸ و ۸۳ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۰ فهرست پرچ .
* دیوان هند ش ۲۰۱۱ مورخ ۱۱۹٤ و ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ و ۲۰۱٤ .
* کالج شاهی کیمبریج ش ۲۱۷ .

۳۲ ــ حسن‌بن خواجه طاهربن خواجه محمد قاضی پرگنه آنتور سرکار دولت‌آباد صوبهٔ شاه‌اورنگ‌آباد که درزمان **اورنگ‌زیب** به‌سال ۱۰۷٤ **مصباح‌السرور** با **مفتاح‌السرور** در چهارباب درموسیقی ساخته است .

۱ ــ دربنیاد راگ Raga دانستن و آواز و ساز و سرود ومورچهنا Murcchana و سرت Sruti وگرام Grama وغیره .

۲ ــ دانستن راك وزنان و پسران وابراك Upraca وصورت وپوشاك و وقت و غیره .

۳ــ دانستن‌سده سیکرن یا سنکیزن Sudda Sarnga وسالنگ Saranag و غیر .

٤ ــ بنیاد پکهارج ودانستن‌ساز ووقت وترتیب رقص وغیره .

چنین است نام برخی از بخشهان آن .

۱ ــ سنگیت رتناکر Sangita Ratnakara

۲ ــ روپ رتناکر Rupa Ratnakara

۳ ــ سنگیت بکرند Sangita Vakaranda

٤ ــ بهرت سنگیت Bharata Singita

آغاز : سپاس بی‌حد وستایش بی‌عد مرخالقی را سزد که نغمه‌پردازان قدرت .

* بنگال ایوانف ۱ : ۷۵۳ ش ۱۶۲۹ .
* برلین ش ۳٤/۲ ص ۸٤ فهرست پرچ .

۳۳ ــ راگ‌درپن Raga Darpan (یا آئینهٔ راگها) درموسیقی هندی است به زبـان سنسکریت و نام دیگر آن راگ وی‌بودهه Raga Vibodha یا « پوتهی » است . اصل و متن آن‌را کـه « مانکتوهل » (Muncuttuhul) هم خوانده میشود «اگرنتهٔ» هندی بدستور «مان سینگه» (Man Singh) راجـهٔ گوالیار شناخته است و نایك‌بهنور و نایك‌بخشو و نایك‌پندوی که از سرزمین تلنگ برای غسل و شست‌وشوی کورکهیت آمده بود ومحمود ولوهنگ باوکمك کرده وازکتابهای (بهرت سنگیت) و (سنگیت رپن) و (رتن آگر) هم درنگارش این دفتر بهره برده بودند .

فقیرالله فقیر سیف‌خان آن‌را بسال ۱۰۷۳ بدست‌آورده ودر۱۰۷۶ازهندی به فارسی برگردانده وده باب در آن گذارده است .

۱ ــ در سبب تألیف .

۲ ــ دردانستن راگها .

۳ ــ در تعیین هرموسم که درآن موسم کدام راگ و راگنی خوانند

وحرفهایی که منع کرده‌اندکه در اول تصنیف نیاید .
٤ ـ در دانستن (سُر) ها و تصانیف‌هایی که درنغمه میبندند .
٥ ـ در دانستن سازها ونایك ونایکه وسکهی .
٦ ـ در دانستن عیوب گوینده .
٧ ـ درشناختن آوازها و رویت حنجره‌ها .
٨ ـ دردانستن استاد کامل .
٩ ـ در دانستن برنده وفایدهٔ برنده نمودن .
١٠ ـ دربیان گوینده‌ها و سازنده‌ها که در زمان ما بودند وهستند .

آغاز : حمد وسپاس بی‌قیاس مر آفریدگار را که ازحمد وسپاس بیرون است ونعمت ومحمدت برپیغمبری را شاید . . .

انجام : والسلام علی من‌اتبع‌الهدی در ١٠٧٦ وقتیکه از پیشگاه خلافت به خدمت صوبه‌دار کشمیر جنت‌نظیر قیام داشت صورت اتمام یافت به عنایت بی‌غایت جل واعلی .

* بادلیان ١٨٤٧ مورخ ١٢٠٠ .
* بهار هند ٢٣٥/٢ (١ : ١٨٦) .
* دانشگاه تهران ٨٠١٨ از سدهٔ ١٣ و ١٤ .
* دیوان هند ٢٠١٧ مورخ ج ١١٩٦/٢ .

(نیز فهرست فارسی وعربی دیوان هند از دنیس‌راس چاپ ١٩٠٢ ش ٧١) .

٣٤ ـ غلام رضابن محمدپناه که اصول النغمات‌الاصفیة برای وزیر آصف درموسیقی هندی ساخته ودربارهٔ او درآن آمده است .

به آصف لقب آن سلیمان سریر به‌معنی‌است شاه‌وبه‌صورت وزیر

درشش اصول هریك در چند فصل با فهرست آنها در آغاز .

آغاز : نحمد و نصلی ونسلم وجدانگیر ترنمی که نور آن سینه‌ریشان محبت را به تملك خواباند .

* بهار هند ش ٢٣٥/١ (١ : ١٨٦ فهرست و ٢٣٦/٣ (= ١٨٧) .
* دیوان هند ش ٢٠٢٣ دارای نخستین فصل آن .

٣٥ ـ ترجمهٔ «پری‌جتکا» Parijátaka یا پارجاتك ازمیرزاروشن‌ضمیر که بفارسی درزمان **اورنگ زیب عالم‌گیر** ساخته است .

اصل در رقص وموسیقی هندی به‌زبان سنسکریت .

(یادداشت آقای شهریار نقوی ـ فهرست فارسی و عربی دیوان هند از دنیس‌راس چاپ ١٩٠٢ ش ٧٢) .

آغاز : سرداثر آمو دواثر سرود نمود زمزمهٔ حمد.

* دیوان هند ش ۲۰۰۹ .

۳۶ ــ میرزا ابراهیم کاشف‌الدین محمد یزدی انیس‌الارواح دارد بنام **شاه‌عباس صفوی** در یك مطلع و سه مقصد و یك خاتمه با آوردن اصطلاحات موسیقی در دیباچه بروش براعت واستهلال .

دونسخه از آن دردست هست که تنها دیباچه است . آقای گلچین معانی آن را از روی نسخهٔ مجلس در مجلهٔ ادبیات مشهد س ٤ ش ٤ با شرح لغات آن با سفارشنامهٔ میر سیدشریف برای حافظ ادوار چاپ کرده است.

نسخهٔ منسوب به‌خود **کاشف‌الدین** درلنینگراد (C 692) شاید هم همین باشد .

* سپهسالار سفینهٔ شمـــارهٔ ۷٤۹۳ برگ ۱ پ ــ ۳٦ پ از سدهٔ ۱۱ (۳ = ۲۱۷) .

* مجلس ۲۹٥ نوشتهٔ محمدرضا در ۱۰۷۲ .

۳۷ ــ نظام‌الدین احمد گیلانی دکنی از درباریان **قطب‌شاه** و پزشك آنها ودرگذشتهٔ ۱۰۵۹ **شجره دانش** داردکه درآن یکصدودورساله بایدباشد، فهرست‌آنها از خود اوست . در دانشگاه تهران سیزده رساله اوست که گویا باین‌کتاب مربوط باشد (ش ۳۲۲۳) .

یکی‌از رساله‌های آن درعلم موسیقی وکیفیت اصل وفرع آن است .

* آصفیه ش ۳۹ مورخ ۱۰۵٥ تا پیش از ۱۰۵۹ (۲ = ٤۷۸) .

۳۸ ــ خواجه کلان خراسانی رسالهٔ موسیقی دارد در یك مقدمه وسه باب و یك خاتمه با یك صفحهٔ دایرهٔ موسیقی (دیباچه) .

دارای این عنوانها در نسخهٔ سپهسالار :

مقدمات در باب علم به ادوار موسیقی ووجه تسمیهٔ آن .

فصل دربیان مقدمات و شعبه .

فصل در تعداد شعبه .

فصل در تعداد آوازه .

فصل در مقدمات نغمات .

فصل دراصفهان .

فصل در راتب .

فصل در حجاز .

فصل درکوچك .

فصل در نغمات و نقرات .

فصل دراصول به‌حرف مرقعات ومحسنات .

باب در چند بیت .

مقام اندر عدد بیست‌آمد وچهار — دو شعبه هر مقامی داشت ناچار
حسینی کز مقامات است برتر — دو کار آمد قرینش یا محیّر.

فصل در اوقات .

آغاز : بسمله . حمدله . . . وبعد معروض ضمیر اعزه میگرداند بندهٔ حقیر فقیر کسیرالمشتهر به **خواجه کلانی خراسانی** که در اثنای تحصیل در حفظ کلام قیوم گاه گاه در ترنم جهت تحقیق آهنگها ودائره‌های اصولی و قواعد موسیقی اقدام میرفت تا قدری در ضبط وربط آمد . . . واین رساله مشتمل است بر مقدمه و سه‌باب و خاتمه .

انجام : وقت روشن‌شدن صبح (سپس یك دائره است) .

* دانشگاه ۷۴۹۹/٤ ص ٦۷ ــ ۷۹ .
* سپهسالار ۲۹۱۳/۷ ص ۳٦۰ ــ ۳٦۲ (۵ : ٦۸۸ فهرست) .

این نسخه تحریر دیگری است به نظم و نثر فارسی دارای یك مقدمه در ادوار موسیقی و سه باب .

۱ ــ بیان مقامات و تعریف آن با عنوان فصل سوم در تعداد آوازها .

۲ ــ مقدمات نغمات هریك و كیفیت حصول شعب و آوازها با دوفصل دربارهٔ نغمه‌ها .

۳ ــ در نغمه‌ها ونقرات وبحور اصول در دوفصل .

درآن از استادان فن یاد شده وآمده که هفت آهنگ تا زمان **شاه شیرویه** بوده است واستاد **سعدی** درهر فنی ازموسیقی مهارت داشته وپرده‌ها را به دوازده ومقامها را به دوازده برج رسانیده است تا نوبت به **شمس‌الدین محمد** و **کمال زمان** و **حسین** و **ابراهیم** و **اسحاق** رسید ایشان از هرپرده شعبه‌ای ساختند و به بیست‌وچهار رسید و استادان مشهور اینهایند : **خواجه صفی‌الدین عبدالمؤمن** و **استاد علی ستایی** و **استاد علی ربابی** و **استاد روح‌پرور** و **استاد حسین عودی** و **خواجه عبدالقاهر** تا میرسد به مؤلف (خواجه کلان) که در اثنای تحصیل علوم و حفظ کلام قیوم گاهی درترنم اقدام میرفت .

آغاز : مقام اندرعددهشت آمدوچار — دو نغمه هر مقامی راست ناچار
بزرگست‌ورهاوی‌اصل‌شهناز — شوم تا کـردمش من‌بعد دمساز

روایت است از حضرت موسی . . . با قوم خود به صحرائی رسیدند .

۳۹ ــ خواجه عبدالرحمن‌بن سیف‌الدین غزنوی (ذریعه ۹ ــ ۷۸۹)

رسالهٔ موسیقی دارد به‌نثر و نظم فارسی با شعرهایی از **سلطانیهٔ کوکبی** و گرفتهٔ

از تألیفات **عبدالقادر مراغی** .

درآن درنسخهٔ چاپ سنگی آمده‌است :

مولانا **کوکبی** همانا در **سلطانیه** آن شش آواز را این‌طور بهم درآورده است :

کبشت مایه و گردانیه چو برخوانی نواز پردهٔ نوروز سلمك و شهناز

این بیتها در **بهجةالروح** (ص ۴۳) هم آمده است . (راهنمای کتاب ۱۲ : ۷ و ۸ ص ۴۴۸) .

درنسخهٔ مجلس آمده است : اسامی دوازده مقام و بیست‌وچهار شعبه وشش آوازه حد وسط هردو مقام مناسب را آوازه نامند واسامی آنها باین ترتیب است : سلمك ــ اصفهان ــ زنگوله ــ گردانیه ــ عشاق ــ راست . . . . رهاوی ــ نوروز عرب ــ نوروز عجم .

بعضی حجاز را معتدل نامند . . . نظم :

چون شوی درعراق پرده‌گشای فاخته ضرب و ترك ضرب‌نمای

دویکست‌و دوچار و ضرب‌الفتح نیست قطعاً در آنچه گفتم قطع

و دورروان وفاختهٔ کبیر وشاهنامه ورمل طویل ازملحقات و از تألیف **خواجه عبدالقادر** است .

آغاز : نسخهٔ دانشگاه مختصریست دربیان دوازده‌مقام موسیقی و بیست‌و چهارشعبه و شش آوازه که دانسته شود واضع هرمقام و اسم او وتعلق بکدام برج از بروج دوازده‌گانه دارد ادای آن وچه وقت وبرای چه مرض مفید است ، به جهت حکمای ابدان واهل موسیقی با فایده است .

بسمله . چنین گوید **خواجه عبدالرحمن‌بن سیف‌الدین غزنوی** که در اول هفت مقام آواز بود . هرکدام متعلق به پیغمبری که در وقت خاص ادا میفرمود .

انجام : کین ایرج ، مهرانگیز .

آغاز چاپ سنگی : بسمله . چنین گوید **خواجه عبدالرحمن‌بن سیف‌الدین** غزنوی که علم موسیقی علم شریفی است دانستن آن برای اطباء وحکماء وفواید زیاد بخشیده آنچه ازکتب این‌علم مطالعه نموده‌ام مختصری بیان میشود .

آورده‌اند که فیثاغورس روزی به بازار آهنگران رسید ازکوفتن آن با پتك برروی سندان آوازی شنید مطبوع طبعش گردید . همت استوار کرد عودرا وضع نمود هفت پرده بروبست به‌عدد هفت‌کوکب یکی ازشاگردانش یك پرده برو علاوه ساخت . بهمین‌وضع بود تا عهد سلطان اویس چهارپردهٔ دیگر براو افزودند به عدد دوازده برج ، دوازده مقام درصورت بروقرار دادند .

انجام : با شعبهٔ مغلوب وشعبهٔ مخالف .

اگر خانی عراق چاشتگاهی
روی برآسمان کرد چوماهی

* دانشگاه تهران ش ۳۸۰۶/٤ (با شمس‌المناقب سروش اصفهانی) .
* مجلس ش ۳۳۲۱/۳۷ ص ٥۱۰ (۱۰ : ۹۹٥) که گویا بندیست ازآن و چنین آغاز میشود : «حد وسط هردو مقام مناسب را آوازه نامند و اسامی آن باین ترتیب» .
* چاپ سنگ با شمس‌المناقب سروش اصفهانی (مشار ۱۰٤۳) .
نیز بنگرید به‌راهنمای کتاب س ۱۲ ش ۷ و ۸ ص ٤٦۸ ــ مجلهٔ موسیقی دورهٔ دوم ش ۱۲ : ٤۱ ــ ٤٦) .

٤۰ ــ **محمدصادق‌بن محمدصالح مینای آزادانی اصفهانی** (۱۰۱۸ــ۱۰٦۱) درشاهد صادق خود که در ۹ ــ ۱۰٥٤ در اکبرآباد ساخته است ازوجد و سماع وسرود ورقص سخن داشته‌است (فصل ۷٤) .
(دیباچهٔ یواقیت‌العلوم از نگارنده ص ح ــ فهرست نسخه‌های خطی فارسی ٦۷۳) .

٤۱ ــ **جلال‌الدین محمد منجم یزدی** در تاریخ عباسی در فصل هشتم سرودهایی را که خود شاه‌عباس ساخته است با آهنگهای آن آورده است باعنوان «دزدکر بعضی از اشعار وتصنیفات ترکی وفارسی تاریخ عمارت وتکیها و باغات چهارباغ که خود به‌نفس همایون متوجه شده فرمودند» .
درفصل هفتم آن از حافظ جلاجل روزگارشاه‌عباس یاد شده است (ص ٦۷ و ۷۰ ــ ۷٤ ش ٤۲۰٤ دانشگاه تهران) .
در نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه (۷ : ۱۷٥) از نسخه‌های آن یاد کرده‌ام همچنین درفهرست فارسی ملك (ص ۸٦ ش ٤۷٦۲) .

٤۲ ــ **ملاشاه‌محمدبن محمد دارابی شیرازی** متخلص به‌شاه‌وداراب‌گردی و مؤلف تذکرهٔ شعراء و لطیفهٔ غیبی در شرح دیوان حافظ میان سالهای ۱۰۳۸ و ۱٤۰۳ را **مقامات‌السالکین** است در مصطلحات موسیقی و آراء دانشمندان اسلامی دربارهٔ روایی وناروایی غناء با دیباچه‌ای شیوا از مولانا خداداد در ۱۱ص مورخ ٥ ــ ۱۱۰٤ در ٥۸ برگ .
قطب‌الدین محمد تبریزی در فصل الخطاب از او یاد کرده است .
(ذریعه ٤ : ۳۸ و ۹ : ٤۹۷ و ۱۸ : ۳۱۷ و ۳۲٦ ــ فرهنگ سخنوران ۲۸۹ ــ فهرست دانشگاه ٤ : ٤۳۲) .
* موزهٔ‌بریتانیا Or. 11005 (فهرست‌اونس ص۳۳ ــ نشریه ٤ : ٦٦۰) .

٤۳ ــ **مقامات‌السالکین** از دانشمندی شیعی که نام خودرا به رمز یادکرده است و درآن یك مقدمه و دو فصل و یك خاتمه است و از شیخ بهائی وسید داماد

ومحمد امین استرابادی وفیض کاشانی ومولی حسن‌فاضل گیلانی قمی یاد شده است.
غناء در آن مباح دانسته شده و یکی از دلائل سماعی است که در مجلس شیخ صفی و شیخ زاهد وپیروان آنها میکرده‌اند .
او میگوید که من **رسالهٔ وجدیه** دارم . پیداست که او یکی از اخباریان وفقیهان ومتکلمان وعارفان درباری روزگار صفویان است .
* دانشگاه ۵۷۰۲ (۲۰۲ نفیسی) فیلم ش ۲۸۱۰ (ص ۲۰۲ فهرست) .
۴۴ ـ فرخ‌السالکین در بیان و اثبات وجد و سماع و غشیت با دلیلهای عقلی ونقلی ، دارای :
مقدمه دربیان وجد و تواجد ووجود .
فصل ۱ دربیان آیات و احادیث که دلالت بر اثبات دارد .
فصل ۲ دربیان جواز حرکت دوری از عارفان با برهان عقلی .
فصل ۳ در آداب سماع چنانکه از اکابر دین نصیحت رسید و مرضی عقلاء است .
خاتمه ـ دربعضی نصایح و مواعظ از ائمه هدی وکلام حکماء .
(فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۲۹۷) .
* مجلس ۵۹۲۵/۱ مورخ ۱۲۴۶ (۱۷ : ۳۱۵) .
۴۵ ـ ابوالحسن‌قیصر شاعر زندهٔ در ۱۰۷۱ که دیوانش در کتابخانهٔ دیوان هند (ش۹۳۵) است **معرفةالنغم** دارد و او این‌رساله را در ۱۰۸۷ ازروی کتابهای ایرانی وهندی در یك مقدمه در دوقسم ودومقاله و یك‌خاتمه ساخته‌است (بادلیان ش ۱۸۵۰/۲ مورخ ۱۱۷۴) .
آغاز : الحمدلصانع‌العالم ومبدءالخلق من‌العدم والصلاة علی‌الرسول الاعظم محمد سیدالعرب‌والعجم اما بعد چنین‌گوید : بندهٔ احقر ابوالحسن‌المتخلص به قیصر .
* بادلیان ش ۱۸۵۰/۲ مورخ ۱۱۷۴ .
۴۶ ـ عنایةالله‌بن میرحاج هروی بنام **اکبرشاه هند** (۹۶۳ ـ ۱۰۱۴) **تحفةالادوار** نگاشته است نیمی به‌نثر و نیمهٔ دیگر به‌نظم در ۲۴ محرم ۱۰۷۷ .
آغاز : حمدی بیرون از دائرهٔ احصاء وسپاس افزون ازاحاطه واستقصاء .
* بادلیان ۱۸۴۵ ش ۳۰ اوزلی نوشتهٔ محمدامین در اکبرآباد برای شاه قبادبن عبدالجلیل حارثی بدخشی دیانت‌خان مورخ ۲۴ محرم ۱۰۷۷ (فهرست فیلمها ۱ : ۵۶) .
۴۷ ـ شیخ جمال محدث را اثبات سماع‌الغناء والرقص والدف بحکم‌النبی است مورخ ۱۰۹۱ درسه باب :

۱ ــ مباح سماع‌الغناء فی‌الاحیاء للقلوب .
۲ ــ در جواز سماع غناء ورقص به آثار صحابه .
۳ ــ در جواز سماع غناء ورقص صحیح علماء فحول .
٤ ــ در اقوال ولی فحول علماء طریقت .
* ایوانف ش ٤٧٥ (۲ : ۳۳۹) به‌خط عارف‌شاه قریشی قادری حافظ در سدهٔ ۱۳ از روی اصل مورخ ۱۰۹۱ .

٤٨ ــ محمدعلی قزوینی رفیق توفیق یا آداب علیه دارد.

درآداب اجتماعی و اخلاقی و حکمت عملی که در زمان شاه سلیمان صفوی بسال ۱۱۰٤ (حرف ۲ ادب ۲٤ قسم ۱ در اسباب مسرات نفسانی درآداب علماء و فضلاء) در شهر اصفهان از روی اخلاق ناصری و جلالی و محسنی و طهارةالاعراق مشکویهٔ‌رازی واخبارشیعی وکتابهای حکایات ساخته‌است. ازمحاسن اصفهان هم در آن آمده است . ازقلیان وقهوه و افیون هم در آن یاد شده است. بسیار شیوا ومنشیانه بنگارش درآمده است.

درآن در ضمن عبارتها بروش تضمین و براعت واستهلال ازاصطلاحات : شکار، سیاق، استیفاء ، حساب، موسیقی دردوجا، ضرب‌موسیقی، بزم‌بادهٔ‌ناب، دفترو سیاق، نزاع و صلح و آلات جدال و جنگ، خادمان بیوتات، طب، نجوم، سلطنت، فلسفه ، علم ، شعر ، بزم و ندیمی و غناء آمده است و اصطلاحات موسیقی آن بسیار سودمند است .

پس از دیباچه در آن :

یك اتصال است درباب تهذیب اخلاق وتنزیه اعمال سپس حرف اول در اوضاع خادم و رسوم اصناف بنده وغلام درچهار باب :

۱ ــ خدمت ندماء ودانشمندان ومورخان .

۲ ــ خدمت مدیران ادویه ومعاجین واطباء ومدیران اغذیه وناظران و کارخانه داران بیوتات وصاحب‌جمعان .

۳ ــ خدمت مالی و مادی بدستیاری تاجیکیه و ارباب قلم وترکان و اصحاب شمشیر .

٤ــ خدمت‌وزیر دربیست‌وچهار رسم، سپهسالاروسردارسپه، صاحب‌جمعان وناظر بیوتات، دبیر ومنشی، طبیب ومنجم .

حرف ثانی در اوصاف مخدوم در بیست‌وچهار ادب، ادب بیست‌وچهارم آن درکسب مسرت وخوشحالی در دوقسم :

۱ ــ اسباب مسرات نفسانی .

آداب علماء وفضلاء با اصطلاحات علمی آداب شعرا وظرفاء به نثر ونظم .

۲ ــ اسباب مسرات جسمانی .
اداب ندماء .
آداب ارباب غناء با اصطلاحات موسیقی و شرح آنها زیر سطور درهامش در شش برگ دونسخه .
تتمه در معاش و مسلك هريك ازبنی‌نوع انسان بارفقاء ومصاحبان و آشنایان وجدا کردن آداب مخدوم از رسومات خادم بنام (لباب) درچند لب .
* آقای احمد آرام مورخ ۱۱۰٤ (فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۷۹۱) .
* دانشگاه ش ۲۵۸۵ مورخ ۱۲۷۹ و ش ۱٤۵۰ در سدهٔ ۱۲ .
* مجلس ش ۵۷۵ مورخ ۱۱۱۳ (۲ : ۳۳۷) .
* ملك ش ۱٦۲ مورخ ۱۲۲۳ .
* ملی ش ٦۷۸/۱۷۲۸
(فهرست فیلمهای دانشگاه ص۱۰۷ ــ نشریه ۱ : ۲۲۱) .
* نسخه‌ای پاکیزه به‌خط نستعلیق سدهٔ ۱۲ با عنوان در متن وهامش . و نشان به‌شنگرف با حواشی و ترجمهٔ عبارات عربی زیر سطور به‌شنگرف ، آغاز و انجام افتاده ، ربعی .

٤۹ ــ محمدامین‌بن عبدالفتاح وقاری طبسی یزدی زندهٔ در ۱۰۷۸ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۳ در**گلدسته اندیشهٔ** خود سرگذشت برخی از موسیقی‌دانها را آورده است .

این کتاب در دوازده برگ است و او آن را در اصفهان به سال ۱۰۸۳ ساخته است .

دونسخه از آن در دانشگاه هست (ش ۲۰۵۸ و ۳٤۰۲/۱) در مجلهٔ هنر ومردم (۱۱٤ : ٦۸) از آن سخن داشته‌ام .

۵۰ ــ طغرای مشهدی در گذشتهٔ ۱۱۰۰ **وجدیه** دارد که مثنوی است . در ۵۰۰ بیت ودرآن از هنر موسیقی واختراع فیثاغورس آنرا واز عطار وعراقی ونظام‌الدین اولیاء ونظر آنها دربارهٔ موسیقی واز فرق میان سرود ایرانی که از زبان مردان است دربارهٔ زنان و سرود هندی که از زبان زنان است دربارهٔ مردان و از افزارهای موسیقی مانند قانون ودوتار وتنبور وعود و چنگ ونی وکمانچه وموسیقارونی انبان وبلبان ورود وارغنون وجنتر ودف وخنجری ودایره ومندل وتال یادکرده است (فهرست دانشگاه ۲ : ۲۰۲) .

۵۱ ــ امیرخان کوکبی گرجی مطرب **شاه سلطان حسین صفوی** رسالهٔ موسیقی بنام او به نظم و نثر فارسی ساخته ودرآن شعرهای خودرا در بارهٔ مقامها

و پرده‌ها آورده و از منظومهٔ خود (ص ۹۲ ـ ۹۹ نسخهٔ مجلس) و رسالهٔ آقا مومن معاصر **شاه صفی** و **شاه عباس دوم** درشرح تصنیفهای خود (ص۳۸ـ۸٤) بندهایی گنجانده است .

او جز قبادبیگ کوکبی گرجی[1] شاعر درگذشتهٔ ۱۰۳۳ است (کلیات او شمارهٔ ٦۰٥٤ دانشگاه) وگویا او دراین‌مورد از تصنیفهائی‌که در بهجةالروح (ص ۷۳ ـ ۷٥) و خاتمهٔ **جامع‌الالحان مراغی** آمده است بهره برده باشد.

کلیات قبادبیگ‌گرجی در دانشگاه هست (٤۰٥٤) .

دیباچهٔ این‌رساله از خود کوکبی گرجی است . او میگوید که من این رساله را در ۷۸ سالگی ساخته‌ام و درکودکی جز ترکی شکسته‌که بزبان گرجی پیوسته‌است نشنیده‌ام و تا ۲٥ سالگی در موسیقی استادی ندیده‌ام (مجلهٔ موسیقی ش ٥ ـ ۱۰٤ ص ۳۳) .

تاریخ تألیف‌آن چنانکه از نسخهٔ ملك برمیآید باید ۲٥ع ۲/ ۱۱۰۸ باشد.

پس از دیباچه خود رسالهٔ نخستین است در چندباب و چنین آغاز میشود :

گوشه‌گیران خجستهٔ نشاط و پرده‌نشینان حجلهٔ اختلاط عالم‌کون و فساد که سازندگان قاعده‌دان قانون وحدت ونوازندگان تردست وچالاك ارغنون حجتند . . اما بعد بدان ای عزیز من که استادان این علم فرموده‌اند که در عالم هرآوازی‌که هست داخل موسیقی است :

چنین است انجام آن : تصنیف فتح‌نامهٔ گرجی استاد در پنجگاه .

باز نور دگر از مشرق ایمان سرزد   وقت‌آنکه دگر ساکن میخانهٔ شوم

در باب سوم آمده است :

مولانا کوکبی قزوینی‌الاصل که استاد این [فن] بود دربیان دوازده مقام وشش آوازه گفته‌اند :

ز راه راست گـر آهنگ میکنی بحجاز
ز اصفهان نظر جانب عراق انـداز
ز نالهٔ زنگوله در پردهٔ رهاوی بند
بـه بوسلیك حسینی بـرآورد آواز

---

۱ - در ذریعه (۹ = ۹۲٦) و فرهنگ سخنوران (۹٤۳) از کوکبی بخارائی مروزی طالب علم و موسیقی‌دان زندهٔ در ۹۲۸ یاد شده که جز کوکبی گرجی ما خواهد بود . در فرهنگ سخنوران از قبادبیگ کوکبی گرجی و چند کوکبی دیگر نام برده شده است. در ذریعه از چند کوکبی دیگر بجز قباد یاد گشته است .

مشو بزرگ ز راه نیاز کوچك باش
در آن مقام به عشاق بینوا پرداز
گوشت ونواز پردهٔ نوروز سلمك و شهباز
بگوش جان شنو از کوکبی‌که گردد راست

فهرست مطلبها :

باب ۱ در اسامی دوازده مقام .

باب ۲ در بیان دانستن بیست‌وچهار شعبه که یکی از پستی ودیگری از بلندی هر مقام حاصل شود .

باب ۳ ـ دربیان شش آوازده که چون هردو درمقام مایل یکدیگر شوند یك آوازه درمیانه حاصل آید .

باب ٤ دربیان هفده بحر اصول از قول **خواجه عبدالقادر مراغه‌ای** .

باب ٥ ـ دربیان بحر اصول قدیم از قول حکیمان فلسفه از جملهٔ هفت اصولی‌که درمیان نقاره‌چیان مشهور است.

باب ٦ ـ در بحران اصولی که **علاساری** نوشته .

باب ۷ ـ در نسبت دوازده مقام به‌برج دوازده‌گانهٔ افلاك .

باب ۸ ـ دربیان آنکه هرمقام را ازکدام حیوان برداشته‌اند. [1]

باب ۹ ـ در بیان آنکه هراصولی چند ضرب است .

باب ۱۰ ـ درنسبت مقامات به فصول اربعه .

باب ۱۱ ـ دربیان آنکه هر اصولی را چگونه بنوازند .

باب ۱۲ ـ دربیان کلیات **خواجه عبدالقادر** .

باب ۱۲ ـ در بیان شدّ .

باب ١٤ ـ دربیان آنکه دروقت روز ودرهروقت شب چه مقام باید خواند که در گوش‌های مردم خوش‌آیند باشد .

باب ۱۵ ـ در آداب سازندهٔ دهل .

تصنیفها که دراین رساله ازآنها یاد شده‌است :

۱ ـ رساله و تصانیف مرحوم **آقا مؤمن** مصنف که از برای خسروان سلف . . . درهروقت و مقام مناسب ساخته .

۲ ـ شروع در تصنیف حسینی به بحث نشستن .

۳ ـ تصنیف دیگر که حسب ارادت اشرف صاحب‌قرانی عاشقانه ساخته شده .

---

۱ - شمارهٔ بابها درنسخهٔ مجلس آشفته است به‌قرینه درست کرده‌ام.

٤ ــ تصنیف فتح‌نامهٔ قندهار شاه صاحب‌قران در غزال .
٥ ــ تصنیف راه‌آورد که این مورضعیف به عرض شاه صاحب‌قران رسانید.
٦ ــ تصنیف نوروزی که از جهت نواب همایون گیتی‌شناس صاحب‌قران گفته شده .
٧ ــ تصانیفی که از جهت پادشاه عرش‌مکان **شاه صفی** بسته شده .
٨ ــ تصنیف فتح‌نامهٔ ایروان در نوروز .
٩ ــ تصنیف فرح‌آباد در حسینی .
١٠ ــ تصنیف اشرف در محیّر .
١١ ــ تصنیف عباس‌آباد دوگاه .
١٢ ــ تصنیف بهارباب که حسب‌الامر بسته شده در مغلوب وموافق .
١٣ ــ تصنیف دیگر در پنجگاه جهت خواب طفل .

درنسخهٔ مجلس درنیمهٔ دوم چنین آمده‌است :

«رسالهٔ کمترین غلامان **امیرخان** تفصیل اسامی اصول هفده‌گانه که اکنون بین‌الحفاظ نوزده بحر متداول است» (ص ٩٧ ــ ٩١) مانند نسخهٔ ملك .

این بند دربارهٔ خواندن تصنیف است .

باز درآن آمده‌است : «چنانکه این‌غلام در **رسالهٔ موزون** عرض نموده ــ بناءً‌علیه **رسالهٔ موزون** مذکور نوشته میشود تا متعلمان را قدری معلوم گردد ان‌شاءالله» (ص ٩١ ــ ٩٩) .

آنگاه آمده است :

چو فرمان ازشهنشاه جهان بود	مقــر سلطنت در اصفهان بود
شه فرمــان‌روا از لطف‌الله	شهنشاه جهان **سلطان حسین شاه**
غلام پیر خود را امر فرمود	که از طنبور ونای وبربطوعود
برون آرم گروه نغمه یك‌یك	که گرد خلق را معلوم بی‌شك

این بند چنین میانجامد :

بسی مدت درین‌فن رنج بردم	به هفتادوسه‌بیتش ختم کردم

سپس نثر فارسی‌است درتصانیف (ص٩٢ ــ ١٤٩) بدینگونه :

تصانیف ضرب گرفتهٔ از عبدالقادر : ضرب‌الفتح ، دیارات ، مخمس ، رجعت به ضرب‌الفتح .

تصانیف :

١ ــ از **آقا مؤمن مصنف** .
٢ ــ از شیخ **عبدالعلی** .
٣ ــ ازکمترین غلامان **امیرخان** .

٤ ــ از **عبدالقادر مراغی** استادالمصنفین .
٥ ــ از خود **امیرخان** .
٦ ــ از **مرتضی‌قلی‌بیگ** غلام سرکار خاصه مشهور به **جودت** .
٧ ــ از خود **امیرخان** .
٨ ــ از **عبدالقادر مراغی** .
٩ ــ از **ابراهیم گلپایگانی** همشیره‌زادهٔ شاه مراد **مصنف** .
١٠ ــ از **امیرخان** .
١١ ــ عمل **صحبت‌نامهٔ** استادالمصنفین **مراغی** (نیز بهجةالروح ص٧٣) .
١٢ ــ نقش در نغمهٔ **انوار شریف همدانی** .
١٣ ــ از **عبدالقادر مراغی** .
١٤ ــ از **امیرخان** در نغمهٔ نوروز وپنجگاه .
١٥ ــ از **مراغی** به‌قولی از **فارابی** : کار سوزناك در نغمهٔ عراق با اصول خفیف .

در دانشمندان آذربایجان (٢٦٤) آمده است که در **رسالهٔ منظوم ومنثور امیرخان** بعضی از تصنیفات **مراغی** است .

آغاز نسخهٔ مجلس : سرود درود نامعدود وسپاس فزون از دایرهٔ قیاس سزاوار بزم بهشت آیین ومجمع رنگین پادشاهی است‌که بیك امر دوحرفی چندین مجلسی درطبقات ارضی وسماوی ساخته (مانند نسخهٔ فروزانفر) .

آغاز نسخهٔ ملك : رسالهٔ کمترین غلامان امیرخان تفصیل اسامی اصول هفده‌گانه که اکنون بین‌الحفاظ به نوزده بحر متداول است (مانند نیمهٔ دوم نسخهٔ فروزان‌فر) .

انجام هردو : مکرر اهاهی جانم بل‌ماه من‌بل .

* مجلس ش٢٢١١، نوشتهٔ میرزا عیسی‌خان پسرمیرزا مهدی‌خان تفرشی در١٠ ع١/١٣٠٥ دارای دو بخش .

* ملك ش ١٦٥٢ نوشتهٔ محمدصادق‌بن محمدعلی علی‌آبادی مازندرانی در ١٣١٥ برای احتشام‌الملك دارای هردو بخش بدینگونه :

١ ــ رسالهٔ موسیقی : نظرآقا که در ٢٥ ع ١١٠٨/٢ برای شاه‌سلطان حسین ساخته است .

آغاز : سرود درود نامعدود و سپاس فزون از دایرهٔ قیاس سزاوار بزم بهشت‌آیین و جمع رنگین پادشاهی است .

انجام افتاده : اما بعد بدان ای عزیزکه استادان این فن .

۲ ــ رسالهٔ موسیقی **امیرخان** که برای **شاه‌سلطان‌حسین** به نظم و نثر فارسی ساخته است .

آغاز : رسالهٔ کمترین غلامان امیرخان تفصیل اسامی اصول هفده‌گانه که اکنون بین‌الحفاظ به نوزده بحر متداول است .

انجام : آها هی هی جانم بل‌شاه من‌بل .

✻ نسخهٔ شادروان بدیع‌الزمان فروزانفر به‌خط نستعلیق آراسته درکاغذ متن و حاشیه شده از سدهٔ ۱۲ گویا اصل و شاهانه است ، آغاز و انجام آن درست مانند نسخهٔ مجلس میباشد (شرح مثنوی شریف ۱ : ۱۸ ــ هنرومردم ۹۸ : ۳۷ س ۷۱ و ۲۷ و ۱۱۰ : ۵۱) .

۵۲ ــ رس‌برس، شمس‌الاصوات دارد ازروی متنی‌بنام سنگیت درموسیقی هندی ساختهٔ در ۱۱۰۹ (جای نغمه) در زمان عالم‌گیر درشش باب :

۱ــ درکیفیت تفاضل سُر که در اصطلاح هند آن‌را «سُرادهیای» گویند، در ۱٤ فصل .

۲ ــ در ذکر راگهای که در اصطلاح هند آن‌را «راگ ادهیای» گویند، دردوفصل .

۳ ــ در شرح آلات یعنی برداشتن و گردانیدن سُر در راگ و دگر ارکان آن که آن‌را «برکرن‌ادهیای» گویند ، درهفت فصل .

٤ ــ درشرح وتفصیل اقسام«گیت» که دراصطلاح‌هند آنرا «پربندهیای» (پربنده ادهیای) گویند ، در نه‌فصل .

۵ ــ درشرح قوانین دستك زن که آنرا «تارادهیای» گویند .

۶ ــ درکلیات ساز واحوال آن که آنرا «نادادهیای» گویند .

آغاز : قول اول که عبارت است از حمد مخصوص حکیمی مطلق است که چون .

✻ دیوان هند ۲۰۲۲ مورخ ٤ شعبان ۱۱۹۶ .
(فهرست دنیس راس چاپ ۱۹۰۲ ش ۷۰ ، فهرست اته) .

۵۳ ــ رساله در موسیقی ترجمهٔ از کتاب هندی پارچاتك **Pârijâtâk** منسوب به اهوبل Ahobal از **روشن‌ضمیر** خنیاگر بنده‌زادهٔ عالم‌گیر (۱۱۶۸ ــ ۱۱۱۸) نام اصل متن به‌سه‌شکل درآن آمده‌است : باجاتك ، تارجاتك، مارچانك . با اصطلاحات سنسکریت ودهرهٔ هندی ، در سه‌بخش :

۱ ــ گیت‌کاند Gitti Kanda

۲ ــ بادکاند Vada Kand

۳ ــ نرت‌کاند Nritya Kanda

آغاز : سرداثرآمو دواثر سرود نمود زمزمهٔ حمدکارساز بنده‌نوازیست که به‌آهنگ وجود صاحب مقام محمود ساز کالبد را نغمه‌پرداز آواز ساخت و به لحن داودی روح را مأنوس و دمساز گردانید .

* دیوان هند ۲۰۹ و ۲۱۰ .

* موزهٔ بریتانیا ۷۹۳ اگرتن Egreton مورخ شعبان ۱۱۹٤– در۲۱۱ گ ، ۱۳ س به‌نستعلیق هندی (ریو ٤۸۹) .

٥٤ ــ عنایت‌خان راسخ پسر **شمس‌الدوله لطف‌الله‌خان صادق بهادر** تهورجنگ مؤلف **رقعات عنایت‌خانی** که در زمان **محمدشاه** (۱۱۳۱ ــ ۱۱٦۱) میزیسته‌است **رساله در ذکر مغینان هندوستان** دارد .

آغاز : آیینه ضمیر منیر دانشوران صاحب‌نظر و مرآت باطن تجلی .

* بانکیپور ۱۸ : ۱۷٤ ش ۱۷۳٤ .

٥٥ ــ دیدهٔ مغول ترکمان اعزخان بهادر جنگ (نزدیك سالهای ۱۱٤٤ تا ۱۱٥۱) در **کلیات** او **رساله در کیفیت دستگاه «راگ»** دیده میشود.

* گلستان ۳۱۳ (ص ٤۲۰ فهرست) .

٥٦ ــ میرمحمد هادی فرزند **میرلوحی حسینی سبزواری** را **اعلام‌الاحیاء فی‌حرمة‌الغناء فی‌القرآن والدعاء** است در یك مقدمه و پنج فصل به فارسی گویا در رد **رسالهٔ فیض کاشانی** وساختهٔ ۲۳ج ۱۰۸۷/۲ .

(فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۲۹۲) .

* مجلس ش ٥٥۱۱ (۱٦ : ٤۱۰) مورخ آدینه دههٔ دوم ج ۱۰۹۸/۲ نوشتهٔ شاگردش اسماعیل‌بن پرویز گرجی ٥٦۷۲/۱ (۱۷ : ۱۲٤) گویا اصل و با خط خوردگی .

* ملك ٥۹۱/۲ .

٥۷ ــ مظهر مظفر **خلاصة‌العیش عالم شاهی** دارد ، در موسیقی هندی ساختهٔ زمان **شاه‌عالم** در۱۱۷۷ وبنام‌او ازروی مدارك‌هندی‌کهن مانند سنگیت‌درپن Sangit Darpan و جز آن در دومطلب :

۱ ــ مزاج واحوال عضو تناسل ، دربیست باب .

۲ ــ دربارهٔ زنان ، دربیست باب .

درپایان آن قیافه وموسیقی با نت وتاریخ موسیقی‌دانان هند گذارده شده که رویهم ٦٤ ذکر است .

آغاز : بعد حمد کبریاء و نعت سیدالاصفیاء (ع) بر ضمیر دانشوران

دقیقه‌رس و کاملان صبح نفس .

* ایوانف ٦١١ (٢٦ : ٤٢٠) .

* بادلیان ١٦٢٨ .

* دانشگاه ٨٠٣١ .

* دیوان هند ١٨٥٣ نوشتهٔ ١٦ ع ١٢١٣/١ .

٥٨ ـ رای چند احمدآبادی اصول غناء دارد که برای **دال چند** صاحب در ١١٧٨ در سه فصل ساخته است .

آغاز : بعداز اقرار و اعتراف به عجز و قصور از لیاقت و طاقت گزارش و ستایش و نیایش خداوندی .

* بهار هند ش ٢٣٦/١ (١ : ١٨٧ فهرست) .

٥٩ ـ حسن‌علی دکنی عزت مفرح‌القلوب نگاشته است .

درموسیقی میسور Mysor به دستور **تیپوسلطان** (١١٩٧ ـ ١٢١٣) در ١١٩٧ ـ ١١٩٩ با شعرهایی بزبان فارسی وریخته بدینگونه :

مقدمه ـ در ذکر صدای مردنگ و آواز گردش زنگوله و آواز زنگوله و صدای کرکر .

باب ١ ـ دربیان نغمهٔ ابیض و اصولها و ضربها و غناها و طرزهای ششگانه .

باب ٢ ـ دربیان نغمهٔ اصفر ووقت سراییدن آن واصول‌های پنجگانهٔ آن.

باب ٣ ـ دربیان نغمهٔ احمر واصول‌ها و ضربها .

باب ٤ ـ دربیان نغمهٔ زبرجد واصولها وضربها .

باب ٥ ـ دربیان نغمهٔ ورد وطرزهای ششگانه .

باب ٦ ـ دربیان نغمهٔ عباسی واصولها .

خاتمه ـ دربیان دوغزل فارسی و چندین ریختهٔ هندی خارج از وزن ششگانه .

آغاز : حمد صانعی که چون آفتاب جهانتاب صبح صنعتش از افق شرق .

* دیوان هند ٢٠٢٤ و ٢٠٢٥ و ٢٠٢٦ و ٢٠٢٧ و ٢٠٢٨ و٢٠٢٩و ٢٠٣١ و ٢٠٣٢ .

٦٠ ـ عوض‌محمد کامل‌خان در نواختن سازها وکوک‌کردن آنها رساله **در بیان تهاته** دارد .

آغاز : در تهاته کردن راگ بهیرون وآن چنانست که تاری برمیراست آنرا تارسرج‌سُر نامند واین را . . .

درپایان نسخه آمده : جدول تقسیمات به‌جهت تعیین مخارج نغمات که به

خط میرزا **ابوالخیر** پسر **کامل‌خان** دیده بود هست (مورخ ج ۱۰۷۸/۲) همچنین «وبندهٔ درگاه ایزدی قبادبن عبدالجلیل حارثی این جدول را وضع نمود ، اعداد این ابعاد را موافق ضابطهٔ کتب موسیقی استخراج نموده دراین جدول نوشت» .

در دنبال آن رسالهٔ کوچکی است بنام «اسامی سُر»، با یك دیباچهٔ کوتاه وسه جدول «تان ، روپ ، سُر ، راك» وچنین آغاز میشود: «رسرج رکیب‌گندهار مدّهم پنجم دهیوت نگهاد و به‌واسطهٔ اختصار در وقت اجرای احکام براین سُرها سرحروف هر اسمی را میگیرند و ترکیب از مجموع آن چنین میکنند َس رِ َك َم پ َ دَن» (مورخ ۲۲ صفر ۱۰۷۹) .

* بادلیان ۱۰۴۹، ازآن میرزامحمدرستم معتمدخان پسرقباد دیانت‌خان. هم ازاوست رساله در عمل بین و تهاتهٔ راگهای هندی ، در یك مقدمه در حقیقت راگ ونود فصل درموسیقی هندی .

آغاز : اما بعد چنین گوید اقل العباد **عوض کامل خانی** که در وقتی از اوقات صحبت دوستان .

* بادلیان ۱۸۴۸ گویا ازسال۱۷۰۹ ، ازآن میرزا معتمدخان بوده‌است.

۶۱ ـ ابوالیمین عبدالرزاق‌بن محمد اسحاق حسینی سورتـی در شرح محاورات و مصطلحات محمد ظهوری ترشیزی مورخ ۱۲۱۲ «مقدمة فی مبانی الاغانی» گذارده است دربیان کلمات موسیقی (شمارهٔ ۳۴۳۵) .

* بنگال ۳۶۲ .
* دانشگاه ۸۰۹۷/۱ .
* دیوان هند ۱۵۰۰ .

۶۲ ـ محمدعلی رسالهٔ موسیقی دارد و در بیتی ازآن ازخود نام میبرد . درآن شش باب است :

۱ ـ درآوازه
۲ ـ درمقامات
۳ ـ درشعبه
٤ ـ درگوشه
٥ ـ درترانه
٦ ـ دراصول ضرب

او آنرا بنام یکی‌از بزرگان بنام **مهدی** ساخته و ازآثار **عبدالقادر مراغی** برگزیده است .

آغاز : حمد وسپاس وستایش مرخدای راست که لازم بر هرشیء . . .

* بانکیپور ۲۲٤۱/۳ گ ۳۵ پ ـ ۳۹ به نستعلیق سدهٔ ۱۳ (ذیل

۲ : ۱۵٤) .

٦۳ ــ محمدعلی صافی کرمانی مقامات دارد در چهارده بیت به مثنوی ، در فرهنگ سخنوران (ص۳۲٦) از **آقا محمد صافی کرمانی و میرزا محمدعلی صافی یزدی** هردو از سدهٔ ۱۲ یاد شده‌است ، این هرسه شاید یکی باشند .

آغاز :

شنیدم شبی مطرب راست کیش   چنین گفت درپرده با تار خویش

انجام :

نواسازهربار صافی چه‌اوست   شودکار این نغمه‌ازچوب‌وپوست

* سنا مجموعهٔ ۲۲۴۲ در هامش .

٦٤ ــ رساله درموسیقی گویا از **میرزا آقا محمدعلی گرگانی** ازسدهٔ ۱۳ در زمان قاجار .

* ملك ۸۰۵/٤ در مجموعهٔ مورخ ۱۲۹٤ ــ ۱۲۹۰ نوشتهٔ **میرزا آقا محمدعلی گرگانی** و گردآوری او .

٦٥ ــ محمد نورالدین (الله) بن‌محمد مقیم‌الدین عبدالغفور صابری چشتی قدوسی رحمانی غفوری اعظم پوری جهراتونی از عارفان سدهٔ سیزدهم هند **نغمهٔ عشاق** یا **ازالةالقناع عن وجوه‌السماع** دارد که آنرا در (یك الف و دوصد وبا چهل‌وچهار) (۱۲٤٤) ساخته وغناء را درآن روا دانسته‌است وآن‌درنولکشورلکهنو بسال ۱۳۲۰ در ۲۱۸ ص چاپ شده است .

(مشار ۱۵۸۸ ــ فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۰۲٦) .

* ایوانف ۲ : ۳۱۹ ش ٤۵۷ .

* مجلس ۹۰۰۲ فهرست شده ($\frac{۱۱۳۵۳}{۸۳۹۸}$ ۷۸۷۱٤) نستعلیق محمد اسماعیل‌بن محمدحسن در ۱۳۰۲، چنین است فهرست آن :

باب ۱ دراباحت سماع .

باب ۲ در روایت‌کتب معتبرهٔ فقهیه واقوال ائمهٔ دین‌که در اباحت غناء و ضرب و دف و طبل و غیره و آلات مباحه وارد گشته .

باب ۳ دراحادیث و روایات فقهی که مدعیان حرمت بدان استدلال میکنند وجواب آن .

خاتمه در آثار وفواید سماع وشرایط وآداب آن .

٦٦ ــ شیخ عبدالکریم‌بن شیخ فرید انصاری جاونپوری دربارهٔ راگه‌ها جواهرالموسیقات محمدی نگاشته است .

* موزهٔ بریتانیا Or. 12857 (فهرست اونس ص۳۳) .

۶۷ – حکیم میرزا ابوطالب‌خان فرزند حاجی‌محمدبیگ‌تبریزی اصفهانی (۱۱۶۵ – ۱۲۳۱) **مصطلحات موسیقی** دارد که درپایان **خلاصة‌الافکار** او ساختهٔ ۱۲۰۶ – ۷ (بانکی‌پور ج ۸ ش ۷۱۲ گ ۲۴۹ پ – ۲۵۷ پ و کتابخانهٔ ملك ش ۴۳۰۳ ص ۲۲۶) آمده است. از اوست مسیر طالبی فی بلادالافرنجی ساختهٔ ۱۲۱۹ که درکلکته در ۱۲۲۹ (۱۸۱۲ م.) و در ۱۸۳۶ چاپ شده است (بانکی‌پور ۷ : ۱۷۹ – دیوان هند ش ۶۹۶) سرگذشت او در دانشمندان آذربایجان (۲۴۳) وتاریخ تذکره‌های فارسی (۵۶۴) و مؤلفین مشار (۱ : ۱۷۵) و ادبیات فارسی استوری (۱ : ۸۷۸) آمده است .

۶۸ – اسماعیل حکیم‌الممالك تهرانی عینیهٔ خودرا بنام **علی نقی میرزا عین‌الملك** فرمانروای سبزوار درچهارمقدمه و یك مقاله در پنج فصل و یك‌خاتمه در مرغزار رودخانهٔ ششتمدکوه‌میش شهر سبزوار در ۱۵ ذ ح ۱۳۰۹ ساخته است. (شرح حال رجال‌ایران ۲ : ۴۹۸ و ۳ : ۳۱۱ و ۳۱۶ و ۳۷۶ و ۴ : ۴۰۷ و۴۲۲).

آغاز : سپاس بی‌قیاس را سازنده‌ای برازنده ونوازنده‌ای طرازنده است که از یك نغمه‌اش چندین صدا برخواست وازیك ترانه‌اش این همه نواست .

انجام : تا درمیانه خواستهٔ کردگار چیست اللهم اجعل عواقب امورنا خیراً بحق محمد وآله ، بتاریخ یوم الاحد خامس عشر شهر ذالحجةالحرام سنة ۱۳۰۹ راقمهٔ ابوالمجد **درویش مجیدالملقب به‌نورعلی‌شاه** فی سنة ۱۳۱۰ فی شهر جمادی‌الاولی .

* مجلس ۲۲۱۳ (بهرست ۶ : ۱۷۲) .

۶۹ – میرزا آقامحمدنصیر فرصةالدولة حسینی شیرازی (۱۲۷۱-۱۳۳۹) در۱۳۲۲ **بحورالالحان** نگاشته وشاید درآن از مجالس خاتمهٔ **جامع‌الالحان مراغی** پیروی‌کرده و ازآن بهره برده باشد .

این کتاب در علم موسیقی است و نسبت آن به عروض ودر بمبئی بسال ۱۳۲۲ و دوباره درتهران عکسی با دیباچه‌ای از **علی زرین‌قلم** بسال ۱۳۴۵ چاپ شده‌است ، بندی ازآن در مجلهٔ موسیقی (۲۶ : ۱۷ – ۲۷) دیده میشود .

(رجال ایران ۴ : ۱۵ مشار ۲۰۸) .

۷۰ – خان خانان حاج‌مهدی‌قلی‌خان‌بن علی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه هدایت طبرستانی (۱۲۸۰ – ۱۳۷۵) که از روی **الادوار ارموی** و **شرح‌الادوار مراغی** و **مقاصدالالحان** او و **درةالتاج قطب شیرازی مجمع‌الادوار** ساخته و موسیقی ایرانی را بروش‌اروپایی درآورده وآن در تهران بسال ۱۳۱۷ خ به چاپ رسید است .

(فهرست دانشکدهٔ حقوق ص ۱۸۳ ــ مشار ۱۳۸۰ ــ مؤلفین مشار ۶ : ۴۵۸ ــ شرح حال رجال ایران ۴ : ۱۸۴) .

۷۱ ــ سلطان‌الذاکرین رساله مانندی در مسألهٔ غناء و جبر و اختیار به فارسی نگاشته است .

* ملك ۶۱۱۵/۹ ، نستعلیق شدهٔ ۱۳ .

۷۲ ــ عبدالغنی تبریزی قصیدهٔ لعنیه‌ای در مقامات دوازده‌گانه دارد .

آغاز : ای برادر اگرت هست هوای عرفانی

رو تولابکن از جان به علی عمرانـی

انجام : آنکه خوانندهٔ این لعنیه باشد ز کرم

دارم امید که باشد به غنی فاتحه‌خوان

* سنا مجموعهٔ ۲۲۴۲ درهامش .

۷۳ ــ مداح حسینی کتابی درموسیقی نگاشته است باشکل طنبور درآن .

* مکتبة معهدالدراسات الاسلامیة العلیا در دانشگاه بغداد ش ۳۸ (نشریهٔ ۵ : ۴۰۶) .

۷۴ ــ سیداحمد خواجکی مخدوم اعظم را **سماعیه** است .

(تاریخ نظم و نثر فارسی سعید نفیسی ص ۴۰۱) .

۷۵ ــ در **جنگ** شمارهٔ ۷۸۸۹ دانشگاه تهران اصطلاحات موسیقی فارسی وهندی دیده می‌شود.

۷

نامه‌های فارسی

۱ ــ نشان **امیرتیمور** در سفارش **خواجه کمال‌الدین عبدالقادر حافظ مراغی** مؤلف **مقاصدالالحان** به مردم **سمرقند** مورخ ۱ رجب ۸۰۰ .

* ملك ۸۳۲/۵ گ ۹۱ر ــ ۹۲ پ نوشتهٔ ۸۳۷ .

۲ ــ نشان **سلطان اویس** پسر **حسن ایلکانی جلایری** (۷۵۷ ــ ۷۷۷) دربارهٔ همو .

* ملك ۸۳۲/۲ گ ۹۲ پ ۹۳ر به‌همان خط .

۳ ــ نشان **سلطان احمد** پسر **شیخ اویس ایلکانی** (۸۷۴ ــ ۸۱۳) دربارهٔ همو مورخ ۷۷۹ .

* ملك ۸۳۲/۷ گ ۹۳ روپ به‌همان خط .

* سپهسالار (دیباچهٔ مقاصدالالحان ص۲۳) .

٤ ــ در دیوان و منشآت **قوام‌الدین محمد یزدی** (ش ۲۵۷٦ دانشگاه) از دیباچهٔ مرقع **خواجه عبدالقادر گوینده** وشرحی دربارهٔ موسیقی ونغمات وازمنشور امیر **ابراهیم‌زاده** برای **خواجه بصیر مذهب** یاد شده است .

۵ ــ حکم سرکاری نوازنده به‌اسم **محمد مؤمن سازنده** گویا از **خان‌احمد گیلانی** .

٦ ــ حکم معافی **استاد خضرشاه** موسیقی‌دان گویا از همو .

۷ ــ رقعه به **استاد زیتون** گویا از همو .

* مجموعهٔ شمارهٔ ۱۲۳۴۹ کتابخانهٔ مجلس سنا .

۸ ــ دعوت **خان احمدخان گیلانی** از **استاد زیتون** خنیاگر از **تولم** به **رشت** .

* دانشگاه منشآت ٥٦٤٥ ش ۱۲ گ ۲۰ ر .

۹ ــ حکم سرکاری وکلانتری سازنده‌ها و نوازنده برای همین **استاد زیتون** و حکم سپهسالاری **تولم** برای وی از همان **خان گیلانی** .

* دانشگاه منشآت خان احمدخان گیلانی ۸۰ و ۳۳۰۱/۷۹ .

۱۰ ــ حکم سرکاری **محمد مؤمن عودی** برای سازنده‌ها ازهمان گیلانی .

* دانشگاه منشآت ۳۳۰۱/٤۹ .

۱۱ ــ پاسخ‌نامهٔ قوالان **رودسر** به **خواجه کمال رودسری** .

* دانشگاه همان منشآت ۳۳۰۱/٥۳ .

۱۲ ــ رقعهٔ **میر صدرالدین** گویا **محمد سیفی قزوینی** مؤلف رساله درعلم موسیقی به یکی از ارباب نغمه دوبار با نامهٔ بی‌عنوانی با اصطلاحات موسیقی در پایان همایونی نامهٔ شهاب منشی نسخهٔ آقای سلطان‌القرائی .

۱۳ ــ درمنشآت شمارهٔ ۸۲۳٥ دانشگاه تهران (برگ ۱٤۲ر) که باید از **محمد طاهر وحید قزوینی** منشی درگذشتهٔ ۱۱۱۰ باشد انشائی است که در ضمن عبارات اصطلاحات موسیقی است وآن نامه‌ایست دربارهٔ دوازده مقام وبیست‌وچهار شعبه .

۱٤ ــ در جنگ ش ٥٥ قریب در دانش‌سرای عالی تهران انشائی است از **محمد کاظما** در موسیقی و نستعلیق‌نویس وشطرنج‌بازی (نشریه ٥ : ٦۲۲) .

۱٥ ــ رقعهٔ میر سید شریف علامه در سفارش حافظ ادوار به یکی از ارباب نغمه .

* دانشگاه ٤۸٦٤/۲۱ (۲٤ ــ ۲٥) .

۸

مجموعه‌های عربی و فارسی

۱ ــ مجموعهٔ آقای کرامت رعنا حسینی در شیراز به خط نستعلیق با عنوان و نشان شنگرف ، ربعی ، دارای :

۱ ــ **شرح ادوار** یا **زبدة‌الادوار** که یك صفحه‌ای از آن مانده وچنین‌است انجام آن :

تا از این علم و عمل محظوظ باشند اعنی جامع باشند بین‌العلم والعمل تمام شد شرح کتاب ادوار بعون‌الله وحسن توفیقه یوم‌الخمیس ثانی عشر ذی‌الحجة ستین وثمانمائة ، اللهم اغفر لصاحبه وکاتبه ولمن نظرفیه آمین .

۲ ــ گویا **شرح ادوار مراغی** بهمان خط وانجام افتاده که درپشت آن صفحه بدین‌گونه آغاز میشود : وقبل ازاین‌که این شرح را بنویسیم سه‌کتاب درعلم موسیقی تألیف کردیم .

۲ ــ مجموعهٔ آقای دکتر حسین‌علی محفوظ در عراق ش ۲۷۱ که در مجلهٔ معهدالمخطوطات (۶ : ۴۸) و معجم‌الموسیقی‌العربیة (ص ۲۱۱ و ۲۱۲) وصف شده‌است ، دارای :

۱ ــ **الفوائد المنثورة والفوائد المذکورة** یا **حاشیة‌الشمسیة فی‌الحساب للنظام‌النیشابوری** از **ابواسحاق عبدالله‌بن عبدالله کوبنانی کرمانی** که بنام **امیر معزالدین عبدالکریم** در ساری بسال ۸۵۷ ساخته و به خط خود در ۸۷۳ نوشته است . او شرحی بر **ملخص چغمینی** دارد **والتألیفیة** یا **رساله درتناسب تألیفی** مورخ رمضان ۸۶۳ در **کرمان** (نوشتهٔ ع ۸۶۸/۲ درجرون) در شرح برمسألهٔ ریاضی

تناسب تألیفی حلل مطرز یزدی (دانشگاه ۲۴۱۷/۵ سپه ۵ : ۲۰۵ ش ۵۲۱) .

۲ ــ **الرسالةالشرفیة فیالنسب التألیفیة والاوزان الایقاعیة فیعلمالتألیف الموسیقی** از**صفیالدین عبدالمؤمن ارموی بغدادی** به خط همو در ۸۷۰ .

۳ ــ **الادوار فی معرفة النغم والادوار** از همو ، نوشتهٔ همان **کرمانی** در ۸۶۳ .

۳ ــ نسخهٔ آقای دکترنورانی وصال بهخط نستعلیق ، گویا همه بهیك خط باشد ، عنوان ونشان شنگرف ، ۱۵ و ۲۱ س ، ربعی ، جلد قهوهای نو ، با سهبند شعر فارسی میرزا قاسم گونابادی در ص ع ، از آن آقامحمدابراهیم پسر محمدتقی با مهر «متوسل به آل پیغمبر خاکسار اولیا حیدر ، ابنمحمودالحسینی» درص ۱.

گرد آورندهٔ این مجموعه گویا میخواسته است که رسالههای موسیقی و شرحهای ادوار را یکجا داشته باشد ، این بود که گذشته از دورسالهٔ شرفیه و ادوار و چند بندی در موسیقی بندهایی از چند شرح ادوار درهامش ودر متن پی هم آورده است .

چنین است این نسخه :

۱ ــ **الرسالةالشرفیة** از **ارموی** ، درپنج مقاله (ص۲ ــ ۱۶۰) بیتاریخ، نستعلیق .

۲ ــ **الادوار** از همو در پانزده فصل (۱۶۲ ــ ۲۱۷) نوشتهٔ عبداللهبن شمسالدین در ۲ محرم ۹۵۲ نزدیك بهنسخ تحریری ، محشی.

در ص ۱۶۱ نوشته شده : «کتاب الادوار الفه صفیالدین عبدالمؤمنبن فاخرالارموی ، علامات مافیالحواشی :

شرح خواجه عبدالقادر المراغی : م» .

ترجمهٔ نصیربن احمدبن محمدالمعینی : ص» .

دومی گویا از همان شرح گمنامی باشد که در راهنمای کتاب (۱۳ : ۱۰ ــ ۱۲ ص ۷۴۸) بنام لطایفالاسرار لمقاصدالادوار شناسانده وازعمادالدین یحییبن احمد کاشانی پنداشته شده است .

این دو رمز در پایان برخی از بندها و شرح ادوار که در هامش و در متن پساز این آمده است دیده میشود ، با رمز «ن» که در اواخر نسخه در دنبال بندهایی از شرح ادوار دیده میشود و شاید از این **شرح نصرالله قاینی** (فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۷) خواسته شده باشد .

۳ ــ بیان شعبات بیست وچهار وطریقهٔ استخراج آنها در وتر (ص ۲۱۰ ــ ۲۱۸) .

از اینجا به بعد نستعلیق دیگر را میماند و گویا همه از یك نویسنده

باشد ولی به چند قلم . درآن از قطب نقل شده است .

٤ ــ بیان طریقهٔ استخراج ترجیعات وتقسیم نقرات بروترین (٢١٩-٢٢٩) .

٥ ــ بیان تحریرات نغم درخوانندگــی وگویندگی به حرکات حلق (٢٢٨ ــ ٢٣٠) .

٦ ــ بیان تصانیف عملیات موسیقی وطریقهٔ ساختن آنها (٢٣٠ ــ ٢٣٨) .

٧ ــ بیان استخراج ادوار مشهور را از واحد درجمع تام (٢٣٨ــ٢٤١) .

٨ ــ اسامی آلات الحان (٢٤٢ ــ ٢٤٥) در دنبال آن وصفی از شاه‌رود است .

٩ ــ فصل اول مولانا قطب‌الدین گفته در کتاب خود که سبب حدت مطلق استحصاف متقارعین است (٢٤٥) .

١٠ ــ فصل ١ صاحب ادوار گفته که سعهٔ ثقب از اسباب ثقل است (٢٤٦ ــ ٢٤٧) .

١١ ــ قوله‌ثم نقسم‌الوتر تسعة اقسام و نعلم علی نهایةالقسم‌الاول منه«س» وتررا که به نه قسم کرد و برنشان کرد وتر به نه قسم شد (٢٤٨ ــ ٢٤٩) .

١٢ ــ تقسیم دساتین بدین نوع که صاحب ادوار کرد در بعض نغمه بر محل خود واقع نمیشود (٢٤٩ ــ ٢٥٠) .

١٣ ــ بیان تقریب بعد بقیه (٢٥٠ ــ ٢٥٢) .

١٤ ــ طریقهٔ استخراج و تحقیق مقدار بعد «ج» و سایر نغمات ثقال و حواد (٢٥٢ ــ ٢٥٣) .

١٥ ــ تقسیم دساتین به نوعی دیگر (٢٥٣) .

١٦ ــ ترجمه وشرح ادوار امــوی از لطف‌الله‌بن محمدبن محمودبن محمدبن اسعد سمرقندی که بنام امیرزاده سیدی در ٧٩٨ ساخته است در یك‌مقدمه ودوقسم .

المقدمة معنی موسیقی به لغت یونان الحان است .

القسم‌الاول فی‌التألیف .

فصل صوت کیفیتی است مسموعه که حادث شود از تموج هوا به سبب قرع عنیف یا قلع .

فصل سبب حدت در نغمات حلق شدت دفع هواء است .

فصل چون دو نغمهٔ مختلف درحدت وثقل با هم مجتمع شوند .

فصل مقرراست که هریکی انسانیه را کمالی است بدو مخصوص .

فصل گاه باشد که بعد به بعدی مشتبه گردد .

فصل ــ بعداز تخریج دساتین وتعیین ابعاد متفقه و تحقیق نسب مفهوم

شد که نغمه‌ای با ثانیهٔ خود بعد بقیه باشد .
فصل تألیف نغمات و جمع ابعاد متفقه گاه ملائم بود و گاه منافر .
فصل دردوروشد .
فصل صدوپنج دائره .
فصل تحصیل جموع وتکمیل الحان .
فصل استخراج ابعاد و تألیف الحان ازیک وتر .
فصل بر مبتدی لازم است که کیفیت نسبتین و رسم ووضع عود وقانون تحریك ید از استادی حاذق فراگیرد .
القسم‌الثانی فی‌الایقاع .
فصل در نقرات ازمنه .
فصل ادوار ضروب مشهود شش است .
آغاز : بسمله والاعتصام بلطفه‌العمیم سبحان من تفرد بتألیف ادوار الافلاك الدائرة وتوحد فی‌ایقاع نقرات حرکاتها الازمنة المتغائرة قد جمع نغماتها بمایلایم من‌الابعاد ورفع‌طبقاتها بلااوتارو و اوتاد واصلی‌علی‌من‌وضع‌الطرائق وارشد الخلائق‌الرسول الاکمل محمدالمعدل فی‌القول والعمل وعلی ارومته واصحابه ومن فازکرامة اصطحابه ما ترنم طائر فی‌العراق وتألم خاطرالعشاق .
اما بعد چون به عون عنایت احدیت . . . ذات گزیده صفات مخدوم معظم درة تاج الامارة قرة عین‌الوزراة . . . **امیرزاده سیدی** زیدت سیادته ودامت سعادته به فرخی و بهجت برمسند عزت نشست و در مرکز دولت قرار گرفت علماء انام وفضلاء ایام متوجه آن‌قبلهٔ اقبال گشته . . . روی بدان درگاه آوردم . . . در اثناء مخاطبه و ملاحظه چنان فرمود که علم موسیقی فنی شریف است و **ادوار** مولینا **صفی‌الدین‌عبدالمؤمن‌بن ابی‌المفاخر ارموی** غفرالله‌له درآن فن‌مختصرظریف لکن اگر ترجمه به پارسی میسر شود و در مقام اغلاق و اشکال مزید تحقیق و ایضاح اتفاق افتد و آنچه سبب تطویل و انتشاراست ضبط و اختصار یابد عامه را فائدهٔ تامه باشد و موجب بقاء اسم وخلود رسم گردد بندهٔ فقیر حقیر **لطف‌الله[بن] محمدبن محمودبن محمدبن اسعدالسمرقندی** . . . بر مقتضاء اشار عالیه . . . درآن امرخطیر شروع نمود . . . تا در اواخرجمادی‌الاخرة سنة ثمان وتسعین وسبعمائة به‌اتمام رسید و درمقدمه و دوقسم انقسام یافت . . .
المقدمة معنی موسیقی به لغت یونان الحان است ودراصطلاح معرفت طرق تألیف نغمات از جهت مناسب و ملائمت وکمیت زمانی که میان نقرات واقع شود اعنی ترتیب نغم وجمیع ابعاد بر وجهی که سبب حصول لحن کرد وایقاع ازمنه درمیان نقرات برنسقی که موجب کمال لحن باشد .

انجام : که پنج اول به‌اشارهٔ انامل وباقی به‌ایقاع ضرب. تم‌الکلام‌والسلام دراوایل رجب سنة ۹۵٤ هجریه کاتب **عبدالله‌بن شمس‌الدین** از نوشتن این رساله فراغ یافت و بعدالحمد والمنة علی توفیق اکماله .

۱۷ ـ مقدمهٔ موسیقی علمی است که ازو معرفت تألیف نغمات وترتیب نقرات باشد بر وجهی‌که از آن ترتیب و تألیف لذتی و بهجتی نفس را حاصل شود . . . ص (۲۷٤) .

۱۸ ـ فصل۳ قوله و اذا کان آیا بعدذالخمس چون پیش‌ازاین معلوم شد که نسبت میان نغمات تابع نسبتی است که میان اوتارایشان باشد (۲۷۷ ـ ۲۷۸) .

۱۹ ـ قوله و اذا سمع‌المرتاض و صاحب **ادوار** میگوید چون کسی در این صناعت مرتاض باشد . . . ص (۲۷۸ ـ ۲۸۰) .

۲۰ ـ قوله‌فهذه هی‌الاسباب‌الموجبة للتنافر اینست‌اسباب‌تنافر بروجهی‌که صاحب ادوار ایراد کرده است . . . ص (۲۸۰ ـ ۲۸۱) .

تا ص۲۹٦ چندین‌بند است برخی باعنوان«قوله» وهمهٔ‌اینها حاشیه‌هاایست بر ادوار و (سؤال وجواب) هم دارد و با نشانهٔ «ص» درپایان این بندها .

در یکی‌از اینها از اخوان صفاء نقل شده است.

۲۱ ـ «پیشرو مشتمل بر دو سر خانه و میان خانه و بازگوی بود به‌شرط آنکه در وی از اشعار شعری خوانده نشود» (۲۹۸ ـ ۲۹۹) در آن آمده است :

طریقه ـ نقش ترکیب ـ نقش تقسیم ـ صورت مفرد ـ صوت بسیط ـ تصنیف ـ عمل مطلق ـ عمل مستهل ـ قول مطلق ـ قول مرصع ـ عزل ـ ترانه ـ فروداشت ـ مستزاد ـ نوبت مرتب ـ چهارضرب[1] ـ کل‌الضروب ـ کل‌النغم ـ کلیات ـ وزن خسروانی ـ ریخته پیشروی است از ادوار اهل هند ، نشید عرب هم‌وزن خسروانی و اما نه به لفظ باید که باشد چنانکه اهل عرب شتران را حدی کنند (۲۸۹ ـ ۲۹۹) .

۲۲ ـ فصل ۳ قوله‌البعد بدانکه تألیف بین‌النغمتین المختلفتین بالحدة والثقل را بعد گویند . . . م (۳۰۱ ـ ۳۰۲) .

۲۳ ـ قوله ویسمی بعدالبعد الذی بالکل مرتین (با نشان م) (۳۰۲) .

۲٤ ـ قوله واذا سمع‌المرتاض لسماع النغمات الی قوله اذلیس التقلید کالوقوف (بانشان م) (ص ۳۰۳) .

۲۵ ـ بیان اشتباه بعدی‌که بر نسبت مثل وسبعه اتساع باشد (با نشان م) (ص ۳۰٤) .

---

۱ - اینجا ما بیاد لعن چهار ضرب صفویها میافتیم .

۲۶ ــ فان طرح من بعد ح بعد ب الخ قانون طرح آنست (با نشان م) (۳۰٤ ــ ۳۰۵) .

۲۷ ــ قول‌الاول هوالتعدی من‌الطرف الاحد صاحب **ادوار** رحمةالله در سبب اول گفته (با نشان م) (۳۰٦) .

۲۸ ــ از آنجمله شیخ‌الاسلام اعظم افضل‌المتأخرین **خواجه عمادالدین عبدالملک** بن‌شیخ‌الاسلام عصام‌الدین بن عمادالدین بن‌جلال‌الدین بن زین بن‌شیخ‌الاسلام برهان‌البکری **نسبا المرغینانی** بر پنج از ابیات که نتایج طبع سلیم مستقیم اوست التماس تصنیفی کرد و در دائره ابتداء از آ و انتهاء از مح که درآن دائرهٔ نغمهٔ ح موجود نباشد باوجود اخلال سبب اول از اسباب تنافر و آن دائرهٔ ملائم باشد وآن ابیات اینست .

باری دیگر به میکده بردیم راه را	برهــم زدیم مدرسه و خانقاه را
هرجا رویم ازدر دلدار بگذریم	ما گم نمیکنیم درین کوی راه را
درمیکشیم آتش می را وانگهی	ساقی ز باده آب دهد آن گیاه را
ابن‌عصام نام قلندر درست کرد	چون برشکست قاعدهٔ مال وجاه را

در **مقاصدالالحان** ص۲٤ از **عمادالدین عبدالملک سمرقندی** بیتی‌آمده‌است با اندکی جدائی ، در **جامع‌الالحان** هم این ابیات دیده میشود (فصل ٤ باب ۳) .

۲۹ ــ فصل ٥ قوله فی‌التألیف‌الملائم الی قوله ولنسمه‌الطبقة الاولی بباید دانست که این صنعت ابعاد کبری را بی‌آنکه قسمت کنند به ابعاد صغری استعمال نکنند (با نشان م) (۳۰۷) .

سپس تا ص ۳٤۰ چند بندیست با عنوان قوله با نشان «م» و «ن» دوبار و «م» یکبار و «ن» دوبار و مربوط به فصل ٥ و ٦ و ۱٥ و ۷ و ۸ و ۹ واین یکی ناتمام‌مانده‌است.

درص ۳۱۹ از **ابونصر فارابی** یاد شده و ازو عبارتی در معنی موسیقی و لحن آورده شده و از صاحب **شرفیّه** و نیز از **لوازم‌الموسیقی احمد مداینی حداد** یاد شده و ازآن چنین آورده شده‌است :

«لفظةالموسیقی یونانیة و معناها الالحان واللحن معروف وهو ما رکب من جماعة نغم رتبت ترتیبا موزونا مقرونا ببیت‌الشعر وقدیقع اسم‌اللحن علی غیرذلک مجازا . وقیل یسمی‌الموسیقی باسم الفلک‌الاعظم الذی اسمه موسیقاقیا لشرف ذلک اذکانت هذه‌الصناعة ینا‌سبه لشرفها علی سایرالافلاک (مقاصدالالحان ص ۱۳۸ ــ جامع‌الالحان ــ هنر ومردم ۹٤ ــ ۳٤) نیز از **شیخ رئیس ابوعلی** هم در تعریف‌موسیقی عبارتی آمده با نشان «م» از **شرح فارسی ادوار** پیداست که این بندها از **زبدةالادوار** است (درآغاز نسخه نورعثمانی مانند اینها هست) .

دربند آخر از اعتراض **قطب شیرازی** بر **ادوار** یاد شده و گفته شده که اورا عملی نبود ولی صاحب **ادوار** را هم علمی بود و هم عملی گویا نزدیک به آنچه که در پایان **ترجمهٔ ادوار** یا **زبدة الادوار مراغی** نسخهٔ نورعثمانی دیده میشود .

٤ ـ مجموعه‌ای که برای دیانت خان شاه‌قبادبن عبدالجلیل حارثی بدخشانی امیردربار **اورنگ** زیب در گذشتهٔ ۱۰۸۳ در **دلهی** نوشته شده است وسپس بدست **میرزا محمدبن رستم‌بن معتمدخان** مؤلف **تاریخ محمدی** رسیده است .

نامهای آنها در برگ ۲ و ۱۸ با مهر مورخ ۱۱۲۰ دیده میشود .

دوکتاب موسیقی در فهرست بادلیان ازاته (ش ٥ ــ ۱۸٤٤) (مقاصدـ الالحان، تحفةالادوار) یاد شده که برای همین **دیانت‌خان** در۱۰۷۷ نوشته شده‌است، هنرومردم ۹٤ : ۳۳ و ۹۸ : ۷۳) .

این مجموعه درموزهٔ بریتانیاست به شمارهٔ Or 2361 و درفهرست عربی ریو ذیل ص ٥٥۹ ش ۸۲۳ و فهرست فارسی ریو ذیل ص ۱۱٤ ش ۱۱٦ وصف شده است ، دارای :

۱ ــ رساله در جمع آراء فقهاء و اختلاف آنها و تفصیل اقوال واولیاء متصوفه در سماع‌الحان موسیقی از **محمدبن جلال رضوی** که به فارسی در ۱۰۲۸ ساخته است (۲ پ) .

۲ ــ رساله در جواز سماع از **عبدالجلیل‌بن عبدالرحمن مسیحی** بنام نواب **مسیح‌الزمان** به‌فارسی (۱٥ر) در دو کتاب : نخستین در تحریم موسیقی درچهار فصل ، دومی دراصطلاحات صوفیانه وشعرهایی از او .

۳ ــ **الادوار ارموی** (فهرست عربی ۷٤٦ پ ش ۱۰۲٦ از اوری) .
(۱۸ پ ــ ۳۲) .

٤ ــ **شرح‌الادوار** آغازش مانند Add 7471 ش ۲ (فهرست عربی 186 b) ، درآن پس‌ازعنوان«قال» بندی کوتاه ازمتن‌میآید آنگاه «اقول»است .

درمقدمهٔ آن از علوم بحثی شده با بندهایی از فارابی دربارهٔ صوت که **عبدالمؤمن** در **شرفیه** آورده است و سخن او دربارهٔ این بندها و خرده‌گیریهای وی و پاسخ خود شارح . نسخه در ۱۰۷٤ در کشمیر مقابله شده است .
(۳۳ پ ــ ٦۸) .

٥ ــ **شرح الادوار** از **مولانا مبارك شاه** که بنام **شاه شجاع** (۷٦۰ــ۷۸٦) ساخته است درست مانند A 3438 طوپ‌قپوسرای (ج۳ فهرست ش۷٤۲۷ نوشتهٔ ۸۳۸ در ٦۸ گ) که در ۷۷۷ تألیف شده‌است وجدولهایی دارد .

آغاز : الحمدلله الذی اختار نوع‌الانسان بمزید اللطف والاحسان اما بعد فان الهمم فی زماننا قد تقاصرت عن تحقیق‌العلوم العقلية وتحصيلها .

نسخه درکشمیر در ۱۰۷۴ با اصل مقابله شده و با نسخهٔ دیگر مورخ ۸۲۲ در ۱۰۷۸ (۶۸ پ – ۱۵۳) .

۶ – **شرح یا حاشیةالادوار فخرالدین محمدبن ابن نصرخجندی** همان **رساله فی نسبةالتألیف** (رامپور ۱ – ۴۱۴ – دانشگاه ۶ : ۲۲۳۵) و او مؤلف **اصلاح‌المکنون فی تنقیح القانون** است از ابوالمکارم هبةاللهبن جمیع اسرائیلی زندهٔ زمان صلاح‌الدین (۵۰۷ – ۵۶۹) و این رساله هم باید ناظر به قانون باشد نه ادوار (دانشگاه) .

آغاز : قال‌المولی القائل افضل‌المتأخرین فخرالملة والدین الخجندی رحمةالله علیه لما کانت‌النسبة الموسیقیة نوعا من‌النسب .

نوشته ومقابله شده در ۱۰۷۵ (۱۵۳ پ – ۱۵۶) .

۷ – **موسیقی دانش‌نامهٔ علائی ابن‌سینا که ابوعبید جوزجانی آنرا به‌اتمام** رسانده است Add 16830 برگ ۲۷۳ – ۲۸۳) (۱۵۷ر) .

۸ – خبر تألیف الالحان کندی که آنرا لاخمان Lachman ومحمود حفنی با شرح آلمانی در لایپزیك در **۱۹۳۱** چاپ کرده‌اند .

نوشتهٔ از روی نسخهٔ نادرست نوشتهٔ در دمشق در پایان شوال ۶۱۲ ، آغاز افتاده (۱۶۵ر)

۹ – رسالة فی‌الموسیقی فتح‌الله شیروانی (طوپ قپوسرای A 3449) بنام محمدبن مراد عثمانی (۸۴۷ – ۸۴۹ – ۸۵۵ – ۸۸۶) ساخته شده و از **فارابی و شفاء و ادوار و شرفیة و مقاصدالالحان مراغی گرفته شده‌است** باشعرهایی درستایش او و در دیباچه که ناقص است ونسخه افتادگی دارد دراینجا ومیرسد به : «المناسبات‌المشهورة فی‌هذا العلم عشرة ثلثة منها اشهروهی‌المناسبةالعددیة والمناسبة الهندسیة والمناسبة التألیفیة .

آغاز : الحمدلله الذی فضلنا علی کثیر من عباده‌المؤمنین . . . اما بعد فانی ایهاالمتوخی فی مسارح‌الانظار مایروقك حلاوته المتحری فی مطارح‌الافکار مایشوقك طلاوته .

(۱۶۸ پ – ۲۱۹) .

۱۰ – **الکافی فی‌الموسیقی : ابومنصور حسین‌بن محمدبن عمربن زیله** درگذشتهٔ ۴۴۰ .

در سه‌فصل : نغم ، ایقاع ، تألیف اللحون (رامپور ۳۰۹۷گ ۱ – ۱۲ در ۴۰ص نستعلیق سدهٔ ۹ ، گویا اصل نسخهٔ موزهٔ بریتانیا) چاپ‌زکریا یوسف درقاهره از روی این دو نسخه .

نستعلیق روز چهارشنبه ۱ج‌۱/۱۰۷۳ مقابله شده با اصل در ۲۵ محرم

۱۰۷۴ درکشمیر (۲۲۰ر – ۲۳۷ر) .

۱۱ – **رسالهٔ فی‌الموسیقی** از **یحیی منجم** همانکه در رامپور از سدهٔ نهم (۳۰۹۷ گ ۲۵ پ – ۲۸ر) هست وعکس آن‌هم درمعهدالمخطوطات هست .

نوشتهٔ روز پنجشنبه ۲ج۱/۱۰۷۳ ومقابله شده با اصل در روز چهارشنبه ۲۵ محرم ۱۰۷۴ در کشمیر (۲۳۶ پ – ۲۳۸ر) .

۱۲ – **المدخل فی‌الموسیقی** از **فارابی** تنها یك صفحه مانـده است (۲۳۸ پ) .

۱۳ – **کشف‌الاوتار** : **قاسم‌بن دوست‌علی بخاری** که بنام **جلال‌الدین اکبر** به‌فارسی ساخته است درشرح شش‌مقام «**رسالهٔ دوازده مقام**» **درویش حیدر تونیانی** که بنام همایون ساخته است .

آغاز : نغمات حمد کامله حکیم کارسازی را اعظم شأنه . . . اما بعد عرض میدارد فقیر حقیر شهیر به **قاسم‌بن دوست علی‌البخاری** هداه‌الله سواءالطریق.

۱۴ – **کنزالتحف** در موسیقی در یك مقدمه و چهار مقاله ساختهٔ بنام **غیاث‌الدین حسینی** در دیباچه و با ستایش او به فارسی در ۷۴۶ با ابیاتی چند (لیدن ۳ : ۳۰۲) درمقالهٔ چهارم آن از افزارهای موسیقی سخن داشته شده‌است .

مقابله شده در ۱۰۷۹ با نسخهٔ مورخ ۷۸۴ (۲۴۷ پ) .

آغاز : شکر وسپاس بی‌حد وقیاس سزاوار حضرت آن پادشاهی که از سراپردهٔ عظمتش . . .

مقدمه در سبب تألیف این رساله است با تمثیل شعر فکر و خیال .

مقاله‌ها هریك در دو قسم .

مقالهٔ ۱ در علمی موسیقی .

مقالهٔ ۲ در عملی موسیقی .

مقالهٔ ۳ – در تصنیع سازات و تعدیل آن .

مقالهٔ ٤ – دروصیتی که طالبان این فن‌را بکارآید . دراین یکی شعرهایی بنام **مشرف‌الدین سعدی** آمده‌است .

درآن این ماده تاریخ تألیف دیده میشود :

آن روزکزاحداث جهان مهمل بود   در آخر این رساله‌ام مدخل بـود
اندر سنـهٔ لح ذو نو   بیست و دوم جمـادی‌الاول بود

کلمهٔ «نو» را درست نمیدانیم چیست : «بو ، یو ، نو» .

پس تاریخ سال میشود ۷۴۱ یا ۷۴۹ یا ۷۸۹ باشد (ریو) .

٥ – **جنگ** : **علی‌نقی خاتون‌آبادی** درکتابخانهٔ ملی ، به نستعلیق «متن و هامش و آراسته که درآغاز آمده : «مجموعهٔ نثر ونظم ، جلد مقوا ابر ساغری

سیاه آستر قرمز ، متوسط القطع ، حجیم ، به خط نسخ تعلیق مجدول ، کاغذ الوان» با فهرست در آغاز با اشاره به شمارهٔ برگها . در آن نثر فارسی است از رساله‌ها ونامه‌های روزگار صفوی ، واز آنها است :

۱ ــ تعریف عمارت **باغ بلبل** «**هشت بهشت**» از «**میرزا طاهر نصر آبادی**» (۸۵ پ ــ ۸۷ پ) .

۲ ــ منتخب **بازنامه** در ۲۵ باب (۱٤۲ پ ــ ۱٤٦ پ) .

۳ ــ کرامیهٔ دوره سفره‌چی درباب معرفت موسیقی (۱۵٦ ــ ۱٦۰ ر هامش) که آقای ذکاء از روی همین نسخه در یادنامهٔ مینوی چاپ کرده است .

درسه اصل است : دوازده مقام ، شعبات ، آوازه و مقامات .

دارای عنوانها : فصل دربیان هفده بحراصول ، فصل دربیان شد ، فصل دربیان شد که استادان خواهند بنوازند .

آغاز :

ای بلبل جان نغمه‌سرا از غم تو   چون دائرهٔ بی‌سروپا از غم تو
عشاق همیشه بی‌نوا از غـم تو   درد از تو و درد را دوا ازغم تو

حمد و سپاس و ستایش بی‌قیاس پادشاهی که بساط اهل نشاط در مأمن حظ و حضور .

انجام : از ترکیبات بیست‌وچهار شعبه والله یعلم بحقایق‌الامور .

٤ ــ باغ وبهار (۱۹۳ ــ ۲۰۰) درتعریف **عباس آباد جدید** از **ظهیرالدین** علی پسر **مولانا مرادتفرشی** که در ۱۰۷۱ همان‌سالی که‌شاه ازشکارمازندران‌به‌اصفهان بازگشته بود ساخته است (ملك ۲٤٦ ر و پ) .

۵ ــ عمارت بلدهٔ ری (۲٤٦ ر و پ) :

نقل است که عمارات بلدهٔ ری که امیر البلاد است بر دفاتر ارباب دیوان برین وجه بوده است ، العهدة علی‌الراوی :

مدرسه نه‌هزارو چهارصد باب .

حمام هزاروهشتصدو شصت وشش باب .

مساجد دوازده هزاروهفتصد باب .

طاحونه هزار باب .

کاروانسرا دوازده هزار و هفتصد باب .

منار پانزده هزاروسی باب .

عصارخانه هزاروهفتصد باب .

یخ‌چاه هزاروچهارصدوپانزده باب .

محلات نودوشش محله بوده .

هرمحله چهل‌وشش وکوچه .
هرکوچه چهل‌وشش هزار خانه .
و درهرمحله هزار مسجد .
ودر هریك از مساجد مذکور هزار چراغدان از زر سرخ سوی نقره و مس و غیره .
ومجموع خانه‌ها هشت هزار بار هزار هزار وهشتصد وشصت وشش هزار خانه که مردم‌نشین بوده است .

۶ ــ **شوکت‌نامه : میرزا محمد رحیم** وزیر بیگلربیگی خچورسعد (۲٬٤۷ پ ۲۷۱ پ) دربارهٔ فضائل پادشاه وقت و منشیانه است . بنام **شاه سلیمان** درشعبان۱۰۸٤ دربارهٔ کارهای شاهانهٔ او در ایروان وبنام خان خانان **صفی‌قلی‌خان** بیگلربیگی درایروان ساخته شده است .

در دیباچهٔ آن چنین آمده است : «سطری وانموذ . . . از خصایص این یگانهٔ دوران . . . فراخور دریافت قاصر تحریر و تسطیر میپذیرد چنانکه این **شوکت‌نامهٔ** مطبوع واین کارنامهٔ غیرمصنوع تبسم غنچه‌ایست ازگلزار جمالش .

آغاز : شوکت‌نامهٔ عالی حضرت آصف صفاتی **میرزا محمد رحیما** وزیر بیگلربیگی **خچور سعد** شوکت‌افزای کتایب فصحای بلاغت‌شعار لوای حمد خداست.

انجام : آنهم چوسرو درچمن روزگارماند این‌مصرع بند زما یادگارماند .

۶ ــ **مجموعهٔ** بیاضی مجلس ش ۸۹۵۰ (۸۱۹۳ / ۷۸۵۰۹) به‌نسخ عربی سدهٔ ۱۲ ، ربعی ، جلد تیماج مشکی لایی (ازآن آقای سلطان‌القرائی) .

۱ ــ مفتاح فتوح‌الاسفافی فتح باب معنی بیت‌الدفغا .
۲ ــ شعرهایی به عربی با آهنگهای موسیقی .
۳ ــ رسالهٔ محمدالطیلوی المصری الی‌القاضی عمرالمغربی .
٤ ــ شعرهای عربی .
۵ ــ **رسالة فی علم‌الموسیقی : خلیل‌بن ایبك صفری .**
(۶۹۶ ــ ۷۶٤) که در آن داستانی از **صفی‌الدین عبدالمؤمن** میآورد و یاد میکند از **مجدالدین‌بن الاثیر** و **شمس‌الدین سهروردی** .

آغاز : بسمله . الحمدالله‌المنزه عن‌التأخیر والتقدیم والحروف والاصوات واللسان فلا شیء یشبهه ولالذة تعادله حتی یطرف‌الجماد والحیوان . . . وبعد لما کان علم‌الموسیقی من اشرف‌العلوم الریاضیة والطف‌الفنون‌الواجبیة .
فاردت ان اوضح هذا الطریق واسلك فیه منهج‌الموسیقی الحقیق :
الباب‌الاول فی ماهیة العلم‌الموسیقی واشتقاقه واسمه وموضوعه و فضله و

برهانه وحکمه ووضعه ومن ولع بهومن اخذ به وجمع آراءالحکماء فیه وآدابه ...
۱ ــ فصل فی ماهیةالموسیقی واشتقاقه . . .
۲ ــ فصل فیفضل الموسیقی و منافعه . . .
۳ ــ فصل فی برهان فضل الموسیقی و تأثیر فعله فیالنفس . . .
٤ ــ فصل فیاول من وضعالموسیقی ومن ولع به عملاً . . .
٥ ــ فصل فی رأی اهلالطرب فیه والقصد فی وضعه . . .
فالمقامات التی هی اثنا عشر . . .
واما الاوزان فهن عندهم سبعة . . .
واما الشعب فاربع . . .
البابالثانی :
۱ ــ فصل ایهاالطالب ان مشایخ هذا العلم ذکروا انالنغم له علو وآواز و سودا .
۲ ــ الفصلالثانی بیان فرداتالمقامات . . .
۳ ــ الفصلالثالث فی بیان فرداتالشعب . . .
٤ ــ فصل فیالآوازات . . .
٥ ــ الفصلالرابع فی بیان ربط کل شعبتین بمقامها والانغام المتناسبة التی یحسن الانتقال من بعضها الی بعض . . .
٦ ــ فصل فیبیان ربط کل مقامین بآوازهما و ما یناسب ان ینتقلالیه بعد هما .

انجام : واعلم ایضاً ان لهم غیر الآوازات الست آوازات کثیره تسمی المختلفة و تسمی ایضاً الخالطه ترکناها اختصارالمافی الاشتغال بتفاصیلها منالطول الممل و الحمدلله وحده و صلیالله علی سیدنا محمد وصحبه اجمعین والحمدلله ربالعالمین .

سپس یك دایره است در آوازهای ایرانی به فارسی .
دراین رساله از بسیاری نامهای فارسی مانند آواز و بزرگ ورهوی و کوشت وراست آمده است ودرپایان باب نخستین این بیتها دیده میشود :

الحمدلله الحکیم العالم	مقسم العقول بینالعالم
ممیز الالسن واللغات	و واهبالانغام والاصوات
وبعد فالصوت خفیالمخرج	یوقع من یحمله فی حرج
و اننی اذکر اسماءالنغم	مختلفا علی **قوانینالعجم**
وخذ منالبحر کاروی عراق	و حطه میالعراق باقی (؟)
. . . . . .	. . . .

صفدی دراینجا آشکارا از «**قوانین‌العجم**» یاد میکند .
این نسخه درست مانند نسخهٔ ش We 1810/2 (گ ۱ ــ ۹) برلین است (۵۵۲۵ فهرست) جزاینکه آغاز آن بدینگونه است : «الحمدلله الذی خلق‌الانسان لمعرفته» .
درپایان مجموعه باز شعرهای عربی است .
۷ ــ مجموعهٔ شمارهٔ ۲۱۴۸ کتابخانهٔ ملی تهران ، دارای :
۱ ــ بهجةالروح در یك مقدمه و ده‌باب که باب دهم آن دوتا است .
درنخستین باب دهم آن سه تصنیف است از **امام فخرالدین طاوس هروی** و عمل قیامت در حسینی و صحبت‌نامهٔ **خواجه عبدالقادر** وتصنیف دیگر درآهنگ حسینی کبیر و اصول مخمس بازگو فرع و تصنیف دیگر استادان و مقدمه دربیان آنکه هر آهنگی را از چه برمیداشته‌اند ، فصل دربیان آنکه نزد هر فرقه چه‌نغمه باید خواند .
۲ ــ کرامیهٔ دورهٔ سفره‌چی مورخ ۱۲۷۹ ، هردوشمارهٔ بیك نستعلیق ، با عنوان ونشان شنگرف ، ربعی .
۸ ــ مجموعهٔ Or. 816 موزهٔ بریتانیا از سدهٔ ۱۲ (۱۸) (فهرست اونس ص ۳۲ ــ نشریه ۶ : ۶۶۰) دارای یك **رسالهٔ موسیقی** که پس از راگ موسیقی است و آن منظومه‌ایست دربیان راگه‌ها وراگینیها .
۹ ــ مجموعهٔ Or. 7628 موزهٔ بریتانیا از سدهٔ ۱۲/و۱۳ (۱۸ و ۱۹) (فهرست اونس ص ۳۲ ــ نشریه ۶ : ۶۶۰) دارای :
۱ ــ گزیده‌ای ازکتاب **سماع‌الموحدین** .
۲ ــ **انتخاب راگ درپن** .
۳ ــ **انتخاب نائیکابهیند** .
۱۰ ــ مجموعهٔ ۷۱۴ دیوان هند (۱ : ۳۷۱) که در ش ۵ آن :
۱ ــ گزیده ایست از **مفتاح‌السرور** قاضی حسین بسال ۱۰۸٤ در موسیقی هندی (فهرست پرچ ص ۸٤) .
۲ ــ بندی در موسیقی بدینگونه : بدانکه موسیقی تألیف است و وضع حکماء است ونهاد آن روح است . . .) .
۱۱ ــ مجموعهٔ ۲۰۳۳ دیوان هند دارای :
۱ ــ **الهام‌الطرب** در موسیقی هندی .
آغاز : بعد نوای حمدجزیل وپس‌صدای قوال‌ثنای منعم جمیل کبوترجان.
۲ ــ **منفعةالطالبین** در چهارباب :
۱ ــ در شش راگ و سی‌وشش راگنی .

۲ – دربیان راگ وراگنیها که مخصوص‌اند علی‌الترتیب .

۳ – در تفصیل راگ وراگنیها .

٤ – دربیان اختلاط راگ وراگنیها .

۳ – پاره‌ای از راگها و راگنیها به نظم هندی که نخستین آن راگ مالا است به زبان هندی .

٤ – فهرست نامهای راگها و راگنیها به نظم فارسی با فهرستی به نثر .

۱۲ – مجموعهٔ ش ۱۵۵٦ عربی (٥٤٥) کتابخانهٔ ملی باندازهٔ بغلی درجلد تیماج حنایی مقوایی ، ازآن محمد سعید لاهیجی گیلانی وخریداری عبدالحی‌بن عبدالرزاق رضوی با خط این‌دو ، دارای :

۱ – الرسالةالشرفیة : ارموی . در پنج مقاله ، به‌نسخ عبدالعزیزبن ابی الغنایم محمودبن‌احمدبن ابی‌الفضایل کاشی درصفر ٦۹۳ درمدرسهٔ مستنصریهٔ بغداد. او راست روضةالناظر ونزهةالخاطر فی‌الآداب والاشعار العربیة والفارسیة والحکم (چلبی – بروکلمن ذیل ۲ : ۹۰٥) و رسالهٔ قلمیه ساختهٔ ۷۰۱ و رسالهٔ سیفیه (ادبیات تهران ۱ : ٤۷۹) و شرح‌المفصل للزمخشری ساختهٔ در قمصر کاشان (نشریه ٤ : ٤٥۲ – فهرست فیلمها ص۳٤۷ ش۲٥۳۳ – روضات‌الجنات ص٤۲۳– ابن‌الفوطی جزو ٤ قسم ۱ ص۲۲۲) او درشرح المفصل ازکمال‌الدین عبدالرزاق با عبارت «دام ظله» یاد میکند (در تعریف کلمه در آغاز) . علی‌بن ضیاءالدین محمدبن یحیی‌بن فتح‌الله یحیی‌بن حسن‌بن فخرالدین امیدواربن فضل‌الله‌بن اسحق‌بن فضل‌الله‌بن محمدبن ابی‌المکارم‌بن احمدبن علی‌بن ابی‌عالم‌بن احمدبن ابی‌الغنایم عقیل‌بن یحیی‌بن ذربن ابی‌ذر الغفاری در پایان خطاب به رفیع‌الدین حیدر دربارهٔ جستن این نسخه در کاشان در ۹٤٥ شرحی میآورد و باز می‌نویسد که نویسندهٔ نسخه (عبدالعزیز) برادر احمدبن ابی‌الغنائم محمودبن احمد از نیاکان پدری من است . گویا کمال‌الدین عبدالرزاق‌بن جمال‌الدین احمدبن ابی‌الغنایم کاشانی شارح فصوص و درگذشتهٔ ۷۳۰ باید پسرهمین احمد باشد.

۲ – «تحصیل اقل عدد ینقسم بالانقسامات المعروضة للوتر المفروض فی هذه‌الرسالة بحیث یصح منه کل نسبة مذکورة فیها بلاوقوع کسری (۳ ص) از عبدالعزیز کاشی ، به نسخ ریزتر .

۳ – الادوار : همان ارموی ، در ٥ فصل بهمان خط ش ۱ .

٤ – ۱۸ بیت بدینگونه :

مقام اندر عدد هشت آمـد و چهار

دو شعبه هر مقامـی راست ناچـار

حسینی کز مقامات است برتر
دوگــاه آمد به پیشش با محیر

. . . .

. . . .

رهاوی شد به نوروز و عجم رام
به نوروز عرب بود از دل آرام

۵ ــ هفت بیت دیگر :
عشاق مرا قد حسینی است چو راست
در پروردهٔ بوسلك رهاوی و نواست

. . . .

. . . .

بگوش جان شنو ازکوکبی که کردادا
به بیست وچاروده ودو مقام‌وشش‌آواز

درپایان آمده که کوکبی گویا کاشی است چه در آنجا خاندان‌کوکبی هنوز هستند .

۶ ــ شرح آداب‌البحث ، به عربی ، به‌نسخ تازه‌تر وانجام افتاده .

مرحوم بدیع‌الزمان فروزان‌فر این نسخه را دیده ودر مصباح‌الارواح (ص ۹۲) از آن یاد کرده است .

۱۳ ــ مجموعهٔ ش ۵۳۱ دانشکدهٔ الهیات مشهد درجلد تیماج تریاکی لایی وکاغذ فرنگی باندازهٔ ربعی به خط نسخ در دو شماره و نستعلیق در شمارهٔ سوم ، از سدهٔ ۱۲ ، عنوان و نشان و شکل شنگرف ، در ص ع پراکنده‌ها است و ازآنها است لفظةالموسیقی یونانیة معناها الالحان . واللحن معروف وهومارکب من جماعة نغم و رتب ترتیبا مقرونا ببیت من‌الشعر ، لوازم» (از لوازم‌الموسیقی احمد مداینی حداد) .

درنشریهٔ کتابخانهٔ مرکز دانشگاه (۵ : ۷۹) ازآن یاد شده‌است ، دارای :

۱ ــ الادوار فی معرفةالنغم والاوتار : «صفی‌الدین عبدالمؤمن‌بن فاخرالخوئی الارموی صاحب‌الشرفیة (۱ پ ــ ۲۶ پ) .

۲ ــ شرح‌الادوار ، به «قال، اقول» باآوردن پاره‌ای از متن درهربندی ودرآن از ردی که ارموی بر فارابی‌کرده است خرده‌گیری شده است (۲۷ پ ــ ۷۵ پ) درست مانند دونسخهٔ موزهٔ بریتانیا Or. 2361/4 , Add 7471 .

آغاز : بسمله . و علیك‌التعویل یا کریم الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی سیدنا محمد وآله الطاهرین . قال : ورتبته . اول : قبل‌الخوض فی‌المقصود

يجب ان يعلم ان لكل علم موضوعا ومبادی ومسائل .

انجام : فليكن هـذا آخر ما اردنا من توضيح هذه‌الرسالـة والحمدلله حمدالاانتهاء لاعداده ولاانقضا لامداده والصلوة والسلام علی‌المصطفين من عباده خصوصاً علی محمد و آله و اولاده و علی اصحابه واتباعه‌الناهجين مناهج ارشاده.

۳ ــ شرح ادوار : لطف‌الله‌بن محمدبن محمودبن محمدبن اسعد سمرقندی که به دستور «اميرزاده سيدی» در يك مقدمه ودوقسم (تأليف ــ ايقاع) هريك چند فصل بی‌شماره ساخته است (۷۷ پ ــ ۸۶ پ) .

آغاز : بسمله . سبحان من‌تفرد بتأليف ادوار الافلاك و توحد فی ايقاع نقرات حركاتها فی‌الازمنة‌المتغايرة و بعد فيقول . . . لطف‌الله‌بن محمدبن محمود السمرقندی . . . هذه رسالة‌فی‌العلم‌الموسيقی‌نظمتها تذكرة‌الاحباب بل تبصرة‌لاولی الالباب وقسمتها الی مقدمة وقسمين . . . اما بعد چون عنايت احديت و بروفق ارادهٔ ازليه اختر فلك اقبال ازافق كمال طالع شد .

انجام : كه پنج اول به اشارت انامل بود وباقی به‌ايقاع ضرب والصواب والحمدلله علی من اتبع‌الهدی بمحمد وآله .

سمرقندی در ديباچه دوجا از خود نام می‌برد و ميگويدكه من به دستور اين امير ادوار را به‌فارسی ترجمه كردم و آن‌را روشن ساختم . گويا او اين رساله را از روی ادوار ساخته است چه آن خود رسالهٔ جدائی است.

۱٤ ــ مجموعهٔ كتابخانهٔ ملك ش ٤٩٤ به نسخ و نستعليق سدهٔ ۱٤ عنوان و نشان شنگرف در ش ۱ ، با فهرست رساله‌ها در ص ع .

۱۹۲ گ ۲۱٫٦×۱٤ ، جلد ميشن مشكی (عكس ٦۱۳٤ دانشگاه) .

۱ ــ قمارنامه : اصل ازضياءالدين حاج ميرزا محمد ابراهيم مشتری شيرازی طوسی (۱۲٦٤ ــ ۱۳۰۵) كه پس از حج و زيارت عتبات در تهران درگذشته است ، در يك منصوبه و نه لعب و بيست‌وهفت بساط و يك نيرنگ ، تدوين‌رساله از شاه‌زاده ابوالقهار محمد امين ميرزای قاجار (پسرفتحعلی‌شاه) زادهٔ ۱۳۲٤ و درگذشتهٔ نزديك ۱۳۰۹ درتهران است، درپند به فرزند خود، در آن از خان‌قلی آقای نراد كه اورا وی به‌استادی خويش برگزيده بود ياد ميكند و حكايتها وشعرهای فارسی درآن هست (مجلس ۸ : ۱۸٦ ــ ملی ۳ : ۳۵۵ ــ آستان قدس ۷ : ۷٦٤ ش ۹٤٤/۲ ــ رجال قاجار ۳ : ۳۰۱) او آن‌را در ذ ق ۱۲۹۳ بانجام رسانده است .

در ديوان او (ش ۵۲٦۵ دانشگاه ــ مجلس ۸ : ۱۸٦ ش ۲٤۹۰/٤) از بازی ترانت و ترم‌توكه از روس آمده بود ياد شده است .

به خط نستعليق ، نويساندهٔ اسماعيل‌بن حسين‌بن علی‌اكبر كه يادداشت او

مورخ ۱۳۱٤/۱٤ در ص ع دیده میشود (۲ پ ـ ۸٤ پ ۱۵ س) چنین است فهرست آن :

منصوبه در آداب کلیهٔ قمار باختن و بیان مقاماتی که در آنها از قمار احتراز باید کرد و شناختن اشخاصی چند که با قمار با آنها نشایدکرد .

لعب اول در پیدا شدن شطرنج و واضع و آداب و شرایط کلیهٔ آن و اقسام شطرنجها .

لعب دوم در آداب نرد باختن و واضع و قاعدهٔ کلیهٔ این بازی ومقامرین است و حیله‌هایی که دربازی نرد کرده‌اند .

لعب سوم در آداب اسناس (آس) بازی و واضع آن و حیله و هفت‌بریها و اشخاصی‌که دراین قمار هنرکامل دارند درسه بساط .

لعب چهارم درآداب گنجفه‌بازی وبازی‌هاای که با گنجفه الآن معمول است و اشخاص هفت‌برگنجفه‌باز و حالات ایشان در سه‌بساط .

لعب پنجم در آداب بیجازبازی و طریقهٔ آن واشخاصی که به بیجاز طالب و راغب هستند در سه‌بساط .

لعب ششم در پیداشدن دوزبازی و واضع‌آن در دوبساط .

لعب هفتم در آداب کلیهٔ قاب بازی وواضع آن و اشخاصی که قاب‌بازند وکلمات مضحك آنها وغذاهایی‌که مخصوص ایشان است در سه‌بساط .

لعب هشتم دربازی مغل وافغان که به‌مغل بیان معروف و چنك نادر مشهور است در سه‌بساط .

لعب نهم درا قسام بازی‌های متفرقه و بازی که با پول سیاه میکنند و اشخاصی‌که مایل این بازی هستند وتخم‌بازی ولیل‌بازی وفنجان بازی در پنج‌قسم.

نیرنگ در افعال شنیعه وگفتار قبیحهٔ قماربازان (خاتمه در ذکر حکایات متفرقه ونکات بدیعهٔ متعلقهٔ به ارباب فن) .

آغاز : ستایشی‌که پاکبازان نرد بندگی را شاید ونیایشی‌که رقعه‌سازان و یکه تازان صفحهٔ شطرنج پرستندگی را باید حمدوثنای منصوبه‌پرداز نرد وجود ورقعه‌ساز شطرنج موجود است .

انجام : بدان ای‌فرزند من این‌کتاب را به مقتضای رای مهرنمای شاهنشاه جهان ودستاری و ربط دادن الفاظ و اشعار میرزای مشتری که سالها است معاشر شب و روز من است انجام دادم که گاهی از مطالعهٔ آن به عیبهای قمار وبی‌شأنی مقامرین آگاهی یافته هیچ وقت پیرامون این اعمال نگردی والله بصیر بالعباد .

تمت‌الکتاب‌الموسوم بقمارخانه مستعجلا بید اقل‌الشعراء ابراهیم‌المتخلص بمشتری‌الطوسی . کس نداند که پس پرده که خوب است و که زشت . فی‌شهر

ذی‌القعدة‌الحرام ۱۲۳۹ .
۲ ــ نصایح شیخ‌المقامرین به پسر خود (بهمان خط ۸۵ر ــ ۸۸ پ) از همان مشتری ، ساختهٔ در ۱۲۹٤ در دو قسم :
۱ ــ نصایح شیخ‌المقامرین به فرزند خود که چه کند تا ترقی وپیش‌رفت کند .
۲ ــ کنایات به سیاق رسالهٔ ده فصل یا تعریفات عبید زاکانی به‌ترتیب تهجی (فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۷۰۹– آستان‌قدس ۷ : ۷٦۵ ش۳/۷٤٤– مجلس ۸ : ۱۸۷ ش ٦/۲٤٦ مورخ ۱۲۹۲) .
آغاز : نصایح شیخ‌المقامرین به پسر خود به رسم کنایه که هر گاه بخواهی موافق سلیقه و قانون ابناء زمان که درین عهد امیر و وزیر ومشار ومشیر هستند رفتار کنی باید اینها را کاربندی به هیچ وجه ملاحظهٔ اصالت خودرا ننمایی .
انجام ناتمام : آنگاه با خانه شاگردان . . .
همیشه به آنها وعده بده .
انجام آستان‌قدس : وحشی ، عاقبت اندیش و آن‌کسی که تواند درشهر زندگی کند .
۳ ــ رسالة فی‌الموسیقی : حاج محمدکریم‌خان کرمانی که در ۱۹ رجب ۱۲٦۲ ساخته است (نسخ اسدالله سیرجانی کرمانی در چاشت روز پنجشنبه ۲ رمضان ۱۳۰٤ ، ۹٤ پ ــ ۱۰٤ر۲۲ س) در یك مقدمه وچهار باب (فهرست مشایخ ۲ : ۲۳۱) :
مقدمة فی تعریف‌الموسیقی .
الباب‌الاول فی معرفة‌الصوت و فیه فصول : الصوت امامن‌الجمادات او من‌الحیونات، اختلاف‌النغم والالحان فی‌الغناء ، النغمة .
الباب‌الثانی فی‌حصرالنسب واستخراج‌الابعاد ومراتبها فی‌الملائمة والمنافرة وهو مشتملة علی ثلثة فصول :
الفصل‌الاول فی حصرالنسب .
الفصل‌الثانی التألیف من‌النغمتین .
الفصل‌الثالث اسباب‌الحدة فی‌الاوتار القصر والرقة والتوتیرفی‌ذوات‌النفح
الباب‌الثالث فی‌الفصل والوصل وفیه‌ثلثة فصول :
الفصل‌الاول فی معنی الوصل و اقسامه .
الفصل‌الثالث فی الفصل .
الفصل‌الثانی فی‌کیفیة العمل فیه .
الباب‌الرابع فی ذکر امور کلیة فی هذا العلم و فیه ثلثة فصول .

الفصل الاول فی الالحان .
الفصل فی اصل النغمات من الحرکات والسکنات .
الفصل الثالث فی الطبایع المختلفة للنغمات .
آغاز : بسمله . حمله . فیقول العبد الاثم کریم بن ابراهیم ان هذه کلمات قلیلة .
انجام : و نحن کتبنا هذه الرسالة لا لاجل تعلیم الغناء بل لاظهار آیة من آیات الله سبحانه کما اشرنا الی شطر من ذلك فهذه فتنة فلا تکفر.
٤ ــ خطبة عیدالفطر : گویا ازهمو (نسخ همان اسدالله سیرجانی کرمانی در ١٣٠٤ ، ١٠٤ پ ــ ١٠٩ پ ١٥ س) .
آغاز : بسمله . الحمدلله الذی مد نقطة الکینونة فی عالم البینونـة بالف الابداع .
انجام : ولیوفوا نذورهم ولیطوفوا بالبیت العتیق .
٥ ــ بهجة الـروح : عبدالله المؤمن ابن صفی الدین ابن عزالدین ابن محی الدین ابن نعمة ابن قابوس وشم گیر جرجانی (١١٥ رــ١٣٩ ر ص١٩ س شکسته ــ نستعلیق ریز) به نام سلطان محمود غزنوی که به درخواست دوستان از چند کتاب و رساله برگزیده و درآن از استاد سراج الدین محمد غواص و شیخ صفی الدین مراغه‌ای یاد کرده .
مقدمه دراینکه هرآوازی و گوشه‌ای و شعبه‌ای از چه چیز استخراج نموده‌اند .

باب اول در مبداء این علم .
باب دوم دراقوال حکماء دراین خصوص .
باب سوم در نسبت این علم به وجود انسان .
باب چهارم در نسبت این علم به کواکب سیاره .
باب پنجم در بحور اصول و حرکات هریك بقدرالحال والضرورة .
باب ششم در بیان این علم فی النظم .
باب هفتم در ترکیب پرده بحسب سیر عطارد و زهره .
باب هشتم دراینکه هرکس را چه نغمه شاید .
باب نهم دراینکه از هرپرده تا پردهٔ دیگر چند بانگ است .
باب دهم در سلوك صاحب این فن با خواص وعوام .
خاتمه درنسبت پرده‌ها به کواکب سبعهٔ سیاره و حصول اربعه.
آغاز : . . . وبعد چنین گوید . . . (نام مؤلف) که چون طبع سلطان ــ السلاطین سلطان محمود غزنوی را راغب و مایل به علم شریف موسیقی دید .

انجام : وهر گاه استادان خواسته باشند آزمایش کنند و قوت و قدرت يك‌دیگر معلوم کنند ازآن معلوم کنند والسلام علی من‌اتبع‌الهدی .

٦ ـ رساله درعلم موسیقی ازصدرالدین‌محمد، درآن یاد شده‌است ازفارابی وقانون‌او وابن‌سینا وفیثاغورس و صفی‌الدین‌عبدالمؤمن ارموی‌آذربایجانی ورسالهٔ ادوار اوکه‌برآن‌دانشمندان شرحها نوشته‌اند وخواجه‌عبدالقادرمراغه‌ای ومقاصد و جامع‌الالحان او و استاد قطب ثانی و حافظ ادوار قزوینی و خواجه رضوان‌شاه تبریزی وخواجه مولانا شمس رومی وضرب‌الملوك او ومولانا طاقیه‌دوز واستادشاه محمد موزه دوز هروی ومولانا حسین کوکبی .

(بهمان نستعلیق ٢٧ ذ ح ١٣٠٣ ، ١٣٩ پ ـ ١٤٦ پ ١٩ و ٢٠ س) .

چنین است فهرست آن :

مقدمه در پیدا کردن علم موسیقی و تعریف نغمه و ایقاع و ذکر اسامی کسانی‌که مربوط به‌این فن بوده‌اند .

فصل اول دربیان بعضی حالات ومقدمها واسامی آن .

فصل دوم دربیان آوازها .

فصل سوم دراسامی بیست‌وچهار شعبه .

فصل چهارم در خواص هرکدام .

فصل پنجم در ذکر اصولها که در کتب موسیقی نام ایقاع مذکور میشود.

آغاز : و بعد این مختصریست در علم موسیقی و مبنی است بر يك مقدمه وپنج فصل و يك خاتمه .

انجام : وحقیر شصت سال ریاضت کشید تا اینها را دانسته وبیان نمود .

٧ ـ رسالهٔ سؤال و جواب یا پرسش و پاسخ در مطایبه و نصیحت و پند وجز اینها با نظم ونثر ازستایش ونکوهش وغزل وقصیده ورباعی وقطعه به‌فارسی از «سرگردانی» (شکسته ـ نستعلیق، ١٦١ر ـ ١٦٨ر) : گویا از مشتری، درآن از عین‌الدوله و ظل‌السلطان سلطان مسعود میرزا و بهاءالملك یاد شده‌است .

بدینگونه است :

١ ـ اسباب بهادری و شرایط دلاوری در عرصهٔ جدال و معرض قتال چنداست .

٢ ـ تکلیف در نوکری چیست و شخص نوکر را چسان باید زیست .

٣ ـ اگر کسی ازاین صورت عاری است و جزنوکری کارش نیست چه کند.

٤ ـ حلم را که بر رخسار شاهد خلق عارفان است (؟) چه‌اندازه است .

آغاز : بسمله . پس‌از حمد وسپاس مؤسس این اساس . . . چون بعضی

از محباب ظریف که درصحرای مردم حریف بودند گاهی کماهی وقایعات اردو را برسبیل مطایبه در مقام سؤال برمی‌آمدند و جوابی را که بیان واقع بود عرض می‌شد لهذا خواهش فرمودند که سواد جواب وسؤال را به‌رشتهٔ تحریر وتسطیر آورده و پاره‌ای از مطایبه و نصایح وتجارب از نظم و نثر از مدح و ذم از غزل وقصیده ورباعی [و] قطعه برآن الصاق والحاق نماید.

انجام: سربسته باد کرده همچوانبان چون بگشودند باد خالی بودی

در ۱۶۸ ر غزل فارسی تاراج است درشش بیت، بدینگونه:

مصور آمد ورفتی تو را چوماه کشید قلم چوبرسر زلفت‌رسیده‌است آه‌کشید

۸ — ترجیع‌بند از میرزا عبدالله خلج متخلص به غیرت، در هجو همای کتابدار و عجیب و دیگران در سیزده بند (شکسته نستعلیق ابراهیم توپچی در روز یکشنبه ۱۶ محرم ۱۳۰۳ تخاقوی‌ئیل وروز دوم عقرب، چلیپا وراسته و درچپ و راست، ۱۷۰ پ — ۱۷۹ر).

آغاز: آمد چوهما بزی زشیراز درحجرهٔ سز (؟) محرم راز

منزل بنموده در فضیلت کردند بهم ترانه‌ها ساز

انجام: شه‌رود به قایل و به سامع گفت‌ازسرخشم درپس قال

اول پدر هما بسوزد دوم پدر شما بسوزد

در ۱۸۰ر شعرهای فارسی است در هجو.

۱۵ — مجموعهٔ ادینبورگ New college نسخهٔ خطی فارسی O.P. 3.18, 60, 62 (فهرست دوم ادینبورگ ص ۶ — استوری ۱ : ۱۲۵۸) دارای حکایات سلاطین و اندرزنامهٔ نواب شیرازی و رساله‌ها و بندهای دیگر سپس:

۱ — رساله درفن موسیقی از حاجی حسین ظهیری اصفهانی به نثرفارسی در پنج باب و ۱۵ فصل (۱۷ گ).

۲ — رسالهٔ منظومه در فن موسیقی (۳ گ).

۳ — شمس‌الاصوات در ترجمهٔ سنگیت از خوش‌حال خان در زمان عالم‌گیر پادشاه.

٤ — رسالهٔ درفن موسیقی هندی‌که افتتاح آن در سه مفتاح است به‌فارسی.

۵ — رسالهٔ وجیزه درتقسیم تار برای استخراج نغمات موسیقی درمقدمه و دو قسم و خاتمه به فارسی.

پس ازاینها نوشتهٔ سرگوراوزلی است و نامه‌های درباری دیگر مورخ ۱۲۳۹.

۱۶ — **احمد تیمورپاشا درالموسیقی والغناء عندالعرب** چاپ ۱۹۶۳ مصر

دو رساله گذارده است :

۱ ــ الموسیقی اشرف‌العلوم والطف‌الفنون (۱۴۰ ــ ۱۵۱) که رساله‌ایست به عربی دارای عنوانهای زیر پس از خطبه :

فصل‌الموسیقی و منافعه .

فصل فی‌اصل من وضع‌الموسیقی ومن ولع به عملا .

فصل فیما ذکر اهل‌الفلسفة من اهل هذه‌الصناعة .

فصل فی شرح‌الدائرة .

فصل فی‌الثمان بردات‌التی‌هی فروع‌الاصول‌الاربعة .

فصل فی ذکرالست آوازات .

فصل فی ذکر اجزاء السبعة بحور .

فصل فی ذکرالشواذات قاعدة (جدول است) .

واژه‌های فارسی در آن بسیار است . مؤلف خود را هم زمان معاصران صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی و شمس‌الدین سهروردی نشان میدهد .

۲ ــ ارجوزة فی علم‌الموسیقی از شیخ عبدالرحمن حباك عودی (ص ۱۵۲ ــ ۱۶۲) به عربی با واژه‌های فارسی فراوان . نیمهٔ نخستین آن گزیده و کوتاه ودارای چهار فصل :

۱ ــ فصل اصول اربع للنغم .

۲ ــ فصل فروغ هذه‌الاصول .

۳ ــ فصل آوازات الست .

۴ ــ فصل‌البحور .

نیمهٔ دوم شرح نیمهٔ پیشین است و در آن آمده است «شرح هذه‌الرسالة و جاء نی خل یسالنی فی‌نظم هذه ذی‌الرسالة وشرحها» درآن شش فصل است :

۱ ــ فصل فی‌الاصول الاربعة .

۲ ــ فصل لمایختص کل نعمة من هذه‌الابعاد .

۳ ــ فصل فی‌شرح سائرالفروع .

۴ ــ فصل فی شرح‌الآوازات الستة .

۵ ــ فصل فی شرح ابحرالنغمات .

۶ ــ فصل فی تحریر رموز ذکر فی‌الشرح .

دراین‌جا باید شکلی رنگین باشد .

۹

آثار گمنام فارسی درموسیقی هندی

۱ ــ فریدالزمان فی‌معرفةالالحان در موسیقی ایرانی از مؤلف **غنیة المنیة** و پیش‌از آن و به درخواست فرمانروای گجرات **امیر شمس‌الدولة والدین‌ابراهیم حسن ابورجا** ساخته شده است .

در فهرست سرفراز علی ضوری ص۶۶ (انجمن ترقی اردو پاکستان) . از نسخه‌ای ازآن یاد شده‌است .

۲ ــ غنیة المنیة : در موسیقی هندی که در زمان **ابوالمظفر فیروزشاه** (**فیروزالدین تغلق** ۷۵۲ ــ ۷۹۰) بسال ۷۷۶ بدرخواست فرمانروای گجرات **امیر شمس‌الدولة والدین ابراهیم حسن ابورجا** ساخته شده وترجمه‌ایست ازسانگیت درپن Sangita Darpan که به‌زبان سنسکریت است .

مترجم مینویسد که من بدرخواست همو اندکی پیش از این **فریدالزمان فی‌معرفةالالحان** را که درموسیقی ایرانی است بفارسی برگردانده‌ام .

این رساله در دوقسم است :

۱ ــ در دوباب :

الف ــ درمعرفت سرود درچهارفصل .

ب ــ درمعرفت مزامیر در دوفصل .

۲ ــ در دوباب :

الف ــ در بیان رقص .

ب ــ در شرایط و آداب مجلس سرود و اصحاب محاسن و معایب بعضی

اصحاب و جزآن درهشت فصل .

* دیوان هند ۲۰۰۸ با تصاویر .

۳ ـ راگهای هندی : ترجمه‌ایست ازکتاب سنسکریت در موسیقی هندی تألیف نایك بخشاو Nayak Bakhshawa گوالیاری بنام هزار دهرپد (Hazar Dahurupad) .

مؤلف از درباریان راجه مان سینگه Man Singh درگذشتهٔ نزدیك ۹۲۴ بوده و زمیندار شهر کالینجار بهادرشاه گجرات (۹۳۲ ـ ۹۴۳) پس‌ازآنکه اسکندر لودی (۸۹۴ ـ ۹۲۳) گوالیار را گرفته بوده است .

این‌کتاب به فرمان شاه‌جهان پادشاه (۱۰۷۳ ـ ۱۰۶۸) ترجمه شده‌است.

آغاز : چون نفوس مقدسه بخرد نهاد را میل به لذات روحات بیشتر و ادراك سرور از اموری‌که مستلزم . . . . . .

واز آنجاکه دراین‌عشرت‌نامه تصانیف «نایك‌بخشو هزار دهرپد» نگارش یافته و به‌هندی تصانیف را هزار اسهنسر میگویند و لذت را (رس) مینامند واین مجموعه بهجت‌فزای لذت‌انگیز مشتمل بود بر هردو معنی به (سهنسررس) موسوم گردید «هزار درهپد» چهار «راگ» و چهل‌وشش «راگنی» .

* بادلیان ۱۸۴۶ مورخ ۱۵ صفر ۱۰۷۸ نوشتهٔ محمدامین اکبرآبادی درشاه جهان‌آباد برای شاه‌قبادبن‌عبدالجلیل حارثی بدخشی دیانت‌خان ونسخه ازآن میرزا محمدرستم معتمدخان پسر او بوده‌است .

* دیوان هند ۲۰۱۵ مورخ رمضان ۱۰۶۶ .

٤ ـ رساله درعلم موسیقی بروش‌هندی گویا ترجمهٔ فارسی اثرسنسکریت سنگیت درپن Sangit Darpan (ش ۱۸۴۷ بادلیان) با ترجمهٔ آیینه ملودی است، بی‌دیباچه است .

آغاز : بدانکه علم موسیقی علمی‌است درغایت لطافت هرطبعی آنرا محیط نتواند شد و هردلی آنرا مدرك نتواندگشت زیرا که کسب علم موسیقی ممکن نشود مگر به طبع سلیم .

* بادلیان ۱۸۲۵ بی‌تاریخ .

۵ ـ رسالهٔ راگمالا Ragmala از نهاکرداس درمحرم ۱۱۸۸ .

آغاز : در بیان راگ و راگنی‌های نغمات ومقامات اهل هند .

* دیوان هند ۲۰۱۸ مورخ ۱۱۹۳/۲٤۲۵ .

۶ ـ بندی در موسیقی ، با عنوانهای :

باب چهارم درنواختن هرکدام راگها و راگنیها درطنبور .

باب پنجم درعلم سنگیت یعنی علم موسیقی وآن مشتمل است بر ده فصل .

* بهار هند ش۲۳۷ (۱ : ۱۸۷) .

۷ ــ رساله در راگها و راگنیها به‌زبان ریخته وپنجابی وفارسی که باعنوان «در راگ بهیدون» آغاز میشود و درپایان «قول در رامکلی راگنی» دارد .

* دیوان هند ۲۰۱۹ .

۸ ــ رساله در راگها و راگنیها به‌زبان ریخته وفارسی باعنوان «راگهای هند» درآغاز نسخه .

* دیوان هند ۲۰۲۰ .

۹ ــ رسالهٔ موسیقی ، دربارهٔ راگها و راگنیهای هند .

آغاز : بدانکه در ولایت ایران وغیره شش آواز علم موسیقی را شش‌نام مقرر کرده‌اند .

* بهار هند ش ۲۳۶/۲ (۱ : ۱۸۷) .

۱۰ ــ کنزالموسیقی : در راگها و راگنیها و دهره‌های به‌زبان هندی با «دیباچهٔ نوباوهٔ گلشن‌جنان» وشعرهای فارسی بنام **معززخان** .

آغاز : صدای ستایش محمود بنام نغمه‌سرای کن .

* دیوان هند ۲۰۲۱ .

۱۱ ــ سرودهای هندی : توژی ، پورپ و رام‌گلی ، کاموز ، سریراکه ، ساموژی، کاپائیتی، آسا، بلاول وصبحی، منمل وران، کیژارد (مرثیت امام‌حسین) .

آغاز : پرتووپنو هجو جرجی جالاژی .

انجام : امید ارواح بی‌پسندی پنی .

* ملك ٦٣٩٢ ، نستعلیق سدهٔ ۱۳ در ۱٦۲ برگ .

۱۲ ــ دستور النغم : در چهارباب دربارهٔ طنبورزنی .

۱ ــ در ذکر (سره Suara = e) ومقام سره‌ها وغیرآن .

۲ ــ در ذکر راگها و راگنیها (Ragini) و امثلهٔ آن .

۳ ــ درصورت تهاتهٔ راگها و راگنیها درطنبور .

٤ ــ درنواختن هرکدام از راگها و راگنیها درطنبور .

آغاز : به‌جمیع دستور واصطلاح طنبور برنگار تا ما نیز بیاموزیم .

* برلین ش ۳٤/۳ (ص۸٤ پرچ) .

۱۳ ــ مجموعهٔ آوازها Songs به روش هندی با حروف .

مجلد یکم دراصول خفیف :

در اصول عمل .

در اصول اوسط .

در اصول ضرب .

در اصول چهار ضرب .
در اصول ضرب الفتح .
مجلد دوم دراصول رمل وغیره .
الموشح الکلی جامع لجمیع الالحان مرتب علی بیوت خمسة ، ساختهٔ خواجهٔ رومی در اصول ثقیل .
* بادلیان ۱۸۵۱ ، گویا از دویست یا سیصدسال پیش .
۱٤ ـــ اصول النغمات الاصفی : در موسیقی هندی به درخواست مستر **ریچارد جانسن :**
۱ ـــ دربیان «سُرادهیا» در شش فصل .
۲ ـــ دربیان «راگ ادهیا» .
۳ ـــ دربیان «پرکیرن (پرکیرنگ) ادهیا» یا «کادهیا» .
٤ ـــ دربیان «تار ادهیا» .
٥ ـــ دربیان «ناد ادهیا» .
در نسخهٔ بهار شش اصول است .
آغاز : نحمدونصلی . وجدانگیزتر نمّی که سوزان سینه‌ریشان محبت .
* بهار ش ۲۳۵ و ۲۳٦/۳ (۱ : ۷ ـــ ۱۸٦) .
* دیوان هند ش ۲۰۱۷ و ۲۰۲۳ * .

---

* برای موسیقی نوین بنگرید به :

Archives of recorded music
Archives de la musique enregistrée.
A Catalogue of recorded classical and traditional Indian Music.
Catalogue de la musique indieme classique et tradionnelle enregistrée.

Aliain Danielou
(Shiva Sharan)

۱۰

آثار گمنام فارسی در موسیقی ایرانی

۱ ــ رسالهٔ موسیقی بدینگونه :

«سخنی چند از کلام حکماء نقل کرده اینجا بر نهیم و غالباً از کتاب اخوان الصفاء و امام فخرالدین رازی رحمه‌الله ترجمه کرده است بدانکه موسیقی تألیفی است از وضع حکماء و نصیب ازآن ارواح راست نه‌اجسام و اجسام را ازآن نصیبی نیست وموسیقی صناعتی است مرکب ازجسمانی وروحانی وتألیف غنا والحان ازآنست.»

انجام : هیچ اشتباه نتواندکرد . تمام شد رسالهٔ موسیقی درقول حکماء ما تقدم بعون‌الله وحسن توفیقه .

* پایان نسخهٔ ۳۶۵۱ نورعثمانیه از شرح ادوار مراغی در ٦ص ٦س (فیلم ٤۹۱ دانشگاه) .

پس‌از این یك صفحه «تفصیل موشك وترقه وهوائی وغیره» است .

۲ ــ رساله درموسیقی

درآن آمده «چنانکه درکتاب نسبت مؤلفه یادکردیم» .

آغاز : بدانکه موسیقی تألیفیست که حکماء ارواح حیوانی وضع کرده‌اند نه جسم را که جسم را ازآن نصیبی نیست وموسیقی صناعتی است مرکب ازحیوانی و روحانی وتألیف غناء الحان از ویست .

انجام افتاده : واین موسیقی را عظیم اصلی (۳ص) .

* جنگ ۱٤٤۷ حمیدیه مورخ ۷۵۰ تا ۸۱۱ ش ٤۲٦ (٦۱) .
(فهرست فیلمها ص٤۲٦ ش۱۹۵) .

۳ ــ المختصر المفید فی بیان الموسیقی واصول احکامه

درمقامات وپرده‌ها بفارسی در ۱۳س .
* جنگ ۱٤٤۷/۵۷ حمیدیه مورخ ۷۵۰ تا ۸۱۱ .
(فهرست فیلمها ص٤۲٦ ش۱۹۵) .

٤ ــ فائده‌ای دربارهٔ نامهای دوازده مقام وشرحی از آنها

* سپهسالار ش۵٦۵ برگ ۱۱۹ ــ ۱۲۱ .

۵ ــ قواعد اصول وفروع

آغاز : دراسامی دوازده مقام اول راست دوم عراق سیم اصفهان .
انجام : پنجگاه رهاوی نهفت غزال جمع باشند . تمام شد قواعد اصول وفروع وسیونر (؟) دوازده مقام وترکیبات جملگی والله اعلم .
* سپهسالار ش ۵٦۵ گ ۱۲۲ر ــ ۲۱۳ر در ۳ص بهمان خط شابرانی .

٦ ــ مقامات موسیقی

نام مقامات وخوانندگان با رموز وارقام وتنها بروش پیشینیان درآن‌آمده وگویا درکشور عثمانی به‌نگارش درآمده است وکتاب را درنسخه نامی نیست .
چنین است مقامهای آن : عراق ، راست ، عشاق ، صبا ، بیانی ، عجم ، عجم عشیران ، سنبله ، شهناز ، حصار، غزال ، بوسلیك ، بوسلیك عشیران ، ماهور، نکریز ، پنجگاه ، نشابور ، رهاوی ، عرض‌بار ، باباطاهر ، حجاز ، زرکله ، نهفت ، زیرافگند ، بسته‌نگار ، مایه ، اصفهان ، کوشت ، سپهر .
چنین است نام خوانندگان و سازندگان : شریف ، مضفر ، ملك‌جان ، پاپا ، علی‌خواجه ، سیف‌المصر ، پری ذات ، حیدارجان ، بلبل عراق ، خنکاسپژوی ، الچی‌سپژوی ، بابا زیتون ، شیخ ، عالم‌آرا ، احمدبك ، عثمان‌پاشا، ایوب‌لی‌محمد، صولاف‌زاده ، احمد چلبی ، ابراهیم‌آغا ، مسکلون ، دروش‌محمد ، جاموس ، علی خواجه ، مصطفی ، شاه‌قولی ، قرعه فرخ ، آغارضا ، شکوفه‌زار . . . که درفهرست دیده میشود .
نمونه‌ای از عنوانها که پس‌از آنها نشانه‌های ابجدی وعددی است : درمقام

عراق ضرب فتح شریف، وزن کبیر سرخانه، ملازمه ، خانگانی ، زیل ، خانهٔ ثالث؛
ضرب فتح مضفروزن کبیر سرخانه ، خانهٔثالث ؛ کوچك‌ثقیل پاپا وزن‌کبیرسرخانه،
ملازمه، خانهٔ ثانی؛ خانهٔ ثالث، دورکبیر تصنیف شریف وزن‌کبیر سرخانه، ملازمه،
خانهٔ ثانی ، خانهٔ ثالث .

اصل نسخه به‌گواهی تاریخ پایان رسالهٔ موسیقی‌نو نویس آغاز آن بایستی
پیش‌از ۲۰ شعبان ۱۲۲۵ بلکه درسدهٔ یازدهم نوشته شده باشد .

* به‌خط نستعلیق ترکی‌آراسته و زرین، ربعی ، جلد تیماج مشکی ضربی
مقوائی . این نسخه اکنون درکتابخانهٔ ملی‌است وفیلمی ازآن بشمارهٔ
۳۸۰۸ درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران هست .

اصل دفترمانندی بوده‌که آهنگها را با رمزهای‌آنها درآن می‌نوشته‌اند
وگویا میخواسته‌اند کامل‌تر سازند این‌بود که سفیدیها درآن برجای
مانده وبه‌دست یك شیعی رسیده وخواسته است آنها را پر کند این‌است
که مطالبی به‌خط دیگر نستعلیق ریز راسته وچلیپا ، درآن آمداست
از اخبار شیعی و حکایتها و شعر فارسی از ظهیر فاریابی تا ابن‌حسام
وجز اینها درمتن وهامش وکتاب بااینها ویران شده است ای‌کاش‌که
بهمان حال نخستین می‌ماند . نمونه‌ای ازآنچه برنسخه افزوده‌اند :

۱ ــ رساله‌ای درموسیقی

آغاز : بدان ایدك فی‌الدارین که هیچ علمی به خورده‌بینی علم موسیقی
نمی‌رسد چنانکه حضرت امیرالمؤمنین سیرجمیع علوم کرد چون به‌علم موسیقی رسید
فرمود که این علم بسی عجیب است و هرکه این علم را فرا گیرد پسندیده است .
پوشیده نماندکه از خواص این علم هزارویك سازونوا است :

فصل دربیان دوازده مقام که از چه چیز برداشته‌اند . . .

فصل درآداب وقانون این علم .

فصل در ملائکه که هرآهنگی می‌خوانند .

انجام : بزرگ وکوچك بکارآید .

در سه صفحهٔ متن درآغاز نسخه به‌نستعلیق **سیداحمد مازندرانی نهمیری**
در ۲۰ شعبان ۱۲۲۵ .

۲ ــ اختیارات (۲ص)

سپس اصل کتاب است . در آخر نسخه فهرستی است !ز مطالب موسیقی
اصل‌کتاب در ۸ص با اشاره بشمارهٔ صفحات از ۱ تا ۳۲۳ .
باز در ۸ص آخر پراکنده‌ها است به‌خط تازه‌تر .

۷ ــ رسالهٔ موسیقی ، یك‌فصل دارد :

درآن از **شمس‌الدین محمدبن حسین** و **ابواسحق موصلی** و **ابونصر فارابی** یاد شده وآمده :

« این‌کمینه درمیان دایره شش‌آوازه ساخته و آوازها هریك به دومقام علم افراخت » .

آغاز : بسمله . مخفی نماندکه آنچه فقیر تتبع نموده‌است علم موسیقی از حضرت ادریس علیه‌السلام به‌ظهور آمده گویند درحالت خروج روحانی از صدای دور فلك فراگرفته .

انجام : اگر طالب علم خواهد بداند والله اعلم بالصواب .

*** سپهسالار ۲۹۱۳/۱٦ (٥ : ٦۸۷) (ص۳۸٥ ــ ۳٥۹) .**

۸ ــ رساله درموسیقی

باب دربیان دوازده مقام .

فصل دربیان اصول‌کبیر .

فصل دربیان چهار شد .

باب دوم دربیان شد سیوم .

باب دربیان شد چهارم .

فصل در بیان دوازده مقام .

فصل‌که صاحب سازونوا اند که از جهت هرطایفه چه مقام باید پرداخت .

آغاز : بسمله . بدان ای فرزند ایدك‌الله تعالی که هیچ علمی به‌خوردبینی به‌علم موسیقی نمیرسد چنانکه حضرت امیر(ع) سیر هرعلمی‌کرد وچون به‌موسیقی رسیده فرموده که عجیب وغریب مینماید .

انجام وپنجگاه بکارآید . این مختصریست دربیان علم موسیقی امید که طالبان بهره‌مندگردند .

* ملك ٤۰۷٦/۳٦ گ ۲۹۰ پ ــ ۲۹۲ پ میان ۱۰٤۹ و ۱۰٥۸ .

۹ ــ رسالهٔ موسیقی

دارای این فصلها :

۱ ــ شش‌آوازه به‌نثر .

۲ ــ شش‌آوازه به‌نظم .

۳ ــ دربیان اصول این علم که مشتمل بر ۱۷ عدد آمده‌است .
٤ ــ دربیان نظم اصول که بیست‌وسه قرار داده‌اند .
٥ ــ دربیان آنکه هریك از مقامات به‌کدام از بروج دوازده‌گانه تعلق دارند .

آغاز : بدانکه جمیع اشیاء به آهنگ ونغمه مشغولند که اگر یك آهنگ ایشان بی‌اصول بوده باشد ملال در ذات بهم میرسد .

انجام : و آخرشب عشیران و ماهور وبزرگ وکوچك بکارآید والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

* سپهسالار ش ۲۹۱۳/۱۸ ص۳۶۳ ــ ۳۶۵ (٥ : ٦۸۷ فهرست) .

۱۰ ــ تعلیم‌النغمات وبیان‌الدرج والشعب والمقامات

درآن آمده است :

هرنغمه‌که روح از نفس می‌شنود   این کوس بدین‌خواب‌گران کی‌شنود

درهفت فصل :

۱ ــ دربیان سطور .
۲ ــ دربیان پرده‌های مقامات (اول راست ومعرفت‌آن) .
۳ ــ دربیان پرده‌های شعب (اول مبرقع چراکه او شعبۀاول راست است) .
٤ ــ دربیان پرده‌های آوازها وتفسیرکردن آن .
٥ ــ در ربط دادن .
٦ ــ دربیان آوازها که هریکی از میان دومقام چگونه نمایند .
۷ ــ در بیان هفده بحر اصول وتقطیع آن .

آغاز : سپاس بی‌قیاس صانعی را .

* وین ش ۱۹۱۹ (فهرست فلوگل ۲ : ٥۹۳) .

۱۱ ــ رسالۀ موسیقی

در ۱۲باب با اسامی مقامات دوازده‌گانه در سه‌بند به‌نظم فارسی که آقای محیط طباطبائی از روی نسخۀ نوشتۀ فتح‌الله خواری در ۱۰۷٥ درمجلۀ موسیقی (س۳ ش۱۰و۱۱ ص۱۲ ــ ۲۱ تاریخ ۱۳۲۰) چاپ‌کرده است .

فهرست با بهای آن :

۱ ــ دربیان آنکه بیست‌وچهار شعبه را چگونه پیدا کرده‌اند .
۲ ــ دربیان شش‌آوازه .

۳ — دربیان آنکه بیست‌وچهار شعبه از دوازده مقام چون گرفته‌اند .
٤ — دربیان آنکه شش‌آوازه را چون از دوازده مقام گرفته‌اند .
٥ — دربیان آنکه اصول چون پیدا کرده‌اند .
٦ — دربیان اصول مختلف .
۷ — دربیان آنکه شش بحر دیگررا چون زیاده کرده‌اند .
دراینجا از **خواجه‌صفی‌الدین عبدالمؤمن** و **استاد روح‌پرور** و **مولاحسن عودی** و اصول ثقیل وخفیف وچهارضرب ووسط و زرافشان و رمل یاد شده‌است .
۸ — دربیان زیاده کردن پنج بحر دگر ، دراینجا از **خواجه‌کمال‌الدین عبدالقادر** وپنج بحر او : «ضرب‌الفتح، دورشاهی، شاه‌نامه، دائرهٔ قمریه، خواجك مأتین، واز دور روان، دورچنبر، ترکی ، اصل ترکی ، فرع ، فاختهٔ ضرب یادشده و مؤلف خود را پیرو کلیات **خواجه‌کمال‌الدین عبدالقادر** میداند . باز از **مولانا حسین واعظ** یاد میکند که باو سخن گفته است و از کلیات اختراعی خود نام می‌برد .
۹ — دربیان اصولهای مختلف .
۱۰ — دربیان رنگهای مختلف .
۱۱ — دربیان آنکه هرآهنگی که خواننده درکدام مقامها سیر کنند .
آغاز : درباب ۱ افتاده : و دوازده بخش شد و از هربخش آوازی برآمد . . . . وترتیب دوازده مقام آنچنانست که گذشت اما بعضی گفته‌اند که عشاق مقدم است باین دلیل :

عشاق مرا قد حسینی است چو راست — در پردهٔ بوسلی رهاوی و نواست
چون گشت بزرگ در صفاهان و عراق — زنگوله حجازوکوچك اندر برما است

. . . . این شش بحر دیگر شد که مجموع دوازده باشد . باب نهم .
انجام : دیگر دربن‌عمل سخن بسیار است اما به‌سخن همین اختصار کردیم والله اعلم بالصواب . اسامی مقامات دوازده گانه (شش‌بیت) :

درپرتگاه عشاق ای‌مطرب خوش‌الحان — بنما نوا خدا را از بهر بی‌نوایان

هم درمقامات است (شش‌بیت) :

تو ای مطرب آهنگ شهناز کردی — در عیش بر روی ما باز کردی

هم درمقامات است (بیست‌ودو بیت) :

مقام اندر عدد هشت آمدو چار — دو شعبه هر مقامی راست ناچار
حسینی کز مقامات است برتر — دوگاه آمد قرینش با محیر
. . . .
عراق کوچك است آن اصل کز وی — بسوی مای من آرد خرد پی

بزرگست در رهاوی اصل شهناز   شده با خامشی من بعد دمساز

۱۲ ـ رساله درموسیقی

در پانزده فصل و یك خاتمه و پرده‌ها در آن به‌ترتیب اقلیمها بخش شده است .

۱ ــ درتقسیم دستانها وتعریف ابعاد .

۲ ــ درمعرفت مبادی موسیقی .

۳ ــ دربیان پرده‌ها .

٤ ــ درآوازها که آن‌را شعبه خوانند .

٥ ــ درآنچه پرده‌ها را به‌بروج نسبت کرده‌اند .

٦ ــ درمنسوبات پرده‌ها با کواکب سبعه .

۷ ــ در استخراج پرده‌ها .

۸ ــ درمعرفت ایقاع اصول .

۹ ــ درآنکه پیش هرشخصی چه ضرب باید .

۱۰ ــ درآنکه پرده‌ها را زیادکنی و نرم‌گیری چه سود .

۱۱ ــ درمعرفت سازها .

۱۲ ــ درنواختن پرده‌ها .

۱۳ ــ درآنکه نزد هرقوم‌کدام پرده مناسب باشد .

١٤ ــ درنسبت پرده‌ها با فصول اربعه .

۱٥ ــ درنسبت پرده‌ها با اقالیم سبعه .

خاتمه درتأثیر نغمات .

آغاز : بسمله . سبب تألیف این کتاب آن‌بودکه جماعتی ازاصحاب فقیررا التماس کردند تا درعلم موسیقی رساله‌ای تألیف نموده شود بنابرملتمس ایشان این رساله را تألیف نمودیم امیدکه به‌نظر ایشان مقبول گردد و این مبنی است برپانزده فصل وخاتمه .

انجام : بیتی گویندکه نفوس را حزن بخشد وآنچه مناسب پرده فرح‌باشد شعری گویند که مناسب آن باشد و آنچه مناسب پردهٔ حزن باشد شعری گویند که مناسب آن باشد و به‌خلاف یکدیگر گویند .

سپهسالار ۲۹۱۱/۲۸ (٥ : ٦۸۷) ، (۱۰٤ ــ ۱۰٦ نوشتهٔ در اجمیر در ۱۰۹۳) .

* مجلس ش ٥۱۸۰/٥ (۱٥ : ۳٤٤) .

۱۳ ـ رساله درعلم موسیقی ، به‌نثر فارسی :

باب دوم دربیان دانستن بیست‌وچهار شعبه .
باب سوم دربیان شش‌آواز .
باب چهارم دربیان هفده بحر از قول **خواجه عبدالقادر مراغه‌ای .**
باب پنجم درنسبت دوازده مقام .
باب ششم هرمقام را ازکدام حیوان برداشته‌اند .
باب پانزدهم درآداب سازنده و اهل این‌فن وحسن سلوك وی .
آغاز افتاده : حجاز وبوسليك و رهاوی .
که دارم یاد از تقریر راوی
انجام : سم طوسی ، کنگره ، سازهای ناقص‌اند .
* ملك ۴۷۱۹/۴۴ مورخ ۱۲۳۰ گ ۱۶٤ ـ ۱۷٦ .

۱٤ ـ رسالهٔ موسیقی

در شانزده فصل :
۱ ـ در تعریف علم موسیقی .
۲ ـ درقانون پرده‌ها .
۳ ـ دروضع شعبه‌ها و اسامی‌آن .
٤ ـ درمناسبت بروج دوازده‌گانه .
۵ ـ در نسبت‌گوشه وپرده‌ها .
٦ ـ درمزاج پرده‌ها .
۷ ـ در استخراج پرده‌ها در ۱٤باب .
۸ ـ درمعرفت سازها .
۹ ـ دراینکه سه‌پرده را چه‌وقت باید خواند .
۱۰ ـ باید زننده وکوبنده عطارصفت باشد .
۱۱ ـ درشرایط زننده .

آغاز : حمد وسپاس بی‌قیاس خدای را عزوجل که بنی‌آدم را به‌قدرت کیاست آن داد که استخراج پرده‌های مختلف . . . . اما بعد چون بعضی از عزیزان طالب علم موسیقی بودند و ازین ضعیف در هروفت و در هرایام سؤال می‌فرمودند . . ازین فقیر التماس نمودند که دراین باب رساله‌ای بنویس .
انجام : زرافشان صغیر ، فاختهٔ‌کبیر ، ضرب‌القدیم (تم‌الرسالة) .
* ملك ۳۳۲٦/٤ گ ۱۱۳ د ـ ۱۱٦ ر مورخ ۱۳۲۸ .

۱۵ ـ رسالهٔ موسیقی

درشانزده فصل که فصل هفتم آن درچهارده باب است .

آغاز : این مختصری است درعلم موسیقی از جهت ملتمس بعضی عزیـز شانزده فصل ترکیب کرده شد تا مرطالبان این‌صنعت را حظی وافر باشد .

. . . فصل اول درشرح موسیقی . . . فصل دوم قانون پرده‌ها وشعبه‌ها .

. . . فصل سوم نوروز ومبرقع وشهناز . . . فصل پانزدهم پردهٔ راست .

. . . فصل شانزدهم اوقات زنندگی وخوانندگی .

انجام : ضرب‌القدیم فرع . والله اعلم بالصواب .

* **ملك ۸۹۳/۱ نستعلیق سدهٔ ۱۱ .**

۱۶ ـ رسالهٔ موسیقی

در یك مقدمه وهفده باب یا فصل . در پایان نسخهٔ دانشگاه عمل وقول با آهنگهای بسیاری از موسیقی‌دانهای مشهور آمده‌است .

فهرست بابها وفصلها آنچنانکه در دیباچهٔ نسخهٔ سپهسالار آمده‌است :

۱ ـ در مبادی این علم .
۲ ـ در تقسیم دستانها وتعریف ابعاد .
۳ ـ در بیان پرده‌ها .
٤ ـ در بیان آوازهای ششگانه .
۵ ـ نسبت پرده‌ها به روح .
٦ ـ در منسوبات پرده‌ها به‌کواکب .
۷ ـ در معرفت پرده‌ها .
۸ ـ در معرفت ایقاع اصول .
۹ ـ باید دانستن‌که در پیش هرکسی کدام پرده باید به‌واجب .
۱۰ ـ درآنکه هرپرده را زیادت تیزکنی ونرم بسازی چه حاصل شود .
۱۱ ـ درتعریف سازها .
۱۲ ـ در معرفت نواختن سازها که مناسب وقت باید .
۱۳ ـ درمعرفت آنکه هرقومی را کدام پرده باید به‌واجب .
١٤ ـ دردانستن آنکه درشبانه‌روزی درهروقت کدام پرده باید به‌واجب.
۱۵ ـ نسبت پرده‌ها به‌اقالیم .
۱٦ ـ درمعرفت تأثیر نغمات درطباع .
۱۷ ـ در معرفت سماع وآنچه بدو منسوب باشد .

فهرست مطلبها آنچنانکه درمتن نسخهٔ سپهسالار آمده است :

۱ ــ در مبادی این علم .
۲ ــ درتقسیم دستانها وتعریف ابعاد .
۳ ــ در بیان پرده‌ها .
٤ ــ در بیان آوازهای ششگانه .
٥ ــ درمعرفت آنکه ابریشم چند است .
٦ ــ در دانستن نسبت پرده به روح .
۷ ــ در منسوبات پرده به‌کواکب .
۸ ــ در استخراج پرده‌ها .
۹ ــ شش‌گونه دارالضروب .
۱۰ ــ پیش هرکسی چه ضرب باید زد .
۱۱ ــ درآنکه هرپرده را زیادت تیزکنی و نرم‌سازی چه‌حاصل شود .
۱۲ ــ بدانکه جملهٔ سازها عود است .
۱۳ ــ درمعرفت نواختن پرده‌ها .
١٤ ــ درمعرفت آنکه پیش هرقومی‌کدام پرده باید واجب .
١٥ ــ درآنکه از ایام هفته و هرروزکدام باید نواخت .
١٦ ــ نسبت پرده‌ها به‌اقالیم .
۱۷ ــ درمعرفت سماع درهفت قسم :
۱ ــ تعریف حواس خمسه .
۲ ــ تعریف سماع .
۳ ــ آداب سماع .
٤ ــ احکام وحقیقت سماع .
٥ ــ در وجد ومراتب‌آن .
٦ ــ در رقص .
۷ ــ در حرفه .

فهرست فصل‌ها درنسخهٔ دانشگاه در دیباچه ومتن .
مقدمه درمبادی علم موسیقی :
۱ ــ درتقسیم دستانها وتعریف ابعاد .
۲ ــ دربیان پرده‌ها .
۳ ــ دربیان آوازها .
٤ ــ درآنکه ابریشم چند بانگ است .
٥ ــ در بیان آنکه پرده‌ها با بروج نسبت داده‌اند به قول متقدمان و متأخران معا .

۶ ــ درمنسوبات پرده‌ها با کواکب سبعه .
۷ ــ درمعرفت استخراج پرده‌ها .
۸ ــ در ادوارها .
۹ ــ درآنکه پیش هرشخصی چه ضرب باید زدن .
۱۰ ــ درآنکه هرپرده که زیادت‌کنی ونرم‌کنی چه شود آن پرده .
۱۱ ــ درآنکه مادر جملهٔ سازها چه (ام جملهٔ سازها عود است) .
۱۲ ــ درمعرفت نواختن پرده‌ها که مناسبت وقت باشد .
۱۳ ــ دربیان آنکه درنزد هرقومی کدام پرده مناسب باشد .
۱۴ ــ درشبانه‌روزی از هفته‌ها کدام پرده مناسب است .
۱۵ ــ درنسبت پرده‌ها به‌اقالیم سبعه .
۱۶ ــ درتأثیر نغمات درطبایع .
۱۷ ــ درمعرفت سماع وانچه بدان منسوب باشد .

واین مبنی است برهفت قسم :

۱ ــ درتعریف خواس خمسه .
۲ ــ درتعریف سماع (متسمع ، مسمع ، سامع) .
۳ ــ درآداب سماع (زمان ، مکان ، اخوان) .
۴ ــ دراحکام وحقیقت سماع .
۵ ــ در وجد ووجود ومراتب‌آن .
۶ ــ در رقص که به مذهب امام اعظم مباح است .
۷ ــ درخرقهٔ درویشان واهل دلان .

خاتمه : دراینکه ادریس موسیقی علمی وعملی را آشکارکرد وهمهٔ انبیاء این علم را نیکو دانسته و پیغمبر ما و اکثر اولیاء این علم را درغایت‌کمال دانسته‌اند و دارندگان روحانیت و طبع سلیم آن‌را نیکو میدانند و بیشتر مردم و پادشاهان و دارندگان لطف طبع واستعداد آن می‌پسندند وباید‌که علماء وخطباء وحفاظ آنرا بورزند وبدان بپردازند و به‌فرزندان بیاموزند .

آغاز نسخهٔ سپه‌سالار : بسمله . حمد وثنا و درود وسپاس برخداوندی را که آدمی را از جملهٔ مخلوقات برگزیده . . ونغمات طیبهٔ بلند بلبل‌زبان‌را درمجمع انس درپردهٔ عشاق گویا گردانید . . اما بعد برضمیر انور ارباب دانش مخفی‌نماند که علم موسیقی علمی‌است به‌غایت شریف ودقیق وروحانی و استادان این فن‌کتب مطول تصنیف‌کرده‌اند . اگرچه علم حال به قال درنمی‌آید بهرحال مختصری ازبرای طالبان این فن ترتیب داده شده این‌رساله مبنی برمقدمه وهفده فصل وخاتمه .

آغاز نسخهٔ دانشگاه : حمدوثنا و درود و سپاس بر خداوندی را که خلق

را از عدم به‌وجود آورد . . . بدانکه دربیان کتاب اعلام میرود که علم موسیقی علمی است بی‌نهایت و کیفیتی است به‌طبع و روحانیت تعلق دارد واستادان این فن کتابهای مبسوط درین علم تصنیف کرده‌اند نوشته‌اند اگرچه علم درقلم نمی‌آید اما مختصری مفید درین رساله ذکر میشود . . . مشتمل است برهفده فصل ومقدمه .

انجام نسخهٔسپهسالار: همچنانکه جمع صحابه عمل می‌نمایند معاویه علیه‌اللعنة ساکت شد والحمدلله‌الذی هدانا علی‌سواء الطریق .

انجام نسخهٔدانشگاه: تا اثرها ونتیجه‌هایی مشاهده کند والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب (سنه۱۲۷۳) .

* دانشگاه ۱۹۷٤ مورخ ۱۲۷۳ (۹ : ٦ ــ ٥۷٥) افسوس که در فهرست اشتباهی شد و از س۱۲ ص ٥۷٦ تا س٦ ص٥۷۷ که در دنبال وصف نسخهٔ ش ۱۹۷٦ آمده‌است مربوط به‌شمارهٔ ۱۹۷٤ و دنبال س۹ ص ٥۷٥ باید قرارگیرد وچنین خوانده شود : در سلك عبارت‌کشید . . .

* سپهسالار ۳۹۳۱/۱۰ (٥ : ٦۸۷) .

در نسخهٔ ش ۱۹۷٤ دانشگاه بندیست با عنوانهای «نوبت ، قول ، عمل» با نسبت هریك از اینها بیکی از موسیقی‌دانان ایرانی مانند **خواجه عبدالقادر** و **سلطان‌احمد** و **محمد لالا** و **سیدمحمد** و **استادنور** و **سیدقطب‌الدین** و **استادعلی سه‌تایی** با آوردن شعری به‌عربی و بیشتر به‌فارسی پس از هریك از عنوانها . چنین است :

نوبت مرتب ازآن **خواجه عبدالقادر** در بزرگ ، نوبت **خواجه عبدالقادر** در ترانه ، فرو داشت ، قول دوگاه **سلطان احمد** ، قول راست از **سلطان احمد** ، عمل **خواجه عبدالقادر** در دوگاه ، عمل هم در دوگاه از **خوواجه عبدالقادر** ، عمل دوگاه همو ، عمل **خواجه عبدالقادر** در دوگاه ، عمل **خواجه** در دوگاه حجاز ، بازگشت ، عمل **خواجه عبدالقادر** در عشیران ، عمل **خواجه عبدالقادر** در حسینی، عمل **خواجه** درحسینی ، بازگشت ، عمل **خواجه** درحسینی، بازگشت ، عمل **خواجه** درحسینی ، بازگشت ، عمل **خواجه** درحسینی، عمل **خواجه** دراصفهان ، **از آن محمد لالا** دراصفهان، عمل در دوگاه حجاز از **محمد لالا** ، عمل **خواجه عبدالقادر** در نوا ، عمل **سید محمد** در نوا ، عمل **خواجه** در عراق ، عمل **استاد نورشیخ** درعراق ، عمل **خواجه** درحجاز صور پیش، عمل **خواجه** در زنگله ، عمل **خواجه** در زوالی ، عمل در نوروزخاوا از **سلطان احمد** ، عمل **سید قطب‌الدین** در نوروز خارا ، عمل **خواجه** در نیریز و بازگشت ، عمل **خواجه** در چهارگاه ، عمل درچهارگاه ازآن **استاد علی‌سنایی** ، عمل **خواجه** درمبرقع ، بازگشت ، عمل در مبرقع از **سلطان احمد**، بازگشت، عمل **خواجه** درسه‌گاه، بازگشت (ص ٥ و٦ س)

۱۷ ـ رساله درموسیقی : درمقامها وشعبه‌ها .

آغاز : بدان ای فرزند که هیچ علمی به علم موسیقی نرسد . . . باید دانست که نغمات و مقامات از وحوش وطیور برداشته‌اند . . . راست از فیل ، عشاق از خرگوش ، حسینی از اسب ، عراق از گاو ، بزرگ ازکبك ، کوچك از طفل شیرخواره ، زنگوله از زنگ شتر ، حجاز از خر ، اصفهان ازگوسفند ، رهاوی ازکلاغ ، بوسلیك از نالهٔ شتر ، نوا از بلبل . . . .

در بیان دوازده مقام و بیست‌وچهار شعبه و چهارگوشه که . . . قلمی میشود :

مقام اندر عدد هشت و چهار — دوشعبه هرمقامی‌راست درکار
حسینی‌کز مقامات است بهتر — دو گاه آمد قرینش با محیر
. . . .
بدین ترتیب تا آخر نوشتم — بری بردار ازین‌تخمی‌که‌کشتم

. . . دربیان پست‌وبلندی هرمقام وشعبه .
. . . فصل درکواکب متعلقه به دوازده مقام .
. . . دربیان پیداشدن دوازده مقام .

انجام : و یکی از بلند به‌صورت نظم درآمد والله اعلم بالصواب .

* مجلس ٦٢٦/٥ نزدیك به ٤ ص (۲ : ۳۸۵) .

۱۸ ـ رساله درعلم موسیقی ـ گویا از سدهٔ ۱۱

آغاز : رساله درعلم موسیقی . پوشیده نماند که از خواص علم موسیقی هزارویك لهوولعب وساز ونواست وباقی محض حقیقت وشناخت ذات بی‌همتا است . . . . باید دانست‌که نغمات و مقامات را مجموع از وحوش و طیور برداشته چنانچه هرمقام دوازده‌گانه را دوشعبه و هردو مقام را یك‌آوازه است و هرمقامی را چهارگوشه و سه‌پرده قرار داده‌اندکه مجموع چهل‌وهشت گوشه وسی‌وشش پرده باشد واصول را هفده قرار دادند .

ومحمد غواص بیست‌وچهار اصول قرار داده وشرح کرده‌که هرمقام را ازچه محل واز برای‌که باید خواند وهرنغمه‌ای را ازچه‌چیز برداشته‌اند و به‌کدام برج نسبت دارد ازبروج دوازده‌گانه وحقیقت دوازده مقام‌که هریك را ازچه برداشته‌اند بدین‌موجب : راست از اسرافیل ، عشاق ازخروس، حسینی ازاسب، عراق ازگاو ، بزرگ ازکبك ، کوچك از طفل شیرخواره ، زنگوله از پای شتر و درای زنگ او ، حجاز از الاغ ، اصفهان ازگوسفند ، رهاوی ازکلاغ ، بوسلیك از نالهٔ شیر ، نوا از بلبل . . . .

فصل (۱) در بیان دوازده مقام و بیست‌وچهار شعبه . باید دانست که هرمقامی را دوشعبه وچهارگوشه قرار داده‌اند . . . .
فصل (۲) بدانکه هردومقام را یك آوازه است .
انجام : آخرشب عشیران و ماهور و حصار و بزرگ وکوچك والله اعلم بالصواب الیه المرجع والمآب .
* نسخه : نزدیك بپایان جنگ شمارهٔ ٤۲۸ آقای دکتر اصغر مهدوی که من در نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه (۲ : ۷۱) شناسانده‌ام ، به‌خط نستعلیق ریز در ۲ص درمتن وهامش گویا مورخ ۱۲۵۹ .

۱۹ ــ رسالهٔ موسیقی

آغاز : بدانکه بعضی‌از استادان موسیقی برآنندکه حکیم افلاطون از تمام دوازده بروج فلك بگوش جان دوازده مقام شنید وجمله را ضبط کرد چنانکه مقام راست از برج حمل ومقام اصفهان از برج ثور .
انجام : مقام زنگوله : شعبه چهارگاه ارواح، شعبه غزال از حضیض .
* سپهسالار ۷٤۲۱/۲ (۵ : ٦۸۸ ــ ۲۰ر ــ ۲۱ پ) .

۲۰ ــ رساله درعلم موسیقی

آغاز : رساله درعلم موسیقی. بسمله. اما بعد بباید که مقام چنداست وشعبه چند است واصول چند است بدانکه مقام دوازده است و هرمقامی را دوشعبه ولازم است که بیست‌وچهار باشد .
انجام : زنگوله‌حجازوکوچك‌اند برماست والله‌اعلم‌بالصواب والیه‌المرجع والمآب .
* جنگ سدهٔ ۱۳ ص۸ ــ ۳۳٦ (فهرست فیلمها ص٦٤۹ ش ۲۲۱٤) .

۲۱ ــ رساله درموسیقی

با عنوان «فصل دربیان مقامات وغیره» واز عبارت فارابی درتعریف نغمه دران آمده است .
آغاز : علم موسیقی عبارت است از معرفت احوال .
* بادلیان ش ۲۰۱۸ .

۲۲ ــ دربیان پیداشدن علم موسیقی

آغاز : بدانکه در پیدا شدن علم موسیقی اختلاف .

انجام : راست‌للمفارج .
* ملك ۴۵۸۳/۳ (سدهٔ ۱۳) .

۲۳ ــ رسالهٔ موسیقی

دربارهٔ شش‌دستگاه اصل وشش دستگاه فرع با دو دایره واشعاری دربارهٔ مقامات به مثال .

آغاز : بسمله . قاعده درعلم موسیقار. موسیقار بر وزن بوتیمار سازی‌است از نی‌های بزرگ به‌اندام مثلث سازند .

* ۸ ص در مجموعه‌ای از آنِ آقای محمد مشیری یزدی .

۲۴ ــ رساله درعلم موسیقی

دایرهٔ شش آوازه اصل مقام ، به‌فارسی با شکل .

آغاز : . . . خالق‌بی‌چون‌که هیچ‌علم ازعلوم به‌خورد . . . به‌علم موسیقی نمی‌رود چونکه جناب علی‌بن ابی‌طالب سیر علم کرد .

انجام : این بود چهار دستگاه‌که مذکور شد .

* ملك ۳۵۳۶/۱۲ از سدهٔ ۱۱ .

۲۵ ــ رساله درموسیقی

آغاز : بدانکه علم موسیقی در دوازده پرده است و درهشت باب .

* سنا ۲۸۴/۵ (نشریه ۶ : ۵۱۹) .

۳۶ ــ منظومه درعلم موسیقی

« مقام اندر عدد هشت آمد وچهار   دو شعبه هر مقامی داشت ناچار »

درمجلهٔ موسیقی (س۳ ش ۱۰ و ۱۱ ص۲۱) آمده و درپایان نسیم طرب نیز دیده میشود .

* بادلیان Add 69 (ش ۱۲۴۱) گ ۴۵ پ ص۷۶۶ فهرست .
(فهرست فیلمها ص۵۸۲ ش۱۲۳۶ و ۱۳۳۸) .

۲۷ ــ دربیان علم موسیقی و آداب و کیفیات وخواص آن ، به‌نظم فارسی .

که در پایان نسیم طرب هم آمده است .

آغاز: مقام اندر عدد هشت آمد و چار — دو شعبه هرمقامی راست ناچار
حسینی کز مقامات است برتر — دو گاه آمد قرینش با هیجی
انجام: بدین ترتیب تا آخـر نوشتم — بری بردار از تخمی که کشتم
* ملك ۴۵۸۳/۲ (سدهٔ ۱۳) .

۲۸ ــ دربیان دوازده مقام وبیست‌وچهار شعبه

دروصف مقامها واجزاء آن .
* تاشکند ۹۲۶۴/۱ (۸ : ۲۱۵ ش ۵۷۹۲) به نسخ خوش بخارایی درکاغذ سدهٔ ۱۱ در ۱ ص ، شمارهٔ دوم مجموعه نزهةالقلوب مورخ ۱۰۲۶ است پس این یکی هم باید از سدهٔ ۱۱ باشد .

۲۹ ــ رساله درعلم موسیقی

مشتمل بر دوازده مقام وبیست‌وچهار شعبه وچهل‌وهشت گوشه وشش‌آواز وهفت بحر واصول .
آغاز : بدان ایدك‌الله که این رساله‌ایست درعلم موسیقی مشتمل بردوازده مقام وبیست‌وچهار شعبه وچهل‌وهشت گوشه وشش‌آوازه وهفت بحرواصول .
* مجموعهٔ آقای مولوی درمشهد (نشریه ۵ : ۸۱) .

۳۰ ــ دانستن مقامها درهرردیف

علم موسیقی ار همی دانی — صبح دم بر ره رهاوی ساز
باز بر پردهٔ حسینـی را — کن به وقت طلوع صبح آغاز
چون سر نیزه شد آفتاب بلند — پردهٔ خوب راست را بنواز
به گه چاشت بوسلیك گزین — پس بشادی و لهو سر بفراز
استوا پـردهٔ نهـاوندی — طلب از مطربان خوش آواز
چون بدانی‌که وقت پیشین شد — راه عشاق جوی و محرم راز
وانگه اندر میانهٔ دو نماز — دلکش آید عظیم نوع حجاز
نه بـود لایق نماز دگـر — جز طریق عراق ای طناز
شام را پـردهٔ مخالف خواه — با حریف موافق دم ساز
چون درآید نماز خفتن زود — عزم تأخیر کن به دولت و ناز
نیم شب وقت زیر افگنـدست — باده گیر و در طرب کن باز
گرچه این قول بوعلی‌سینا است — لیك شد نظم بدان ای ناز

در گوشهٔ صفحه پس از عنوان یادشده آمده : منشی شهاب‌الدین منشی تحریراً فی‌سنه ۹۶۲ .

* ص۱ نسخهٔ همایون‌نامهٔ شهاب منشی محمدبن‌جمال‌الاسلام شمارهٔ ۵۷۶۰ دانشگاه که باید درسدهٔ ۱۰ نوشته شده باشد و یا اینکه همین ۹۶۲ تاریخ نوشته شدن آنست .

۳۱ ـ دربیان دوازده مقام ودوازده شعبه به‌نظم در دوازده بیت :

راست[۱] خوان و راست‌رو ای‌مرد راه	هم مرقـع باشد و هم پنجگاه
رو به اصفهان[۲] که یابی ای پسر	تو ز نیریز و نشابورك خبـر
در عراقم[۳] دشمنان منکوب شد	تا مخالف پیش من مغلوب شد
آنکه گوهرهای کوچك[۴] سفته است	شعبه‌اش رکب و بیاتی گفته است
در بزرگ[۵] آخر گل وقتم شکفت	تا شنیدم از همایون و نهفت
حاجیان را گشت آهنگ حجاز[۶]	تا سه‌گاه آمد حصار اهل ساز
بوسلیك[۷] آهنگ ساز ای نیك نام	از عشیران تا سه‌گاه آرد پیام
نالـهٔ عشاق[۸] تـا دریافتـه	زابل از اوج محبت یافتـه
از حسینی[۹] تا حدیثی خوانده‌ام	در دوگاه و در محیر مانده‌ام
نغمهٔ[۱۰] زنگوله کاهل حال خواند	چارگاه از بردن غزال خواند
از نوا[۱۱] نوروز خارا دور نیست	گوشه‌ای نیکوتر از ماهور نیست
از رهاوی[۱۲] پیش ارباب نغم	شد دو نوروز این عرب اینك عجم

* نزدیك به‌پایان جنگ شمارهٔ ۴۸۲ آقای دکتر اصغر مهدوی (نشریه ۲ : ۷۱) گویا مورخ ۱۲۵۹ .

۳۲ ـ منظومه‌ای درموسیقی در۱۵ بیت بفارسی .

آغاز : دوعلم موسیقی

عشاق مرا قد حسینی است چو راست
حضیض اوج حضیض اوج حضیض اوج
زابـل عوج دوگاه محیر موقع پنجگاه
در پردهٔ بوسلی رهـاوی و نواست[۱]
حضیض اوج حضیض اوج حضیض اوج

---

۱ - در پایان کرامیه دورهٔ سفره‌چی آمد «درپردهٔ بوسلیك شادی ونواست». (نسخهٔ حقوق)

مقام اندرعدد هشت آمد و چار دو شعبه هرمقامی راست ناچار

انجام: نوا کاندرجهان‌افتاد ازآن شور بود نوروز خارا فرع ماهور

* الهیات ۱ : ۱۵۸ س۱۲٤/٤ ج ۲۲پ ـ ۲۳ر مورخ۱۲ رجب۱۳۱۱ .

۳۳ ـ منظومه در موسیقی

دارای این عنوانها :

۱ ـ دربیان آنکه هرمقامی ازچند نغمه حاصل وبه‌کدام برج منسوب‌است.
۲ ـ دربیان آنکه هرمقامی به‌کدام وقتی از اوقات منسوب است .
۳ ـ دربیان بیست‌وچهار شعبه‌که خواندن هریکی درکدام ساعت مناسب است .

٤ ـ دربیان حرفهای موسیقی .
۵ ـ دربیان سازهای مختلفه .

آغاز : هذا رسالة دربیان علم موسیقی . بسمله .

درشیوهٔ موسیقی سخن بسیار است از جمله وجود هرسخن ادوار است
غافل منشین ز نغمـهٔ داودی کین‌قول یقین ز سالك اطوار است

در بیان آنکه هرمقامی را دوشعبه است و هرشعبه‌ای نغمه‌ای چند است وهرشعبه شعبهٔ کدام است .

مقامی‌را دوشعبه هست پیدا ز پستی و بلندیش هویـدا
ز اول شعبه پستی را بیاری بلندی را ز آخر شعبه آری

انجام : هر نغمه که او نمود از عود بگذشت ز نغمه‌های داود
ای جنگ خطایی‌ثناخوانش بخت‌آمده بر سرود دندانش

(سپس غزلی است) .

باز این بی‌سروسامان سودای کسی دارد
باز این دل هرجایی جای هوسی دارد
از کوی بتان شاهی گم ره برگشتن
کین بادیه همچون تو آوازه بسی دارد

* سپهسالار ش ۱٤۲/۲ در ۱۳ص از برگ ۸۸ و در ۱۲۱ بیت (٤ : ٤۸ و ۵ : ٦۸٦ فهرست) .

۳۴ ـ رساله درموسیقی به‌نظم فارسی دربارهٔ ۱۲مقام و ۲۴شعبه .

با دیباچهٔ نثر.
آغاز : بعد حمد خدا وصلوات بررسول واصحاب او بباید دانست‌که علم موسیقی علمی است .
* بادلیان ۱۸۵۰/۱ .

۳۵ ـ دربیان شعبهای هرمقام

* تاشکند ۷۲۸ (۱ : ۳۱۹) .

۳۶ ـ دایرهٔ مقامات‌که هریك به‌جانوری نسبت داده شده‌است .

* دانشگاه ۸۳۴۸ در یك برگ به نستعلیق سدهٔ ۱۴ .

۳۷ ـ رساله درموسیقی

* موزهٔ بریتانیا Or 6270 (فهرست اونس ۹۱ نشریهٔ ٤ : ٦٥٩) .

۳۸ ـ درجنگ ش ۲۱۲۵/۳ ملك نوشتهٔ محمدحسین قاینی در ۱۰۹٦ با تاریخهای ۱۱٤۷ و ۱۱۱۸ دیباچه‌ایست بررسالهٔ موسیقی محمد قاسم‌بن عبدالقادر تونی

۳۹ ـ رساله درمصطلحات موسیقی

آغاز : حمدله . صلاه . . . . اما بعد بدانکه موسیقی لفظ سریانی است .
* قاهره ۲۸ مجامع فارسی‌طلعت گ ۲۸ ـ ۳٤ پ در ۱۲ س ۱۷×۱۲ نستعلیق حسین‌رضابن عصمت‌پاشای وزیر در۱۳۱۸ (طرازی ش۹۳۰) .

٤۰ ـ ساز قطعات چینی (دانشمندان آذربایجان ص۲٦۰) .

در پایان آن جدولی است .
آغاز : بیان قطعات چینی به‌ترتیب اصل وفرع مشتمل برمجموع نغمات مع‌الحواد(؟) بدو مضراب باید قرع کردن آن مضراب ازهرجسمی‌که ارادت ضارب که مباشر آنست .
انجام : در وتروکاسها نیز همچنان نغمات از وتروکاسه حاصل می‌شود .

* ملك ۸۳۲/۲ برگ ۸۸پ ـ ۸۹ر به‌خط ۸۳۷ .

۴۱ ــ ساز الواح فولاد ، باچند لوح .

آغاز : ساز الواح را از فولاد سازند وچون دراز باشد وعریض ثقیل‌اعنی بم باشد واینها سبب نرمی آن باشد .

انجام : اما چون چشمم روشنی نمی‌دهد بدین‌مقدار اکتفاء نمودیم .

* ملك ۸۳۲/۳ برگ ۸۹پ ــ ۹۰ر به‌خط ۸۳۷ .

۴۲ ــ سازغابی ، با شکل این‌ساز .

آغاز : این سازغابی چنانست‌که آن‌را از دور وضع‌کرده باشند چنانکه در زیرزمین ریسمان را کشیم اوتار آن در ادوار می‌آیند ونغمات جلیه از آن مسموع گردد .

انجام : که مضراب را درحرکت می‌آورد وبر اوتار می‌رساند .

* ملك ۸۳۲/٤ برگ ۹۰پ به‌خط ۸۳۷ .

۴۳ ــ آداب آوازها وذکرهایکه درمنابر وجزآن خوانده میشود

بفارسی در ده باب :

١ ــ آداب مقامات ورنگ وگوشه وشعبه وآوازهای مختلفه .
٢ ــ آداب آوازی‌که در چه‌وقت باید خوانده شود .
٣ ــ آداب آوازهایی‌که پیغمبران میخواندند .
٤ ــ آداب علاج امراض .
٥ ــ آداب وحش وطیر که چه‌آوازه میخوانند .
٦ ــ آداب مرثیهٔ محتشم درمنبرها خوانند .
٧ ــ آداب ذکرهای‌که درپای منبرها خوانده میشود .
٨ ــ آداب ذکرهایی‌که درگلدسته خوانده میشود .
٩ ــ آداب ذکرهایی‌که درویشان وصوفیان خوانند .
١٠ ــ آداب تصنیفات‌که درمجلس اهل طرب خوانده میشود .

آغاز : پس‌از فهرست یاد شده : واز جمله ده‌باب است : باب اول درآداب مقامات وگوشه‌ها وشعبه‌ها وآوازهایی‌که هریك اسمی دارد واین است :

راست گویـان حجازی به نوا میگویند
که چنین گشته شد از بهر مخالف به‌عراق

انجام : ذکر عشیران

کو شهیدم کو شهیدم کو شهیدم

کو حسینم کو حسینم کو حسینم

* ملك ۲/۲۸۳۰ گ۳۰ پ ـ ۵۳ ر شکسته نستعلیق علی‌رضا بن حسین بن اسماعیل قاینی بیرجندی که الادوار ارموی را در ۱۲۷۵ درهمین مجموعه (ش۱) نوشته است .

نتیجـه

چون بیشتر موسیقی‌دانها و خنیاگرانی که از آنها یاد کرده‌ایم یا نژاد ایرانی دارند و یا درسرزمین ایران‌شهر وقلمرو زبان‌فارسی پرورده شده‌اند واندیشهٔ ایرانی در سرآنها بوده است وچون بیشتر اطلاعات عملی و علمی موسیقی درآثار عربی وفارسی از دوران جاهلیت تاکنون فارسی است و نام افزارها هم بسیاری به‌فارسی‌است وباساخت فارسی این‌الفاظ درکتب عربی دیده میشود ؛ پس درموسیقی اسلامی از آغاز تاکنون عنصر موسیقی ایرانی بوده و این رشته هیچگاه گسسته نشده است .

اگر ما بخواهیم تاریخ این هنر را درایران وقلمرو اسلامی وسرزمینهای فارسی‌زبان وآنجاها که ازاین موسیقی متأثرشده است بنویسیم بایستی :

۱ ـ آثار یونانی ترجمه شدهٔ به‌زبان عربی را درموسیقی گرد بیاوریم .

۲ ـ آثار عربی وفارسی وترکی و اردو درموسیقی وغناء از چاپی وخطی را فراهم سازیم و به‌دقت بدانها بنگریم .

۳ ـ اصطلاحات عربی وفارسی وترکی موسیقی‌را به‌ترتیبی‌علمی برشمریم و با ریشه‌های پهلوی ومعادلهای یونانی وهندی‌آن بسنجیم .

٤ ـ چنین کاری را هم دربارهٔ نام افزارهای موسیقی بکنیم .

٥ ـ سرگذشت‌موسیقی‌شناسان ومغنیان وخنیاگران ومصنفان‌را ازکتابهای موسیقی و تواریخ و تذکره‌ها و مقالات و گفتارها و رسالات دانشمندان ایرانی و اروپایی در زبانهای گوناگون بیرون بیاوریم .

٦ ـ نام آوازها و آهنگها را در لهجه‌ها پیداکنیم و ریشهٔ پهلوی آنها را بیابیـم .

۷ ــ سرودها وتصنیفهارا ازکتابهایی مانند جامع‌الالحان ورسالهٔ موسیقی امیرخان‌کوکبی‌گرجی وبحورالالحان شیرازی وجاهای دیگر وازربان تودهٔ مردم گرد بیاوریم .

۸ ــ ریشهٔ یونانی واسرائیلی وایرانی افسانه‌هایی‌که درکتابها دربارهٔ پیدایش موسیقی گفته‌اند بیابیم .

۹ ــ در روش نوشتن آهنگها و نغمات نزد پیشینیان بیندیشیم وکلیدی برای نشان دادن آهنگهای گذشتگان بیابیم .

۱۰ ــ آنچه‌که درکتابهای موسیقی آمده‌است با یکدیگر بسنجیم وببینیم که متأخران از پیشینیان چه‌اندازه برداشته‌اند و ارزش‌کار آنها چیست .

۱۱ ــ با جدا ساختن دو روش ریاضی وتجربی درموسیقی دریابیم‌که موسیقی‌دانهای ایرانی واسلامی ازکدام روش پیروی‌کرده‌اند .

۱۲ ــ دراین نکته بیندیشیم که چرا درآثار مؤلفان اخیر رساله‌های عربی وفارسی در موسیقی‌آن نظم علمی آثارکندی و فارابی و ابن‌سینا و ابن‌زیله وقطب شیرازی وآملی وارموی ومراغی‌نیست وچرا دراین‌علم‌وهنر به‌انحطاط‌گراییده‌اند.

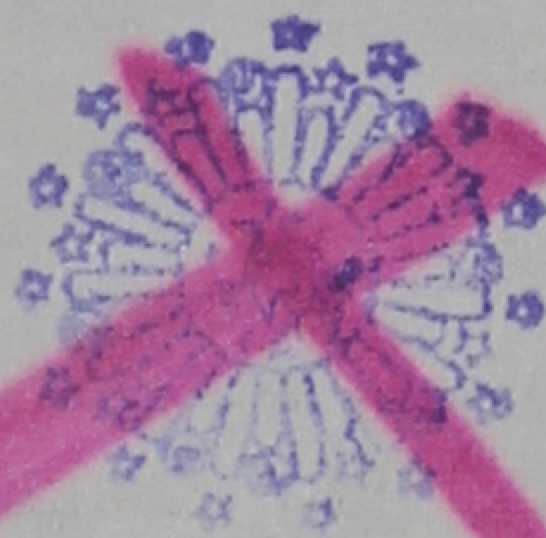
تصحیحات

صفحه	سطر	صحیح
۹	۹	عازف
۱۱	۲۵	اعشی
۱۹	۲۳	جمیله
۳۴	۱۴ و ۱۵	«عنصرالموسیقی وما افترقت . . . . ومائیته»
۳۹	۱۸	الایقاع
٤٤	۱۰	الشعریة
٤۵	۹	زهـها
۵۰	۱۰	۳۹۰ – فهرست
۵٤	۲۵	فقرأ
۵۵	۳۱	آستانه ۹۵۳
۵۸	۳۰	زمافنا
٦۲	۲۸	ونسخه‌ای
٦٤	۹	حموی
٦۵	۲٤	الرسائل
۷٤	۲	رقم ۲ درآغاز سطر زائد است
۷٤	۲۲	معتـزلی

صفحه	سطر	صحیح
۷۵	۲۲	دیباچه
۷۶	۷	جنید
۷۶	۲۰	در دوباب
۷۸	۶	عبدالعزیز
۸۰	۱۹	فرغینانی
۸۱	۹	مغنیان
۸۷	۱۵	عبادالله
۸۸	۲۱	احمدالله
۹۰	۲	(ش ۲۵۵ فهرست هینتس ۱ : ۲)
۹۱	۲۵	٥ - شرح‌الادوار
۹۲	۱۵	۸۳۱/۲
۱۰۹	۱۵	الادفوی
۱۱۸	۳۰	۲۲۸
۱۳۱	٥	نسختی
۱۳۱	۱۵	در کتاب خسروشیرین زبان به‌زبان اردو ازاقبال صلاح‌الدین چاپ ۱۳۸۹ لاهور ص۱۸٤ از هنر موسیقی خسرو سخن به‌میان آمده ولی از نسخهٔ رسالهٔ او درآن نشانی ندیده‌ام.
۱۳۱	۲۳	امیر خضرمالی قرمانی نویسندهٔ نسخهٔ پاریس از کنزالتحف است نه مؤلف آن چنانکه در مجلهٔ هنرومردم تحقیق کرده‌ام.
۱۳۸	۱	Or 271,1 (۳ : ٥ - ۳۰۲)
۱۳۸		پس‌از سطر (۳) افزوده شود : مدراس ٥۲۰ (۱ : ٥۳۲)
۱۳۹	۲۱	* شابرانی شروانی در روز یکشنبه . . . .
۱٤۰	۲٤	این دور را
۱٤۱	۲ و ۳	شمارهٔ ۱۳ است و بر شماره‌های بعدی باید یکی افزوده شود.
۱٤۱	۱٥	سدهٔ نهم
۱٥٥		میان‌سطر۱۲و۱۳ افزوده شود : این رساله از روی جُنگ علی‌نقی خان خاتون‌آبادی نسخهٔ کتابخانهٔ ملی (گ ۱٥٦ر -

صفحه	سطر	صحیح
		۱۶۰ر) فیلم ۳۸۴۹ دانشگاه به کوشش آقای یحیی ذکاء در نامه مینوی (ص۱۸۹ – ۱۹۸) چاپ شده است.
۱۶۳	۲۴	انگیز
۱۶۴	۱۱	۳۶ پ (با چیزهای دیگر)
۱۶۴	۱۲	مجلس۲۳۲۷ نوشتهٔ محمدرضا در ۱۰۷۲ ص۶۹۹ (۸ : ۱۸) (منزوی ۳۸۸۷).
۱۶۵	۷	کلان
۱۶۶	۱۷	آغاز نسخه دانشگاه :
۱۶۸	۷	فرح‌السالکین
۱۶۸	سطر آخر	در چهار باب :
۱۷۴	۱۴	منثور
۱۸۰	۱۹	جمادی‌الاولی (مجلس)
۱۸۰	میان سطر ۲۰ و۲۱ :	* مفتاح ۱۱۸۱/۱ نوشتهٔ علی‌غریب درشب دوشنبهٔ ۲۶ ع۲ /۱۳۱۱ (نشریه ۷ : ۲۶۹).
۱۸۴	۵	نوازنده‌ها
۱۸۸	۲۶	اشارهٔ عالیهٔ
۱۹۱	در پایان سطر ۳ افزوده شود :	(نیز بنگرید به هنرومردم ۱۱۰ : ۵۰).
۱۹۱	۱۴	(رسالة جمع الاقوال فی‌قول القوال).
۱۹۱	۱۶	(۲ پ) (انوار ۳ : ۳۴۴ ـ منزوی ۳۸۹۲).
۱۹۲	۷	(دانشگاه) نسخهٔ آستان قدس (۸ : ۴۸۲ و۴۸۴ هم باید همین باشد).
۱۹۲	۱۲	رسانده است
۲۰۳	۴	الاثیم
۲۰۸	۳	راکهای هندی درفهرست مخطوطات شفیع (ص ۳۳۵) «راك مالا» خوانده است (نیز منزوی ۳۸۹۶).
۲۰۸	۹	(۱۰۳۷ ـ ۱۰۶۸)

صفحه	سطر	صحیح
۲۱۰	۷	اصول‌النغمات الاصفی از غلام‌رضا فرزند محمد پناه است (منزوی ۳۸۸۶).
۲۱۵	۲۸	دراین نسخه باب یکم نیست و از باب دوم آغاز می‌شود پس باب یکم دراین کتاب باب دوم نسخه است و باب یازدهم باید دوازدهم به‌شمار بیاید.
۲۳۳	٤	بیشتر اصطلاحات عملی وعلمی.



چاپخانهٔ وزارت فرهنگ و هنر